

مؤتمر تكريم

العلامة السيد مرتضى العسكري (دام ظله)



مؤتمر تكريم العلامة السيد مرتضى العسكري



مكتبة المجتمع العالمي لأهل البيت (عليه السلام)
 تهران - دفتر: ۸۷۷ - ۲۷۱۸۸
www.ahl-ul-bayt.org
 Email: info@ahl-ul-bayt.org



مؤتمر تكريم

العلامة السيد مرتضى العسكري



الكتاب: مؤتمر تكريم العلامة السيد مرتضى العسكري

تأليف: مجموعة من الباحثين

الناشر: مركز الطباعة و النشر للمجمع العالمي لأهل البيت (عليه السلام)

الطبعة: الاولى

المطبعة: ليلى

الكمية: ٢٠٠٠

سنة الطبع: ١٤٢٤ هـ. ق ٢٠٠٣ م

شابك: ٩-٢٢-٧٧٥٦-٩٦٤ ISBN: 964-7756-42-9

«حقوق الطبع محفوظة»

بسم الله

«من وقرّ عالماً فقد وقرّ ربّه»

الإمام علي عليه السلام «غرر الحكم»

كان العلماء الرساليون ورثة حقيقيين للأنبياء والمعصومين عليهم السلام ، في حفظ المعانيم الرسالية للإسلام العظيم، وحصوناً منيعة أمام طغيان الطواغيت واستكبار المستكبرين من أن يسلبوا الأمة هويتها الإسلامية وانتماؤها لله سبحانه.

ومن هذا المنطلق انبرى المجمع العالمي لأهل البيت عليهم السلام لأداء مسؤوليته الرسالية في تعريف وتجليل علم بارز من هؤلاء الأعلام من خلال مؤتمر يُسلط الضوء على دوره الرسالي، هو المفكر الإسلامي المحقق المجدد العلامة السيد مرتضى العسكري (دام ظله)، وذلك تعميقاً لدوره الرائد في الأمة وتعميماً لعطائه الثمر، وهي تبحث عن الحق لتستهدي به، وعن العدل لتستظل في رحابه. وتنفيذاً لما استهدفه قائد الأمة الإسلامية سماحة آية الله العظمى السيد علي الخامنئي (دام ظله) من احياء الفكر الإسلامي الأصيل المتمثل في كتاب الله المنزل وخط الرسول وأهل بيته الطاهرين والدفاع عن كتاب الله وسنة نبيه وحقوق أهل البيت عليهم السلام واتباعهم.

وقد تزامن هذا التكريم مع المؤتمر الثالث الذي يعقده المجمع العالمي كل أربع سنوات لأعضاء الجمعية العامة للمجمع حيث يجتمعون في ذكرى ميلاد الإمام الثاني عشر المهدي المنتظر (عج) وذلك في النصف من شعبان ١٤٢٤ هـ في طهران وفي الثامن عشر منه في مدينة ساوة، البلدة التي ينتسب لها سماحة العلامة العسكري (دام ظله). وقد تكونت اللجنة العليا لمؤتمر التكريم من أصحاب الفضيلة: السيد منذر الحكيم وكنة الشيخ وحيد الأحمدى والشيخ حافظ النجفي والسيد محسن الموسوي واندكتور السيد كاظم العسكري وكاتب هذه السطور (المعاون الثقافي للمجمع العالمي

لأهل البيت (عليه السلام) تحت رعاية الأمين العام للمجمع سماحة آية الله الشيخ محمد مهدي الآصفى.

وقد قدمت اللجنة العلمية لمؤتمر التكريم هذا ما يلي:

١- كتاب عن حياة العلامة العسكري باللغة العربية تحت عنوان «العلامة العسكري بين الأصالة والتجديد» بقلم كامل خلف الكتاني.

٢- كتاب عن حياته باللغة الفارسية تحت عنوان «مصلح بيدار».

٣- تلخيص كتاب دور الأئمة في إحياء الدين باللغة الفارسية تحت عنوان «نگاهی به نقش ائمه در احیاء دین».

٤- حوارات و مقالات تخصّ المؤتمر.

٥- اقتراح طباعة كتاب «الأسطورة السبائية» للعلامة العسكري.

٦- اقتراح طباعة كتاب «افتراءات وأكاذيب عثمان الخميس» للعلامة العسكري.

٧- اقتراح طباعة كتاب «معالم المدرستين» وترجمته باللغة الفارسية.

٨ و ٩- واقتراح طباعة كتاب «ولاية الإمام علي (عليه السلام) في الكتاب والسنة» باللغتين العربية والفارسية.

١٠- اقتراح اعداد عدة أقراص تحتوي على محاضرات السيد العسكري ومجموعة

كتبه وكل ما أعدّه مؤتمر التكريم من مقالات ونقائات.

من هنا أقدم بالشكر الجزيل لأعضاء اللجنة العليا لمؤتمر التكريم ولا سيما الأمين العام للمؤتمر سماحة السيد منذر الحكيم وإمام جمعة ساوة حجة الإسلام والمسلمين الشيخ حافظ النجفي وسكرتارية المؤتمر الأستاذ صادق جعفر الزوازي وسائر العاملين في مؤتمر التكريم هذا سائلاً لهم من الله كمال التوفيق وطول العمر ودوام الصحة والتأييد للسير على خطى أهل البيت الطاهرين ولا سيما المهدي المنتظر الذي وعد الله به الأمم أن يجمع به الكلم إنه وني التوفيق.

محمد حسن تشيع

المعاون الثقافي للمجمع العالمي لأهل البيت (عليه السلام)

حوارات حول العلامة العسكري

الشيخ وحيد الأحمد	السيد فخر الدين الموسوي
الشيخ جعفر السبحاني	الشيخ مهدي العطار
الشيخ محمد علي التسخيري	السيد عبدالرسول العبائي
الشيخ محمد علي جاودان	السيد محمود الميالي

المحرر حاورهم: صادق جعفر الزوازي

تقرير عن اللقاء بسماحة الشيخ وحيد الأحمدى دام عزه

في الفترة المميّزة التي تصدّى فيها سماحة حجة الإسلام والمسلمين الأستاذ الشيخ وحيد الأحمدى للمعاونية الثقافية في المجمع العالمي لأهل البيت عليه السلام حيث كان الأمين العام للمجمع فضيلة الدكتور علي أكبر ولايتي تقرّر تنويع أعمال المجمع العالمي لأهل البيت عليه السلام بإقامة مؤتمر تكريمي لشخصية مرموقة خدمت المذهب الحق والإسلام الأصيل بجهودها العلمية والفكرية وجهادها المتواصل في الساحة الإسلامية بعد الغزو الثقافي للعالم الإسلامي .

من هنا التقينا بسماحته ليوضح لنا خلفيات هذا المؤتمر وأهدافه، وإليك خلاصته:

إنّ الأهداف الأساسية التي تأسس المجمع العالمي لأهل البيت عليه السلام من أجل تحقيقها هي التي دعت الى اقامة هذا المؤتمر التكريمي لشخصية وظّفت طاقاتها خلال سبعة عقود على الأقل من أجل الدفاع عن الرسالة الإسلامية وكشّفت جهودها العلمية لملئ الفراغ الذي سبّب تخلّلاً في الوضع الثقافي والاجتماعي والسياسي عقيب عصر السيطرة الشاملة للاستعمار الاوربي على بلاد المسلمين..

إن اخلاص العلامة السيد مرتضى العسكري وبعده عن التظاهر والتفاخر - وهو

الخليق بأن تفتخر به الأمة الإسلامية - كان يحول بيننا وبين استجابته لعقد هذا المؤتمر التكريمي له.

على أن مؤلفات السيد العسكري ومحاضراته وحواراته كلها تصبّ في رافد تحقيق أهداف المجمع العالمي لأهل البيت عليه السلام، ولهذا كان يهمّ المجمع أن يطبع هذا النتاج العلمي الثمر الذي يؤصل إلى مبدأ الوحدة الإسلامية دعائمها الرصينة ويفتح الآفاق لطلاب الحقائق التي باتت غامضة تحت ركام التحريف المسيطر على مصادرنا التاريخية على مدى عدة قرون.

وتأتي الدروس والعبر المهمة التي نجدها في سلوك وشخصية العلامة العسكري هي الوازع الثالث الذي دعا المهتمين بشؤون المجمع العالمي لأهل البيت عليه السلام لعقد هذا المؤتمر التكريمي ليكون سلوكه الريادي في الحقلين التربوي والعلمي نبراساً لطلاب المعرفة الذين يرومون الاستهداء بالعظماء ومعرفة سرّ عظمتهم وشموخهم في ميادين العلم والعمل.

من هنا كان لزاماً علينا أن نقدر هذه المبادرة المباركة التي قام بها المجمع العالمي لأهل البيت عليه السلام لتكريم كبار علماء الإسلام في شرق الأرض وغربها في أيام حياتهم لتصحيح الأخطاء وتجاوز العقبات بأذن الله تعالى. والله من وراء القصد وهو الموفق للصواب إنه نعم المولى ونعم النصير.

السيد منذر الحكيم

الأمين العام

لمؤتمر تكريم العلامة السيد مرتضى العسكري

سؤال آقای حکیم

● در زمینه نکوداشت علامه عسکری در زمان تصدی حضرت عالی به عنوان معاونت فرهنگی مجمع جهانی اهل بیت: مطرح و پایگذاری شد، و در صورت امکان انگیزه ما و اهداف برگزاری این نکوداشت را از زبان حضرت عالی که پایگذار این برنامه بودید دوست داریم که بشنویم؟

جواب آقای احمدی

○ یکی رسالتهای اصلی و اساسی مجمع جهانی اهل بیت علیه السلام حول این محور است که، در جهت اشاعه فرهنگ اهل بیت علیه السلام است بالطبع یکی از این موارد قدرشناسی و قدردانی از شخصیتهایی است که عمر خود را صرف اشاعه فرهنگ اهل بیت علیه السلام می کنند. مجمع جهانی اهل بیت علیه السلام در زمانی که من در خدمت عزیزان بودم برنامه های مختلفی را تدارک دیده بود که یکی از برنامه هایی را که تدارک دیده بود، قدرشناسی و قدردانی و به تعبیری نکوداشت و بزرگداشت شخصیتهایی بود که در جهت نشر معارف اهل بیت علیه السلام عمر خودشان را صرف کردند.

اولین مورد بحث علامه عسکری بود که باید گفت ایشان نزدیک به یک قرن عمری که دارند و خداوند انشاء الله طول عمر به ایشان بدهد خودشان را (به تعبیر خودشان) عمرشان را وقف اهل بیت علیه السلام و دفاع از فرهنگ اهل بیت علیه السلام کردند، مجمع تصمیم گرفت که برای ایشان بزرگداشتی کند. در همان ابتدا بحثهای مختلفی صورت گرفت که به عنوان ابعاد این بزرگداشت بایستی

مورد توجه قرار داده بشود.

در جلسات متعدد و مختلفی که برگزار شد مسئولین محترم به این جمع بندی رسیدند که در ابعاد مختلف زندگی ایشان یعنی از بعد فعالیت‌های سیاسی و اجتماعی کشورهای مختلفی که ایشان حضور داشتند خصوصاً در عراق و جمهوری اسلامی ایران این ابعاد مورد توجه واقع شود و از زمانیکه ما در خدمت دوستان بودیم بخشی از این مقدمات فراهم شد و انگیزه اصلی و اساسی از این مردانی که عمرشان با صرف اشاعه فرهنگ اهل بیت علیهم‌السلام کردند به نوعی قدرشناسی شود و همت و تلاش و تعب این‌ها به نسل موجود و برای نسل‌های بعد نوعی تبیین و بیان شود.

سؤال آقای حکیم:

● در این برخوردها و تماس‌های که حضرت‌عالی با حضرت علامه عسکری داشته ید قطعاً مواردی و مطالبی برای حضرت‌عالی قابل توجه بوده، چنانچه برداشت حضرت‌عالی برای ما دربارهٔ علامه عسکری مطرح شود بسیار متشکر می‌شویم؟

جواب آقای احمدی

○ چندتا بحث من با ابن بضاعت ناچیز و بی مقدار خودم از ایشان برداشت داشتم که برای خودم هم آموزنده بود می‌توانم اینجا بر زبان بیاورم برای افرادی که می‌شنوند و یا زندگی ایشان را مورد مطالعه قرار می‌دهند می‌تواند خوب باشد. یکی اخلاص ایشان بود، ما براحتی نتوانستیم ایشان را برای برگزاری این بزرگداشت متقاعد کنیم برای اینکه ایشان ادعایشان این

بود که در بزرگداشت ممکن است تعابیری شود، ممکن است که به نوعی به بعضی از مسائل خدش‌های وارد شود، ایشان معتقد بودند که وقف این مسیر هستند یعنی در جهت دفاع از فرهنگ و مکتب اهل بیت علیهم‌السلام بود. بنابراین معامله خودشان را با ایشان می‌دید و خیلی به این جنبه موضوع توجهی نداشتند که افرادی در یک جمعی، در یک مؤسسه‌ای یا در یک تشکیلاتی می‌خواهند از ایشان قدرشناسی کنند. این چیزی که برایم خیلی مهم بود و هست مبحث همت و تلاش ایشان بود با کحولت سنی که ایشان دارند با ضعف جسمانی که دارند اما با علاقه و عشق همین کارها و فعالیت‌های که ایشان در گذشته داشت پاسخ می‌داد و خصوصاً اگر ایشان در موردی سؤال می‌شد ایشان با حوصله تمام و با یک همت قابل توجهی اهتمام داشت به پاسخگویی و بیان تمام زوایای آن مسائل که اگر کسی همت واقعی نداشته باشد نمی‌تواند در واقع آن راه را در مسیر زندگی خودش داشته باشد.

تعلم ایشان و ادب ایشان بود که برای من خیلی عجیب بود من پارها اتفاق افتاد که بر ایشان وارد می‌شدیم و عباروی دوش نداشتم سریع بلند می‌شدم و هر چند که از ایشان خواهش می‌شد که راحت باشند، ولی به هر حال بازرگواری که داشتند سعی می‌کردند که همه این مباحث را رعایت کنند. نظم در جلسات، رعایت وقتش، دقت در بیان مباحثش، نظم در بیان مسائل بطوریکه مسائل را به درستی بیان می‌کند و رشته کلام از دست ندهد. اینها مواردی بود که واقعاً برای من جالب و ستودنی است و از خداوند می‌خواهم که به ایشان و امثال ایشان که عمرشان را در راه اشاعه فرهنگ اهل بیت علیهم‌السلام صرف کرده‌اند توفیق بدهد و به ما هم این توفیق را بدهد که درس بگیریم و به این جهت حرکت کنیم.

سؤال آقای حکیم

● علامه عسکری به جز کارهایی را که در قالب کتاب و مقاله و رساله نوشته‌اند افراد زیادی را خوب تعلیم می‌دادند و تربیت می‌نمودند و مؤسسات آموزشی و تربیتی گوناگونی در عراق و در جمهوری اسلامی ایران پایگذاری نمودند و در حقیقت می‌توانیم سؤال کنیم که ایشان در زمینه مستحکم نمودن پایه‌های انقلاب اسلامی در جمهوری اسلامی ایران و در سایر کشورهای اسلامی چه نقشی ایفا کردند. به نظر حضرتعالی این بُعد و رابطه ایشان با رهبر معظم انقلاب، رهبر فقید انقلاب اسلامی امام خمینی رحمه الله علیه و نقش ایشان در انقلاب اسلامی که برای بسیاری از افراد روشن نیست، در صورت امکان توضیح دهید؟

جواب آقای احمدی

○ تا آنجائیکه بنده اطلاع پیدا کرده‌ام همانطوریکه شرایط ایشان، شرایط سنی ایشان ایجاب می‌کند مبارزات ایشان بر می‌گردد به دهه‌های قبل و حرکت‌های ایشان در جامعه عراق و برخی از کشورهای عربی و در جمهوری اسلامی ایران به هر حال فعالیت‌های گسترده‌ای است که در این مجال به نظر من اگر بخواهیم اشاره کوتاهی داشته باشیم شاید به نوعی جفای به اصل مطلب است. اما همین قدر می‌دانیم که ابعاد زندگی ایشان که یکی از این ابعاد می‌تواند بُعد فعالیت‌های اجتماعی و سیاسی ایشان در طول مبارزات و در جوامع مختلف و باطاغوت‌های مختلف قابل بررسی جدی می‌تواند باشد، و جا

دارد که این مبحثش را مورد توجه قرار دهیم به هر حال آنچه که در حوادثی که ایشان نقل می‌کردند و در رابطه با رهبر کبیر انقلاب اسلامی معلوم می‌شود که با ایشان رابطه‌های خاصی داشتند و مورد عنایت ویژه حضرت امام خمینی رحمه الله علیه بودند و مقام معظم رهبری نیز عنایت خاصی نسبت به ایشان داشتند و دارند. من فکر می‌کنم علامه عسکری یکی از کارهای اساسی که جناب‌عالی اشاره کردند تربیت نیروی انسانی آنهم در قالب دو مجموعه‌ای که توانست اینها را پیوند دهد و از گذشته هم ایشان برآن تاکید داشته است پیوند میان حوزه و دانشگاه است یعنی ایشان در راستای فعالیت‌هایش به این مهم توجه داشتند و همت گماشت و عمل هم کرد یعنی ما اگر باز در بخش دیگر از روند زندگی ایشان و فعالیت‌های ایشان، شیوه تربیتی ایشان را مد نظر قرار دهیم باز می‌بینیم که از معدود علما و روحانیونی هستند که به جهات مختلف توجه داشتند و به همین دلیل هم موفق شده که نیروهای متعددی را تربیت کند و الان در اقصی نقاط دنیا ما به افرادی برخورد می‌کنیم که این افراد دست پرورده ایشان هستند و از خدمت دانش ایشان استفاده و بهره‌های زیادی برده‌اند.

سؤال آقای حکیم

● به نظر حضرت‌عالی وظیفه مجمع در راستای بهره برداری از کتابهای و قلم ایشان در مصاحبه‌ها و مذاکرات ایشان با توجه به اهدافی که مجمع جهانی اهل بیت علیهم‌السلام دارد چه می‌باشد؟

جواب آقای احمدی

○ مجمع اگر همه اهداف مختلفش را جمع کنیم و خلاصه کنیم می‌توانیم بگوییم که در جهت نشر معارف اهل بیت علیهم‌السلام است. نشر معارف اهل بیت علیهم‌السلام آن معارفی که در واقع اساس و ریشه همه چیزاست و مجمع که این رسالت را بردوش دارد به نظر من از امکاناتی که محصول یک قرن تلاش است، آنهم در شرایط مختلف و در جوامع مختلف و در مقابل پرشمار متفاوت، به هر حال مجموعه‌ای از مباحث جمع شده در غالب کتاب و فیلم و کاست و در غالب مناظراتی که ایشان داشته شاید بخشهایی از فعالیتهای ایشان و بخشهایی از مباحث ایشان که خودشان مصلحت بینند، الان قابل نشر نباشد اما به نظر من مجمع از این گنجینه عظیم باید استفاده کند و می‌تواند در واقع در راستای کارش و برای پیشبرد اهدافی که دارد به راحتی از این اندوخته گرانبها بیشترین استفاده را در جهت نشر معارف اهل بیت علیهم‌السلام داشته باشید.

سؤال آقای حکیم

● اینجانب به عنوان دیرنکوداشت برخورد لازم می‌دام که از ابتکار عملی که به خرج دادید و شاید اولین باری است که مجمع در چنین زمینه‌ای برخورد لازم دید که ایفای نقش کند و سایر برنامه‌های ابتکاری که از جمله آن برنامه‌ها برنامه جشنواره کتاب اهل بیت علیهم‌السلام می‌توان نام برد، مثل دیگر برنامه‌هایی که در زمانی معاونت جنابعالی مطرح نمودید و پایگذاری کردید تشکر و قدردانی کنیم و امیدواریم که خداوند متعال به ما و

سایر دوستان توفیق دهد و در صورت امکان ما را در این زمینه یاری فرمایند و همچون گذشته ما را مورد لطف خودتان قرار بدهید.

جواب آقای احمدی

○ من هم از شما و دوستان عزیزى که با عشق و علاقه و با خلوص نیت ادامه این مباحث را تعقیب می کنند متشکرم و از خداوند می خواهم به همه ما توفیق دهد انشاء الله در مسیری که در جهت بزرگداشت اهداف اهل بیت علیهم السلام است حرکت کنیم. خداوند این توفیق را بدهد که ما این مسیر را طی کنیم.

من حوار مع سماعة العلامة الشيخ جعفر السبحاني

معرفتي بالعلامة عندما كان في العراق قبل مجيئه الى إيران. كان العلامة العسكري من روّاد الفكر والتغيير حيث بذل جهداً عظيماً من أجل النهوض بالمستوى الذي أراده الله سبحانه من أجل تحكيم الإسلام فمن خلال مؤلفاته العظيمة وإنشائه كلية أصول الدين التي خرّجت الكثير من العلماء والأساتذة والذين أحدثوا صحوة إسلامية عمت مدن العراق، وتأسيسه الكثير من المشاريع الإسلامية بمعاونة الكثير من العلماء الواعين ومن خلال احتضان المرجعية له ودعمه بشكل مستمر كان كثير الاهتمام بقضايا العالم الإسلامي بشكل عام والوضع الإسلامي داخل العراق بشكل خاص.

للعلامة العسكري بحوث خاصة في العراق كان يدرس ويُدرس ويبحث في كافة الأنشطة وعلى جميع الأصعدة كما ذكرت وبعد مجيئه الى إيران غيّر طريقته في العمل الإسلامي اتجه الى أسلوب آخر غير الذين كان يعمل في العراق! رأى بأن المذهب الشيعي يتعرض الى ألوان الهجوم من قبل أعدائه ويتهمون به بألوان التهم فشمر عن ساعديه وتناول العديد من التحقيقات بأبعاد الشبه عن المذهب والأقاويل والاختلافات والعمل الجبار الذي قام به تكذيب

أحدوثة ابن سبأ و ١٥٠ صحابي مختلف. بحث في أساس هذه الروايات من خلال المصادر التي عجز الكثير عن التحقيق بها وتوصل بحمد الله وإخلاصه الى عدم صحة ما كتب التاريخ عن هذه الأسطورة الخيالية وتهميش دوره والذي أراد الأعداء الإساءة الى المذهب وتشويه صورته أمام الأمة الإسلامية.

وكان سبب اشتهاار العلامة العسكري من خلال هذا الكتاب من خلال هذه الشخصيات المختلفة وقد ذاع صيته وانتشر كتابه في كافة أنحاء العالم وأخذ مأخذه في نفوس المسلمين وتبين زيف وكذب هذه الشخصية، شخصية سيف بن عمر وكيف أراد لابن سبأ أن يكون سبباً في إنشاء مذهب التشيع. فقد جاء العلامة العسكري بمطالب جديدة، وقد أيد وزير المعارف في مصر هذا التوجه وقال: يجب أن يكون ابن سبأ أسطورة، وكذلك العلامة الأميني طرح الموضوع وقال: ممكن أن يكون أسطورة وأيد تلك النظرية، بحث العلامة العسكري في جذور هذه الشخصية وتوصل الى حقيقتها، نحن نوافقه على ذلك، لقد جمعت هذه الشخصية الكثير من الجماهير ضد عثمان كما يذكر التاريخ وتسيير أبي ذر الغفاري أينما يوجهه خصوصاً على الخليفة عثمان وإثارة الجبهة على الخليفة ثم تأييده لإمامة أمير المؤمنين عليه السلام هذا هو سيف بن عمر.

ربما توجد هذه الشخصية ولكن ليست بهذه الضخامة كما يؤطرها التاريخ بهذا الشكل المثير للدهشة وما أثاره من الفتن وتسيير الجيوش وتصديه لفرقة أخذت على عاتقها نشر التشيع الذي أصله يهودي كما يدعون أعداء الشيعة. سيف ابن عمر كان رجلاً كذاباً ووضاعاً، كان العلامة قد حقق عن أصل وجذور هذه الشخصية الذي وضع أساطير كثيرة وصور أحداث عجيبة كثيرة من زمن

الهجرة سنة ١١ هـ الى سنة ٣٨ هـ اختلق ووضع ما يقارب ٧٠٠٠ رواية، وكان كذاباً وضاعاً ويحيك الروايات وكانت له أهداف ودوافع أراد بها المساس بمذهب التشيع الحق.

أما بخصوص السؤال الذي يتعلق بعدم اهتمام الحوزة بالتفسير والحديث، في العقود الماضية كان الاهتمام قليلاً بتلك الدروس وبعد مجيء السيد محمد حسين الطباطبائي رحمه الله أحدث تحولاً جذرياً في دروس التفسير، وأصبح الاهتمام كثيراً والحمد لله في الوقت الحاضر، وبعد قيام الثورة الإسلامية في إيران صار الاهتمام بمدارس القرآن وفي علومه وشتى مجالاته وأصبحت اذاعة خاصة بالقرآن الكريم فالحمد لله الذي أرجع الحق الى مكانه.

كان العلامة العسكري ذا همّة عالية من خلال مشاريعه الإسلامية العامة وخصوصاً بإنشائه كلية أصول الدين، كان أمة في رجل، وكان المرجع السيد الحكيم رحمه الله يدعمه ويعتمد عليه ويشد على عضده في كل مشاريعه التغييرية، وعندما جاء البعثيون منعه من مواصلة عمله فجاء الى إيران وواصل مشاريعه وعاد ليؤسس كلية أصول الدين في إيران وأوجد فروعاً لها في قم وطهران ودزفول، ونشر الكتب الكثيرة التي تُدرّس حالياً في الحوزة، وكذلك في الجانب العقائدي وفي مجالات شتى لتربية جيل يأخذ على عاتقه تربية الأمة وإنقاذها من التخلف.

أما بخصوص الوحدة فكان العلامة العسكري من رواد هذه المدرسة كان العلامة العسكري يؤكد على المشتركات بين الشيعة والسنة ويعتبرها الأساس في حل جميع الخلافات، أما بقية الأمور التي تختلف الشيعة والسنة بها فممكن

أن تذلل هذه العقبات، فكان العلامة يرى بأنه لا يمكن أن تحصل الوحدة إلا بالتعرف على مذهب التشيع، بعض السنة يتصورون الشيعة بأنهم أشبه بالفجر. في أحد مواسم الحج زرت أحد القضاة وسألني: هل للشيعة مؤلفات؟ فالتعرف على الشيعة ومعرفة أصولها وروادها وارتباطها يعتبرها أساساً في الوحدة بدراسة المذهب بشكل علمي وبلغه هادئة، وعندما نجد على الأرض دليلاً علمياً: «جعلت لي الأرض مسجداً وطهوراً» هذا هو فقهننا .

فالعلامة العسكري كان من المهتمين في هذا المجال وله دور مهم في تقريب وجهات النظر بين الشيعة والسنة.

والحمد لله رب العالمين.

من حوار مع سماعة العلامة الشيخ محمد علي التسخيري

المهم في عملية تكريم العلماء، أمران:
الأمر الأول: هو أن تُشعر تلك الشخصية بأن جهودها لم تذهب سُدى،
والجهد والعطاء التي بذلتها الشخصية يجب أن تكَرَّم ويُقدَّر جهودها ويُذكر
بخير.

الأمر الثاني: عرض أفكار تلك الشخصية على الأمة لمعرفة أثرها وعطائها
وهو يدخل في إطار الشكر الجزيل وشكر المخلوق وما أكثر العلماء الذين
كُرموا في حياتهم! فهذا عمل جيد وأحبُّه وأأمل أن يتوسع وتكرم الشخصيات
الأخرى التي قدمت للأمة الكثير من العطاء .

أما بخصوص الجانب السياسي والثقافي للعلامة العسكري:
للعلامة العسكري مآثر كثيرة في هذين الجانبين والجوانب الأخرى:
الجانب السياسي: نتناول الجانب السياسي في شخصية العلامة العسكري
وخصوصاً في العراق، سعى العلامة العسكري في تربية جيل نشط وكان له الدور
الريادي في العمل التنظيمي في جوٍّ لم يكن يعرف العمل التنظيمي في الحياة
وربّما في جوٍّ كانت الحركات السياسية وخصوصاً الشيوعية يعملون على سرقة

مکاسب الشعب وتسمیم أفكارهم، فی هذا الجو الخطیر بدأ السید العسکری بوضع نواة العمل السیاسی الإسلامی ونجح أیما نجاح بعد أن هیأ تنظیماً قاوم الاستبداد أكثر من ٤٥ سنة واعتقد أن العلامة العسکری کان علماً کبیراً فی هذا المجال .

أما علی الصعيد الثقافی فمن خلال مؤلفاته فی جمیع المجالات وتأسيسه لکلیة أصول الدین ومنتدی النشر والجمیعات الخیریه فکان فاعلاً فی نشاطاته الثقافیة والتعبویة والسیاسیة وکنت من الذین ساهموا وشارکوا العلامة العسکری بغالیة الأنشطة.

وبعد أن عاد الی ایران فقد کان الفکر الإسلامی قبل الثورة فیہ ثغرات وسد هذه الثغرات خطیر لیس بالهین والعلامة العسکری اخترق کل هذه الأخطار وفضح هذه الأفكار الی حد کبیر، استطاع أن یکشف الکثیر من المغالطات التاریخیة الّتی عاشت فی أذهان التاریخ والتاریخین فی حقبة من الزمن والذی کشف عن تزئیف تاریخ، عن صحابة مزیفین وهذا أمر خطیر له أثره فی المجال الفقهی والتاریخی فی مجمل ما نقل عن الرسول ﷺ علی اعتبار السنة المصدر الثانی بعد القرآن واکنشاف مثل هذا التزئیف الذی یتروک تصوّره عن التاریخ الإسلامی.

العلامة العسکری کشف التزئیف فی شخصیة ابن سبأ ودافع عن التاریخ الإسلامی، کیف استطاعت أن تأله خلیفة وتصنع فرقة کما یدعی، یدعون ان طریقة التشیع صنعها وأسسها ابن سبأ.

العلامة العسکری کشف عن هذه شخصیة الأسطوریة الّتی لا صحة لها

وأرجع الاعتبار لإذهان الآخرين وأرجع الاعتبار وعادوا يتأكدون في الشرعية في عصر الرسول ﷺ بما ينسجم مع النظرية القرآنية.

العلامة العسكري دافع عن مذهب التشيع وعن أصالته وأبعد الاتهامات التي تقول بأن مذهب التشيع أصوله غير إسلامية وهو دخيل على الإسلام وإن ابن سبأ اليهودي هو الذي أسس هذا المذهب.

لقد دافع العلامة العسكري عن مذهب التشيع بكل قوة وجراءة بعد أن تعرض لطيلة القرون السابقة للكثير من الشبهات من خلال التفاهم المنطقي والأسلوب القرآني والمحااجة بالسنة.

أما بخصوص الوحدة بين المسلمين فقد تعامل العلامة العسكري مع الوحدة على أساس المشتركات والمساحة المشتركة وقد أوصلها بعض المؤرخين في تاريخ الفقه إلى ٩٥٪ فإذا كنّا نتفق في هذه المساحة فهناك مجال في التعاون مع المساحة المتبقية ٥ أو ١٠٪.

يمكن أن يكون التقريب بين المذاهب والوحدة الإسلامية تخفف من هذه العقبات المتبقية ونحن بأشد ما نحتاج إليه في هذه المرحلة من توحيد الجهود وصّبّها في خانة العمل الإسلامي لمواجهة التحدي الغربي لإعادة هوية الأمة وعدم جعلها ذيلية تابعة.

فقدرة السيد العسكري أرادت الخير للتشيع والمسلمين بأن أزال الفوارق بين السنة والشيعة، انطلق ليقرب، أن يعالج النفور بين المسلمين، وهذا واضح من خلال كتاباته واعتقد بأن العلامة العسكري بشكل فتحاً في العمل التحقيقي. والعلامة العسكري مبادر ومبتكر في كل جوانب الحياة سواء أكانت السياسية

أو الثقافية أو التعليمية هو في جوهره لم تكن الحوزة لتفكر فيه، التعليم الأكاديمي لم تفكر فيه الحوزة إلا البعض القليل الذين أهتموا في خروجهم من الحوزة، منتدى النشر كان له الشرف في تخريج مجاميع كثيرة من الطلبة فخرج الكثير من الشخصيات المعروفة كالمرحوم الخطيب الشيخ أحمد الوائلي والشاعر الكبير مصطفى جواد، وبالتالي اعتبرت خطوة تقدمية لم يرتضها البعض، والسيد العسكري أسس كلية أصول الدين وجمع ثلة من العلماء، درّس جيلاً من الشباب الصاعد فهي - أي الكلية - مجهولة الشخصيات لحد الآن، ومن الوفاء أن تدرس هذه الحقيقة، هذه الحقبة من الزمن وخصوصاً في العراق، والجدير بالذكر أصول الدين بقي حياً إلى يومنا هذا، وهذه النهضة الفكرية التي خرّجت مجموعة لا يستهان بها من المفكرين والأدباء والخطباء أمثال الجواهري واليعقوبي والحبوبي وجمال الدين والوائلي وغيرهم، هذه النهضة قضى عليها صدام وحرم الأمة من عطائها من خيراتها من النهوض بالأمة نحو الرفعة ونرجو من الله أن تعود من جديد وإن يعود ماضيها التليد تلك الأمسيات الأدبية وتلك الروح المبدعة لتعيد تاريخها المجيد.

فالعلامة العسكري كان له الدور الكبير في مجمل التغيير وبقي يحمل الروح العاملة المغيرة التي تريد بالكفر الإسلامي أن يشق طريقه في الحياة ليقود الأمم نحو الفضيلة والصالح.

جاء العلامة العسكري إلى إيران وقد رأيناه كيف يعيش حياته الشابة وإن كان في الثمانين من عمره المبارك يطلب من قائد الثورة السيد الخامنئي أن يفتح كلية أصول الدين في إيران وتملك صلاحية قانونية ويُفتح لها فروع في

طهران وقم ودزفول وخارج إيران لتمنح شهادة الماجستير والدكتوراه لطلابها، وهذا أمرٌ عجيب يجب أن يُقدَّر ويُشَمَّن.

العلامة العسكري كان خطه الربّي ينجسم مع خط الإمام الراحل الذي كان مربّي ومُغيّر، وكان له اتصالات مع الإمام الراحل قبل الثورة وبعد أن نجحت الثورة في إيران ألقي بكل ثقله في دعم هذه الثورة وداعماً للإمام الراحل والقائد الخامنئي في كل مراحل الثورة وفي كل مواقفهم.

أما بخصوص معالم المدرستين في الواقع فهي امتداد لتحقيقاته للمدرستين السُنّة والشيعة والاكتشافات التي حققها عن ابن سبأ الشخصية المختلفة و ١٥٠ صحابي مختلق هو استمرار للمنهج وهو نوع من الابتكار وهو يرجع للكتاب في كل آية ويوضّح عندما يحاول أن يحقق أو يحل مشكلة أو يعالج شبهة يعود الى القرآن، الى الآيات والى السُنّة.

العلامة العسكري أكّد على دراسة المنهج والمدرسة، أما العلامة الأميني فكان يركّز على نقطة ويتابعها تاريخياً ويدخل الى عمقها وهماً يملكان هدفاً واحداً ومبادئ واحدة هذا على نقطة الغدير وهذا على المدارس. وأما السيد شرف الدين فهو يمتلك أسلوباً يخصّه وإن أسلوبه كان أكثر تأثيراً في الساحة الفكرية.

والحمد لله رب العالمين.

تقرير عن لقاء مع حجة الاسلام والمسلمين جاودان

يعتبر الأخ الفاضل (محمد علي جاودان) أحد تلامذة العلامة العسكري الذين نهلوا من معين علمه ووقفوا على مسيرته ومنهجه العلمي الذي اختص به العلامة (دام ظله) حيث التحق بركب طلابه وتلامذته بعد هجرة السيد العسكري الى ايران وذلك قبل نجاح الثورة الإسلامية بعدة سنين.

يعود تعرّف الأستاذ جاودان الى السنة التي كان يطبع فيها كتاب «عبدالله بن سبأ» طبعته الثانية في القاهرة وكان العلامة يلقي فيها محاضراته على أئمة الجماعات في طهران.

يعتقد الأستاذ جاودان ان العلامة العسكري ليس مؤرخاً بالمعنى المصطلح ولا يرى نفسه مؤرخاً حسب الاصطلاح وان كان قد اعتنى بالتاريخ الإسلامي وغربلته بشكل قل نظيره، فإن العلامة العسكري قد أنبرى للدفاع عن الإسلام بل للتعرف على الإسلام النقي بشكل علمي ليسهل لكل باحث طريق الوصول الى الحق والحقيقة أنى شاء ومتى أراد.

ويؤكد الأستاذ على اهتمام السيد العسكري بضرورة التوجه الى السيرة النبوية وسيرة أهل البيت (عليهم السلام) التي تمثل جزءاً من السنة الشريفة باعتبارها مصدراً مهماً من مصادر التشريع الإسلامي في الوقت الذي انتهى الأمر - بمرور

الزمن - إلى الاهتمام بجزء من السنة وهي السنة القولية التي تتمثل في أحاديث الرسول ﷺ.

ومن هنا كان يطمح العلامة العسكري إلى كتابة مستدركٍ على كتب الحديث يجمع فيه ما غاب عن الفقهاء من السيرة العملية للنبي وأهل البيت ﷺ. لقد قضى العلامة العسكري أكثر من ستة عقود من عمره المبارك لإزالة العوائق التي تحول بين الباحثين وبين الوصول إلى حقائق التاريخ والسيرة ليصلوا من خلال تحقيقهم إلى الإسلام النقي الذي جاء به الرسول الخاتم ﷺ وذلك بعد إزالة غبار السنين المتطاولة والقرون المتتالية التي ولّدها الحُكّام المنحرفون ليحولوا بين الأجيال وبين اكتشاف ضحالتهم إذا ما قارنوهما إلى شخصية الرسول الأعظم وأهل بيته الطاهرين.

من هنا تشكّل الكتب التالية: (عبدالله بن سبأ) و(خمسون ومائة صحابي مخلق)، و(أم المؤمنين عائشة) مصادر لكشف أسباب التحريف ومصدر التشويش الذي دخل مصادرنا التاريخية مع كل الأسف، بينما يشكّل كتاب (معالم المدرستين) مصداقاً حياً لمنهج المقارنة الموضوعية في بحوث العقيدة والتاريخ. وبالتالي يأتي كتاب (عقائد الإسلام في القرآن الكريم) ليؤصل إلى المنهج العلمي القرآني الذي ينبغي الرجوع إليه في مجال العقيدة والتشريع بشكل دائم ومستمر.

وهناك ظرائف وطرائف علمية تجريبية تجدها في النص التالي كما تجد جملة منها في الحوار الذي أجريناه مع العلامة العسكري (دام ظله).

السيد منذر الحكيم

الأمين العام

لمؤتمر تكريم العلامة السيد مرتضى العسكري

متن فرمایش سخنان حجة الاسلام والمسلمین جاویدان»

من از بیش از ۳۰ سال قبل خدمت ایشان هستم آن وقت مشغول به خواندن سطوحی از فقه و اصول بودم. البته ایشان را می‌شناختم به خاطر معرفی نامه‌ای که در سالنامه مرکز تشیع از ایشان نشر شده بود مقدمه نامه دکتر حقی داود را ترجمه کرده بودند و از شرح احوال ایشان نوشته بودند بنابراین من آشنا بودم.

کتاب عبد الله بن سبا را در چاپ دومش در قاهره داشتند که به خدمت ایشان رسیدم یعنی سابقه‌آشنایی از دور را داشتم و از آنروز تا بحال بجز یک مدت کوتاهی محضر ایشان بودم البته به نظر من نمی‌شود اندازه گرفت، وقتی که به خدمتشان رسیدم آن وقت مشغول تحقیق در مورد روایات عایشه و مصادر بزرگ اسلام، مصادر بزرگ حدیثی و مصادر بزرگ تاریخی بودند و آن را بحث می‌کردند. این اولین جلساتی بود که بعنوان درس به محضر ایشان رسیدیم این بحث را داشتند و در طول این سالها مباحث مختلفی به صورت درس و بصورت سؤال و جواب بنده از محضرشان استفاده کردم این عنوان بدو آشنایی من بود.

یک چیز بسیار مهم که لازم است ایرانیان در مورد ایشان بدانند و حتی دیگران یا آنهایی که از قدیمتر با ایشان آشنا هستند بدانند که ایشان یک تاریخ دان نیست اگر چه عمده کار خودشان در مورد مسایل تاریخی بود. ولی ایشان یک تاریخ دان نیست یعنی آنچه خودشان برای خودشان می شناسند و می دانند، و واقعیت هم همین است. این است که ایشان یک تاریخ دان، یک محقق تاریخ و یا حتی یک محقق حدیث نیست اگر چه تمام کارشان در مورد تاریخ و حدیث بود و یا بیشتر کارشان در مورد حدیث و تاریخ است بلکه اینها همه اش در راستای یک کوشش بزرگی برای شناخت اسلام بوده است.

یادم می آید که یک کتابی از امریکا فرستاده بودند کتاب بسیار خطرناکی بود و من فکر می کنم باید هم همین طور باید می بود که یک مجموعه ای در کنار هم نشسته بودند و با استفاده از پیشرفته ترین وسایل آنچه توانسته بودند به اسلام اشکال وارد کرده بودند، اسم کتاب را هم بازشناسی اسلام گذاشته بودند. کتاب، بسیار خطرناک بود برای کسی که نیخته بود و آشنایی بسیار پیشرفته از اسلام نداشت. کتاب تعیین کننده ای بود بطور کلی تمام عقاید را می توانست تخریب کند. این کتاب را من داشتم مطالعه می کردم که به یک نکته مشکل دار رسیدم به مأخذش مراجعه کردم، ابتدا فکر می کردم آن را جعل کردند و دروغ گفتند ولی بعد دیدم نه درست از مأخذ نقل کردند بنابراین آن یک مشکل شد.

محضر ایشان مشرف بودیم و باهم در مسافرت بودیم، شب بود دیروقت

بود من کتاب را بردم و روی میز محل کارشان در جلوی ایشان باز کرده گذاشتم (آنجا هم محل کار داشتند) و بیرون آمدم، صبح بعد از نماز صبح باز خدمت ایشان رسیدم ایشان جواب آن حرف را از کتاب خودشان «نقش عایشه در تاریخ اسلام» جلوی من گذاشتند و گفتند: دوستش این است آنجا ایشان فرمودند که (به زبان خودم عرض می‌کنم) من به یک مشکل برخورد کردم من دردم، دغدغه‌ام و آنچه که مرا به کار واداشت تاریخ نبود من به تاریخ چکار دارم! من برای اسلام مشکل می‌دیدم، وجود این روایات دروغین و این تواریخ جعلی که در همه مصادر تاریخ و حدیث پر است. اینها مانع راه شناخت اسلام است اینها مرا به کار واداشت و برای من دغدغه ایجاد کرد. من مشکل فهم تاریخ نداشتم یعنی من دغدغه تاریخ‌دانی نداشتم. من دغدغه شناخت اسلام داشتم. به این علت بود که من آمدم این راه را در پیش گرفتم.

خودشان در جاهای متعددی هم به صورت مکتوب و هم به صورت شفاهی فرمودند که آن اوایل جوانی و در ایام جوانی که من مشغول تحصیل فقه استدلالی بودم، می‌دیدم که مصادر احادیث فقهی ما معمولاً احادیثی است که قول امام و قول معصوم است که نقل می‌کنند و تقریباً هیچگاه از عمل یک معصوم و از تقریر یک معصوم استفاده در فقه نمی‌شود و اگر هم باشد خیلی کم است، در حالیکه ما سنت را که تقسیم کنیم به سنت قولی و سنت فعلی و سنت تقریری. این دو بخش گویی مغفول مانده است.

من فکر کردم که شاید بتوانم مانند آنچه که حاجی نوری انجام داده و یک

مستدرک بر وسایل الشیعه نوشته، من هم یک مستدرک دیگری بر وسایل الشیعه بنویسم و در آن از احادیث که عمل یک معصوم را، تقریر یک معصوم را، سنت عملی پیامبر و معصومین را نقل می‌کند را جمع کنم که در کنار سنت قولی و روی هم رفته بتوانم مبنای یک برهان و استدلال فقهی را بر یک مسأله فقهی قرار دهم.

خوب آن روز فکر می‌کردم که بین شیعه و سنی و در آنچه که بعدها ایشان مکتب خلافت و مکتب ولایت اسم گذاشت بین مکتب خلافت و مکتب ولایت و امامت اختلافی در سیره و زندگی‌نامه پیامبر نیست هر دو قبول دارند، و هر دو یکسان نقل می‌کنند و هر چه در دستشان هست صحیح است و مشکلی هم ندارند. وقتی که به اینها مراجعه کردم در همینها مشکلات بزرگ دیدم و از آنجا من تصمیم گرفتم که این مشکلات را برطرف کنم. آن وقت از آن روز ایشان به حرکت افتادند و الآن ۶۰ سال و بیش از ۶۰ سال است که دارد کار می‌کند برای حل مشکل موانع راه فهم صحیح سیره پیامبر که در واقع اسلام را مجسم می‌کند.

پس کوشش برای شناخت اسلام تبدیل به کوشش برای رفع موانع شناخت اسلام شد و تمام عمر ایشان را این مسأله پوشاند و هنوز هم دارند، آخرین بخشهایی از یک تحقیقی که در باره عبد الله بن سبا بوده و اولین کارشان هم بوده بخشی سوم آن هم الآن مشغول هستند و شاید هم بخشی از آن زیر چاپ است، و بخشی از آنها مشغول تصحیح است. پس این تصحیح لازم بود که مردم ایران یا مردم دیگر نقاط که با ایشان آشنا هستند و یا بعدها خواهند

شد بدانند که تمام کوشش‌های ایشان برای شناخت اسلام و در جستجوی آنچه که در اسلام است بوده است.

اسلام چه بود؟ به چه شکل بود؟ اسلامی که از طرف پیامبر عرضه شد چه بود؟ و به چه شکل بود؟ آنوقت در طول این سالها بر سر او چه آمده است؟ این کوشش بود.

اما آنچه که به ظاهر بود، اولین کار ایشان رفع یک اشتباه تاریخی بود، احادیثی از یک راوی دروغ پرداز، جبار و بلکه بالاتر متهم به زندقه در تواریخ بزرگ اسلام مثل تاریخ طبری پخش شد و سالهای زیادی از تاریخ ایشان را پوشانده یعنی از سال ۱۱ هجری که سال وفات پیامبر است این احادیث تاریخی در تاریخ طبری آمده است، تا سال ۲۵ هجری یا شاید تا سال ۳۶ هجری، این مدت را این احادیث پوشانده‌اند.

حدوداً ۲۵ سال، ۲۵ سال از مهمترین سال‌های زندگی اسلام و حیات اسلام در زیر پوشش و هجوم این روایت دروغین مدفون شده‌اند.

ایشان به بررسی اینها و کتاب عبدالله بن مسعود و اساطیر اخیری پرداخت. این اولین کتابی بود که از ایشان نشر شد البته به شکل ابتدایی‌اش که شاید حدود صد و خورده‌ای صفحه بود.

ایشان به ایران آمده بود کتاب را به چاپخانه مجلس که می‌گفتند بهترین چاپخانه ایران است داده بود که کتاب را بسیار پر غلط چاپ کرده بود لذا از آن دست کشیدند و دو باره به عراق بازگشتند و در عراق چاپ کردند و آنجا هم پر غلط درآمد. فرمودند من این کتاب را از بازار جمع کردم و به صورت

تکی و هدیه برای محققین فرستادم. کتاب صدا کرد و پرده مهمی از حقایق برداشته می شد و نشان می داد در طول این سالهای ۲۵ گانه حجم دروغی که به تاریخ اسلام نسبت داده شده است یک حجم بسیار بزرگی است و در واقع زیر و رو کننده است و کلاً بینشهای مردم را نسبت به مسائل اسلام و حوادثی که بر اسلام گذشته است زیر و رو می کند.

بنابراین این کتاب صدا کرد و جای خودش را به سرعت باز کرد. فرمودند: وقتی که من داشتم آخرین کارهایم را در مورد این کتاب انجام می دادم (هنوز چاپ نکرده بودم) برخورد کردم به اینکه گویی در میان نامهایی که در این بخش از روایات تاریخ طبری نقل شده و از سیف بن عمر نیز نقل می شود برخی از آن به نظر می آید عنوان اصحاب پیغمبر را دارد اما ظاهراً چنین کسی در تاریخ وجود ندارد و این صحابه دروغین بوده شخصیت هایی که ساخته شده اند و واقعیت تاریخی ندارند.

به این برخورد کردم و کتاب را متوقف کردم مقداری کار تحقیقی کردم و در تاریخ حدود ۴۵ نفر از اینها را یافتم و در چاپ اول نشر شد. پس در کتاب عبد الله بن سبا آن بخشها نشر شد و نام ۴۵ نفر از صحابه دروغین و جعل شده و ساخته شده بوسیله راوی دروغ پردازی بنام سیف بن عمر در چاپ اول نشر شد و بعدها اینها از هم جدا شد. عبد الله بن سبا در چاپهای بعدی مجزا و مشخص شد و کتاب دیگری ایشان تألیف کردند بنام (خمسون ومئة صحابي مخلق) ۱۵۰ صحابه دروغین که تعدادی بعدها به آن افزوده شد.

الآن ۳ جلد از آن مجزا چاپ شده است. یک جلد از کتاب عبد الله بن سبا

در بغداد چاپ شده سپس در قاهره چاپ شد و بار سوم ظاهراً در بیروت چاپ شد و بارهای بعدی هم در ایران و مثلاً بیروت (چاپ چهارم و پنجم) چاپ شد.

جلد دوم در باره بررسی روایات شیعه، نقلیات رجال یون شیعه در مورد عبد الله بن سبا بود و تحقیقات دیگر این در جلد دوم در ایران زمانیکه ایشان به ایران آمده بود نشر شدند.

با ذکر این مقدمه این را عرض می‌کنم که کار تحقیقی ایشان در تاریخ و حدیث در عالی‌ترین سطح تحقیق در جهان بود، هیچ کسی و هیچ جایی از این تحقیق امکان خدشه نداشت یعنی آنچه که محققان امروز در جهان در نوترین روشها و پیشرفته‌ترین روشهای تحقیقاتی دارند و به کار می‌گیرند در این نوشته‌ها به کار گرفته شده بود. در ایران و شاید بعضی نقاط دیگر این قدر شناخته نشد یعنی توجه به این قوت تحقیق و این روش نوین و پیشرفته تحقیق پیدا نشد و هنوز هم متأسفانه نشده است.

کتابها در ایران کمتر خوانده شده و بذل توجه کمتری به آنها شده است. البته در برابر در کشورهای عربی به فهم این کتابها و این تحقیقات نزدیکتر بودند و در آنجا با استقبال بهتری از سوی محققان بزرگ و گروه دانشگاهیان و غیر دانشگاهیان روبرو شد. آنچه که محققان بزرگ ما در حوزه‌ها در عصر قدیم اعمال می‌کردند از روشهای نوین هم به آن می‌افزودند که یک روش بسیار خوبی در می‌آمد و نمونه‌اش را در روایات نقل شده از سیف بن عمر خیلی کوتاه عرض می‌کنم: وقتی که ما به یک نقل تاریخی می‌رسیم قبل از اینکه به

هر چیز این نقل برسیم به سندش می‌رسیم، پس بنا بر این اولین کاری را که ما می‌توانیم برای شناخت درستی یا نادرستی این نقل تاریخی بکنیم بررسی سندش است.

بررسی سند اولین کاری است که در مورد روایت سیف انجام شده است، و نظرات تمام محققان رجال شناس اهل منت در مورد سیف بن عمر تسمیمی آورده شده و حتی شرح احوال او از میان روایات خودش به نوعی استخراج شده و زبانش و ذهنیتش در آن کشف شده است. ما هم نوشته‌های رجالیون را داریم و هم تحقیقاتی که از نوشته‌های خودش بدست ما آمده، حرفها، اطلاعات و حقایقی که از نوشته‌های خودش به دست ما آمده، اینها را ما برای شناخت سیف بن عمر که مبنای اینهمه نقلیات است بکار گرفتیم.

آنجا شناخته می‌شود که این مرد یک وجود بسیار خطرناکی است که دارای یک هدف است و این نیست که یک نفری به یک مناسبتی یک دروغی گفته است بلکه با هدف یک مجموعه بزرگی از دروغ آمده برای ساختن یک تاریخ دیگر غیر از آنچه که واقعیت تاریخ اسلام است. او می‌خواست کسانی که بر مسند قدرت نشسته‌اند چه از تیره بنی امیه باشند و چه از تیره‌های دیگر قریش باشند دامنشان را از همه لکه‌هایی که تاریخ بر آنها ثبت کرده، پاک کند.

شما اگر به تاریخ واقعی اسلام مراجعه کنید و تاریخ اسلام را آنطور که بوده پیش رو داشته باشید چاره‌ای جز اینکه شیعه اهل البیت علیهم‌السلام باشی، نداری، می‌توانی فقط به سند تاریخ مراجعه کنی و هیچ لزومی ندارد به سند دیگری

مراجعه کنی اگر شما فقط به تاریخ واقعی و حقیقی نگاه کنی چاره‌ای جز تشیع نداری چاره‌ای جز انتخاب اهل البیت علیهم السلام نداری، که این راوی دروغ پرداز حل کرده است و برای دستگاه قدرت حاکم که اسلام و رسمی را حمایت می‌کردند مشکل ایجاد می‌کرد. اینهایی را که عرض می‌کنم همراهش مستند به مباحث مفصل مستدل و مبرهنی است که در اینجا دیگر وقتش نیست آن را ادامه دهم.

سیف کوشیده است این دلیل را از تاریخ حذف کند، دلیل حقانیت اهل بیت پیامبر و آنهایی که اهل بیت پیامبر را انتخاب کردند از تاریخ بگیرد کار بزرگی کرده است.

بنابر این طبری که روایات سیف را نقل می‌کند او کاملاً حساب شده جعل کرده طبری هم حساب شده نقل کرده او در حوادث سال سی‌ام هجری نقل می‌کند: جریاناتی که بین ابو ذر و عثمان پیش آمد و بلاهایی که بر سر عثمان آمده را می‌خواهد توجیه و حل کند زیرا همین یک حادثه چیزی از اعتبار برای دستگاه خلافت باقی نمی‌گذارد و جداً برای معاویه مشکل ایجاد می‌کند و برای صاحبان قدرت نیز مشکل ایجاد می‌کند که باید حلش کرد که حل کرد. طبری می‌گوید: آنهایی که برای معاویه در این اعمالی که کرده است و این فشار و خشونت سنگینی که بر سر ابو ذر (پیرمرد صحابی بزرگوار پیغمبر) آورده است و آنهایی که برای آن عذر و توجیه گفته‌اند دیگران هم سخن دارند، مورخان دیگر مثل ابو مخنف واقدی و دیگر بزرگان تاریخ حرف و سخن در این زمینه دارند اما من آنها را نقل نمی‌کنم و فقط به سخن آنهایی

می‌پردازم که برای معاویه عذر گفته‌اند، برای دستگاه اموی عذر گفته‌اند من فقط آنها را نقل می‌کنم.

پس ببینید کاری که سیف کرده یک کار بسیار بزرگی بوده ۲۵ سال با دروغهایی تاریخ اسلام را پوشانده طبری به عنوان مورخ بزرگ اسلام و امام مورخین به سیف کمک کرده و سیف را که نمی‌دانیم آیا یک نفر است؟ یک مجموعه و یا یک حزب است؟ و یک کار دست جمعی از نوع توطئه کرده‌اند و آن را به سطح اعلای مصادر اسلام آورده بود.

در تاریخ خودش که بعدها به بزرگترین تاریخ تبدیل شده است، معتبرترین تاریخ اسلام به سطح آن منتقلش کرده، در واقع در جنایتی که سیف انجام داده است طبری هم شریک است.

بعد ها طبری به همین دلیلی که ما دلایلی را در همان کتاب عبد الله بن سبا باید ببینیم طبری تبدیل شده است به امام مورخان. یا حد اقل یکی از دلایل مهمی است که طبری اینطور مقبول شده و بعدها ابن عساکر و ابن اثیر، ابن کثیر و ابن خلدون آن را خلاصه کرده و منتظم نیز از آن نقل می‌کند و... به طور مفصل.

همه مورخان بعد، بسیاری از مورخان بعد و اغلب مورخان بعد بخاطر پاسی که او از خدمت دستگاه خلافت و قدرت اموی داشته است پیرو طبری شدند. به پاسی که از اسلام و رسمی و اسلام مقبول دستگاه قدرت بنی امیه و بنی عباس داشته است. و تا به امروز اولین تاریخ در عالم اسلام است و هر کس می‌خواهد به تاریخ اسلام مراجعه کند اولین مأخذی که مراجعه می‌کند

تاریخ طبری است. روایت سیف در تاریخ طبری آمده است، ۲۵ سال از مهمترین سالهای حیات اسلام را پوشانده است. تحقیقات در کتاب عبد الله بن سبأ اینها را برپا داد. کار خیلی مهمی بود نامه‌هایی که بزرگانی از علمای مصر و نقاط دیگر عالم اسلام برای حضرت علامه رسید همه به مهمی این کشف و تحقیق اشاره دارد. نمونه‌هایش را در همان مقدمات عبد الله بن سبأ و جاهای دیگر می‌توانیم ببینیم مثلاً مرحوم محمد ابو ریه استاد و محقق بسیار بزرگ مصری نامه‌هایی دارد و محمد سعید است یا دکتر حامد حفنی داود و دیگران دکتر حسام عباس. این تعدادی است که من فعلاً از نام آنها به یاد دارم و در دسترس است.

اینها به مهمی این نوع تحقیق اشاره دارند و گاهی از ایشان درخواست می‌کنند که این راه را ادامه بدهید و این راه را رها نکنید. هجومی که این کشف نو و این بهم ریختن ذهنیات هزار ساله مردم معمولی به بار می‌آورد و از آن سختیهایی که به بار می‌آورد شما خسته نشوید و دست از کار نکشید و ادامه بدهید. ایشان یک کار بزرگ و جدید کردند که عرض می‌کنم شاید در طول ۱۵ سال این کار تحقیقی ادامه یافت. الآن آخرین جلد «القرآن الکریم وروایات المدرستین» حدود ۳ یا ۴ سال است که چاپ شده باشد. از آن وقتی که شروع شد و من در جریان کار بودم شاید ۱۷ یا ۱۸ سال می‌گذرد. سالهای اولیه انقلاب بود شاید سال پنجم بود، چندم بود، دقیق یادم نیست. آن وقت یک نویسنده پاکستانی یک کتاب نوشته بود بنام «التشیع والقرآن» روایتی که در بعضی از کتابهای ضعیف از ائمه شیعه نقل شده بود و در مورد

قرآن بود و او جمع آوری کرده و از آن نتایج خیلی جدی علیه تشیع گرفته بود که فعلاً شرایط بازگویی مفصل و باز مسئله نیست. پشت سر آن هم خیلی تبلیغات وجود داشت. همانطور که می دانید کتابش با آن دلارهای نفتی که سالهای بعد از انقلاب اسلامی شاهد نفوذش در کارهای تحقیقی و علمی مفصل بوده ایم. با آنگونه دلارها در سراسر جهان اسلام نشر شد مثلاً عده های میلیونی، البته این یکی از کتابهایی بود که با این عده های بزرگ علیه ایران و جمهوری اسلامی و تشیع تیراژ شد و متأسفانه هنوز هم برقرار است. این حمله خیلی سنگینی بود مجموعه تشیع آماج یک حمله بزرگ قرار گرفته بود. از آنروز ایشان مشغول کار شد و این کار شاید واقعاً ۱۵ سال از عمر ایشان را در برگرفت البته در درون آن یک کار تحقیقی دیگر هم پدید آمد که در دو جلد بنام «عقائد الاسلام من القرآن الکریم» نشر شد. آنهم برای ایشان خیلی گران تمام شد و خیلی سخت و پر زحمت بود و بخاطر آن کار، ایشان بطور متعدد به بیمارستان رفتند و بطور متعدد ناراحتیهای بسیار سخت گوارشی و غیر گوارش و قلبی برای ایشان پیش آمد که ناگزیر شدند برای معالجه به کشورهای خارجی مسافرت کنند و روزهای زیادی برای ایشان خیلی سخت گذشت.

این دو کار که باهم و در کنار هم قرار گرفت، حدوداً ۱۵ سال یا بیشتر از عمر ایشان را در برگرفت و القرآن کریم و روایات المدرستین ۳ جلد شد و این کتاب بسیار کتاب مهمی بود اگر چه در ایران بعنوان کتاب سال شناخته شد، اما در ایران طبق معمول خوانده نشد. من می دانم دیگر در ایران معمولاً کتاب

کم می خوانند حتی اهل دانش هم کتاب کم می خوانند و فرصت کتاب خواندن کم دارند، این یک تأسف بزرگ است. این کتاب سالهاست که نشر شده و من متأسفانه هیچ تأثیری در سطوح علمی کشور از این کتاب ندیدم با اینکه حرفهایی که در این کتاب وجود دارد بسیار حرفهای مهمی است آنچه که در این کتاب عرضه شده بسیار مهم است و من هم آن را خیلی مهم می دانم.

با توجه به آنچه که در جهان وجود دارد تا حدودی حرفهای خیلی مهمی است ولی الآن چه عرض کنم؟ گرفتار نوعی غفلت قرار گرفته است، کتاب با اینکه برنده جایزه سال شده و کتاب سال هم شناخته شده مع الوصف عرض می کنم مورد غفلت قرار گرفته است. و حقیقت این است که کتاب را اهل تحقیق بخوانند نه بپذیرند، اهل تحقیق در کار تحقیقی ناگزیر نظر خواهند داشت اما کتاب باید خوانده شود و روی آن نظر داده شود، بحث و بررسی شود، نقد شود، متأسفانه هیچ نشده است. البته باز در کشورهای خارجی برای اهل مطالعه که در کشورهای عربی ما با اهل مطالعه جدی آشنا هستیم می باشد. در کشور عراق نه عراقی که زیر دست و پای صدام جان می کند، کتاب اصلاً وجود نداشت که بخواند اما عراقی که می توانست آزاد باشد آن کتاب خوان بود و در کشورهای دیگر عربی کتاب می خوانند آنجا این کتابها با استقبال روبرو شد اما در ایران متأسفانه کمتر است.

این کتاب بسیار بزرگ است جلد سوم از عبد الله بن سبا در واقع آخرین سخنان در این زمینه با نام «اسطورة سبايه» که ابتدا هم عرض کردم در زیر چاپ است آن در ۲ جلد خواهد بود. واقعیت آنچه که در آن ۲۵ سال از تاریخ

اتفاق افتاد و سیف کوشیده بود تمام آن را تغییر دهد و تحریف کند و زیر و رو کند و عوض و بدل کند و قهرمانان را تبدیل کند به موجودات منفی و بد و موجودات منفی را تبدیل کند به موجودات مثبت و تاریخ را کاملاً زیر و رو کند. این در جلد سوم از کتاب عبد الله بن سبا که عرض کردم با نام اختصاصی «اسطوره سبا» در ۲ جلد نشر خواهد شد این در دست چاپ است که ان شاء الله امید داریم این توفیق برای ما همراه باشد که این کتاب را هم بینیم و هم بخوانیم.

در کنار کارهای علمی، ایشان از مسائل اجتماعی غافل نبودند بلکه کارهای سیاسی و اجتماعی ایشان در رأس بود و کارهای تحقیقی در مرحله بعد از زندگیشان قرار داشت. در همین راستا ایشان وقتی که به بغداد آمدند. و اولین سالهایی که به بغداد آمدند شروع کردند به یک مجموعه کارهای اجتماعی در واقع نوعی خدمت اجتماعی، خدمت به مردم و آن ایجاد یک خیریه بود. بعد از آن ایجاد یک درمانگاه بود که اینها مادر کارهای اجتماعی شان بود و بعد از آن تأسیس یک مجموعه مدارس که این مجموعه مدارس شاید از ۳۰ عدد متجاوز بود و در بخشهای شیعه نشین کشور عراق بود که همیشه بخشهای شیعه نشین کشور عراق مورد بی مهری دولت سنی عراق بود که بطور جدی مورد بی مهری بود می گفتند مثلاً سال به پایان می رسید و مدارس شیعه نشین عراق معلم ریاضیات نداشت، سال به پایان می رسید و معلم برایش نمی فرستادند. مثلاً رودخانه فرات اگر دو قسمت می شد قسمتی که بسوی طوایف و قبایل شیعه نشین می رفت لایروبی نمی شد، که با استفاده

از آن سطح آب پایین می آمد. اما در بخشهای سنی نشین کاملاً رسیدگی و لایروبی می شد.

بنابر این باید یک نهضتی در درون خود تشیع بوجود می آمد که شروعش با آن مؤسسه خیریه بود بعد درمانگاه بود و بعد یک مجموعه مدارس که مدارس را ایشان از سالها پیش در فکرشان بود که ما بچه هایمان در آن وقت، تا دبستان هستند مال خودمان هستند وقتی از دبستان به دبیرستان می روند دیگر از دست ما خارج می شوند فکرشان، اخلاقشان، راه و رسمشان، لباسشان همه چیزشان را دیگران تعیین می کنند و لذا ما باید مدرسه بسازیم. راه افتادند، و از یک دانشمند بزرگ و نام آور شیعه در آن روز عراق بنام احمد امین استفاده کردند و با کمک او یک مجموعه مدارس درست کردند که تا حدود بیش از ۳۰ عدد مدرسه از بصره تا دورترین نقاط یعنی از این سوی عراق تا آن سوی عراق تأسیس شده بود که ایشان در آن مدرسه ها کوشیدند تا همه چیز لازم ایجاد بشود یعنی هم درسشان را بچه ها به بهترین نحو بخوانند و هم اینکه جهت اخلاقی و جهت عقیدتی شان تقویت و درست بشود، و ایشان جداً کار می کردند.

یکی دیگر از خصایص ایشان مدیریت خوب است، نشانه های این مدیریت خوب را ما اینجاها می بینیم این نبود که فقط مدرسه ساخته شود، یک ساختمانی بگیریم و یک نفر سر این ساختمان بگذاریم و به خودش واگذار کنیم و فقط اسم اسلام و دین بر سر این مدرسه باشد که گاهی در ایران اینطور اتفاق افتاده بود. نه، ایشان ذره ذره آنچه که در آن مدارس می گذشت

را با انتخاب یک مدیر خوب و توجه به برنامه‌ها و همه چیزش اِعمال می‌کردند. این مدارس یک کار بزرگ بود اما کار نهایی نبود بعد از اینکه این مدارس مقداری با گرفت ایشان تأسیس یک دانشگاه را در نظر گرفتند با اینکه تمام عوامل برای بوجود آمدن این دانشگاه منفی بود، به هر وسیله‌ای که شده بود این دانشگاه، دانشگاه شد و عنوانش هم عنوان کلیت اصول دین بود و ۲ رشته هم بیشتر در آن تدریس نمی‌شد یک رشته ادبیات عرب بود و دیگری قرآن و حدیث بود، که امروز هم هست.

این دانشگاه تأسیس شد اما اگر دانشگاه بغداد محصلان فارغ التحصیل این دانشگاه را دانشنامه لازم مثلاً کارشناسی را به آنها ندهد این فارغ التحصیل شدن قیمتی ندارد، و دولت عراق هم نخواهد داد دولت حساب شده است اصلاً در این سالها برای کنترل تشیع در آینده قبل از دولت بعثی بوجود آمده است. بنابراین ایشان کوشیدند یک راهی پیدا کنند، ایشان یک سفر به مصر رفتند تا در آنجا از دانشگاه از هر یک راهی برای رسمیت یافتن این دانشکده پیدا کنند. البته بعداً حوادثی پیش آمد که از آن طریق هم نشد ولی بوسیله دانشگاههای خارج از کشور درست شد. دانشگاه کمبریج برای این دانشکده اعلام ارزش کرد یعنی فارغ التحصیل این دانشکده را پذیرفت بنابراین این اعلام رسمیت شد. این دانشکده چند دوره فارغ التحصیل داشت تا اینکه ایشان از عراق بخاطر جریانهای سیاسی فرار کردند و به لبنان و بعد به ایران آمدند.

پس ببینید علاوه بر کارهای علمی که جداً کارهای به جای ماندنی و

ماندگار و مؤثر و ارزشمند بود این کار اجتماعی بسیار ارزشمند نیز در طول شاید ۲۰ یا ۳۰ سال انجام شده بود. قبل از اینکه ایشان به ایران بیایند دولت بعضی به قدرت رسید و همه چیز را قلع و قمع و سرکوب کرد هم مجموع مدارس را دانه به دانه گرفتند و هم دانشگاه را گرفتند و همه چیز را نابود کردند اما حالا ایشان آن وقتی که در آنجا بودند و توانایی داشتند هر کار ممکن را در مسائل اجتماعی کردند. باز مرحله کارهای ایشان به اینجا هم متوقف نمی ماند از نوع خدمت به خلق، خدمت به فقرا و رسیدگی به فقرا و رسیدگی به نان و آذوقه و لباس فقرا هم در ایران و هم در عراق بودند که ایرانش را من خودم شاهد بودم علی الخصوص آن دوره ای که یک مجموعه بزرگی از ایرانیان که به عراق کوچ کرده بودند و سالها و چند نسل در آنجا زندگی کرده بودند با زور و زر به ایران بازگردانده شدند و مجموعه معاودین عراقی را تشکیل داده بودند. اینها از همه چیز مانده بودند که به ایران آمده بودند یعنی حتی وسیله یک خوراک را نیز به همراه نداشتند همه چیزشان را گرفته بودند، آن وقت ایشان یک همت بزرگی کرده بودند و ساعتها و روزها مفصل در این زمینه کار می کردند برای اینکه بتوانند یک بخشی از اینها را پوشش دهند و کمک کنند که شاید هنوز هم ادامه داشته باشد.

این یک بخشی است که باز من یادم هست که می گفتم من می ترسم به کار علمی و تحقیقی بپردازم این مجموعه بزرگ گرسنه مانده و نان شب ندارند و یک پتو ندارند به روی خودشان بیاندازند همه کارها را تعطیل کردند. یک کار بزرگ دیگری که ایشان خودشان می گفتند که من ۳۰ سال در آرزویم این

حرف و این کار بود این بود که: دلشان می‌خواست که در کتابهای درسی حوزه یک تجدید نظری شود و این کار را هم با یک مجموعه همکار در طول شاید ۷ یا ۸ یا ۱۰ سال انجام دادند در حقیقت ۴ سال از تحصیلات حوزوی را در غالب یک مجموعه کتاب و یک برنامه در حدی که اگر کسی این ۴ سال را می‌گذراند تحصیلاتش در حد لیسانس دانشگاهی ارزش داشت. و شاید مثلاً بعداً یک ورقه رسمی هم بتوانند بگیرند. آن وقت با آن مجموعه‌ای از همکارانی که داشتند برای این کار مشغول شدند تا کتابهای حوزوی را تجدید نظر کنند بنابر این از صرف میر شروع شد مثلاً از شرح امثله، صرف میر، تصریف و هدایه به بالا که در همه اینها تجدید نظر شد و تبدیل شد به درس، درس مثلاً صرف میر تبدیل شده است به ۴۰ درس، و تصریف تبدیل شده است به ۳۰ درس و هدایه تبدیل شده است به ۵۰ درس. یک درسی است که در آن تمرین و سؤال وجود دارد و اگر نقصی در نوشته وجود دارد بر طرف شده، کار شده و تمام شده و الآن تبدیل شده به یک کتاب نو.

بنابراین یک جامعه المقدمات نوینی از آن مجموعه که اسمش را گذاشتند مجمع علمی اسلامی نشر شد که موجود است. کتاب بسیار خوبی است من خودم از آن استفاده کردم و درس دادم. جداً کتاب خوبی است یعنی اگر کسی تصریف را می‌خواند مقداری زیانش به زبان عربی باز می‌شد و می‌توانست ۲ کلمه عربی بنویسد در حالیکه وقتی آدم تصریف را در شکل قدیمش می‌خواند هیچ وقت زیانش برای عربی گفتن و نوشتن باز نمی‌شد. که این یک چنین راهی بود. این هم شاید حدود ۷ یا ۸ یا ۱۰ سالش را که من بطور تقریب به

خاطر دارم. ایشان در عراق و بغداد اصول دین را به جای گذاشتند مدارسش را به جای گذاشت و بعد به ایران آمد. از آن وقتی که به ایران آمدند در فکر تأسیس چیزی نظیر آنچه که در بغداد بود، بودند لذا این سالهای اخیر به خصوص بعد از انقلاب که امکان تأسیس دانشگاه غیر انتفاعی (به اصطلاح امروزی ما) یا نوعی دانشگاه شخصی بود قصد چنین کاری داشت. ایشان از همان اولین روزها در صدد تأسیس چنین دانشکده‌ای بودند که الآن الحمد لله ایجاد شده و دانشجویانش الآن در سطح دکترا تحصیل می‌کنند در شهرهای تهران و قم و دزفول.

آنچه که در بغداد و در ایران در نظر بود نه ایجاد باز یک دانشگاه به معنای خالص دانشگاهی بلکه کسی که اسلام را شناخته و قدرت تبلیغ و ترویج را دارد می‌تواند بنویسد و بگوید و می‌تواند به بخشی از جهان سفر کند و آن اسلام صحیحی که اینجا شناخته و شناختش همه جانبه و صحیح است را منتقل کند. با این طرح یعنی طرح تبلیغ و ترویج اسلام دانشگاه تأسیس شده، همانطور که در بغداد هم همین نظر را داشتند آن موقع هم شروع کرده بودند برای دانشکده‌شان به جذب دانشجو از خارج از کشور عراق و امروز هم برای تبلیغ و ترویج اسلام صحیح یعنی تشیع به همه جهان همین کار را انجام می‌دهند. البته این را می‌دانید که همیشه در ایران و همه جا دانشگاهی که همه چیزش به یک شخص وابسته است از بعد مالی و اقتصادی و مدیریت آموزش، تهیه استاد خوب و کارآمد کار خیلی سنگینی است خصوصاً در این سالهای کهولت سن خیلی رنج کشیدند برای تأسیس و ادامه حیات آن

دانشگاه.

بعنوان حرف آخر: در مورد سیره اخلاقی ایشان یک نکته که من از خودشان شنیدم مقدمتاً عرض می‌کنم: ایشان فرمودند من اوایل جوانی یک وسوسه و وسواس داشتم و آن این بود که من نیستم برای این عملی که می‌خواهم انجام دهم، عمل اجتماعی و یا مثلاً شخصی چه است؟ نکند این نیت نادرست باشد و در آن اخلاص نباشد. بعد فکر کردم و مسئله را به این شکل حل کردم که: من هر چه وظیفه‌ام بود عمل می‌کنم حالا خودم هم آن را می‌پسندم، دوست دارم، بدم می‌آید، خوشم می‌آید و مدام مدح می‌کنند، مردم مذمت می‌کنند، دیگر به آن کار نداشته باشم، ممکن است یک کاری را من خیلی دوست داشته باشم و عشق به آن داشته باشم اگر وظیفه‌ام بود می‌کنم و اگر نبود نمی‌کنم بنابر انجام وظیفه، در طول شاید ۶۰ سال و یا بیشتر. امروز هم همینطور است یعنی اگر امروز هم ما ایشان را ببینیم باز فکر می‌کنیم چه وظیفه است؟ گاهی این انجام وظیفه هم برای ایشان از لحاظ مزاجی یا غیر مزاجی خیلی گران تمام می‌شود.

خودشان فرمودند: (البته این را از خودشان شنیدم اضافه بر آن صحبتی که عرض کردم که کحک می‌کند برای فهم بیشتر) من حدود ۱۷ یا ۱۸ ساله بودم که به پیشانی خودم نوشتم وقف، من خودم را برای خدمت به مردم وقف کردم و تا به حال هم به وقف عمل کردم. معمول است که اگر مثلاً منزلی را وقف کردید ممکن است در آن استفاده شخصی کنید که جایز نیست چرا که استفاده شخصی از وقف جایز نیست. ایشان فرمودند: که من خودم را وقف کردم و تا حالا هم

به وقف عمل کردم. من یادم هست در یک عصر روز جمعه‌ای نزدیک غروب بود و تاریک بود به خدمتشان رسیدم گفتند امروز که جمعه است و همه تعطیل هستند و با چند نوع مریضی ۱۲ ساعت کار کردم. قلب یکی است، معده یکی است و... و آنچه در راستای تمام آنچه که ایشان انجام داده‌اند هست تشیع است. یعنی اگر خدمت به مردم کردند، اگر مدرسه درست کردند، اگر دانشگاه درست کردند، اگر تحقیق و سخنرانی بود اگر بحث و مناظره بود که بحث و مناظرات ایشان با دانشمندان مختلف یهودی و مسیحی و اهل سنت و وهابی و غیر وهابی همه در راستای اثبات و تبلیغ تشیع بود.

بعنوان آخرین حرف: همه زندگی ایشان در راه تشیع بکار رفته است. هم دیروز و هم امروز و هم فردا.

الحمد لله رب العالمین

من حوار مع سماعة السيد فخر الدين الموسوي

معرفتي بالعلامة العسكري المجدد حساباً ونسباً، أُنسب اليه انه ابن خالتي فإننا ولداً أُختين من بنات الميرزا الطهراني صاحب مستدرك البحار وكذلك يجمعني به القلم والعمل وقد تعلمت الكثير منه العلوم الحوزوية وكنت أحد أجزاء عمله في العراق في مؤسساته التربوية الجامعية، الحوزوية ولذا فلا يسعني أن أتحدث عن العلامة بكل أطرافه.

الحديث عن العلامة العسكري واسع وكبير وأهم المميزات التي امتاز بها هذا الرجل العظيم منذ معرفتي إياه في الاربعينات أنه كان رائداً للتغيير في عمله العلمي والاجتماعي والسياسي والتربوي كان رجلاً تائراً على الواقع في الحوزة العلمية والوضع السياسي والوضع التربوي وكذلك الجامعات الشيعية، ومن هنا تجد كل عارف به بعد لم يكن كغيره من الطلاب العاديين ليصبح مجتهداً أو يذهب ليتخصص في الخطابة أو ليكون سياسياً بارعاً.

كان السيد العسكري يرى الواقع السياسي المختلف فيثور عليه، كان يرى التخلف الاجتماعي والتربوي فيثور عليه وكذلك واقع الشباب يريد أن يغيره ويبدله كانت هذه مصاديق الريادة.

انتقل العلامة العسكري منذ الثلاثينات الى الكاظمية كنت أرى الحالة الانكشافية عندما كان يحاور ويتحدث مع الاساتذة والطلبة دائماً وخصوصاً في الحرب العالمية؟ عندما أتم دراسته كطالب للعلوم الدينية ذهب الى الكاظمية وأسس مدرسة منتدى النشر والتي أسسها للجيل الشيعي، حيث كان يطمح بأن يأخذ دوراً في الحياة في توعية الأمة خلافاً للمدارس الموجودة على النهج الحوزوي، كان ينسق مع المرحوم العلامة محمد رضا ومع الشهيد الرابع الشهيد الصدر (عليه السلام) وأنا كنت تلميذاً في هذه المدرسة هذا في الجانب التربوي.

أنا كنت أشاهد ريادته وثورته على الواقع السياسي إلا أنه كان يعمل عمله على أسس صحيحة، دائماً يعيش الواقع بكل أبعاده، كان كثير المطالعة للصحف والجرائد والمتابعات السياسية، كان يعيش دائماً الأوضاع ويناقش مطالعته السياسية وكان مشتركاً في مجلة الهلال المصرية، وكان صديقاً للشيباني والشاكري وقادة سياسيين في العراق، مع الشهيد محمد الصدر كان دائماً يتابع ويتفقد وينتقد كان انساناً لا يرضى بالواقع السياسي القائم آنذاك وخصوصاً الشيعي وقد تمخض من خلال دراسته للواقع ان قام مع ثلة من العلماء الواعين بتأسيس حزب الدعوة الإسلامية مع الشهيد الصدر (عليه السلام).

العلامة العسكري كان أحد رواد حزب الدعوة وهو الذي دعاني للانتماء الى هذا الحزب، وكذلك محمد بهادي السبتي والسيد فضل الله وكان العلامة العسكري الوحيد الذي دعاني للانتماء للحزب وعملت معهم الى حين خروجنا من العراق، وكان قائماً على التنظيم السري وكان من رواده أيضاً أبو عصام والسبتي وداود العطار، والسيد حسن شبر وكان لهم الدور في توعية الشاب

وبث الفكر الإسلامي الخالص.

وكان العلامة العسكري الوكيل الأول لساحة المرجع السيد الحكيم وكان معه في كل تحركه ومعتمده الأول، وبعد أن تحول العلامة العسكري إلى إيران، والسيد فضل الله إلى لبنان وتوفي السيد الحكيم تصدى السيد العسكري للمرجعية فكان أباً روحياً وزاعياً للحزب وموجهاً له.

كانت علاقة العلامة العسكري بالسيد الإمام الراحل قبل الانقلاب يتصل به وكان شاهداً لكل حركاته السياسية، وهو أول من أيد الإمام في حركته قبل سقوط الشاه، وهو من الأوائل الذين تحركوا بكل قواه نحو تأييد الإمام طالباً منه التأييد واستقبله في الكاظمية وحضر عنده وبعد مجيئه إلى إيران اتصل به جميع علماء إيران وكان حاضراً وشاهداً لكل القضايا السياسية ومنها تحرك الدكتور علي شريعتي الذي كان يخالف المرجعية والتقليد، واجه هذه الحملة، هذه الحركة التي كانت وراءها قوى غير إسلامية، فهذا موقف وقفه العلامة السيد العسكري ضد شريعتي.

وهناك من حاول أن يوجد الفرقة والخلاف بين الإمام والعلامة العسكري بعد انتصار الثورة؛ الإمام في حينه لم يكن يعطي أي مجال لأحد في إثارة الخلافات والنزاعات، لقد وقفوا ضد العلامة العسكري بعض المحسوبين على التشيع إلا أن مكائدهم باءت بالفشل.

العلامة العسكري كان رائداً في جميع جوانبه الفكرية والتربوية والحوزوية، كان يشعر بمظلومية التشيع كان دائماً يشعر بحرقه قلب كان يشعر بأن الشيعة دائماً في حالة دفاع عن أنفسهم وعن مذهبهم، كان يعاني هذا الألم، أراد العلامة

العسكري أن ينقل التصور، كان كل علماء السنة يقولون ويركزون بأن الشيعة وليد ذلك الإنسان اليهودي، وعندما نأتي الى التاريخ يقولون إن التشيع أسسه ذلك اليهودي ابن سبأ، وحتى علماء الشيعة لم ينكروا ابن سبأ إلا أنهم أنكروا هذه التهمة، فكثير من المؤرخين، وكذلك الطبري يعترفون بوجوده، ولكن ليس كما يتصور السنة والحاقدون على مذهب التشيع، وقد دخل العلامة العسكري في الصميم وتحدى وأكذب أحدثة ابن سبأ وكيف كان شخصية مختلفة أسطورية؛ هذا الكشف لم يسبقه أحد لا عالم وشيعي ولا عالم سني. فالعلامة العسكري كان مجدداً للتشيع أعطى التشيع لباساً جديداً ونزع عنه كل الزيف الذي أتهم به.

والحمد لله رب العالمين

نص الحوار مع سماعة الشيخ مهدي العطار

الحمد لله رب العالمين والصلاة والسلام على محمد وآله الطاهرين..

س: متى كان لقاءك الأول مع سماعة العلامة العسكري؟

الحقيقة هنالك لقاء قربي جسدي إن صح التعبير وعلاقة فكرية، أنا كنت معه في مدرسة السيد العسكري، معه في عملية الإصلاح في العراق وكنت أواكب مسيرته الفكرية وحركته التنفيذية والإصلاحية وكان اللقاء الأول سنة ١٩٧٠م بعدما بدأت الهجمة الشرسة من النظام في حكم صدام وبعد أن اعتقلنا نتيجة الحركة، وقد تم اللقاء في مكة المكرمة وكنا نتحدث عن معاناة الشعب من جهة وما تحمله الشعب من الظلم والاضطهاد وما العمل تجاه هذه الحالة التي يمر بها شعبنا وكيفية مواجهتها.

إذا اردنا أن نقرأ حياة العلامة العسكري، علينا أن ندرس سيرة العلامة العسكري وهنا نحتاج الى وقتين:

الوقف الأول: هو تخلف الأمة و تاريخ تخلف الأمة وكيفية استلام نظام الحكم من قبل الزمرة الفاسدة من لا أهلية له، ولكن نتيجة المعاناة التي كان تعيشها الأمة من جرّاء ممارسات النظام التعسفية ظهرت فئة واعية على المسرح

من العلماء لتنهض بالأمة وتعيد لها وعيها السياسي والمطالبة بحقوقها في تقرير المصير. وكانت هنالك حركة الدستور في إيران ووقوفها بوجه الاستبداد الخارجي وكذلك حركة التنباك التي عاصرها العلامة العسكري والذي وقف الى جانبها هذه المواقف السياسية كان تعيش في كل كيانه وتشغل جميع أوقاته وكذلك واكب السيد العسكري مسيرة الوعي المتمثلة بالعلماء الواعين والمهم في حركة الوعي في العراق أن حدثت نكسة في العراق بعد الحكم في العراق، وبعد الاحتلال حيث قام بعملية تفسير المراجع واشترطوا في عودتهم بعدم التدخل في السياسة، هذا المقطع من الزمن حوّل الحوزة الى حوزة تربوية بعيدة عن السياسة وحركة الاصلاح أي تهيمش دور الأمة في أداء دورها، وكذلك تهيمش دور العلماء في أداء دورهم الرسالي في تغيير الأمة.

العلامة العسكري التفت الى هذه الحالة، حالة انعدام روح الشعور بالمسؤولية، حالة التضعيف في الأمة هذا من الجانب الشيعي. أما بقية المذاهب فقد ورثوا فقه السلطان أرادهم أن يكونوا أداة للحاكم، فقهاء للسلطان يعيشون حالة الانطواء، في زمن العلماء والسيد أبو الحسن الاصفهاني والنائيني، هذه الحالة المريعة حاشها العلامة العسكري واكب مدرسة الخلفاء، وكذلك مدرسة أهل البيت والتفت نقاط الضعف والقوة، عاش السيرة والتاريخ فهو المبادر الأول وهو يشخص الأصول والمنطق الصحيح والفقه الصحيح فهو من الرواد الأوائل لعملية الاصلاح في العراق وقد كلفت هذه الجهود العلامة العسكري كثيراً من الوقت وذلك في معرفة المنهج معرفة المنطلقات الصحيحة وفرق بين أن يعيش انسان على فكر الآخرين أو أن يعيش فكرة الأصيل التابع من الأصل.

المسألة الثانية: هو اصلاح الجامعات وكيفية تربية الطالب الجامعي، كان الطالب الجامعي يُربى وفق مناهج الغرب وإبعاده عن فكره الإسلامي الأصيل الواعي، يحصل الطالب على شهادة الدكتوراه وهو منبهر بالمنهج الغربي والحضارة الغربية. كانت الحالة مريرة تمر بها الأمة عاشت الأمة حالة استسباع يقولون لهم: إذا أردنا أن نتقدم فعلينا أن نضع أقدامنا على كل موضع قدم يضعه الغرب، هكذا عايش العلامة العسكري الظروف الصعبة وحاول بحنكته السياسية وعمله الدؤوب وبمعية النخبة الواعية من طلائع الأمة لإنقاذها من سباتها القاتل الذي يحملها الى الهاوية بعد أن استخدم النظام كافة الوسائل للاعتماد على العلماء المنهزمين ليسود الجهل والتخلف. وقد التفت العلامة العسكري الى نقاط الضعف فكان من الرواد الأوائل لبث روح الجهاد والوعي الفكري والثقافي في جسد الأمة لإنقاذها من ويلات الجهل والتخلف؛ فبادر الى تأسيس حزب إسلامي مع نخبة من العلماء الواعين وعلى رأسهم السيد الشهيد الصدر عليه السلام هو حزب الدعوة الإسلامية ليكون له الدور في تغيير الأمة وبث روح الوعي والفكر الإسلامي لإنقاذها من الجهل والتخلف، وكذلك إنشاء كلية أصول الدين، وقد كلفت العلامة العسكري هذه الأعمال جُلّ أوقاته حيث قام بدراسة مستفيضة في دراسة الواقع المتخلف الذي عمل الغرب على بثه في مجتمعنا الإسلامي فهو المبادر الأول في حركة الوعي وهو يواكب الحركة الثقافية في الجامعات وكلية أصول الدين ونجح في تخريج مجاميع كثيرة من الطلبة والأساتذة. وكان لهم التأثير المباشر في تغيير الواقع وتربية أجيال الأمة، وقد اعتمد العلامة العسكري على عمله الجماهيري واعتبره أساساً من دون أن

يتخلى عن رعايته لحزب الدعوة ومواصلة رعايته، إضافة الى مساهمته بشكل رئيسي في إنشاء حزب إسلامي فبادر الى إنشاء جماعة العلماء في بغداد والكاظمية التي أخذت على عاتقها أيضاً العمل في صفوف الأمة لبث الوعي الإسلامي الأصيل في واقع الأمة المتخلف وكذلك قام بإنشاء جمعية الصندوق الخيري لخدمة العمل الاجتماعي وأخذ دورها الريادي.

العلامة العسكري حالة حضارية في رسمه للفكر الصحيح ليعيش الحالة التربوية لإبعاد الناس عن حالة الجهل من جهة وفي حل مشاكلهم الآنية لأن جمعية الصندوق الخيري وجماعة العلماء. فهذه هي لملمة الحالة الإسلامية ويعطي للأمة قوة وعزيمة .

أما بخصوص تأسيس حزب الدعوة فكان أسبق تأسيس من جماعة العلماء، وكذلك جمعية الصندوق الخيري، لأن العمل السري حال دون الإعلان عنه وعن دوره السياسي.

العلامة العسكري كان مواكباً لحركة الدعوة وموجهاً لها، أما بخصوص انتمائه ضمن صفوفه فيبدو من خلال توجيهات السيد الحكيم رحمه الله أراد له أن يكون له دور الأبوّة لكل التحرك الإسلامي العام بما فيها حزب الدعوة، فالتنسيق والتوجيه بقي ملازماً والرعاية بقيت واستمرت بين حزب الدعوة والعلامة العسكري وأن البقاء داخل الحزب والانتماء للحزب في رأي العلامة العسكري يحجّم العمل داخل الأمة.

العلامة العسكري له ارتباط مباشر في كافة القضايا الاجمالية ولا يتدخل في القضايا الجزئية، وكذلك كان له رأي في الحالة الثقافية والتبليغ من خلال

توجيهاته ورعايته للتحرك الإسلامي العلمي والى يومنا هذا لم ينفك وهو أب روجيه وموجه وخادماً لهذه الحالة.

أما بخصوص جمعية الصندوق الخيري فقد امتد العمل بها الى بقية المحافظات، فقد تم فتح المدارس الثقافية المعروفة والتي تميزت ببعدين، البعد الثقافي والفكري وتوجيه الأمة ورعاية الطليعة الواعية من أبناء الأمة. والبعد الثاني: هو البعد الخدمي من جهة والذي يشمل المساعدات للعوائل الفقيرة والأيتام والمحتاجين، وكذلك فتح المستوصفات الطبية والاهتمام بها وهذان البعدان فيهما سعة وعمق داخل صفوف الأمة.

أما بخصوص الجانب العلمي فكان مُبْتَنًى من قبل سماحة السيد الحكيم رحمه الله وكان العلامة العسكري أحد أعمدة السيد الحكيم ووكيله الخاص وهو الوكيل الموحد، والمسألة الثانية وجود المنتدى داخل النجف والتحرك الحاصل في النجف من خلال المنتدى الثقافي ميّز العالم الواعي من العالم غير الواعي عملية فرز، لذا قام العلامة العسكري باختيار العلماء الواعين ونشرهم في صفوف الأمة ليأخذوا دورهم في عملية التغيير فها هو المرحوم العلامة الشهيد عارف البصري، وكذلك الشيخ الشهيد عبد الجبار البصري وكذلك الشيخ الشهيد خزعل السوداني، تم توزيعهم في مناطق بغداد، فالاتفاق بين السيد الحكيم رحمه الله والعلامة العسكري كان قائماً، واثمرت هذه الجهود في توعية الأمة لأخذ دورها في تقرير المصير.

إذاً كلامنا في الأصول في المنطلقات التي على ضوئها تحرك العلامة العسكري مثلاً: الكلام عن السنّة وسُنّة الصحابة، كيف يتم تحديده، حدّده في

ضوء القرآن والسنة يحقق في موضوع سندها وممتنها كما في الروايات حتى روايات الشيعة له رأي وله باع طويل فيها عمليات علمية بحثية.

أراد العلامة العسكري أن يفهم الفرق كلها حتى مذهب التشيع، وقف بوجهها حينما ابتعدت عن النص والسند، وكذلك مناقشته للعقائد على ضوء القرآن أيضاً لا يشمل السنة فقط إذا كانت الرواية سندها ضعيفاً.

أما رأي السيد العسكري بخصوص الوحدة والتي لا بد أن تتقف على وحدة الأصول لتقف بوجه عدونا فهناك مشتركات ممكن الاتفاق عليها. أما الاختلاف يمكن الرجوع اليها عن طريق الحوار كما هو حال المجتهدين. فكل مجتهد له رأي لكن هناك مشتركات ممكن الاتفاق عليها.

أما بخصوص تكريم الأحياء :

نحن أمة نكرم الموتى، هناك ميت كله صلاح، وهي لا صلاح فيه حينما يموت الشخص يذكرون خيره وينسون سلبياته، أما الحي فيذكرون سلبياته وينسون خيره، فتكريم الأحياء حالة حضارية وتم تكريم العلامة الجعفري من قبل واليوم يكرم العلامة العسكري خادم الشريعة .

نسأله تعالى أن يطيل في عمره لخدمة المذهب الحق. والحمد لله رب

العالمين...

من حوار مع الأستاذ عبدالرسول الصبائي

يعتبر العلامة العسكري علماً من أعلام المجتمع العراقي تعرفت عليه منذ ريعان شبائي، كنت اسمع بهذا الاسم منذ سن ١٦ سنة عندما تخرجت من اعدادية كربلاء سنة ١٩٦٠م وواصلت دراستي العليا، كنت أدرس في كلية أصول الدين ببغداد التي أسسها العلامة العسكري وأدرس في المدرسة التي أسسها العلامة العسكري بعد أن التقيت به وسألني ثلاثة اسئلة وأجبت به بكل دقة فقال لي أنت معلم وعليك أن تدرس.

كان العلامة العسكري رائداً نشطاً في المجال العلمي والنشاط الاجتماعي، كان عالماً وأباً ومديراً ومربياً يفكر في آلام مجتمعه، يفكر في طرد الغزاة الذين غزو البلاد الإسلامية بكفرهم وثقافتهم، جاء بسلاح الثقافة والمدارس كان يعتقد أن الطريق السليم الذي يمكن أن تزيح المحتل الغازي به سلاح الثقافة الإسلامية، وجدته دائماً يتبنى المنهاج العلمي في مؤسساته، وفي مؤلفاته والذي طرح على المستوى العالمي أجمع، وكذلك في أنشطته الاجتماعية، وكذلك أنشطته الثقافية.

العلامة العسكري يعتقد بتبني أسس صحيحة لمحاربة الخرافة، وجدته دائماً

يتبنى الأفكار السليمة وينهل من معين فكر الرسول ﷺ وأهل البيت (عليهم السلام) لقد كان لكم في رسول الله أسوة حسنة (١). عشت ما يقارب ٥ سنوات في العمل داخل المؤسسات، في كلية أصول الدين لتربية الجيل ليفهم الإسلام وفق أسس سليمة كما أراد الله سبحانه وتعالى.

كان العلامة يلتقي بالمرجعية ويعمل تحت إشرافهم وكان أحد المقربين من السيد الحكيم وكان نجله السيد مهدي الحكيم يُنسق مع العلامة العسكري في جميع الأنشطة وخصوصاً السياسية منها والثقافية والعلمية والاجتماعية، وكذلك جمعية الصندوق والتي تبنّت تأسيس مدارس في بغداد والكاظمية، وكذلك تم تأسيس مستوصف للمعالجة وكانوا ينوون تأسيس مستشفى في بغداد في منطقة الكرادة.

كان العلامة العسكري منذ شبابه يخطط ويرمج ويعمل لا يهتم فقط في الجانب الفقهي والعملية، كان يفكر بالجيل الناشئ كان يقول: يجب أن يحكم الإسلام، كان يعتقد بالعمل الإسلامي المنظم اضافة الى ما يتمتع به من روح ملؤها التقى والورع والإيمان، التقى بالعلماء أمثال الشهيد الصدر (عليه السلام)، السيد مهدي الحكيم، السيد إسماعيل الصدر، أسس بمعاونة العلماء الواعين تنظيمًا إسلاميًا سياسيًا مؤكداً على توعية الشباب وتوعية الأمة.

كان العلامة العسكري يؤمن بالعمل والتنسيق بين الجامعة والحوزة، أوفد في أحد المرات خمسين أو أكثر من طلاب الجامعة الى النجف الأشرف لزيارة مراجع الدين، وكنت أنا ضمنهم، زرنا سماحة السيد الخوئي، وكذلك الإمام الخميني وآل ياسين طلب هؤلاء الطلبة من المراجع أن يرشدوهم، أحس مراجع

الدين بأن هؤلاء الشباب هم قادة المستقبل، لقد انشروحت صدور المراجع بقاء الطلبة وفرحوا كثيراً بلقائهم وأخذوا يدعون لهم قال لهم السيد الخوئي كثركم الله يا أبنائي كثركم الله. وقال لهم الإمام ﷺ: يا أبنائي ادعوكم الى الاتحاد ضد قوى الشر، ضد الطواغيت، ضد الأفكار الغربية الذين رفعوا شعار «فرق تسد» اتحدوا فإن في اتحادكم قوتكم، اذكر جاء وفد فلسطيني وطلبوا المساعدة بعد أن التقى بهم العلامة العسكري وقال لهم: المرجعية تساعدكم بشرط أن تغيروا شعاركم من فلسطين عربية الى إسلامية فلم يستجيبوا، بل رفضوا ذلك.

وبعد فترة أوفد العلامة العسكري وفداً من أربعة أعضاء منهم السيد داود العطار والسيد عدنان البكاء وهم شيعة والسيد عبدالعزيز البدري والعقيد عبدالغني الراوي وهم سنة وطرحوا مفهوم فلسطين على المستوى العالمي، ومهد السيد لسفرهم الذي قام بدوره لمساعدة القوى الفلسطينية، وتقديم الدعم المادي والمعنوي لهم.

كان العلامة العسكري يقوم بالدور الريادي في تحركه على جميع الأصعدة في تربية الجيل من خلال الاتصال مع مناطق عديدة في بغداد من خلال ارسال وفود من كلية أصول الدين، كانوا يدعون لاهياء المجالس في محرم وشهر رمضان في مدن بغداد كالثورة والحرية وبقية مناطق بغداد لم يكن هدف العلامة العسكري تخريج الطلبة فقط، وانما كان يربي الطلبة للعمل داخل صفوف الأمة من خلال التنظيم أو الاحتفالات أو احياء المناسبات. ربي العلامة العسكري شخصيات علمية محترمة أمثال الدكتور حسين الصغير وعبد الأمير الأعزم والكثير من الاساتذة أمثال أذر شب تخرجوا هؤلاء من كلية أصول الدين.

العلامة العسكري كان يعرف بأن العمل الموفق هو الذي يمارس عملياً، كان يجمع علماء بغداد على شكل جلسات منهم الشيخ موسى السوداني وغيرهم من الاساتذة، بتكوين لجان يوجهون الأمة على مستوى التنظيم: التوعية، العلاقات الاجتماعية ليس الشباب فقط حتى العلماء يحركهم نحو العمل، يلتقي بهم، ينسق الأعمال ضمن نشاطات في المناسبات والاحتفالات، في مسجد (برانا) مثلاً تلقى الكلمات وحتى عن طريق الاذاعة وتحت إشراف السيد مهدي الحكيم رحمته الله وفعلاً انتجت وأثمرت وأينعت هذه النشاطات المكثفة.

أصدر العلامة العسكري مجلة رسالة الإسلام وكانت مجلة هادفة تكتب فيها المقالات العلمية والعلوم القرآنية وشتى البحوث، كان الشباب ينتظرون صدورها بفارغ الصبر لأنها تحوي مقالات هادفة ويشترك في كتابة هذه المقالات الشهيد الصدر رحمته الله وكانت هذه المقالات تُدرّس وتنتشر في المجلة، كان لها صدى في جميع المدن سواء على صعيد الداخل أو الخارج، وكان المشرف عليها السيد عدنان البكاء .

التقيت هنا في إيران مع العلامة فكان لا يهدأ، يعمل باستمرار، ويقول: يجب أن يكون الإنسان الفرد على صلة مع أفكار أهل البيت، كانت لديه كل اسبوع جلسة، ولديه مشاريع كثيرة، ففي كل يوم عنده مشروع، شكّل لجنة من مجموعة من الاساتذة والمفكرين وأعدوا كتباً كثيرة صادقت عليها ادارة الحوزة، والآن تدرس، ومن هذه الكتب: الصرف، الهداية، التصريف، وعلوم القرآن والحديث وعقائدنا .

العلامة العسكري كلّه عمل دؤوب دائماً خاصة لو سمع هناك من يمس من

المذاهب الحقّة كمذهب أهل البيت عليهم السلام.

زرتّه مرة وكان غضبان ومتألماً وعندما كلمته صرخ في وجهي وقال لي: مرتضى العسكري حيّ ويتهمون التشيع بتحرّيف القرآن على أثر كتاب صدر من وهابي باكستاني، وقال سأكتب رداً عليه وفعلتُ كتب بحوثاً مطوّلة حول القرآن في روايات المدرستين، حياته أوقفها لخدمة الإسلام وخدمة أهل البيت.

أما مواقف العلامة العسكري السياسية: فكان من بداية انطلاق الثورة كان قلبه وروحه مع الثورة، مع الإمام في كل خطواته، كان يعتقد بذلك، يتصل بالمراجع ويحركهم يطلب منهم أن ينصروا الإمام، ينصروا الثورة، الى أن انتصرت الثورة وكان يلتزم بما يقوله الإمام عليه السلام.

كان العلامة العسكري لا يكتب كونه شيعياً أو لغرض خاص كانت كتاباته مقبولة لدى الجميع، كل المذاهب الإسلامية تكن له الاحترام والتقدير، كان يراجع كتب السيرة سواء كانت شيعية أو سنية ويناقش بحوثها مناقشة موضوعية، ولو وجد ما يخالف القرآن يحقق به بدقة ويستخرج السليم منه..

توصل العلامة الى كشف الرواة المزيفين المتهمين بالكذب والزندقة منهم فرقة تبنت ابن سبأ اليهودي الفارسي الذي أفكّاره مجوسية، أخذ يحقق بالشخصيات التي يستند عليها الطبري وابن كثير وبصورة علمية اثبتها السيد العلامة بأنها مختلفة من سيف بن عمر.

كنت استمع ذات مرة الى اذاعة القاهرة بمصر كان الحوار يدور حول الشيعة، قال: المحاور ان المنابع التي جئت بها يا أستاذ من مصادر سنية، لو تذكر لنا منابع شيعية، قاله: هل طالعت كتاب العلامة العسكري (١٥٠ صحابي مختلق)؟

هذا الكتاب كتاب علمي من الآن تستطيع أن تطالع هذا الكتاب لنكمل نقاشنا وحوارنا.

أخذ العلامة يكتشف وتفتح أمامه آفاق زيف واختلاق هؤلاء الصحابة الذين نسب اليهم الزيف الأموي والتي جاءت أصلها من معاوية.

العلامة العسكري كانت حياته كلها صدقاً وتقوى وورعاً، اصطحبته في بعض السفرات وهو مريض ذهبنا الى اردبيل هناك مياه معدنية وجدته حتى بالسفر لم يترك المطالعة والرد والتخطيط والبرمجة..

كان متوكلاً على الله في جميع أموره وأهل بيت العصمة وخاصة الإمام المنتظر (عج)، حياته دروس، بحر عظيم من الصفاء والاخلاص والورع، لا يقول جزافاً إلا بعد أن يطمئن يعمل باستمرار يمتلك روحية الشباب، كأن عمره (٢٠) سنة رغم انه ناهز الثمانين، همته وغمّه الإسلام، يريد الإسلام أن يكون هو الحاكم في الحياة في جميع المدارس والمشاريع العامة، أراد أن ينشر الإسلام أن يوغي الشباب، أن تأخذ الأمة دورها في الحياة، كان لا يؤمن بالعنف، بالاغتيالات دائماً كان يطمح بأن يكون إسلام المحبة والتوادر والوحدة.

وبعد مجيئه الى إيران ترك العمل السياسي وأخذ يفكر بنشر ثقافة وفكر أهل البيت، أخذ يفكر ما يريد الله سبحانه وتعالى منّا، في معرفة وتبيين وتوضيح مدرسة أهل البيت ورغم ذلك لم يألُ جهداً في رعاية السياسيين فكان أباً ومريباً ومرشداً وهادياً للتنظيم والعمل من اجل تحكيم الإسلام في عموم البلاد الإسلامية.

والحمد لله رب العالمين

من حوار مع سماعة السيد محمود الميالي

بسم الله الرحمن الرحيم والصلاة على محمد وآله الطيبين الطاهرين...

العلامة السيد مرتضى العسكري يعتبر من رواد ومؤسسي العمل الإسلامي السياسي في العراق على مدى السنوات الثلاثين أو الأربعين سنة الماضية؛ حيث تمتد جذور العلامة العسكري الى بدايات نشأة الحركة الإسلامية في العصر الحديث أو بدايات نشأة العمل الإسلامي المنظم حيث ساهم العلامة العسكري حفظه الله ورعاه مساهمة فاعلة في تأسيس الحركة الإسلامية لحزب الدعوة ويعتبر من المؤسسين الأساسيين في تأسيس هذا الحزب وبمساهمته في العمل الحركي في العمل نعتبه مؤسس منهج، وبهذه السعة، أما الأعمال التي قام بها هذا الحزب في العراق لايجاد سبل وطرق أكثر حداثة فلها امتدادات قد تخرج عن نطاق حزب الدعوة، وهذا المنهج الذي أوجده العلامة العسكري قد يكون وجد قبل حزب الدعوة الإسلامية ولكن تجذيره من خلال تأسيس هذا الحزب. والأعمال التي قام بها أثرت تأثيراً كبيراً في العمل السياسي في العراق وبشكلٍ فاعل بتأسيس هذا الحزب وساهمت مساهمة فعالة في تجذير وتطوير وإيجاد سبل وطرق ومنهج للعمل أكثر حداثة للعمل السياسي في العراق من

جهة، والعلامة العسكري له امتدادات سياسية قد تخرج عن حدود ونطاق العمل الإسلامي المنظم، تمتد الى سيرته السياسية كعالم دين ومساهمته في تأسيس جماعة العلماء في بغداد، وما كان لهذه الجماعة من تأثير كبير جداً في الأحداث المعاصرة للسيد المرجع الحكيم رحمته الله؛ حيث ساهم العلامة في دعمه بكل قوة وكان من الذين يعتمد عليهم في هذه النهضة مع إخوته العلماء في بغداد محاولة منه لتطوير العمل السياسي في العراق ودعم حركة مرجعية السيد الحكيم السياسية في العراق كل ذلك يوحي بأن العلامة العسكري ساهم بشكل فاعل في تأسيس وتجذير وتطوير العمل السياسي الإسلامي في العراق.

لاشك أن العلامة العسكري أوجد منهجاً جديداً علمياً في تحقيق الأحداث التاريخية وذلك من خلال النقطة التي ركّز عليها سماحته في دراسة التاريخ، وهذه النقطة تقتضي أن الإنسان يذهب الى جذور الأشياء التاريخية وهناك عليه أن يسلط الضوء على تلك الجذور ومن ثم الى الفروع التي امتدت على أساس هذه الجذور.

العلامة العسكري حقق في شخصية عبدالله بن سبأ فانطلق الى أساسها، حقق في جذور ابن سبأ التاريخية، بحث في إيجاد اساس اسم عبدالله بن سبأ وسلط الضوء عليه، راجع المصادر المختلفة وغير ذلك من خلال التحقيق على اختلاق شخصية اسلامية تاريخية وأنها مؤثرة في مسار حركة التاريخ تبين أنها عملية اختلاق هادفة أريد بها أن تحقق أهدافاً معينة واستطاع العلامة العسكري بهذا العمل الجبار أن يُنقّي الكثير من الأحداث مما ارتبط بالمسيرة النبوية وبذلك أوجد باباً وهو: إذا أردتم أن تحققوا في قضية تاريخية أو شخصية إسلامية

أذهبوا إلى جذورها أو إلى الظروف التي ذكرت فيها اسمها أو التي ساهمت في ظهورها، ف شخصية ابن سبأ ليست شخصية إسلامية ولا تاريخية. بل أريد من هذه الشخصية المساس بمذهب التشيع وأن أصول هذا المذهب أصول يهودية ودخيل على الإسلام.

وبهذا أسس العلامة العسكري منهجاً رائعاً لاشك أنه أثر بشكل كبير في تحقيق وتنزيه السيرة النبوية وتحديد الأبعاد الحقيقية من الأشياء المختلفة وتنقية التاريخ الذي أصابه الغبش.

وأما بخصوص الصراع الفكري، اعتقد أن مسألة الحداثة ومسألة وقوع أحداث معينة تؤثر على المنهج الفكري في البحث، والمنطقة مرت بأحداث كثيرة وتحولات كبيرة، لقد هبت موجة استطاع فيه الفكر الغربي أن يجتاح الواقع الإسلامي وأن يبت سموه على كافة الأصعدة إلا أن السيد العلامة العسكري استطاع بحنكته السياسية أن يشخص مواطن الضعف ويوقف الحملات المشبوهة عند حدودها؛ فحاول أن يرجع منهج الفكر إلى أصول الإسلامية ويركز على هذه المسألة، وقال: إن التأثير بالمنهج الجديد يضر بالتواكب الإسلامية والشرعية، ولهذا ركّز إلى إعادة التفكير إلى أصوله الإسلامية، ولكن لا أنه شك كان هادفاً في تجذير هذا المعنى.

العلامة العسكري من رواد المدارس الإسلامية في بغداد والكاظمية والبصرة أسس عدة مدارس أمثال مدرسة الإمام الصادق عليه السلام ومدارس الجوادين وكذلك منتدى النشر والجمعية الخيرية وكذلك كلية أصول الدين؛ فقد كانت فكرة رائعة إنشاء كلية أصول الدين وعلى المنهج الحديث، ولكن تتجذر من خلال الفكر

الإسلامي والتاريخ الإسلامي والذي يناسب العصر وعندما نجحت في العراق، وجاء إلى إيران أعاد فكرة تأسيس كلية أصول الدين في إيران وفتح لها فروعاً في طهران وقم ودرزفول وتأسيس المجمع العلمي الذي ألف الكثير من الكتب والمناهج الإسلامية، ولا تزال تُدرس في الحوزة العلمية في قم المقدسة، وكذلك المحاولة التي قام بها في دراسة العقيدة الإسلامية وفق منهج قرآني جديد أعطاها بعداً قرآنياً من خلال ذهن وقاد في نهضة الأشياء وابتكار مؤسسات لطرح الفكر الإسلامي من جديد ليأخذ دوره وتحكيمة في الحياة.

والحمد لله رب العالمين.

العلامة العسكرية في مصادر التوثيق

✍️ صادق جعفر الزوازي

هذا الكتاب

إيماناً منا بجمع تراث العلامة العسكري، وبعد موافقة المجمع العالمي لأهل البيت (عليه السلام) واللجنة العلمية المختصة بالمؤتمر المزمع عقده لتكريم العلامة السيد مرتضى العسكري في شهر شعبان ١٤١٤ هـ / ٢٠٠٣ م تم العمل لإنجاز هذا الاصدار وفق منهجية خاصة توضح دور العلامة العسكري في كافة المجالات الحياتية المتعددة.

منهجية العمل

بعد جهود مضية في البحث والتنقيب في بطون المصادر التاريخية والسياسية، استطعنا الحصول على الكثير من المصادر التي فيها ذكر للعلامة العسكري ولنتاجاته المتعددة ومواقفه السياسية البارزة ومشاريعه التربوية والخدمية. فجاءت طريقة العمل مختصة بذكر عنوان المصدر وعدد صفحاته واسم المؤلف أو الباحث واسم الناشر وتاريخ طبع المصدر ورقم الصفحة وحسب التسلسل الهجائي لأسماء المؤلفين، ثم تسليط الضوء على ما خصّه المؤلف أو الكاتب بما يتعلق بنتائج ومشاريع ومواقف العلامة العسكري. سواء كان ذلك من الكتب أو المجلات والصحف، وبصورة حيادية وموضوعية لتوضيح ماله وما عليه ضمن رؤى ومتبنيات الآخر بعيداً عن مقص الرقيب وهواجس العاطفة واحتدام المشاعر في التجليل والتبجيل. فجاءت المنهجية بصورتها الموضوعية وأمانتها العلمية وبصورتها الدقيقة. ثم أفردنا فهرساً

بكشاف العناوين، يعتمد اسم الموضوع وحسب التسلسل الهجائي للحروف واسم المصدر المنشور فيه واسم المؤلف ورقم المدخل، تسهيلاً للباحث الذي قد يعرف اسم الموضوع ولم يعرف اسم الكاتب.

المقدمة

أخذت نتاجات العلامة العسكري مكاناً مهماً ضمن كثرة نتاجات المكتبة الإسلامية، بل سجل في بعضها فتحاً كبيراً في المجال التاريخي ضمن إطار الحدث الإسلامي وبالأخص كتابه «عبد الله بن سبأ وأساطير أخرى»؛ مما أثار شهية الباحثين والمحققين في التنقيب والتحقيق لبطون الكتب المهمة للوقوف على النتيجة التي قطع بها العلامة العسكري بحته التاريخي الروائي العلمي من حقيقة عبد الله بن سبأ، معتبراً إياه أسطورة خرافية وسيناريو محبوباً وضعه أحد رواة العهد الأموي سيف بن عمر والذي اتفق عليه جميع الرواة بأنه «وَضَاع كَذَاب، زنديق»، ولا أرى أبلغ مما قاله الدكتور طه حسين في كتابه «الفتنة الكبرى»: بأن ابن سبأ ذخره أعداء الشيعة للشيعة.

ومنذ صدور الكتاب في طبعته الحيدرية الأولى عام ١٩٦٠ وإلى يومنا هذا قُدمت حول هذه الإثارة العديد من الطروحات الجامعية ومختلف التأليفات والبحوث والمقالات بعضها يناقض ما توصل إليه العلامة العسكري، والبعض الآخر يعدّه انجازاً كبيراً رفع عن التشيع الكثير من الشبهات التي بقيت ملازمة له طيلة ما يقارب ألف عام، ولكن بعد جهود تحقيقية مضيئة بذلها من قبل السَّابِق العلامة العسكري، ولم يتسرع بنشره إلا بعد مرور سبعة أعوام على تأليفه تحسباً لردود الفعل والدهشة في الوسط العلمي ومراعاةً لعقل المسلم في الشرق ومعتقداته على أساس واهن مما يسمى بالمسلمات التاريخية التي لا حقيقة لها ولا وجود.

وما أن تنفست الساحة العلمية أنفاسها من هول هذه الإثارة التاريخية حتى أصدر العسكري كتابه الثاني «خمسون ومائة صحابي مختلق» فأربك العسكري عقول المتخصصين في الحقل التاريخي مما جعل السجال يشتد بقوة هذه المرة فاختلف عليه الكثير ممن يعتقد بمدالة الصحابي، وظن البعض منهم خطورة هذه البحوث على بعض المذاهب، بل هي نفس لكل، أسس ومتبنيات المذهب الوهابي، حتى أنه لا يمكن له الصمود أمام الجديد من بحوث العلامة العسكري. وقد كثرت المقالات والبحوث بهذا الخصوص مرة أخرى وبالأخص التركيز على «عبد الله بن سبأ» لأن ما توصل له العلامة العسكري في «خمسون ومائة صحابي مختلق» هي مجموعة آفاق متعددة من جهده الأول عبد الله بن سبأ، فالباحث المعارض حينما يثبت حقيقة وجود شخصية عبد الله بن سبأ - الأسطورة في دور قتل الخليفة عثمان، بالأخص - سوف يثبت بالضرورة وجود بعض الصحابة كحقيقة وليس اختلاقاً، وهذا ما خلق سجلاً ساخناً في الأوساط العلمية منذ صدور الكتابين وإلى يومنا هذا.

وإيماناً منا بجمع تراث العلامة العسكري استطعنا بعد جهود شاقة الوصول الى بعض ما تيسر من هذه السجلات العلمية المتفرقة في بطون الكتب والصحافة والمجلات. ولم تقتصر بهذا العمل على الجانب العلمي عند العلامة العسكري بل سعينا جاهدين في احصاء وعرض ما كتب عن حياته السياسية وإنجازاته التربوية والثقافية وسجلاته الفكرية مع أصحاب الآراء الاستشراقية في كل من العراق وإيران، فجاء هذا الجهد يسجل بعض معالم العلامة العسكري في المجالات الحياتية المتعددة.

وتبقى دعوتنا لكل الأخوة الباحثين والكتاب والمعنيين بالشأن العلمي والسياسي أرشادنا الى المصادر التي جاءت فيها إشارة - من قريب أو بعيد - عن دور العلامة العسكري في المجالات الفكرية والسياسية والثقافية والتربوية

وغيرها مما لم تقع عليها أيدينا، فهي دعوى صادقة وموضوعية في إنصاف هذا الرجل الذي أفنى كل حياته في خدمة الحقيقة والبحث عنها ولا زال مواكباً مساره رغم شيخوخته وتجاوز عمره العقد التاسع منه. وإن اختلف منهج البعض مع منهجه فالموضوعية العلمية أساسها الإنصاف والعدل في التقييم وليس الإعراض والرغبة في الإلغاء، بل التواصل والدعم فيما بين المنهجين المختلفين هو انطلاقة حضارية متميزة وسمة من سمات العمل العلمي الذي لا تشوبه رغبة الأهواء والأنا بحثاً عن ضالة الحقيقة، وكما قيل في المتعارف «الخلاف لا يفسد في الود قضية».

وأخيراً نتمنى لهذا الرجل بعد أن تكحلت عيناه بفردوس العراق بعد رحيل نظام الطاغية صدام أن يستعيد عافيته ويمدّه الله بالعمر المديد لخدمة مسلمي العراق وتمتع العراقيين بفيض علومه، انه سميع مجيب الدعاء.
والحمد لله رب العالمين.

صادق جعفر الزوازي

العسكري وعالم السيرة

ولد العلامة العسكري في جمادي الثانية من عام ١٣٣٢ هـ / ١٩١١ م في مدينة سامراء في العراق، ومن عائلة علمية هاجرت من المدينة المنورة الى مدينة ساوة في إيران زمن العلامة المجلسي صاحب البحار.

والده: العالم الفاضل السيد محمد اسماعيل صهر آية الله الميرزا محمد الطهراني العسكري الملقب بخاتمة المحدثين (١٢٨١ - ١٣٧١ هـ)، توفي والده وهو لا زال طفلاً صغيراً، وتعلم القراءة والكتابة في بيت والده، وحين بلغ العاشرة دخل الحوزة العلمية في سامراء في عهد الميرزا الشيرازي رحمته الله وطوى في هذه الحوزة دروس المقدمات والسطوح.

شغف ومنذ صباه بقراءة الكتب وخصوصاً كتب السيرة النبوية وسيرة أهل بيته عليهم السلام وسيرة الصحابة وكتب التاريخ والرحلات كرحلة ابن جبير وابن بطوطة ورحلة الأوربيين الى المشرق، وأيضاً الكتب التي كانت تروي قصة استعمار البلاد الإسلامية وتوضع ما كان يجري من حوادث مهمة على الأمة الإسلامية آنذاك.

ترك العلامة العسكري مدينة سامراء في عام ١٣٥٠ هـ - ١٩٢٩ م، لظروف اقتصادية صعبة ألمت به، فذهب الى إيران - مدينة قم - وواصل التدريس في

الحوزة العلمية في عهد مرجعية الشيخ عبد الكريم الحائري. وفي قم درس السطح العالي فقهاً وأصولاً على يد المرحوم السيد المرعشي النجفي والحاج شيخ محمد حسين شريعت مداري الساوجي، كما حضر مباحث الأخلاق على الشيخ مهدي البائني شهري وحضر العقائد عند الامام الخميني ودرس التفسير عند الحاج الميرزا خليل الكمره أي.

ومن قم عاد الى العراق بعد أن استجدت ظروف جعلته أن يتخذ هذا القرار، فرجع الى سامراء في عام (١٣٣٥ - ١٩٣٢ م) وحضر درس الشيخ حبيب الله الاشتها ردي المعروف بـ (المدرس العسكري) وهو أحد طلبة الحاج شيخ هادي الطهراني (وهو صاحب مدرسة خاصة في الولاء لأهل البيت عليه السلام) كما حضر درس المرحوم ميرزا علي تلميذ الميرزا حبيب الله ودرس المرحوم الشوش تري المرعشي.

وفي عام (١٣٦٣ هـ - ١٩٤٢ م) قرر الذهاب الى بغداد لإنشاء مدارس عصرية لأبناء العراق ولم تنجح محاولته تلك فعاد من جديد الى حوزة سامراء ليكمل دراسته على يد أستاذه الشيخ الاشتها ردي.

وفي هذه الفترة انتقلت المرجعية في ايران الى السيد حسين البروجردي، وفي عهده عاشت الحوزة العلمية في قم اوضاعاً جديدة قياسية الى الحوزة في العراق، فقرر العلامة العسكري الهجرة الى قم مرة أخرى لطرح مشروعه الخاص بمدرسة العلوم الدينية على الطريقة التي يراها هو، وقد وافق السيد البروجردي على مشروعه، غير أن قيام قضية تأميم النفط في زمن المرحوم (مصدق) وما صاحبها من مشاكل انعكست مع آية الله الكاشاني أدت الى أن

يتعثر انجاز ذلك المشروع، فقرر الرجوع الى العراق مرةً أخرى. فعاد العلامة العسكري بعد عام الى منطقة البياح ثم الى منطقة الكرادة الشرقية في عام (١٩٦١م) وفيها توسعت مشاريعه العلمية وتعقدت علاقته بمرجعية آية الله الحكيم آنذاك بشكل خاص.

وفي عام (١٣٨٩ هـ - ١٩٦٨ م) اضطر السيد العسكري وبسبب ممارسات حكومة حزب البعث في العراق الى الهجرة الى لبنان ومنه الى ايران ولا يزال فيها الى وقتنا الحاضر (١٤٢٤ هـ - ٢٠٠٣ م) حيث لا يزال يمارس نشاطه في الدرس والتأليف مع الاضطلاع بمهمة عمادة كلية أصول الدين في طهران وقم وديزفول.

الانجازات العلمية للعلامة العسكري

يعتبر العلامة العسكري من رواد الحركة الاصلاحية في العراق الذين اكتشفوا حقيقة أبعاد المناهج الدراسية «التربوية والتعليمية» التي قررها المستشارون الأجانب في دوائر وزارة التعليم الرسمي لتربية النشأ الجديد في البلاد الإسلامية، واكتشف العلامة العسكري بعد دراسة مقارنة التفاوت والبون الواسع بين المناهج التي تُدرّس في ألمانيا وفرنسا واليابان وبريطانيا ومثيلاتها المقررة في بلادنا الخاضعة لنفوذهم وسيطرتهم؛ حيث تبين له ان مدارسهم ومناهجهم تأخذ الشباب والطلبة لتهيئهم وتعددهم كوادر متخصصة وطاقات عاملة في مختلف جوانب العلوم والمعرفة، بينما تأخذ مدارسنا وكلّياتنا هذه الناشئة لتخرجهم موظفين في دوائر الدولة، ومن هنا كان العلامة العسكري يسمي مدارس ذاك الوقت بـ (معامل تحضير الموظفين) وهكذا توصل الى تحديد وتعيين أحد وأهم الأسباب الحقيقية لتخلف مجتمعاتنا الإسلامية آنذاك. أما رؤيته في مناهج الحوزات العلمية فكان يرى أنها في دراسات الفقه والأصول موقفة كلّ التوفيق في تخريج العلماء والباحثين، إلا انها أصبحت لا تعني بسائر العلوم الإسلامية الأخرى التي لا يستغني عنها الفرد المسلم في أي عصر كان، لأن المجتمع بحاجة الى القرآن وعلومه والى سيرة النبي ﷺ وسيرة المعصومين  من بعده، وأيضاً الى البحوث العقائدية. بحيث يمكن القول - والقول للعلامة العسكري - إن دروس التفسير والسيرة كانت قد انعدمت إلا في

أوقات التعطيل هنا وهناك، وإن دروس العقائد تراجعت وأصبحت قليلة لا يوازي الاهتمام بها أهميتها وعمق الحاجة إليها.
ومن خلال ادراكه لأهمية مناهج المدارس الحكومية ومناهج الحوزات العلمية حاول العسكري أن يعمل شيئاً لإصلاح الواقع:

أولاً: محاولة ادخال درس التفسير في حوزة قم

قال سماحته: لما كنت طالباً في حوزة قم، في المدرسة الفيضية بين عام (١٣٥٠ - ١٣٥٣ هـ) وجدت أن الحوزة العلمية مقتصرة على تدريس الفقه والأصول فاستطعت أن أؤثر على جماعة من الطلبة معي منهم السيد محمود الطالقاني أول إمام جمعة في طهران في بداية الثورة الإسلامية والشيخ الصدوقي أحد شهداء المحراب الأربعة، والسيد عبد الرضا الصدر وغيرهم بحيث وصل العدد إلى تسعة أو عشرة طلاب، وانفقنا على حضور درس للتفسير في أيام الدراسة الحوزوية لا في أيام التعطيل، عند الميرزا خليل كمره أي، وقد انقعد فعلاً درس التفسير، غير أن درسنا هذا أثار استغراب بقية الطلبة وكانوا يتعجبون منا لحضور هذا الدرس في وقت التحصيل على حد تعبيرهم، وكنا ندرس معه حاجة المسلمين في العالم الإسلامي أينما كانوا، غير أن الذي حصل أن مدير المدرسة في زمن السيد حسين البروجردي - المرجع آنذاك - وكان يدعى بالميرزا مهدي قد خالفنا وتصوّر أننا بصدد إحداث تغيير في الحوزة وعمل على تعطيل درسنا الذي كان مع اخلاصه وإدارته الجيدة للمدرسة غير مدرك لحقيقة عملنا ولم يرتقِ إلى عمق تفكيرنا.

ثانياً: محاولة انشاء مدرسة حوزوية جديدة في سامراء

بعد رجوع العلامة العسكري من قم الى العراق بعد عام ١٣٥٣ هـ - ١٩٣٢ م، حاول سماحته أن ينشئ مدرسة حوزوية في سامراء بمناهج وفق الرؤية التي كان يؤمن بها واتفق مع خاله المرحوم نجم الدين العسكري وخاله الشيخ أبي الحسن، ولكنه لم ينجح في مساعيه تلك. فقرر على اثر ذلك الذهاب الى بغداد والكاظمية لعله ينجح في اقامة مشاريعه هناك.

ثالثاً: تأسيس مدرسة منتدى النشر في الكاظمية

يقول العسكري: التقيت في الكاظمية الاستاذ أحمد أمين صاحب كتاب (التكامل في الإسلام) وخلال اللقاء أعطيته كتابي «الأمراض الاجتماعية»، وبعد قراءته أبدى أحمد أمين استعداداً للعمل في مشاريعي، غير أنه لم يتفق معي في نقطة البداية، إذ كان رأيي أن يبدأ العمل من المدارس الابتدائية وكان رأيته أن يبدأ العمل من المدارس العالية لتخريج المعلمين، وعذره كان أن المدارس الابتدائية تحتاج الى مدرسين، فاذا جيء بهم من المدارس العصرية فهم غير متديّنين وإذا جيء بهم من الحوزة فهم غير قادرين على التدريس في مثل تلك المدارس، ويقول العسكري: ان تقييم أحمد أمين لمستوى طلبة الحوزة لم يكن دقيقاً، وأخيراً اتفق على أن يشرع وفق رؤيتي من الابتدائية.

ومن أجل أن تكون المدرسة رسمية اتفقنا مع الشيخ محمد رضا المظفر على تأسيس مدرسة في الكاظمية تابعة لجمعية منتدى النشر في النجف الأشرف. وفعلاً تأسست مدرسة منتدى النشر في الكاظمية بعد أن تشكلت جمعية مؤسسة لها. برئاسة السيد أحمد الحسيني والد السيد علي نقي واتفقنا على أن يكون

مدير المدرسة السيد محمد الخلاني، ويقول العلامة العسكري: أنا رجعت الى سامراء من أجل انشاء مدرسة أخرى هناك، ولكن الصعوبات التي واجهتها مدرسة منتدى النشر في الكاظمية جعلت أحمد أمين يصرّ على عودتي الى الكاظمية وفعلاً عُدت الى الكاظمية وتطوّر وضع المدرسة ونشاطاتها حيث كان يحضر نشاطات تلك المدرسة آنذاك رجالات الشيعة أمثال (جعفر أبو التمن) ومحمد رضا الشيبلي والسيد عبد المهدي المنتفجي، وكان يقال ان الفرع زاد على الأصل، ونجحت مدرسة منتدى النشر في مرحلتها الابتدائية، وأصبح لها بناية عظيمة وانتقلت رئاسة الجمعية المؤسسة لها بعد وفاة السيد أحمد الحسيني الى ولده السيد علي النقي.

رابعاً: الاتفاق مع المرجع السيد البروجردي على انشاء مدرسة في قم

ترك العلامة العسكري مدرسة منتدى النشر في الكاظمية بسبب مشاكل أثّرت مع الجمعية المؤسسة لها ورجع الى سامراء وانصرف الى كتابة السيرة النبوية إلا أنه وبعد سنتين من رجوعه عمّد العزم على الهجرة الى قم لمفاتحة السيد البروجردي بشأن مدرسة علمية وفق المنهج الذي خطّط له، وفعلاً حصل على موافقة المرجع الأعلى للشيعة في إيران آنذاك ولكن ظروف تأمين النفط وما أثّرت من مشاكل مع مُصدّق والسيد الكاشاني والحوزة العلمية جعلت بعض العلماء كالسيد صدر الدين والد السيد موسى الصدر ينهونه عن انجاز مشروعه، كما أن الرسائل التي بُعثت الى السيد البروجردي من الكاظمية كرسالة الشيخ مرتضى آل ياسين التي كانت تطالب برجوع العلامة العسكري الى هناك جعلته يصرف النظر عن مشروع تلك المدرسة ويرجع الى العراق مرة أخرى.

خامساً: مدرسة الامام الكاظم عليه السلام في الكاظمية

بعد رجوع العلامة العسكري الى الكاظمية حاول أن يؤسس حوزة علمية فيها ولكنه لم يوفق فأنشأ مدرسة الامام الكاظم عليه السلام التي استمرت الى ما بعد قيام ثورة ١٩٥٨ م.

سادساً: مدارس أخرى في بغداد وغيرها

استطاع العلامة العسكري أن يؤسس العديد من المدارس والمعاهد التربوية الأهلية وفق المنهج والخطّة التي رسمها وهي كما يلي:

- ١ - مدرسة الامام الجواد عليه السلام في الكرادة الشرقية.
- ٢ - مدارس بغداد الجديدة - بغداد.
- ٣ - مركز تعليم البنات - بغداد.
- ٤ - مدارس الزهراء للبنات - بغداد بإشراف الشهيذة بنت الهدى عليها السلام.
- ٥ - مدارس الامام الصادق عليه السلام - البصرة.
- ٦ - ثانوية الامام الباقر عليه السلام - الحلة.
- ٧ - ثانوية الامام الحسن عليه السلام - الديوانية. وقد كانت تحت اشراف الشيخ محمد مهدي شمس الدين قبل أن تصبح بعهدة جمعية الصندوق الخيري.
- ٨ - روضة الزهراء للأطفال - بغداد.

سابعاً: كلية اصول الدين في بغداد

تُعتبر كلية أصول الدين الانجاز الأهم للعلامة العسكري حيث أسسها في بغداد عام ١٩٦٣ م لتكون نواة لجامعة اسلامية متكاملة، وقد خرّجت عدة

دورات، ودرّس فيها اساتذة من خيرة اساتذة جامعة بغداد. وبعد مجيء نظام البعث عام ١٩٦٨ م قرّر إلغائها.

ثامناً: المجمع العلمي الاسلامي

في عام (١٣٩٧ هـ - ١٩٧٩ م) قام العلامة العسكري بتأسيس المجمع العلمي الاسلامي في طهران ليمارس من خلاله دروسه العلمية وتطوير الكتب الحوزوية على مستوى المقدمات، وقد قدّم هذا المجمع خدمات جمة للعالم الاسلامي على مستوى ارسال المبلّغين وتأسيس المدارس وتهيئة المناهج وطبع الكتب.

تاسعاً: كلية أصول الدين في طهران وقم وديزفول

لئن استطاع النظام البعثي غلق كلية اصول الدين في بغداد ليحرم أبناء الأمة الإسلامية من فرصة الاستفادة منها ومن العلوم التي كانت تُدرس فيها، فإن الله سبحانه وتعالى قد عوّض العلامة العسكري بعد عمر تجاوز الثمانين، بأن وقر له فرصة اعادة تأسيس كلية أصول الدين مرة أخرى بفروع وإمكانيات أفضل حيث تم فتح هذه الكلية عام (١٤١٧ هـ - ١٩٩٦ م) في مدينة قم وبعدها بعام فُتِح لها فرع في طهران وبعدها بعام آخر فُتِح لها فرع في مدينة ديزفول، كما أن مراحل الدراسة فيها شملت البكلوريوس والماجستير والدكتوراه.

النشاط الاجتماعي عند العلامة العسكري

لم يكن العلامة العسكري بمعزل عن ساحة العمل الاجتماعي وهو الذي أحس مُبكراً بما يعانيه مجتمعه وما يقاسيه من انمآسي والآلام، ومن هنا فقد اتسع عمله ليشمل كلّ مجال يستطيع من خلاله أن يقدم العون والمساعدة لمجتمعه ويعينه على أن يتجاوز محنته ومشاكله. وكانت نظريته تنطلق على أساس أن العمل المثمر لابدّ وأن يقوم على أساس المؤسسات لا العمل الفردي وإن كان للعمل الفردي فوائده أيضاً، ومن هنا قام وبمعاونة العلماء الآخرين بتأسيس:

١ - جمعية التربية الإسلامية.

٢ - جمعية الصندوق الخيري الاسلامي، وقد أسس هذه الجمعية السيد هبة الدين الشهرستاني وكان أول رئيس لها ثم تولى العلامة العسكري رئاسة هذه الجمعية بعده، وقد تولّت جمعية الصندوق الخيري:

أ - فتح مستوصف الرعاية الإسلامية في الكرادة الشرقية.

ب - فتح مستوصف الرعاية الإسلامية في الكاظمية.

كما أنها كانت على وشك الشروع ببناء مستشفى الامام الحسين عليه السلام ولكن المشروع لم يتم.

ج - تبنّت الجمعية العديد من المدارس التي أسست آنذاك - كما تقدم -.

العلامة العسكري والتحريك السياسي

كانت بداية تحريكه السياسي منذ أن رأى عمل الآخرين من أجل تأسيس الحكومات العلمانية، وقد ساعد الجو الديمقراطي السائد أيام الحرب العالمية الثانية والصراع بين الدول الديمقراطية والشيوعية والنازية على فتح آفاق للعاملين الاسلاميين سواء في مصر أو العراق. يقول العلامة العسكري: «في هذه الفترة تساءلت لماذا لا نستبدل تأسيس المدارس ونسعى للمطالبة بالحكم الاسلامي خصوصاً مع مطالبة الفئات العلمانية بالحكم». ومن هنا آمن العلامة العسكري بفكرة قيام الحكومة الإسلامية وأخذ يطرح هذه الفكرة ويبحثها مع العديد من العلماء والمراجع المتصدين في ذلك الوقت. فسأل سماحته المرجع السيد محسن الحكيم، وقال له: لو رجع اليكم يا فتها الشيعية، المسلمون وطلبوا منكم اقامة الحكم الاسلامي، أي حكم في عصر الغيبة ترون صحة اقامته؟ ففكر المرجع عليه السلام ملياً، وقال: «نحن نطالب بتنفيذ الأحكام ولما لم يرد نص في كيفية الحكم فنحن في سعة، فنرجع الى أهل الخبرة ونسألهم أي نوع أصلح نطلب اقامته».

ويضيف العلامة العسكري: سأله مرة أخرى - ولم تكن واردات النفط قد بلغت ما هي عليه اليوم - قلت: لو أعطيت لكم مقاليد الحكم وأردتم إقامة

الحكم، فمن أي باب تسدون ميزانية الدولة؟ يقول فخرٌ ملياً، وقال: «تطرح علينا اليوم مسائل لم يسبق أن طُرحت على السابقين، هذه المسائل جديدة وينبغي أن نرجع إلى المصادر ونلتمس الأدلة.

ثم تكلم العلامة العسكري مع المرجع الراحل السيد الميلاني بصراحة أكبر، فيقول العسكري: وجدته قد سبقني في الفكر والوعي والطلب في إقامة الحكم الاسلامي. ويضيف: ثم طلبت من أحد العلماء في طهران وكان تلميذاً للسيد الطباطبائي أن يطلب منه الكتابة في الموضوع وكتب السيد الطباطبائي رحمه الله ولم تكن كتابته كافية، ولم يطرح المسألة على أساس فقهي كما كنا نريد.

ويقول العلامة العسكري: كل ذلك كان قبل قيام السيد الامام الخميني رحمه الله في مقابلة شاه ايران. وبشكل عام، العلامة العسكري أدرك واقع الأمة ودرسه في كتابه (الأمراض الاجتماعية) واتضح له أن تربية الناشئة تربية اسلامية واعية هي التي تعالج القضايا الأخرى كلها، غير أن الظروف السياسية وسيطرة وهيمنة المستعمر ورجاله وتنوع مشاريعه من جهة والظروف القاسية التي واجهت مشاريع العسكري من جهة ثانية جعلته يشعر أن هذه المشاريع لا يمكن لها أن تؤدي الغرض المطلوب منها، ومن هنا بدأ يفكر في القيام بعمل من نوع آخر، وهو العمل السياسي، وحول هذه الفترة وما صاحبها من إرهاصات يقول سماحته: انني رأيت أن هذه المدرسة لم تكن تلبي حاجة المجتمع فاستشرت آية الله السيد عبد الهادي الشيرازي حول اغلاقها، إلا أنه أخبرني بأنه لا يجوز لي شرعاً القيام بذلك. كنت يومها اعاني من حالة يأس بجدوى عملنا في وجه التيار الغربي الجارف المضاد للإسلام؛ حيث بدأ أواخر الحرب العالمية الثانية

والحقبة التي تلتها تأسيس الأحزاب غير الإسلامية فأصبح شبابنا ينتمي الى الحزب الشيوعي مثلاً رفضاً للتمييز والتعسف الذي يتعرض له أو الى الحركات القومية مثل البعث الذي لم يكن ظاهراً بصورة واضحة اضافة الى الحزب الوطني الديمقراطي وغيره من الأحزاب، رأيت أننا نخسر الشباب وان الحاجة تقتضي القيام بنمط آخر من الأعمال، ومما دفعني بصورة أكبر الى التفكير بإنشاء حزب حركي للشباب هو لقائي بشاب انتمى للحزب الشيوعي وكان سليل أسرة علمية من آل الرسول ﷺ مساء أحد أيام شهر رمضان المبارك، سألته بألم، ماذا رأيت من الإسلام لتتركه وتعتنق الشيوعية؟ أجابني بأني مسلم وصائم الآن إلا أن الإسلام يفتقر الى نظام الحكم ونحن كبشر فإننا بحاجة الى البحث عن النظام الأمثل وحينما قارنت بين النظامين الرأسمالي والاشتراكي اخترت الثاني، هنا انتهت الى أننا ولمواجهة الوضع الذي ساد الساحة آنذاك لابد أن نفعل شيئاً ولكن أتحدث مع من؟ وفيما أنا أعيش هذه الأفكار جاءني السيد مهدي الحكيم حاملاً رسالة من السيد محمد باقر الصدر ﷺ فتحت الرسالة وكانت تقول يحمل كلامي اليك السيد مهدي الحكيم، سألت السيد مهدي ﷺ، فقال لي: بأنني والسيد الصدر نفكر بتأسيس حزب اسلامي وأن السيد قال اذا وافق السيد العسكري فاننا نستطيع السير في ذلك، قلت للسيد مهدي اذهب وأنا سأتيكم، لا أذكر التاريخ بالضبط إن كان قبل أو بعد ١٤ تموز ١٩٥٨م، وإذا كان قبلها فان الأمر لا يتجاوز شهوراً قليلة، ذهبت من الكاظمية واجتمعنا أربعة أشخاص: أنا والسيد مهدي الحكيم والسيد الشهيد الصدر وآخر

لا أريد ذكر اسمه لأنه في العراق مازال حيًّا^(١)، وقررنا تشكيل الحزب، وبعد ذلك دعا كل منا من يعرفه، فدعوت محمد هادي السبتي ومحمد صادق القاموسي وصالح الأديب، ودعا السيد مهدي الحكيم الشهيد عبد الصاحب دخيل، عقدت هذه المجموعة اجتماعها الأول، ثم تأسست القيادة من خمسة أشخاص: السيد الصدر والسيد مهدي الحكيم ومحمد صادق القاموسي وآخر، فالقاموسي لم يستمر وترك العمل فبقينا أربعة أشخاص في القيادة. ثم ان السيد محسن الحكيم أمر ابنه السيد مهدي بالخروج وبعدها جمد السيد الشهيد الصدر عمله وكنت آخر من جمد عمله في الدعوة سنة (١٩٦٣ م) حين طلب مني المرجع الحكيم أن أقوم مع الشيباني رحمته وأعمال أخرى مشابهة.

لم يبتعد العلامة العسكري عن الدعوة وبقي معها حتى خروجه من العراق في عام (١٩٦٩ م)، وفي المهجر بقي العسكري وقادة الدعوة في لقاءاتٍ تشاورية مستمرة.

بالطبع هناك العديد من المواقف السياسية للعلامة العسكري سواء كانت تحت إشراف المرجعية أو مع حزب الدعوة الإسلامية، لا نرى ضرورة ذكرها هنا سيما وأن أغلب المصادر التي ذكرناها في هذا الكتاب توضح ذلك.

والحمد لله رب العالمين

(١) من لقاء لكاتب السطور مع العلامة العسكري، طهران ٢٠٠٢ م قبل سقوط الطاغية صدام حسين.

فهرس المؤلفين

-ابراهيم بيضون -

المدخل (١) اسم الكتاب: مجلة المنهاج (٣٢٠) صفحة

اسم المؤلف:

الطبعة: العدد الأول في ربيع ١٤١٦ هـ - ١٩٩٦ م

الناشر: مركز الغدير للدراسات في بيروت

اسم البحث: :عبد الله بن سبأ... قراءة تاريخية في الحديث والدلالة»

اسم الباحث: ابراهيم بيضون

يقول الاستاذ بيضون في معرض نقده «غير ان الشك يصبح يقيناً لدى مؤرخ معاصر، وهو السيد مرتضى العسكري الذي تصدى على نطاقٍ واسع لشخصية ابن سبأ، متوجاً جهوده بكتاب قارب فيه المنهج العلمي، وقد صدر في ستينات هذا القرن تحت عنوان «عبد الله بن سبأ وأساطير أخرى» نقول قارب هذا المنهج؛ لأن الدخول كلياً فيه يقتضي الحيادية التامة وعدم الانطلاق من فكرة قائمة في تفسير التاريخ، إذ أن العسكري يتعامل مسبقاً موضوعه على أساس أنه رواية ملفقة هدفها النيل من عليّ، وربط التيار الذي يمثله بعنصر خارجي، في حين أن المؤرخ محكوم من حيث المبدأ بالعودة الى النص، وأي استنتاج يصل اليه انما يكون من داخل النص وليس بعيداً عنه».

المدخل (٢) اسم الكتاب: مجلة المنهاج (٣٧٠) صفحة.

اسم الكاتب: د. ابراهيم بيضون «عبد الله بن سبأ في الدراسات الحديثة المعاصرة».

الطبعة: العدد الثاني

الناشر: مركز الغدير - بيروت صيف ١٤١٧ هـ / ١٩٩٦ م

في صفحة ١٦٩ يقول الكاتب: ان ما حققه العسكري من رصد الروايات والأحاديث والتوثيق لها ومقارنتها مع الروايات الأخرى يعدّ عملاً جليلاً بحد ذاته، وقد شكّل ذلك محاولة قراءة جديدة لشخصية ابن سبأ، بصرف النظر عمّا انطوت عليه من أفكار مسبقة، سرعان ما تجلّت في السطور الأولى من الكتاب، ومن هذا المنظور، فإن الكاتب على الرغم من أنه لم يكن البادئ في إثارة الاشكالية السبئية، فإنه من دون شك كان أول الطارحين لها على هذا المستوى الجدلي الحاد، مما لم يعد باستطاعة أحد من المؤرخين معه تجاهل ذلك اللبس الذي أحاط بشخصية ابن سبأ أو الخروج من دائرة الشك، على الأقل بدوره (الطارئ) في واجهة أحداث الفتنة.

المدخل (٣) اسم الكتاب: عبد الله بن سبأ.. إشكالية النص ودور الأسطورة (١٢٦)

اسم المؤلف: ابراهيم بيضون

الطبعة: أولى ١٩٩٧

الناشر: دار المؤرخ العربي

﴿ ٣-١ ﴾

صفحة: ٩٩ يقول المؤلف - ابراهيم بيضون - في هذه الصفحة «وكما أشرنا في القسم الأول من دراستنا، فإن العسكري تناول شخصيته رافضاً لوجودها منذ البداية».

﴿ ٣-٢ ب ﴾

وفي صفحة ١٠٢ وفي ختام مناقشته لكتاب العسكري كتب يقول: «وقد شكل ذلك مدخلاً الى محاولة قراءة جديدة لشخصية ابن سبأ بصرف النظر عما انطوت عليه من أفكار مسبقة، سرعان ما تجلت في السطور الأولى من الكتاب».

﴿ ٣-٢ ج ﴾

وفي صفحة ٢٤ يقول المؤلف: «إذ أن العسكري يتعامل مسبقاً مع موضوعه على أساس أنه رواية ملفقة هدفها النيل من علي، وربط التيار الذي يمثل به عنصر خارجي».

﴿ ٣-٢ د ﴾

وفي صفحته ٩٩ - ١٠٠ يقول الاستاذ ابراهيم بيضون في معرض رده ونقده لكتاب العلامة العسكري (عبد الله بن سبأ وأساطير أخرى): «وكما أشرنا في

القسم الأول من دراستنا أن العسكري تناول شخصيته رافضاً لوجودها منذ البداية، دون أن يأخذ بالنقد الرواية أو ينتهي الى استنتاج بشأنها، فقد استهل كتابه بما يشبه التمهيد له، بعنوان الأسطورة السبئية، طارحاً أربعة أسئلة وهي: من هو ابن سبأ، من هم السبئيون، وماهي دعواه، وماهي أهم أعماله؟ هذه الأسئلة الكبيرة لم تأخذ من الكتاب سوى ست صفحات، ولا نبالغ اذا قلنا أنها لم تجب على أي منها».

-الأزهر-

المدخل «٤» اسم الكتاب: مجلة الأزهر (٤٢٠)

اسم المؤلف:

الطبعة: المجلد ٢٢، باب الكتب من ج ١٠ سنة ١٣٨٠ هـ

الناشر: جامعة الأزهر الشريف

وهو مقال نقدي لكتاب عبد الله بن سبأ - المدخل - في طبعته النجفية الأولى.

ومما جاء فيه: أراد المؤلف - العلامة العسكري - أن يكون هذا الكتاب بحثاً وتحقيقاً فيما كتبه المؤرخون والمستشرقون عن «عبد الله بن سبأ» منذ القرن الثاني الهجري حتى اليوم، أما هذا المدخل فتناول: منشأ القصة السبئية، وسلسلة روايتها، وقصة السقيفة، وقصصاً أخرى وثيقة الصلة براوي القصة السبئية، والتي تلقى عنه أبرز كتاب السيرة وهو الطبري. وهذا الراوي هو سيف ابن عمر التميمي البرجمي الكوفي المتوفى عام (١٧٠ هـ) في خلافة الرشيد. والمؤلف الجليل الشيخ مرتضى العسكري يستحق منا تقديراً كبيراً لهذا الجهد الشاق الذي بذله في بحثه هذا، محاولاً عن طريق الاستدراج أن يؤكد أن عبد الله بن سبأ شخصية خرافية، أو على الأقل يؤكد أن الأحداث الضخام التي نسبت إليه مزورة عليه.

- أبو مخنف -

المدخل (٥٠) اسم الكتاب: كتاب الجمل وصفين والنهروان (٦٢٢)

اسم المؤلف: أبو مخنف لوط بن يحيى الأزري الكوفي

الطبعة: محققة، الأولى ١٤٢٣ هـ - ٢٠٠٢ م

الناشر: مؤسسة دار الإسلام

جمعه وحققه: حسن حميد السنيد

صفحة ٥٢ وفي معرض ترجمة المحقق لسيف بن عمر في هامش رقم ٣ من الصفحة ذاتها قال: هو سيف بن عمر أو عمرو التميمي الأسدي، راوية كوفي الأصل، من أصحاب السير، له كتب منها «الفتوح والردة» و«الجمل ومسير علي عليه السلام وعائشة» توفي في بغداد بعد عام ١٧٠ هـ وقيل عام ٢٠٠ هـ كما في الأعلام للزركلي.

ثم يضيف المحقق: إن وثيقة الرجل - سيف بن عمر - مدار جدل المحققين، وللسيد العسكري بحث جليل في حال الرجل، في كتاب «خمسون ومائة صحابي مختلق» و«عبد الله بن سبأ» وفي صفحة ٥٣ وفي هامش رقم ٣ وفي سنة رواية البيعة، يقول المحقق نقل الطبري هذه الرواية نفسها، عن سيف عن طلحة بن الأعلم، وأبي حارثة وأبي عثمان، أما السيد مرتضى العسكري، فقد أوردتها في «خمسون ومائة صحابي مختلق» عن كتاب الجمل، هكذا، عن سيف عن محمد بن عبد الله بن سواد وطلحة بن الأعلم وأبي عثمان، ونص على أن أبا عثمان هو عبد الرحمن بن مل (المتوفي عام ١٠٠ هـ) أو يزيد بن أسيد الغساني.

-ادريس الحسيني -

اسم الكتاب: مجلة المنهاج (٣١٠) صفحات

للمنخل ٢٦

اسم الكاتب: ادريس الحسيني / كاتب مغربي اسلامي «في نقد الأسطورة

السبئية».

الطبعة: العدد الثالث

الناشر: مركز الغدير - بيروت

في الصفحة ٢٨٢ يستشهد الكاتب بقول العلامة العسكري حول رجال الكشي فيقول:

قال السيد مرتضى العسكري: ومن ثم انتشرت روايات رجال الكشي عن ابن سبأ في كتب الرجال ورمزوا له بـ «كش» ومنه أخذ ترجمة ابن سبأ كل من جاء بعده من علماء الرجال، مثل التفرشي الذي نقل إحدى رواياته بترجمة عبد الله بن سبأ من كتابه نقد الرجال الذي ألفه سنة (١٠١٥ هـ) ورمز له بـ (كش). والأردبيلي (...) ومن أهل الحديث أخرج المجلسي (١١١٠ هـ) الروايات الخمس والخبر الأخير عن الكشي في موسوعته الحديثية البحار و... و... و...).

-إحسان عباس -

المدخل ٧٠ اسم الكتاب: في طريق أهل البيت (١) (٤٤٢)

اسم المؤلف: اعداد كلية أصول الدين

الطبعة: أولى

الناشر: كلية أصول الدين

ففي صفحة ٣٤٣ رسالة من الدكتور إحسان عباس أحد أساتذة التاريخ بجامعة الخرطوم أرسلت في تاريخ ٢٤ / ١ / ١٩٥٧ م بعد صدور كتاب العسكري عبد الله بن سبأ - المدخل - ويقول الدكتور احسان في رسالته الموجهة الى العلامة العسكري:

وقد أثار كتابك بعض التساؤل في نفسي فأحببت أن أعرضه عليك:

١ - هل تكفي إدانة أهل الحديث لسيف بأنه ضعيف تروك، لتحملنا على رفض روايته التاريخية؟ لقد كان لأهل الحديث مقاييسهم الخاصة في التعديل والتوثيق، أما في الأخبار فالأمر لا يستدعي كل هذا التحرج، فتهمة (القول بالقدر) قد تجعلهم يجرّحون شخصاً ما، ويردّون حديثه، الى غير ذلك من تهم لا تفيدنا كثيراً حسب مقاييسنا الحديثية.

هذا وقد سجل الدكتور إحسان عباس ست نقاط في رسالته.

(١) طبع هذا الكتاب ولم ينشر، بعد أن تبين أن بعض أصحاب الرسائل أحياء ويعيشون في بلاد نحبها سياسة الاستبداد والخوف وسياسة الانغلاق المذهبي والتعصب الديني.

-أسد حيدر-

المجلد: ٨ اسم الكتاب: الإمام الصادق عليه السلام والمذاهب الأربعة (مع إضافات وتحقيقات

جديدة)

(ج ١ و ٢ ص ٦٥٥، ج ٣ و ٤ ص ٥١٨، ج ٥ و ٦ ص ٦٠٨)

اسم المؤلف: أسد حيدر

الطبعة: الأولى ١٤١٢ هـ - ٢٠٠١ م

الناشر: دار التعارف للمطبوعات / لبنان، بيروت

﴿ ٨ - أ ﴾

في صفحة ٤٣ من ج ٣ يذكر الأستاذ المؤلف (أسد حيدر) أسطورة ابن سبأ ويعلق بقوله: لقد اندفع أعداء الشيعة في القرون المتوسطة الى جعل أسطورة عبدالله بن سبأ ذات شأن في تاريخ الإسلام، وأسندوا إليه أموراً يابها البحث المبرأ من الهوى، ويرفضها العقل السليم، فقد اخترعوا له أفعالاً ومواقف، وأسندوا إليه قصصاً ووقائع، وألبسوه أبراد العظمة، وأدعوا له الشجاعة واليسالة، فهو الذي أثار حرب الجمل، وهياً جيش مصر لحرب عثمان، وأقام في الكوفة يثير الفتنة على عثمان وعماله، ويسير في أنحاء الأقطار الإسلامية بسرعة البرق ليوقد الفتنة، ويعود للمدينة فيؤلب الناس على عثمان، وتأثر به كثير من كبار الصحابة. الى آخر ما هنالك من الأمور العجيبة التي حُفَّت بها شخصية عبدالله بن سبأ!!

ويضيف المؤلف: وقد نصّ كثير من القدماء المحققين على نفي وجود

شخصية عبدالله بن سبأ، وأنها أسطورة وضعها أعداء الشيعة.
وهنا يشير المؤلف في هامش الصفحة تحت رقم (٤) الى دور الأستاذ
السيد مرتضى العسكري وكتابه (عبدالله بن سبأ وأساطير أخرى) ويقول: فهو
خير كتاب في هذا الموضوع، فقد تتبع فيه أصل وضع هذه الأسطورة.

﴿ ٨-ب ﴾

في صفحة ٢٦٥ من ج ٤

يقول المؤلف الشيخ أسد حيدر: إنهم فسّروا حب الشيعة لأهل البيت اعتقاداً
بالتأليه، وأقاموا على ذلك شواهد من الأساطير المضحكة، كأسطورة ابن سبأ.
ثم يضيف المؤلف في الهامش رقم (١) من نفس الصفحة: لقد ظهرت
مسرحة عبدالله بن سبأ على مسرح الأوهام، لينظر إليها ضعفاء النفوس كأنها
حقيقة لا تقبل النقاش، وما هي إلا من مهازل التاريخ، وعجائب الزمن، وخرافة
يكذبها الوجدان، ويندى منها جبين الإنسانية، إنها أسطورة مضحكة رتبها أقلام
مأجورة، وأخرجها الى الوجود أبطال فتنة ودعاة شغب، ولقد تصدى الأستاذ
الكبير مرتضى العسكري لكشف حقيقة عبدالله بن سبأ، فأثف كتاباً قيماً صدر الى
الوجود منه جزء واحد، وهو يواصل نشر ما تبقى من بحثه القيم.

﴿ ٨-ج ﴾

وفي صفحة ٤٩٩ من ج ٦ وتحت عنوان سيف بن عمر في الميزان

يقول المؤلف: وبعد أن كشف التحقيق عن رواة هذه القصة، أي قصة ابن سبأ،
نود أن نضع بطل هذه الأسطورة سيف بن عمر في الميزان، لنعرف قيمة روايته
مما يتيه علماء الرجال من حاله.

ثم يستعرض الشيخ المؤلف (أسد حيدر) مجموعة أقوال علماء الرجال بحق سيف بن عمر، ثم يضيف وقد أثبت التحقيق العلمي مقدار ما لهذه الأسطورة وما ورد في نقد سلسلة رجالها ليس كل ما ورد فيها، بل هناك أشياء كثيرة لم تذكرها اختصاراً، ومن الحق والانصاف - كما يقول المؤلف - أن نشير إلى ما كتبه العلامة السيد مرتضى العسكري حول أحاديث سيف بن عمر وأسطورة ابن سبأ في كتابه عبدالله بن سبأ بصورة واسعة مستقصياً أحاديثه في الحوادث التاريخية، وماله من افتعالات واحداث.

وقد تعرض إلى أسماء الصحابة الذين افعل سيف بن عمر أسماءهم ولم توجد إلا من طريقه بل ابتكاره.

-مجلة الجهاد-

المدخل ٩: اسم المجلة: مجلة الجهاد للدراسات والبحوث

العدد: ١٢

تاريخ الصدور: ربيع أول ١٤٠٤ هـ

إن الحزب في عام ١٣٨٠ هـ - ١٩٦٠ م، قد أصدر تعليماته بضرورة الانضمام الى الحوزة العلمية وتلقي العلوم الدينية في جامعة النجف الأشرف الكبرى، ونتيجة ذلك شهدت الحوزة تزايداً ملحوظاً في عدد الطلبة الوافدين للدراسة من الدعاة ومن أنصار حزب الدعوة الإسلامية.

ولم تقف جهود الحزب الى هذا الحد، بل أنه حثّ عناصره على الالتحاق بكلية أصول الدين في بغداد التي أسسها العلامة السيد مرتضى العسكري وبكلية الفقه في النجف الأشرف والتي أسسها المغفور له المصلح المجدد الشيخ محمد رضا المظفر.

- جودت القزويني -

المجلد ١٠٠ اسم الكتاب: مجلة الفكر الجديد (٢٦٨)

اسم المؤلف:

الطبعة: العدد الثاني ١٩٩٢ م السنة الأولى ١٤١٢ هـ

الناشر: دار الإسلام

اسم البحث: إشكالية الفقهاء والدولة وبدايات الحركة الإسلامية في العراق

اسم الباحث: جودت القزويني

صفحة ٢٥١ - المؤلف: وفي معرض حديثه عن الحركة الإسلامية في العراق، يقول المؤلف في بداية الخمسينات: كان هناك حزبان إسلاميان في النجف هما (حركة الشباب المسلم) عام ١٩٥٣، و (منظمة المسلمين العقائديين) عام ١٩٥٤ م على يد عز الدين الجزائري، إلا أن هاتين الحركتين لم يكتب لهما التطور المرجو منهما خصوصاً بعد ظهور حزب إسلامي جديد (حزب الدعوة الإسلامية) في عام ١٩٥٧ تحت إشراف نخبة من علماء الدين كان في مقدمتهم مهدي الحكيم وطالب الرفاعي وبتوجيه من محمد باقر الصدر، وقد اتخذ هذا النشاط الجديد من مرجعية آية الله الحكيم سنداً له خصوصاً أن هذه المرجعية على حد تعبير أحد مؤسسي الحركة الإسلامية في العراق «السيد مرتضى العسكري» هي أفضل مرجعية يمكن التحرك من خلالها لأنها مرجعية عربية، كانت تفهم حقيقة الصراع السياسي والغزو الفكري للبلاد الإسلامية، وللعراق خاصة.

- جعفر الخليلي -

المدخل: ١١١ اسم الكتاب: في طريق أهل البيت (ع) (٤٤٢) صفحة

الموضوع: مقال الاستاذ جعفر الخليلي

اسم المؤلف: كلية أصول الدين «خمسون ومائة صحابي مختلق»

الطبعة: أولى - لم ينشر

الناشر: كلية أصول الدين

صفحة: ٢٥٧ يقول الاستاذ جعفر الخليلي - رائد القصة العراقية - وللسيد العسكري ميزة قلما وجدت في المؤلفين الباحثين فضلاً عن مؤهلاته العلمية وما يتمتع به من قابلية تثير الإعجاب، وهي أنه حين يتصدى للبحث يتصدى وهو كامل العدة لا ينقصه شيء لكي يمشي في بحثه غير متأثر بمبدأ أو عاطفة أو غرض غير غرض العلم، وإن نسيان العاطفة هذه وتركها في الصندوق أو على الرف إلى حين الفراغ من البحث في بطون التاريخ ليست بمقدور كل أحد؛ لأن الكثير من الباحثين والمدققين يريدون أن يكتبوا التاريخ كما يحبون هم أن يكتب، وكما يميلون أن تكون قد وقعت حوادثه، لذلك قل عدد الذين نشأوا أنفسهم تنشئة علمية، وروّضوا أقلامهم على تسجيل الوقائع دون ميل إلى صف أو أخذ شيء بنظر الاعتبار غير الحقائق الملموسة والمستندة إلى الواقع العلمي والمنطق الذي يقاس به المعقول من الأمور.

- جيمس رابنس -

المدخل «١٢» اسم الكتاب: في طريق أهل البيت (عليه السلام) (٤٤٢) صفحة

اسم المؤلف: كلية اصول الدين

الطبعة: أولى / لم ينشر

الناشر: كلية أصول الدين

اسم البحث أو المقال: مقال المستشرق البريطاني

اسم الكاتب: جيمس رابنس / مستشرق بريطاني

صفحة ٢٧٧ يقول المستشرق ضمن رسالته الى العلامة العسكري «ارغب هنا أن أشير الى تاريخ الطبري الذي لا يتردد في نقل روايات سيف، إن تاريخه ليس عملاً تاريخياً في الأساليب الحديثة للكتابة، ويبدو أن غرضه الرئيسي جمع الروايات التي كانت بمتناول يده معتقداً أنه ليس من الضروري إبداء رأي ما في قيمتها، وعلى هذا فللشخص أن يرى بعض رواياته أقل اعتباراً من روايات الآخرين، ومع ذلك قلنا أن نعذره على اتباعه منهجاً غير مقبول اليوم، فإنه على الأقل قد جمع كمية من الأخبار، وتبقى تلك الأخبار لمحقق فطن كشخصكم ليقوم بتمييز صحيحها من سقيمها، وإن دراستكم لبعض المواضع التي ذكرها سيف تهدي بأسلوب مؤثر كثيراً الى تقييم روايات سيف أولاً ثم الى مقارنتها لرواة آخرين، تلك المقارنة الدقيقة التي استوعبت السند والمتن معاً، وكشف البحث أن سيفاً غالباً ما نقل عن رجال - رواة - مجهولين.

-هادي العلوي -

المجلد ١٣١ اسم الكتاب: صحيفة التآخي البغدادية

اسم المؤلف: هادي العلوي

الطبعة: العدد الصادر في ٢٦ / ٨ / ١٩٦٨ م

الناشر:

اسم المقال: دراسات تاريخية خطيرة، خمسون ومائة صحابي مختلق^(١)

ومما جاء في مقال الاستاذ هادي العلوي: «يلاحظ أن سيفاً يبسط الأحداث ويختزلها بصورة اعتباطية، فالقلعة التي تقاوم المسلمين سنتين قبل أن يتمكنوا من اقتحامها تستسلم عند سيف في لحظات، والجيش الذي يخوض ضد الفاتحين معركة ضارية ويستبسل في الدفاع عن مواقعه يتشتت في أخبار سيف بضربة واحدة من مقاتل مسلم! وأكثر الانتصارات التي أحرزها المسلمون في حروب الفتح ترجع الى معزة تحدث لهم قبل المعركة أو أثناءها.

ويضيف الاستاذ العلوي: «إن هذه الطريقة في عرض الحوادث التاريخية تفصح زيف المؤرخ وتترك رواياته هدفاً مباشراً لهجوم المنطق العلمي البعيد عن التعصب والغرض، وهكذا تيسر للاستاذ العسكري توجيه ضربة قاضية الى هذا المؤرخ الخطر بعد أن استقصى - بطريقة تثير الإعجاب - جميع المصادر المتعلقة بالمشكلة، وتوصل بمهارة كبيرة الى فرز أخبار سيف من غيرها تمهيداً لتحرير مصادر التاريخ الاسلامي من مختلقات هذا المؤرخ.

(١) كما نشر هذا المقال في مجلة الإسلام العدد المزدوج (٩ - ١٠) جمادي الأولى عام ١٣٨٨ هـ

- حامد الحسيني -

المدخل ١٤٤: اسم الكتاب: دراسات في فكر الشهيد السيد محمد باقر الصدر رحمته الله

(٣٢٩) صفحة

اسم المؤلف: مجموعة من الكتاب

الطبعة: أولى - محدود

الناشر: مركز دراسات تاريخ العراق الحديث

اسم البحث: موسوعة السيد الشهيد الصدر رحمته الله

اسم الباحث: السيد حامد الحسيني

صفحة ٢٤٢ يذكر الباحث الحسيني بعض مراسلات السيد الشهيد الصدر رحمته الله مع مجموعة من العلماء والأفاضل ويذكر الباحث أن السيد العلامة العسكري من ضمن هؤلاء العلماء الذين كان لهم مساهمة المواصلات الرسائية مع السيد الشهيد.

كما أكد السيد العسكري، لكاتب السطور، أيضاً غير هذه المراسلة، وفي إحدى هذه المراسلات كانت زوجة السيد الشهيد رحمته الله «أم جعفر» هي الواسطة بين الاثنين، في إحدى زياراتها إلى إيران في عقد السبعينات^(١).

(١) من لقاء لكاتب السطور مع العلامة العسكري، ١٥ كانون الثاني ٢٠٠٣ م.

- حامد حفني داود -

العنصر «أ» اسم الكتاب: في طريق أهل البيت (عليه السلام) (٤٤٢) صفحة

الموضوع: تعليقة الدكتور حامد حفني داود على الطبعة المصرية لكتاب

«عبد الله بن سبأ وأساطير أخرى»

اسم المؤلف: كلية أصول الدين

الطبعة: أولى - لم ينشر

الناشر: كلية أصول الدين

في صفحة ٢٣٠ الدكتور حامد حفني داود، دكتوراه في الأدب العربي مع مرتبة الشرف وأستاذ الأدب العربي بكلية الألسن العليا في القاهرة، جاء فيه: «استطاع المؤلف بفضل القرائن التاريخية أن يكشف اللثام عن كثير من الأحداث التاريخية، وأن يوضح للباحثين الحقائق من أقرب طريق، وإن كان المؤلف قد جاء ببعض هذه الحقائق في صورة مذهلة مدهشة، لمخالفتها ما اعتاده الناس وتوارثوه في معتقداتهم، ولكن الحق أحق أن يتبع، ولكي تقف بنفسك على صدق هذا القول فما عليك إلا أن تقرأ هذه الأحداث التاريخية التي أوردها المؤلف في كتابه واختلقت فيها الروايات مثل: (بعث اسامة) و (وفاة الرسول ﷺ) و (حديث السقيفة).. وغيرها وقد استطاع المؤلف أن يصل إليها بفضل إفادته من مقارنة النصوص ومعرفة سقيمتها من صحيحها في هذه الأبحاث الثلاثة، وقس على ذلك ما جاء في سائر أبحاثه خلال هذا السفر الجليل، الذي سيغير الكثير من وجه التاريخ الاسلامي...».

المدخل ١٦٠ اسم الكتاب: نظرات في الكتب الخالدة (١٩٢) صفحة

اسم المؤلف: د. حامد حفني داود

الطبعة: الثانية ١٩٨٢ م (١٩٢) صفحة

الناشر: مطبوعات النجاح بالقاهرة

في صفحة ١٠٣ منه: إن البحثة الجليل «مرتضى العسكري» يسجل لنا في كتابه عبد الله بن سبأ، أن هذه الشخصية لم تخرج عن كونها شخصية خرافية، وأن ما أورده المورخون عنه من حكايات في ترويح الشيعة لم يكن أكثر من أكذوبة سجلها الرواة حول هذه الشخصية الوهمية ليحملوا على الشيعة ما شاء لهم أن يحملوا وليغمزوا ما شاء لهم أن يغمزوا، لقد جمع هذا البحثة المقارن تحقيقاته العلمية، وأبحاثه الشيعة بين متفرقات الكتب ومنشورات الآثار، وبطون المصادر، وصال وجال في كل ميدان من ميادين التأريخ الاسلامي حتى وصل الى هذه الحقيقة ناصعة جلية، وقد حاول الاستاذ المحقق في كل مبحث من مباحثه التي جاء بها هذا الكتاب ان يقيم الحجة الدامغة على أعداء الشيعة وخصومهم حين استشهدوا على آرائه العلمية بنصوص ثابتة من أقوال الخصوم أنفسهم، فأقام الحجة عليهم من أقرب طريق. والمطلع على هذا الكتاب يستطيع أن يقف في سهولة ويسر على التحقيقات العلمية التي أجراها المؤلف في أحاديث «سيف بن عمر» التي كانت تشغل أدمغة المؤرخين منذ ظهور التاريخ الاسلامي المدون الى وقت قريب منا، قبض الله للتأريخ فيه جهابذة

محققين لا يخشون في الله وفي الحق لومة لائم، وكان الاستاذ المؤلف في الطليعة منهم حين استطاع أن يحمل الباحثين على إعادة النظر فيما جاء به أبو جعفر الطبري في كتابه «تاريخ الأمم والملوك» وإن يحملهم على النقد التاريخي لكل ما جاء في هذا الكتاب وغيره من أمهات كتب التاريخ بعد أن كان هؤلاء ينظرون إلى الأحداث التاريخية نظرتهم إلى المقدسات التي لا تقبل التغيير والتبديل.

المدخل: ١٧٧ اسم الكتاب: نظرات في الكتب الخالدة (١٩٢) صفحة

اسم المؤلف: د. حامد حفني داود

الطبعة: الثانية ١٩٨٢ م (١٩٢) صفحة

الناشر: مطبوعات النجاح بالقاهرة

في صفحة ١٤١ منه: يقول المؤلف: بالأمس القريب خرج الاستاذ السيد مرتضى العسكري الى العلماء الباحثين وهو حين يقدم هذا الكتاب الى القراء إنما يعني بذلك صنفاً معيناً من القراء، وهم الخيرة الخالصة والنخبة الممتازة الذين تطمح نفوسهم الى كلمة الحق خالصة نزيهة، وتشتاق أفئدتهم الى تعمق التأريخ الاسلامي، والتبصر بتاريخ التشيع وهو حين يتجه الى هذا البحث العميق يجد أمامه من النصوص في حياة السيدة عائشة مستنداً راسخاً يستند اليه ويدعم به آراءه، من حيث الدراسة الحرة التي تهدف الى الحق وحده مهما كان ذلك الحق مرأً عند قصار النظر وعند من أساءوا بالحكم على الصحابة، فجعلوا كل طبقة منهم ميزاناً خاصاً في نقدهم والحكم عليهم. مع أن عدالة الأحكام التي علمنا وإياها امام المرسلين تقتضي توحيد الميزان وتقتضي توحيد وضع المحكومين عليهم أمام هذا الميزان.

-حسن بن فهد الهويمل-

المدخل (١٨) الدكتور حسن بن فهد الهويمل:

(صحيفة الرياض / الثلاثاء ٤ ربيع أول ١٤١٨ هـ / يوليو ١٩٩٧ م

العدد ١٠٦٠٦ السنة الرابعة والثلاثون) بقلم (الدكتور حسن بن فهد

الهويمل)

ومما جاء في مقال الدكتور / الهويمل: لقد كانت الضربات الموجهة للتاريخ تأتي من علماء الملل والنحل الإسلامية، التي تعتمد انكار بعض الأحداث، وبعض الشخصيات المؤثرة، كبعض الصحابة، والتابعين المشبهين، وتأتي هذه الآثار من المستشرقين الذين دخلوا على التاريخ بآليات غير ملائمة ونوايا مشبوهة، ووجدوا فيه ما يريدون، وكنت أود لو عمد علماءنا ومفكرونا ونفوا من التاريخ ما لا يتسع له نص ولا يحتمله عقل ولا تقبله أوضاع، فنحن أحق بالمعالجة منهم، وهذه مسؤوليتنا. وإذا يكون ابن سبأ محور كتابات المالكي (والمقصود الدكتور حسن فرحان المالكي).

ومما جاء فيه أيضاً ومن كتب عن شخصية ابن سبأ في سياق إنكار هذه الشخصية مرتضى العسكري، في عملين هامين ومشبهين في آن واحد هما: (عبد الله بن سبأ بحث وتحقيق فيما كتبه المؤرخون والمستشرقون عن ابن أبي سبأ).

المطبعة العلمية في النجف ١٣٧٥ / ١٩٥٦ م، و(عبد الله بن سبأ وأساطير

أخرى) دار الغدير بيروت طهران ١٣٩٢ / ١٩٧٢ م

والجدل حول بن سبأ يأخذ ثلاثة مستويات - المستوى السائد عند المؤرخين الاسلاميين وهو ثبوت وجوده، وثبوت دوره في الفتنة بكل حجمها المبالغ فيه.

- المستوى الاستشراقي والشيوعي المتأخر. وهو انكار وجود ابن سبأ، ومن ثم انكار دوره

المستوى المتوسط، وهو اثبات وجود ابن سبأ والتقليل من دوره في الفتنة وهذا ما أميل اليه.

- حسن بن فرحان المالكي -

المداخل ١٩٠ الدكتور حسن بن فرحان المالكي:

(صحيفة الرياض / الاثنين ٨ ربيع الآخر ١٤١٨ هـ - أغسطس ١٩٩٧ م

العدد ١٠٦٤٠ السنة ٣٤) بقلم (حسن بن فرحان المالكي)

يقول الكاتب حسن المالكي ناقدًا رؤى ومناهج الباحثين في كتابة التاريخ فيقول: عندما تطالع كثيراً من الأبحاث والدراسات ترى أن أصحابها لا يعرفون معنى التأريخ، فهم يظنون أن التاريخ (تسجيل ما يجب أن يكون)، بينما التأريخ هو تسجيل ما وقع كما هو وبكل دقة وموضوعية) هذا التعريف الميسر جعلته هكذا، فالناظر الى واقع المؤرخين اليوم يرى أن كثيراً منهم لا يريد معرفة (ماذا حدث) وإنما يريد (تشكيل أحداث التاريخ الماضية) وفق رؤيته وأحكامه المسبقة، فيكتب من أجل تبرئة فلان أو اتهام فلان أو (إطال) قضيته! و (إثبات) أخرى.

ويضيف المالكي: لكن المسألة الأصعب بل هي المسألة الوحيدة الشاقة فهي عندما يختار ما يراه موافقاً للحقيقة، لأن رؤية الباحث ليست مقياساً من جهة ولأن الحقيقة مكروهة عند كثير من الناس فالصعوبة مزدوجة ولا بد من التوضيح، ثم يعطي الكاتب صورة يوضح فيها منهج امام المؤرخين الطبري في تعامله مع الأحداث، فيقول:

ان الطبري يعتذر عن إيراد رواية لأنها (مما لا يحتمل سماعه العامة). هكذا

يقول رحمه الله تعالى مع ان العامة ليسوا مقياساً ولا يجب مراعاة سماعهم إنما يجب تسجيل ما نراه حقاً لنجيب على سؤال (ماذا حدث؟!) ورحم الله الطبري فلو كان موجوداً اليوم لوجد أن أغلب دراساتنا وأبحاثنا أصبحت تراعي (العامة)، سواء عوام الناس أو عوام الأكاديميين، فما لا يتحملون سماعه تركناه، وما أحبوا سماعه كتبناه وقررناه، أما العلم والحق فهما آخر الأهداف!! بل لعلهما ليسا من الأهداف (عند التطبيق) أما التشديق النظري فلا يعجز عنه أحد.

المدخل (٢٠) (صحيفة الرياض / الثلاثاء ٩ ربيع الآخر ١٤١٨ هـ - ١٢ أغسطس ١٩٩٧ م

العدد ١٠٦٤١ السنة ٣٤) بقلم حسن بن فرحان المالكي

وفي معرض رد الدكتور المالكي على الدكتور سليمان العودة يبدأ المالكي بنقد المنهج النقدي في الردود العلمية التي مورست في هذا السجال الساخن في الصحافة السعودية ويقول: أنا لا أستغرب صدور مثل هذه الأساليب فنحن لم نتعلم - الى الآن - كيف نفهم كلام الآخرين وكيف نحكم على أقوالهم ونياتهم؛ بمعنى أننا لم ندرس في حياتنا الدراسية منهجاً يعلمنا ضوابط المعرفة لكلام الآخرين. فعلى هذا يجب على القارئ ألا يستغرب أبداً أن يجد في كتابات بعض الناس اتهامات بالتلميح أو التصريح لأن هذا هو الأصل في طريقة تفكير كثير منا وطريقة تناوله لموضوعات المختلفين معه في الرأي فالتهمة هي الأصل حتى تثبت البراءة بينما العكس هو الصحيح أو هو المفترض.

ثم يواصل الدكتور المالكي رده على العودة قائلاً: قد ظن أنني أنفي وجود عبد الله بن سبأ مطلقاً وهذا ما لم أقله البتة بل قد صرحت في كتاب الرياض وفي مقالات سابقة بأنني متوقف في عبد الله بن سبأ من حيث مطلق وجوده وإن كنت أنفي وبشدة دوره في الفتنة أيام عثمان وعلي عليه السلام.

ثم يواصل المالكي الدفاع والرد؛ ليس هناك مانع شرعي ولا عقلي من الاهتمام بموضوع معين في التاريخ والدكتور نفسه مهتم بعبد الله بن سبأ ومعظم دراساته وكتاباته تدور حول ابن سبأ في المانع ان يكون اهتمامي بفترة خلافة علي بن أبي طالب خصوصاً وأنه حدث فيها أحداث عظام تستحق الدراسة والبحث بداية من (البيعة) التي شوحتها روايات سيف بن عمر.

المدخل ١٩٨٠ هـ (صحيفة الرياض العدد ١١ صفر ١٤١٨ هـ) بقلم (الدكتور حسن بن فرحان

المالكي) تحت عنوان: القعقاع بن عمر حقيقة أم أسطورة

جاء مقال الدكتور المالكي رداً على مقال للاستاذ حسام بن عبد الرحمن الماجد في صحيفة الرياض / يوم السبت ٩ صفر ١٤١٨ هـ حول شخصية القعقاع وسجل فيها الماجد ملاحظات عديدة حول القعقاع ودراسة التاريخ، وجاء رد المالكي مفنداً كل ملاحظات الماجد ومنها:

١ - يقول الماجد: (ان دراسة التاريخ بهذا المنهج يؤدي الى رفض أغلب التاريخ الاسلامي) يقول المالكي: ليس صحيحاً أن دراسة التاريخ دراسة جادة أسانيداً ومتوناً انها ستؤدي الى رفض أغلب التاريخ الاسلامي، فهذا التخوف والتهويل مبني على الجهل بالشيء لا العلم به، ثم اني لم اشترط في اثبات أخبار القعقاع ان تصلني بأسانيد صحيحة، بل قلت إن وجدتم صادقاً أو كذاباً ذكر القعقاع غير سيف بن عمر فأنا راجع الى اثباته وتوثيق سيف بشرط ان لا يكون ذلك (الذاكر للقعقاع) قد نقل عن سيف بن عمر.

٢ - يقول الماجد: (القول ان جميع أخبار القعقاع لم يذكرها إلا سيف بن عمر يحتاج الى بحث واستقصاء)، فيقول المالكي: أنا أطمئن الأخ الماجد - من جهتي - إنني لم أكتب إلا بعد أن استقصيت واستخرجت روايات سيف بن عمر (الثمانمائة) من تاريخ الطبري ودرستها رواية رواية وقرأت كتاب سيف المكتشف حديثاً الذي حققه الدكتور قاسم السامرائي، وتتبع أخبار القعقاع قدر طاقتي والأخ الماجد مطالب بإبطال هذا الاستقصاء أو التسليم.

المطل (٣١): (صحيفة المسلمون ٤ جمادى الأولى ١٤١٨ هـ) بقلم (الدكتور حسن

المالكي) وهو يرد على الدكتور العودة وعلي رضا

سجل الدكتور المالكي مجموعة ملاحظات على بعض الردود المنشورة والمخالفة لآرائه ففي إحدى ردوده على الاستاذ علي رضا يقول المالكي: ضعف علي رضا رواية خزيمة بن ثابت في بيعة علي بحجة ان أبا اسحاق السبيعي مدلس وقد عنعن، ولم يبين أنه (ثقة ثبت) ولو رجع الأخ علي رضا لصحيح البخاري ومسلم لوجدهما يحتجان بعنقات أبي اسحاق السبيعي في الصحيحين، وعلى سبيل المثال لا الحصر انظر الأحاديث (٣٩، ١٢٣، ١٥٨..) من صحيح البخاري فقط.

وفي ردّه على الدكتور سليمان العودة: انه خلط بين مسألتين مختلفتين تماماً: مسألة وجود عبد الله بن سبأ وهذه وجدها الدكتور في روايات غير رواية سيف بن عمر، وتبقى بحاجة الى دراسة هل هي كافية مع ضعفها لإثبات وجوده أم لا؟ لكن هذه المسألة الخلاف فيها يسير.

أما المسألة الكبرى فهي دور عبد الله بن سبأ في الفتنة فهذه لم يجد سليمان فيها سوى روايات سيف بن عمر، ودور بن سبأ في الفتنة هو الأساس وهذا الدور لم يتفوه به أحد غير سيف بن عمر.

-حسن السعيد-

المدخل (٢٢): اسم الكتاب: نواظير الغرب.. صفحات من ملف علاقة اللعبة الدولية مع

البعث العراقي ١٩٤٨ - ١٩٦٨ (٥٠٤) صفحة

اسم المؤلف: حسن السعيد

الطبعة: الأولى ١٩٩٢ م - ١٤١٢ هـ

الناشر: مؤسسة الوحدة للدراسات والتوثيق، بيروت

صفحة ٢٥٨ يقول المؤلف في هامش (١٥٨):

ومن الانصاف أن نذكر بأن (كلية أصول الدين ببغداد) التي قامت بدورها العظيم في تربية وتخريج الطليعة الإسلامية كانت قد جعلت من بناية «وكر المحفل الماسوني» في الكرادة الشرقية ببغداد مقراً لها بعد قرار إلغاء المحافل الماسونية في العراق، وقد كانت مدارس الامام الجواد عليه السلام الأهلية تداوم صباحاً في هذه البناية، وذات يوم، من شهر تشرين الثاني ١٩٦٥ م، زار المدرسة المفتش الاداري وكان «خير الله طلفاح التكريتي» وحين تجوله في المدرسة، أخذ على حين غرة حينما علم أن المكان الذي جعلته المدرسة مصلى للطلاب كان مكاناً تُحاك فيه المؤامرات على الأمة وعقيدتها، حيث تعشش أوكار الماسونية الكافرة، وترسم على جدرانها شعاراتها، فراح يلهج بالشكر للقائمين على هذه المؤسسة الخيرة وعلى رأسهم سماحة الحجة رأس الجمعية وأعضاء الجمعية والعاملين، وفي مدخل الباب حيث يستعد لركوب سيارته مغادراً

خاطب المدير وهو يودعه قائلاً: «لا أنسى، لا أنسى، سأذكر مدرستكم في أي مكان أحل فيه وأقول أنها تربي أولاد المسلمين تربية اسلامية في مكان أقل ما يُقال عنه أنه كان وكرّاً للماسونية وعشاً للماسونيين».

المدخل ٢٤: اسم الكتاب: المشهد الثقافي في العراق: الجذور والتحوّلات - الجزء الأول

اسم المؤلف: حسن السعيد^(١)

الطبعة: مخطوط

الناشر: مخطوط

صفحة ١١٩ - ١٢١ بعد أن يذكر المؤلف - الاستاذ حسن السعيد - مجموعة من مصاديق الخلط الفكري والثقافي من خلال المواقف الميدانية، يقول: للأسف الشديد، لم تسلم حتى الأوساط الأكاديمية من هذا الخلط المعيب (غير المقصود حيناً، والمقصود أحياناً). وقد كان كاتب السطور - المقصود المؤلف طبعاً - شاهداً على واحدة من تلك المحاولات، فرغم مضي فترة طويلة من حصولها، ما تزال تعلق في الذاكرة تفصيلات حوار ساخن جرى بينه وبين استاذ مادة التاريخ الاسلامي، وبمشاركة مجموعة من زملائه في الدراسة الجامعية، وذلك خلال السنة الدراسية ٦٩ - ١٩٧٠ م، كان الاستاذ (المصري الجنسية) يحمل شهادة الدكتوراه في اختصاصه، ويقوم بالتدريس كأستاذ زائر في جامعة بغداد، تلك السنة. ففي المنهج الدراسي المقرر لمادة التاريخ الاسلامي من قبل الاستاذ، ورد تعريف مثير للشبهة، اذ جاء ما نصه: (الشيعه، دين خليط من الأديان السماوية «اليهودية والمسيحية والإسلام»

(١) هنا، لابد من توجيه الشكر والتقدير للأستاذ حسن السعيد لاعارته لي هذا المخطوط في الوقت الذي كان فيه رازماً كل مكتبته قاصداً العودة الى وطنه بعد ثلاثة أشهر من سقوط الطاغية صدام حسين.

وأديان وضعيّة كالزاردشتية والهندوسية والمناوية والحزمية.. ولم ينس هذا الدكتور كمادة العديد من المغرضين أو المغفلين - أن ينسب (دين) الشيعة الى اليهودي الاسطوري عبد الله بن سبأ!!

انبريت وعدد من الزملاء (وكانوا سبعة على ما أتذكر جيداً من مجموع طلاب الصف الأربعين) ممن هزهم بعنف هذا التقييم غير العلمي والمضلل، انبرينا للدفاع ووجدنا أنفسنا نخوض - باندفاعه الشباب وحماسته - نقاشاً محتدماً مع الدكتور الزائر ولينجر الحديث ويتشعب الى اتهام الشيعة بأن لدى كل أسرة منهم صنماً ينتصب وسط باحات البيوت. ويعمد الشيعة الى ضربه بالحذاء في رواحهم واياهم وحين استفسرنا، ونحن فاغري الأفواه، عما يرمز اليه هذا الصنم الذي يتحدث عنه الأستاذ المصري، والذي تأكد لدينا أنه لم يقم بزيارة أي بيت شيعي، بادرنّا على الفور، والغضب يملأ أقسام وجهه:

- انه تمثال سيدنا عمر رضي الله عنه!

وهنا، جهدنا لإمسك أعصابنا، على هذا الافتراء الفاضح، سألناه عن مدى اقتناعه بصحة الخبر، وهل شاهد بنفسه شيئاً من هذا القبيل، خلال فترة وجوده في العراق؟ أجاب وبغفوية ساخنة:

لقد حدثني ثقة!

ولفظ الكلمة الأخيرة هكذا (سقه) على طريقة المصريين.

فأجبناه:

يا سيدي، ان هذا (السقه) الذي تثق به، وتروي عنه ليس بثقة، انه مفتر وحسب. لكن الاستاذ أخذته العزة في الائم، ولم ينتن عن موقفه. وظل يدافع

باستماتة مثيرة للاستغراب عن فكرة التمثال المزعوم، وهنا قدحت في ذهن كاتب السطور - المؤلف - فكرة واقعية لتبديد الشبهة من مخيلة الاستاذ، فاقترحت عليه قائلاً:

يا استاذ، ها نحن أمامك ثمانية طلاب، وتوزع في مناطق متفرقة من بغداد وغيرها فاختر أي طالب، أو أكثر من واحد، أو جميعنا، لتدخل أي بيت تشاء، وبلا سابق انذار، فنحن مستعدون لملازمتك من هذه اللحظة، حتى لا تشك بأننا أوعزنا تلفونياً، أو بأية وسيلة أخرى لذوي البيت المقصود، فيتداركوا الأمر ويرفعوا التمثال المزعوم من باحت البيت، ويخفوه عن الأنظار.

حاول الأستاذ التخلص من هذا (الكمين)، فطرحنا عليه اقتراحاً آخر هو: لنذهب سوياً الى أية منطقة تقطنها غالبية شيعية في بغداد، أو غيرها. فلندخل أي بيت تختاره أنت، بعد الاستئذان من صاحبه، بذريعة نختلقها كقضاء الحاجة مثلاً، ولتشاهد بأم عينيك خلو البيوت الشيعية من هذه الأكذوبة، ولم يستجب الدكتور أيضاً، وبعد أن أعتينا الحيلة معه قلنا له بالحاح:

طيب، حاول أن تتأكد بنفسك من جلية الأمر، وإذا ما عثرت على دليل ثبوتي واحد فنحن مدانون، وبخلافه نرجوك - مخلصين - أن تعيد النظر في هذه الآراء التي لا تستند الى دليل، لأنها ببساطة متناهية لا تناسب - لنهافتها وسخفها - وما تحمله من شهادة علمية رقيقة!

انفضّ النقاش، دون أن نتوصل الى اقناع الاستاذ، بيد أننا - وكما استنتجنا حينها - أحدثنا هزة عفيفة في قناعاته تلك، وبدوري لم أكتف بهذا فأعترته بعد أيام قليلة كتاب (عبد الله بن سبأ.. وأساطير أخرى) لمؤلفه العلامة السيد مرتضى

العسكري. وقبل مضي اسبوع قصدني وكنت حينئذ داخل قاعة الامتحان، ليرد لي الكتاب شاكرًا، فما لبثت أن أسلم أجوبة الأسئلة قبل اكمالها، وأغادر القاعة على العجل محاولاً اللحاق بالاستاذ، ولأسأله:

- أياه دكتور... كيف وجدته؟

بادرني بلهجته المصرية مشوبة بانفعال ودود:

- يا خوية شريتو... وشريت أخوه الثاني كمان (يقصد كتاب: خمسون ومائة صحابي مختلف للسيد العسكري أيضاً).

- جميل وما رأيك فيهما؟

- لا بد أن يتاح لي وقت مناسب، لكي أتحري مصادر الكتابين، وأثبت مما ورد فيهما من آراء واستنتاجات.

- حسناً، وهذا من أصول البحث العلمي بل وصلبه، ولكن اذا افترضنا - من باب الافتراض - صحة المصادر التي اعتمدها الباحث، والتزامه بالأمانة العلمية، فما هو رأيك حينئذ استاذنا الكريم؟

وهنا بدرت منه التفاتة صوبي، وكنت أسير بجواره في رواق المكتبة، وليتوقف ملوحاً بسبابته قائلاً:

- اذا كانت الأمور كذلك، فانها والله خدمة للعلم.

وافترقتا بعد فترة وجيزة، ليعود الاستاذ الى القاهرة، نهاية العام الدراسي، وقد انقطعت أخباره، ولا أندري هل ظل يجتر الأكذوبة المفروضة؛ إن الشيعة خليط من الأديان، أم أنه عزف عنها؟

- حسن العلوي -

المدخل ١٥٥ اسم الكتاب: العراق دولة المنظمة السرية (١٩٥) (١)

اسم المؤلف: حسن العلوي

الطبعة:

الناشر:

في صفحة ١٢٧

يقول المؤلف: حدثني العلامة السيد مرتضى العسكري أثناء زيارتي له في لندن يوم ٣٠ حزيران ١٩٩٠ م أنّ وزيراً من وزراء عبد الكريم قاسم أخبره بعد صدور قانون رقم ٨٠ بأن رئيس الوزراء بدأ جلسة مجلس الوزراء المخصصة لمناقشة وإصدار قانون النفط رقم ٨٠ بقوله: تعالوا نوقع على الحكم بإعدامنا ثم وقع ووقعناه بعده، لعل عبد الكريم قاسم في هذه المرة كان يستشف صورة المستقبل وصورته على شاشة التلفزيون ينزف بآخر القطرات ورأسه منحني على كتفه الأيسر وعيونه تحديق إلى قاتليه يقرأ بيان النفط.

(١) جاء هذا الكتاب بدون اسم دار النشر ولا نوع الطبعة وبدون اسم الناشر أيضاً، ولكن جاء في الصفحة الأخيرة من الغلاف تعريف موجز من سيرة المؤلف والوقوف على أسلوبه الخاص المميز بقلم الدكتور نجم عبد الكريم. بلا شك هكذا كتاب يعرض فيه أساليب إرهاب حزب البعث لا يمكن أن يتبناه دار نشر في العالم طالما عُرف عن جهاز مخابرات النظام بأسلوبه القمعي الخاص.

- حسين الشامي -

المدخل (٢٦) اسم الكتاب: المرجعية الدينية من الذات الى المؤسسة (٦٨٢) صفحة

اسم المؤلف: حسين بركة الشامي

الطبعة: أولى

الناشر: مؤسسة دار الإسلام

﴿ ٢٦- أ ﴾

صفحة ١٧٦ ينقل المؤلف حسين الشامي عن مجلة الجهاد للدراسات والبحوث العدد ١٢، ربيع أول ١٤٠٤ هـ، أن حزب الدعوة حثّ عناصره على الالتحاق بكلية أصول الدين في بغداد التي أسسها السيد مرتضى العسكري وبكلية الفقه في النجف الأشرف والتي أسسها المغفور له المجدد الشيخ محمد رضا المظفر، وقد امتلأت الكليتان بالدعاة وأنصار الدعوة الإسلامية.

﴿ ٢٦- ب ﴾

صفحة ٤٦٩ يذكر المؤلف - الشامي - أن الحركة الإسلامية وخط الإمام الشهيد الصدر بالأخص تعرضا الى حملة عدائية كبيرة، ويؤكد المؤلف: أن هؤلاء الأعداء لم يكن بمقدورهم أن يتوجهوا بحربهم مباشرة الى شخص الامام الشهيد الصدر؛ لأن ذلك سيجعلهم مكشوفين أمام الأمة، كما أن الأمة الإسلامية لن تسمح لأي جهة أو شخص مهما كان مملوءاً بالمال أن ينال من شخص القائد

الشهيد، لذلك قرروا أن ينالوا من الشخصيات التي تمثل امتداداً للامام الشهيد، فأشروعوا حراهم ضد اثنين من أبرز الشخصيات التي تمثل خط الشهيد الصدر، وهما العلامة الكبير السيد مرتضى العسكري، وآية الله السيد محمد حسين فضل الله. فقاموا بكتابة المقالات وإصدار المنشورات التي تثير الشبهات على العلامة العسكري.

-حسين الشاكري -

الملحق ١٧٩ اسم الكتاب: ذكرياتي - (ج ١ ص ٧٣٤ + ج ٢ ص ٤٤٦)

اسم المؤلف: حسين الشاكري

الطبعة: الأولى ١٤١٨ هـ. ق

الناشر: المؤلف

في صفحة ٨٥ من ج ١ يقول المؤلف: كان العلامة العسكري من أنشط العلماء البارزين في بغداد. وكان يشغل حسينية آل مباركة في الكرادة الشرقية، وكان ساعده الأيمن الشهيد الشيخ عارف البصري قبل وبعد انتقاله الى حسينية الزويرة. وهذان العالمان كان ههما الوحيد هو تربية الجيل الصاعد تربيةً إسلاميةً ثورية، وتبعهما بعد ذلك العالمان المجاهدان الأخوان البصريان، الشيخ عبد الجبار والشيخ ناظم، وقد أسس العلامة العسكري جمعية الصندوق الخيري، ومن خلال هذه الجمعية أفتتح عدّة مدارس في الكرادة الشرقية من ابتدائية ومتوسطة، لاسيما مدرسة الامام الجواد عليه السلام وكان الشيخ قاسم الحسائري والاستاذ ابو إيمان الأسدي من أنشط المربيين والمدرّسين في هذه المدرسة. ثم يذكر المؤلف عمق علاقته بالسيد العسكري ومساهمته في دعم مشروع كلية أصول الدين ومن ثم مشروع افتتاح مستوصف طب العيون، وحث المؤمنين على التبرع لهذه المشاريع الخيرية.

المدخل «٢٨» اسم الكتاب: العلماء الذين عاصرتهم (٩٠٠) صفحة

اسم المؤلف: حسين الشاكري^(١)

الطبعة: مخطوط

الناشر: مخطوط

في صفحة ٦٦٠ يقول المؤلف بعد أن استعرض سيرة العلامة العسكري منذ النشأة - يقول أدرك السيد العسكري من خلال دراسته الحوزوية واقع الحوزة وعدم استيعابها لمتطلبات التطور الاجتماعي المتنامي، فشخص خطوات الإصلاح التي يجب أن تبدأ من الحوزة ذاتها فقام بمحاولة مع مجموعة من الطلبة من بينهم المرحوم السيد محمود الطالقاني لإعادة تنظيم الدراسة الحوزوية بالشكل الذي يمكنها من النهوض بمسؤولياتها في أوساط الأمة. وكان من بين فقرات المنهاج المقترح تدريسه: التفسير والحديث والعقائد الإسلامية المقارنة إلى جانب الفقه والأصول. كما تضمن برنامج التدريس تمرين طلبة العلوم الدينية على الخطابة والتأليف والعمل الاجتماعي مع التركيز على دراسة حالة المسلمين وحاجتهم إلى بناء الشخصية الإسلامية الرصينة

(١) وعرفانا منا بالجميل، نقدم جزيل الشكر والتقدير للحاج انوجيه حسين الشاكري على اعارته لي مخطوطه (العلماء الذين عاصرتهم) وتقبله لبعض ملاحظاتني وقبوله لرغبتني في كتابة سيرة الشهيد الثاني السيد محمد محمد صادق الصدر ونشرها ضمن كتابه هذا، كما قدم لي الكثير من المعلومات بخصوص نشاطات العلامة العسكري يوم كان من الملازمين له في بعض مشاريعه التربوية في بغداد آنذاك، وقد استفدنا من هذه المعلومات في كتابنا الموسوم «العلامة العسكري رؤية اسلامية معاصرة».

وصولاً إلى المجتمع الاسلامي المنشود.

- زهير غزاوي -

المدخل ٢٩٨

اسم الكتاب: منهج البحث التاريخي لدى العلامة العسكري (٢٧) صفحة

اسم المؤلف: الدكتور زهير غزاوي - فلسطين

الطبعة: أولى رجب ١٤١٨ هـ

الناشر: كلية أصول الدين

الكتاب بشكل عام مناقشة وقراءة علمية دقيقة لمؤلفات العلامة العسكري
الثلاثة:

١ - عبد الله بن سبأ وأساطير أخرى

٢ - خمسون ومائة صحابي مختلق

٣ - أحاديث أم المؤمنين السيدة عائشة

يقول المؤلف: إن ما يجمع هذه الكتب ناظم واحد دفعني إلى الكتابة عنها
معاً فهي تتجه إلى مناقشة ممتعة للمرحلة المبكرة في التاريخ الاسلامي وكلها
تتفق على الإلحاح على فكرة أساسية تتعلق بتأثير الانتماء القبلي على كتابة
التاريخ وصولاً إلى تزوير حقائق، ووضع خرافات وكتابة أحاديث كاذبة على
لسان رسول الله.

وبعد أن يتناول المؤلف نقداً لكل كتاب من الكتب المذكورة للعلامة
العسكري ينتهي المؤلف بمناقشة عامة للكتب الثلاثة ولمنهج العلامة في التأليف

والغرض والأهداف. ثم يصف حيادية العسكري قائلاً: ان جهد السيد العسكري في نظري، مهما كان اتجاهه المذهبي، بدأ عملياً ومخلصاً للحقيقة مستنداً الى حديث الرسول الكريم: الحكمة ضالة المؤمن أنى وجدها أخذها. وإن هذا القول ربما يتطابق مع قول الشيخ محمود أبو زينة في مقدمة كتاب أحاديث السيدة عائشة (الطبعة الثانية): إنه يجب على كل من يريد ان يقف على حقيقة الإسلام في مستهل تاريخه، حتى يبعه يزيد فليقرأ كتابي العلامة العسكري (عبد الله بن سبأ وأحاديث عائشة) فإن فيهما القول الفصل. وأضيف على هذا القول حديث المؤلف نفسه في نهاية تمهيده ص ١٨ حين قال: وأما من لا يستطيع اجتياز ما ذكرت من عقبات، والتي هي مشتركة بين الكاتب والقارئ، فليدع الكتاب لأهله.

- مهدي الحكيم -

المدخل (٣٠١) اسم الكتاب: من مذكرات العلامة الشهيد محمد مهدي الحكيم رحمته الله حول

التحريك الاسلامي في العراق (مجموعة لقاءات) (١٠٠) صفحة

اسم المؤلف: اعداد مركز شهداء آل الحكيم للدراسات التاريخية

والسياسية

الطبعة: طبعة أولى

الناشر: مكتب السيد الحكيم

﴿ ٣٠ - أ ﴾

صفحة ٣٧ يقول المرحوم الشهيد السيد مهدي الحكيم: كانت فكرة اقتراح الحزب مختصرة على بعض المقرئين من السيد الشهيد الصدر رحمته الله واقترح عليّ السيد الشهيد (أن أطرح الموضوع على السيد مرتضى العسكري)، ولما لم أكن قد تعرفت عليه سابقاً فقد كتب الشهيد الصدر رسالة أخذتها معي وسافرت الى الكاظمية، ولما التقيت به أعطيته الرسالة، فقرأها ثم سألتني: ما الموضوع؟ فأخبرته: قال: أنا موافق، فبدأت عليّ علائم الدهشة والاستغراب فقال: لا تعجب فقد كنت أفكر في الموضوع منذ زمن ولكن لم أجد الانسان الذي أتحدث معه حول ذلك.

﴿ ٣٠-ب ﴾

صفحة ٣٩ يتحدث السيد مهدي الحكيم عن علاقته ببعض أفراد الدعوة الأوائل وكيف تمت معرفته بهم، فهو يتحدث كيف تعرف على (...) - بدون ذكر الاسم - من خلال السيد مرتضى العسكري والسيد طالب الرفاعي.

﴿ ٣٠-ج ﴾

صفحة ٤١ يقول السيد مهدي الحكيم: ان قرار السيد الوالد بأن نخرج من الحزب أنا والسيد محمد باقر ولكنه لم يقل السيد ان الحزب غير جيد، وقد بقينا نتعاون مع الحزب، كما كان يعلم بأن السيد مرتضى العسكري في الحزب وكان من خيرة وكلاء السيد وكان يمدد ويعتمد عليه، ونقله من مكان الى مكان آخر حساس وهي الكرادة التي كانت تعتبر قلب الشيعة في بغداد، وكان يمدد بكل ما يحتاج من امكانيات، وهذا يعني تأييداً وتوثيقاً من السيد للسيد مرتضى العسكري مع علم السيد بانتمائه لهذا الاتجاه. كذلك كان يعلم أن الشيخ عارف البصري يعمل بنفس الاتجاه. اضافة الى المكتبات وتأسيسها، فأول مكتبة أسست كانت في مدينة (القاسم) بطلب من السيد سعيد الخطيب من أجل جمع الشباب وتثقيفهم فاستجاب لهم السيد وفتحت المكتبة ثم بدأت فكرة المكتبات، وكان السيد - المرجع الحكيم - يعلم أن الشباب الذين يديرون هذه المكتبات عندهم هذا الاتجاه، فهم أما منضون تحت الحزب أو في هذا الاتجاه، ولم يكن يعتبر ذلك شيئاً خطأ.

﴿ ٣٠-د ﴾

صفحة ٤٤ يذكر السيد مهدي الحكيم أن حزب الدعوة لم يكن له مساهمة في مشروع جامعة النجف الدينية؛ لأن التحرك كان يسير في خطين في ذلك الوقت، وعمل الحزب كان قائماً على أساس الالتقاء بالأشخاص وتثقيفهم ثقافة اسلامية وبناء أفراد وما الى ذلك، وكان هناك في الخط الآخر عمل سياسي تقليدي والى حد ما وكنا نمارسه أنا والسيد العسكري حسب الظاهر كان قد جمد نشاطه، لأن هذا العمل يتنافى مع الارتباط، ولست أستطيع الجزم، وكنا في تحركنا نركز على ضرورة اعطاء حياة برلمانية في العراق.

﴿ ٣٠-ه ﴾

صفحة ٤٦ يذكر السيد مهدي الحكيم في مذكراته: كان ارتباط العلماء في العراق بالأمة ضئيلاً جداً، وقد أخذ يتوسع في الأيام الأخيرة، وقبل ذلك كان العالم يجلس في بيته لتأتي اليه الأفراد يسألون عن قضايا شرعية أو يدعونه لإجراء عقود الزواج، أما أن يبادر العالم بنفسه للتحدث مع الناس وللتعرف على همومهم وقضاياهم فلم يكن يحدث في العراق. وأنا أتذكر أن من علماء العراق هناك عالم واحد فقط كان يجلس الى الناس ويبادرهم بالحديث وهو السيد عبد الكريم علي خان في بعقوبة، ولا يوجد غيره في حدود معلوماتي. أما في الفترة الأخيرة فقد تغير الأمر، نلاحظ العلماء الشباب أمثال الشيخ خزعل البصري، والسيد مرتضى العسكري أنهم كانوا يبادرون في التحرك ويعقدون الصلات والعلاقات ويظهر مودته مشاريع... الخ.

﴿ ٣٠ - و ﴾

صفحة ٦٩ يذكر السيد مهدي الحكيم: قد تم الهجوم على المسجد الذي يصلي فيه السيد اسماعيل الصدر على أساس أن هذا المسجد مسجد (ضرار) وكتبوا عليه ﴿الذين اتخذوا مسجداً ضراراً وكفراً وتفريقاً بين المؤمنين﴾ وفي ذلك الحين كان السيد اسماعيل قد لجأ الى النجف، ولم تتخذ الحكومة أي اجراء تجاه ذلك الهجوم. وحدث بعد ذلك ان حلت ذكرى عاشوراء فأردنا أن نفتح المسجد بعد ان لم تفعل الحكومة أي شيء فأقمنا العزاء يوم (تاسوعاء) عصراً (أنا) والسيد مرتضى العسكري والشيخ عارف البصري ومجموعة من العلماء من بغداد، وكان الخطيب السيد عبد الرسول الكفائي، ثم خرجنا في موكب من الجامع لنشعر الناس بأن المسجد قد فتح واتجهنا الى الصحن الكاظمي، وفي هذه الأثناء تركنا الموكب (أنا) والسيد مرتضى العسكري لأجل أن نصل الى مساجدنا للصلاة، وبعد الصلاة اتصل بي (السيد مرتضى العسكري) وقال لي: ان الواقعة وقعت وهي ان (الشيخ عارف البصري) ذهب في موكب العزاء الى الصحن فهاجمهم أتباع (...) وحدثت معركة قُتل فيها اثنان، وحينذاك اعتقل جماعة من بني تميم وحاولت السلطة اعتقاله و(السيد مرتضى العسكري) بتهمة التحريض على القتل، وهذا النوع من الاعتقال بموجب القانون لا يتم معه اطلاق سراح المعتقل حتى تثبت براءته وأي كفالة لا تنفع وكان غرضهم ادخالنا السجن بصفة مجرمين بتهمة وجود اعترافات علينا، ولكن (أزهر عيسى الخلف) الذي كان حاكماً فهم المغزى فأفشل المخطط.

﴿ ٣٠-ز ﴾

صفحة ٧٢ يقول السيد مهدي الحكيم: ان الوفود الكردية القادمة من قبل الملا مصطفى يقابلون السيد المرجع مباشرة وأحياناً كان الاتصال يتم بشكل غير مباشر عن طريق اللقاء (بي) أو عن طريق السيد مرتضى العسكري والسيد هادي الحكيم والسيد محمد بحر العلوم والسيد محمد باقر الحكيم، وكان الحوار يدور بيننا حول ما اذا حصل تغير في العراق فكيف يكون العمل وما الى ذلك؟

صفحة ٧٤ يقول السيد مهدي الحكيم: كانت هناك جهود مبذولة لاقامة الحكم المدني، اذكر اننا (أنا) و (السيد مرتضى العسكري) اتصلنا مع جماعة البزاز امثال (حسن ثامر) وغيره ومع الأكراد، ودار نقاش حول شكل الحكم الذي نريده فكان قسم يقول نريد (حكماً ديمقراطياً) وكنا نحن نقول نريد (حكماً برلمانياً).

﴿ ٣٠-ح ﴾

صفحة ٧٥ يقول السيد مهدي الحكيم: أحسن فترة مرت في العراق في زمن عبد الرحمن عارف وهذا لا يرجع الى كون (عبد الرحمن) انساناً جيداً، بل لأنه كان ضعيفاً، وبالنسبة للتحرك الاسلامي يمكن القول ان حاجز الخوف أصبح معدوماً، وبالنسبة لنا (أنا) و (السيد مرتضى العسكري) في بغداد أصبحت امكانياتنا جيدة من الناحية السياسية.

﴿ ٣٠-ط ﴾

صفحة ٨٥ يقول السيد مهدي الحكيم: بعد أن اجتمع ٧٠ عالماً في بغداد وانتخب منهم عشرة علماء لتمثيلهم وكان منهم (أنا) و (السيد مرتضى العسكري) والسيد محمد الخلاني والشيخ علي الصغير والسيد هادي الحكيم، ذهبنا إلى النجف وزرنا السيد الحكيم - المرجع - وعرضنا عليه ضرورة المجيء وزيارة بغداد.

- محمد باقر الحكيم -

المدخل ٣١٠ اسم الكتاب: الامام الحكيم ، السيرة الذاتية ، الجانب العلمي ، المرجعية

الدينية ، الحوزة العلمية. (١٤٧) صفحة

اسم المؤلف: محمد باقر الحكيم

الطبعة: أولى

الناشر: دار الحكمة / القسم الثقافي

صفحة ٢٥ في هامش هذه الصفحة يتطرق المؤلف الى دوره في ترتيب
أوضاع كلية أصول الدين بعد أن تركها العلامة العسكري الذي كان عميداً لها إثر
أحداث عام ١٩٦٩ بعد اتهام الشهيد السيد مهدي الحكيم بالجاسوسية من قبل
النظام البعثي البائد. ويضيف المؤلف: كانت الكلية في تلك الفترة عرضة لخطر
المصادرة لأنها تعتبر من المؤسسات الإسلامية المهمة في ذلك الوقت، وقد
صادرها البعثيون بعد ذلك بست سنوات.

طبعاً الكتاب يتكون من ١٤٧ صفحة ذكر فيها المؤلف دور المرجع الحكيم
من سيرته الذاتية الى كل اهتماماته الدينية والعلمية وبعض المواقف السياسية،
والغريب في الأمر ان المؤلف لم يأت بذكر العلامة العسكري في كثير من
الأحداث التي لا يمكن أن يغفل عنها المؤلف في ابراز دور العسكري سيما وانه
من أبرز وكلائه الناشطين وفي قلب العاصمة بغداد - مدينة الكرادة الشرقية.

واقصر المؤلف على هذا الهامش البسيط والذي بطبيعة الحال يقترن اسم العسكري باسم كلية أصول الدين، رغم أن منهجية البحث والأمانة العلمية التاريخية تستوجب أن يذكر اسم العلامة العسكري في أكثر من موقع وشاهد. ولا نجد تبريراً لذلك إلا أن نعذر المؤلف «ولكل أمرٍ ما نوى»!

المدخل (٣٢) اسم الكتاب: الامام الشهيد محمد باقر الصدر / سمو الذات وخلق العطاء

(كتاب المنهاج) (٤٨٢)

اسم المؤلف: نخبة من الكتاب

الطبعة: أولى

الناشر: مركز الغدير للدراسات الإسلامية

اسم البحث: نظرية العمل السياسي عند الشهيد السيد محمد باقر الصدر

اسم الباحث: محمد باقر الحكيم

صفحة ٢٨١ يذكر الكاتب في هذه الصفحة التي خصها للهوامش، فيذكر في هامش ٢٣ عن جماعة علماء بغداد والكاظمية والتي تتألف أسماؤهم استناداً لما جاء في بياناتها في الستينات وكذلك في مجلة الإيمان، كما كان لهذه الجمعية لجنة تنفيذية أو مركزية كان في مقدمتهم السيد مرتضى العسكري ومهدي الحكيم وعلي الصغير ومحمد الحيدري الخلاني وهادي الحكيم ومحمد حسن آل ياسين.

الأسماء:

- | | |
|-------------------------------|--------------------------------------|
| ١ - السيد اسماعيل الصدر | ٥ - الشيخ جعفر الساعدي |
| ٢ - السيد مرتضى العسكري | ٦ - السيد جعفر شبر - الكرادة الشرقية |
| ٣ - السيد محمد مهدي الحكيم | ٧ - السيد حسن الحيدري |
| ٤ - السيد أحمد الموسوي الهندي | ٨ - السيد حسين العلاق - النورة |

- ٩ - السيد صادق الموسوي الهندي
- ١٠ - السيد صادق السيد جواد الموسوي
- ١١ - السيد عباس الحيدري - الكاظمية
- ١٢ - السيد عبد المطلب الحيدري - الكرادة
- ١٣ - الشيخ عبد الحسين الخالصي - الكاظمية
- ١٤ - السيد علي الحيدري - الشيخ بشار
- ١٥ - الشيخ علي الصغير - العطيفية
- ١٦ - السيد محسن الموسوي
- ١٧ - السيد محمد الحيدري الخلاني - الكرادة وجامع الخلاني
- ١٨ - الشيخ محمد حسن آل ياسين - الكاظمية
- ١٩ - الشيخ محمد حيدر - بغداد الجديدة
- ٢٠ - الشيخ محمد الشيخ صادق الخالسي - الكاظمية
- ٢١ - السيد محمد طاهر الموسوي - الكربعات
- ٢٢ - السيد محمد علي الأعرجي -
- كما أن هناك أسماء أخرى كانت تشترك في مجمل نشاطاتها مثل الشيخ عارف البصري، والسيد عبد الرحيم الشوكي
- محمد بن عبدالله العزّام -
- الكربعات
- ٢٣ - الشيخ موسى السوداني - الحرية
- ٢٤ - السيد مهدي الصدر - الكاظمية
- ٢٥ - الشيخ مهدي النمدي - الكاظمية
- ٢٦ - الشيخ نجم الدين العسكري - البياع
- ٢٧ - السيد هاشم الحيدري - الكاظمية
- ٢٨ - السيد هادي الحكيم - اسكان - غربي بغداد
- ٢٩ - السيد صادق الخلخالي
- ٣٠ - السيد محمد طاهر الحيدري - جامع المصلوب
- ٣١ - السيد علي نقي الحيدري - الكسرة
- ٣٢ - السيد محمد هادي الصدر - الكاظمية
- ٣٣ - الشيخ هادي الشيخ جعفر الساعدي
- ٣٤ - الشيخ كاظم العظمي - الثورة
- ٣٥ - الشيخ جواد الظالم - البياع
- ٣٦ - السيد عبد الرزاق الموسوي
- ٣٧ - السيد علي العلوي

الدكتور محمد بن عبد الله العزّام

(صحيفة الرياض، الاثنين ١ ربيع الآخر ١٤١٨ هـ ٤ أغسطس ١٩٩٧ م العدد

١٠٦٢٣ السنة الرابعة والثلاثون) بقلم (الدكتور محمد بن عبد الله العزّام)

صحيح أن الباحث يطلع على ما كُتب في الموضوع، ولا أنكر أنني قبل الكتابة عن سيف أو القعقاع قد اطلعت على ما كتبه الهلابي والعودة والمعلمي والتباني والعسكري وطه حسين وغيرهم من العلماء والباحثين، لكنني لم أقد أحداً منهم واستخرجت روايات سيف بنفسه وبحثها روايةً روايةً سنداً وممتاً، واستدركت عليهم أشياء كثيرة فاتتهم. مع تقديري لمن سبق وعدم هضم حقه) ويضيف الدكتور العزّام: ولقد قرأت هذه الأفكار قبل بضع عشرة سنة، واضحة صريحة، في كتابين لرجل اسمه السيد مرتضى العسكري الاستاذ في إحدى الجامعات المذهبية في العراق، واسم الكتاب الأول عبد الله بن سبأ، المدخل الصادر في العراق سنة ١٣٧٥ هـ، ثم صدرت طبعته الثانية في مطبعة النجاح بالقاهرة سنة ١٣٨١ هـ واسم الكتاب الثاني (خمسون ومائة صحابي مختلق) وقد صدرت الطبعة الثانية منه في بغداد سنة ١٣٨٩ هـ - فهذه - مع الأسف البحوث التي يصفها بأنها في غاية الدقة والموضوعية مما لا يتوفر مثله عندنا). ويضيف العزّام:

قال العسكري في سنة ١٣٦٩ هـ وبينما كنت أراجع قسماً من المصادر الإسلامية رايت ما وجدت في بعض الروايات في أشهر الكتب التاريخية من ظاهر تدل على أنها مدسوسة وموضوعة، فأخذت أجمع تلك الروايات المريبة وأقارن بينها وبين غيرها، وإذا بي أهتدي إلى حقيقة كان التاريخ قد نسيها فانطوت في أثنائه وضاعت في تياراته.

ورأيت من الواجب الأدبي أن أشهر تلك الحقيقة المجهولة فبوت مذكراتي
الى فصول وسميتها: (أحاديث سيف). ويضيف الدكتور العزّام أيضاً:
ولعل القارئ الكريم يسمح لي باستطراد خارج موضوع القعقاع، لأنه مفيد
جداً لبيان أمانة العسكري وهو يتهم سيفاً بهذه الفرية العظمى، مرتضى العسكري
هو السابق الى اتهام سيف بن عمر باختلاق عشرات الصحابة والبلدان وعلى
رأس الجميع القعقاع الذي قتله بحثاً.
ثم يتندر الدكتور العزّام على الدكتور المالكي فيقول: ويظهر لي ان الأخ
المالكي يكتفي في الدراسات المقبولة لديه بالاشارات العامة الواضحة وغير
الواضحة بمعزل عن مواضع الاستفاده التفصيلية، وهذا الأمر غير مقبول؛ لأنه
يؤدي الى استيلائه على جهود العسكري والتبائي وغيرهم ممن سبقوه بجيل أو
جيلين فينسخهم ويحل محلهم بدلاً من أن يكتب مؤيداً لهم.

المُدخل (٣٤) (صحيفة الرياض ٣ ربيع آخر ١٤١٨ هـ) بقلم (الدكتور محمد بن عبد الله

العزام)

في معرض دفاعه عن القعقاع يقول العزام: لا ينبغي أن تنسى أن جميع كتب التاريخ الأولى قد ضاعت إلا أقل القليل، ومن يقرأ أسماءها في فهرست ابن النديم يدرك ذلك فليس من الممكن أن نجزم بأن اسم القعقاع لم يوجد إلا في كتب سيف. ثم يقول العزام: ومع ذلك فليس من الصعب تفسير هذا الأمر؛ فلقد كانت تلك الكتب ذات نطاقٍ محدود بأخبار رجل أو قبيلة أو ناحية. وكان الرواة في عصر بني أمية يروون عن قومهم ورجال قبائلهم ما شهدوه من أحداث وما يدور في مجتمعهم من حكايات، إلى جانب الرغبة المعتادة عند البعض في إبراز امجاد القبيلة أو الاقليم. فدخلت هذه الروايات في الكتب الأولى من غير استيعاب بقية الأقوال، وصار يوجد في الكتاب الواحد الاسماء والأخبار والأشعار التي تقل أو تنعدم في الكتب الأخرى. ثم ظهرت التواريخ الشاملة في القرن الثالث، وهي تقوم في الغالب على اختيار رواية واحدة أو بضع روايات جديرة بالقبول وترك ما عداها.

العدد ٣٥٠ (صحيفة الرياض / الثلاثاء ٢ ربيع الآخر ١٤١٨ - ٥ أغسطس ١٩٩٧ م العدد

١٠٦٣٤ السنة ٣٤) بقلم (الدكتور محمد العزّام)

ولقد كان العسكري صريحاً بعض الشيء، فلم يحذف شيئاً من المسائل التاريخية التي يرى أن سيف بن عمر قد أفسدها، ومنها حديث السقيفة وما وقع لفاطمة عليها السلام وحروب الردة والشورى. ومعلوم أن هذه المسائل من ضروريات مذهبه، فلا يستغرب منه بحثها، أما الاستاذ المالكي فأخذ من هذه المسائل وترك. ومن الممكن أن يأخذ غداً ما تركه اليوم. فليس في أبحاثه ما يسوغ الجزم بأنه يختلف عن العسكري ولم يخالفه في شيء واضح. فالعسكري طبق نظريته أولاً على قضايا خلافية ذات صبغة عقائدية أخطر بكثير من مسألة القعقاع، وأهمها بيعه أبي بكر الصديق عليه السلام في سقيفة بني ساعدة.

المختل ٣٦٠ (صحيفة الرياض / الأربعاء ٣ ربيع الآخر ١٤١٨ هـ - ٦ أغسطس ١٩٩٧ م

العدد ١٠٦٣٥ السنة ٣٤) بقلم (الدكتور محمد بن عبد الله العزام)

يقول الكاتب في معرض رده على الكاتب حسن بن فرحان المالكي: أما المالكي - تبعاً للعسكري من قبله - فالأمر لديه على العكس: فقد نظر في أخبار القعقاع فلم يجد أكاذيب تجزم العقول والفطر السليمة بأنها باطلة وإنما هي أخبار في حدود المعتاد والمعقول، ثم نظر في الأسانيد فرأى أنها وردت عن طريق سيف بن عمر، فقرر أربعة أمور:

- ١ - ان انفراده بها يكفي للجزم بأن أخبار القعقاع أكاذيب.
- ٢ - ان انفراده بها يكفي للجزم بأن القعقاع نفسه اسطورة.
- ٣ - ان انفراده بأي شيء آخر يكفي للجزم بأنه اسطورة.
- ٤ - انه لا غيره مؤلف هذه الأكاذيب والأساطير.

ونحن لانتهم المالكي - ولا العسكري من قبله - بضعف الاطلاع، ولا شك أنهما قد بذلا غاية الجهد، والغريب ان العسكري كان أصدق منه إذ قال: (وإذ ابى اهتدي الى حقيقة كان التاريخ قد نسيها فانطوت في أثنائه وضاعت في تياراته) فلم يزعم انها كانت موضع اجماع القدماء، ربما لأنه ليس بحاجة الى هذا الاجماع.

- محمد جواد مغنية -

المدخل ٨٧٠ اسم الكتاب: المجلة / العرفان اللبنانية (١)

اسم المؤلف: الكاتب / محمد جواد مغنية

الطبعة:

الناشر:

وقد جاء في تعليقة الشيخ محمد جواد مغنية من لبنان أحد أكبر الكتاب المعاصرين والذي امتاز بغزارة نتاجه وسلاسة أسلوبه وكثرة نفع التأليف فيقول: «كنت أعزّي النفس بأن الكثير يجهلون ما أجاب به الأولون، وبأن السكوت يُعزّي بنا السفهاء ويُفسّر بالضعف والعجز عن الجواب، وعلى آية حال فكنت أجيب كما أجاب غيري على أساس الاعتراف بابن سبأ، ثم الانكار والتبرؤ منه ومن أقواله، أما صاحب كتاب «ابن سبأ» فقد هدم البناء من الأساس، وأثبت بأن ابن سبأ أسطورة لا وجود له. وهذا هو الجديد في الكتاب. ولا أغالي إذا قلت: إنّه الكتاب العربي الوحيد الذي بحث التاريخ على أساس العلم، وتعمّق فيه هذا التعمّق. ثم يقترح العلامة مغنية اقتراحاً يثير معه الأثم والأسف على ما يصرف من مال الإمام فيقول: أرى أن يتفضل السادة العلماء والمراجع الكبار

(١) كما نشر هذا المقال في الطبعة الثالثة من كتاب عبد الله بن سبأ / المجلد الأول وقد نُشر أخيراً في كتاب «في طريق أهل البيت» المعد من قبل لجنة تأليف في كلية أصول الدين، وللأسف الشديد بعد طبع الكتاب لم يُنشر لحصول بعض المحاذير الأمنية - لاحقاً - على الرسائل المنشورة بأسماء أصحابها من مختلف الدول العربية والإسلامية التي ضربت طوقاً وحظراً على الفكر والمعتقد.

في النجف الأشرف بتخصيص مبلغ من الحقوق أو يأمرُوا من يمثل أوامرهم من أصحاب الثراء بإعادة طبع هذا الكتاب طبعاً حديثاً وأنيقاً على أجود ورق، ثم يُعرض للبيع في البلاد الإسلامية والعربية بواسطة شركات التوزيع بثمن يقل عن نصف تكاليفه، كي يصبح في متناول الجميع، كما هو الحال في سائر كتب الدعايات التي يراد بها انتشار مبدأ وتشجيع فكرة، بل أقترح أن يأمرُوا بترجمته إلى عدّة لغات، وينشر على هذا النحو، وبذلك يقدمون خدمة للدين دونها جميع الأعمال والخدمات، هذا هو والله الغرض الأكمل لمصرف الحق الإلهي، وسهم الإمام «منه وإليه».

- محمد الحسيني -

المدخل ٣٨٨ اسم الكتاب: محمد باقر الصدر دراسات في حياته وفكره (٧١٩) صفحة

اسم المؤلف: نخبة من الباحثين

الطبعة: أولى

الناشر: مؤسسة دار الإسلام

اسم البحث: الامام الصدر ، سيرة ذاتية

اسم الباحث: محمد الحسيني

﴿ ٣٨ - أ ﴾

صفحة ٧٣ يذكر الباحث محمد الحسيني بعض تعليقات العلامة العسكري على نسخة من الكتاب (الامام السيد محمد باقر الصدر) والتي جاء في بعضها ان الشهيد الصدر عليه السلام كان يحضر المناسبات التاريخية التي دأب الشيعة على احيائها وتخليدها وفي مقدمتها ذكرى استشهاد الامام الحسين عليه السلام ، وقد كان يحضر عليه السلام مجالس الكاظمية ويستمع للخطيب المعروف الشيخ كاظم نوح والذي تأثر به على نحو من الانحاء وكان يومها - السيد الشهيد - يسهم في هذه المناسبات من خلال الكلمات التي يلقيها طلاب (مدرسة منتدى النشر) قبيل اعتلاء الخطيب المنبر، وكان الشهيد الصدر أحد المتكلمين المتفوقين من بين هؤلاء الطلاب.

﴿ ٣٨ - ب ﴾

صفحة ٨٧ يذكر الباحث الحضور العلمائي البارز في حزب الدعوة الإسلامية، ويؤكد الباحث على الحضور الفاعل والمؤثر للعلامة العسكري رغم ما يحسب على أنه من أبرز وكلاء المرجع آية الله الحكيم الذي هو الآخر كان داعماً وحاضناً لهذا الحزب.

- محمد حسين هيكل -

المدخل ٣٩ اسم الكتاب: حياة محمد ﷺ (٨٠٠)

اسم المؤلف: محمد حسين هيكل

الطبعة: تحقيقية أولى

الناشر: المجمع العالمي لأهل البيت

تحقيق: السيد عبد الرحيم الموسوي الحصري

في مقدمة المحقق: لا يخفي المحقق في ختام مقدمته من الإشارة الواضحة لتناجات وإبداعات العلامة العسكري في تحقيق هذا الكتاب - حياة محمد ﷺ - كما خص بالذكر كتاب العسكري «أحاديث أم المؤمنين عائشة».

وقد جاء في المدخل ص ٣٩ وفي معرض تعليق المحقق على كتاب (محمد ﷺ) لمحمد حسين هيكل مستعرضاً سبع نقاط رئيسية لم تنسجم مع وقائع الحقائق التاريخية، فضلاً إلى أسلوبه في تقطيع النصوص بما يتلائم مع ذوقه مثل ذكره لأسماء الصحابة ص ٥٤٢ وعدم ذكر أسماء البعض الذين ثبتوا في واقعة حنين، وكما فعل في حادثة الغدير ودمجها مع حجة الوداع. ويقول المحقق: وعدم تعليقنا على بعض الأمور لا يعني امضاءها وصحتها؛ لأننا التزمنا التعليق على المقاصل المهمة والحيوية في تاريخ الرسالة وأعرضنا عن البعض لا لعدم أهميتها، بل لأن الكتاب - والقول للمحقق - ألف بهذه الطريقة، ونحن لا نريد أن نغير طبيعة هدفه ومخافة أن يتحول إلى كتاب مناظرة، في الوقت الذي

نريده أن يكون نافذة أو إثارة للافتتاح والحوار فيما بين المسلمين، والاطلاع على تراثهم وكتاباتهم، ولغرض صياغة المواقف المطلوبة وممارسة صنع الحاضر والمستقبل الذي يخدم الرسالة.

ثم يضيف المؤلف... لقد استفدنا في تحقيق هذا الكتاب من كتابات وآراء كبار علمائنا أمثال الشيخ محمد رضا المظفر والسيد مرتضى العسكري والسيد جعفر مرتضى العاملي وغيرهم.

- محمد سعيد دحدوح -

المدخل: اسم الكتاب: في طريق أهل البيت: / الموضوع: رسالة محمد سعيد دحدوح
(٤٤٢) صفحة

اسم المؤلف: كلية أصول الدين

الطبعة: أولى / لم يُنشر

الناشر: كلية أصول الدين

صفحة ٢٧١ من رسالة محمد سعيد دحدوح للعلامة العسكري بتاريخ ١١ / ١١ / ١٩٧٤ م، ٢٧ شوال ١٣٩٤ هـ قال فيها: «لا أدري أي كلمة وجملته أسطرها مثنيًا على جهودك، وما قدمته للباحثين من حقائق، وما كشفته لأبناء المستقبل من أمور طال عليها الأمد، واعتبرت كأنها لا تبديل لكلماتها. والأولون قالوا عن سيف: متروك باتفاق، وابن حبان قال: اتهم بالزندقة، وأيضاً قال: يروي الموضوعات، ولكن لم يتوصلوا لكشف قناع موضوعاته والكشف عن مختلفاته، حتى جئت أنت أيها الأديب المحقق فأظهرت للأجيال بعدك وأبناء عصرك صدق قول القائل: كم ترك الأول للآخر، وصدق قول أبي العلاء المعري: (لأت بما لم تستطعه الأوائل) فأنت عبّدت الطريق، وأنرت السبيل، وأشعلت النبراس، ورفعت المنار لكل إنسان يحبّ البحث وإظهار ما اختلقه الكاذبون، وما مرد الناس عليه، وإذا سار أبناء المستقبل في البحث والتنقيب حقّ لنا أن نقول: والفضل للمتقدم...».

- محمد سعيد الطريحي -

المختل ٤١٠ اسم الكتاب: مجلة الموسم (٥٠٠) صفحة

اسم المؤلف: محمد سعيد الطريحي

الطبعة: العدد ١٦، عام ١٩٩٢

الناشر: محمد سعيد الطريحي

في صفحة ١٠ بعد ذكر سيرة العلامة العسكري، وفي عنوان خطوات على طريق الإصلاح يقول الكاتب: أدرك السيد العسكري من خلال دراسته الحوزوية واقع الحوزة وعدم استيعابها لمتطلبات التطور الاجتماعي المتنامي، فكان أن شخّص خطوات الإصلاح التي يجب أن تبدأ من الحوزة ذاتها؛ فقام بمحاولة مع مجموعة من الطلبة من بينهم المرحوم السيد محمود الطالقاني لإعادة تنظيم الدراسة الحوزوية بالشكل الذي يمكنها من النهوض بمسؤولياتها في أوساط الأمة، وكان من بين فقرات المنهج المقترح تدريسه: التفسير والحديث والعقائد الإسلامية المقاربة إلى جانب الفقه والأصول. كما تضمن برنامج التدريس تمرين طلبة العلوم الدينية على الخطابة والتأليف والعمل الاجتماعي مع التركيز على دراسة حالة المسلمين وحاجتهم إلى بناء الشخصية الإسلامية الرصينة وصولاً إلى المجتمع الإسلامي المنشود. إلا أن المشروع على ما فيه من جوانب إيجابية تساهم في إعداد وتأهيل طالب الحوزة لمركز يؤهله ويمكنه من أداء رسالته الإسلامية بما ينسجم ومتطلبات العصر، توقف ولم ير

النور لأسباب خاصة، كان ذلك في زمن مرجعية آية الله العظمى الشيخ عبد الكريم الحائري مؤسس الحوزة العلمية في قم، حينها رجع السيد العسكري الى موطنه الأصلي سامراء (العراق) لمتابعة دراسته العلمية فدرس الفقه الاستدلالي في حوزتها واستمر في تحصيله العلمي حتى قيام الحرب العالمية الثانية.

- محمد صالح الأديب -

المدخل (٤٣) اسم الكتاب: الصادق العهد (٢٧٣) صفحة

اسم المؤلف: محمد صالح الأديب

الطبعة: أولى

الناشر: حزب الدعوة الإسلامية

﴿ ٤٢ - أ ﴾

صفحة ٤٨ (حول الاجتماع التأسيسي لحزب الدعوة): جاء في قول المؤلف رحمه الله: نحن لم نلتقط صورة جماعية للاجتماع التأسيسي أو الاجتماعات الأولى التي أعقبتها لأننا لم نكن نهتم بمثل تلك الأمور، فأنا شخصياً لم أحفظ أسماء جميع من حضر الاجتماع التأسيسي، ولكن عندما أجلس مع بعض اخواني مثل السيد محمد باقر الحكيم أو السيد مرتضى العسكري وأقول لهم تعالوا نتذكر من حضر الاجتماع التأسيسي فقد يتذكر أحدنا اثنين أو ثلاثة وينسى البقية، وعندما نصل الى العدد الكامل نقول فعلاً هؤلاء هم الذين حضروا الاجتماع التأسيسي، لماذا حصل ذلك؟ الجواب ببساطة أننا لم نكن نهتم بهذه القضايا بل بأصل العمل.

﴿ ٤٢ - ب ﴾

صفحة ٥٢ (حول المفاتحة والانضمام للحزب) يقول المرحوم محمد صالح الأديب: إن السيد مهدي الحكيم كتب قائمة بأسماء وكلاء مرجعية والده وأعطاهما إلى الشهيد الصدر رحمه الله فقال السيد الصدر: أنت تقوم بمفاتحة قسم منهم

وأنا أفاتح قسماً آخر وقسم يفاتحه السيد العسكري، وقد استجاب وكلاء السيد الحكيم عندما تكلم معهم السيد الصدر حول ضرورة العمل المنظم وانظموا للحزب.

﴿ ٤٢-ج ﴾

صفحة ٦٦ يذكر في هذه الصفحة أن الحاج الأديب رحمته الله والشهيد السيد مهدي الحكيم رحمته الله وسماحة السيد مرتضى العسكري (حفظه الله) كانت لهم وقفة استذكار ومراجعة لتلك الأيام بددت غبار الشك؛ حتى باتت قضية دور الشهيد الصدر في التأسيس من الحقائق التي لا تقبل الشك، بل أصبح دور الشهيد هو الأول وربما يرقى عند بعض من عاصره إلى دور المؤسس الحقيقي للدعوة الإسلامية والآخرين مساعدون له.

﴿ ٤٢-د ﴾

صفحة ٧٠ (حول خروج الصدر رحمته الله من الدعوة): وتظل حقيقة خروج السيد الشهيد الصدر من الدعوة مرتبطة بحادثة (حسين الصافي) حسبما ذكرها تفصيلاً (الحاج الأديب رحمته الله) في مقابلات منشورة في هذا الكتاب وأيدها سماحة السيد (العسكري) وآخرون.

﴿ ٤٢-ه ﴾

صفحة ٧٤ في هذه الصفحة يُذكر: أن الشهيد الصدر رحمته الله يقول للسيد العسكري بعد انفصاله التنظيمي: «إني أريد أن يدخل في الدعوة مليوناً شخصاً».

- ملا أصغر علي جعفر -

المدخل: ٤٣٠ اسم الكتاب: محمد باقر الصدر دراسات في حياته وفكره (٧١٩) صفحة

اسم المؤلف: نخبة من الباحثين

الطبعة: أولى

الناشر: مؤسسة دار الإسلام

اسم البحث: الحياة السياسية للامام الصدر

اسم الباحث: ملا أصغر علي جعفر

صفحة ٤٨٠ من أحداث عام ١٩٦٩ م يذكر الباحث ملا أصغر علي جعفر: أن السيد مرتضى العسكري أكد على أن في زيارة المرجع الحكيم الى بغداد كان من المقرر أن تُنظم مظاهرة شعبية تضامنية في إحدى ضواحي بغداد، ولكن حكومة البعث بادرت وقبل تنفيذ المخطط بإعلانها عن كشف محاولة لقلب نظام الحكم بواسطة ضباط كبار، ورجال أعمال شيعة مرتبطين بإيران وإسرائيل واتهام السيد مهدي الحكيم بأنه كان الرأس المدبر للانقلاب.

بعدها، تم تهريب السيد مهدي الحكيم خارج القطر وسافر السيد مرتضى العسكري الى لبنان وانسحب السيد محسن الحكيم الى النجف وتوفي بعد أشهر قليلة.

-محمود أبو رية -

المدخل ٤٤٢ اسم الكتاب: في طريق أهل البيت (عليه السلام) / الموضوع: رسائل الشيخ محمود

أبو رية عن كتاب «عبد الله بن سبأ - المدخل -» (٤٤٢) صفحة

اسم المؤلف: كلية أصول الدين

الطبعة: أولى - لم يُنشر

الناشر: كلية أصول الدين

في صفحة ٢٤٥ «إنّ بحثكم في هذا الكتاب - عبد الله بن سبأ - كان بحثاً أكاديمياً لم يطره أحد قبلكم، واني أهتكم تهنئة صادقة على أن الله وقّقكم للقيام بهذا البحث وهذاكم الى الوصول الى هذه الحقائق التي لم يهتد اليها أحد في الأربعة عشر قرناً الماضية، وقد صدّق بحثكم هذا ما قاله بعض علماء أوروبا - وأظنه (ويلز) - من أن التأريخ كلّه أكاذيب، وأن هذا لينطبق - وأأسفاه - على التاريخ الاسلامي الذي أملته الأهواء والعصبيات في كلّ عصر، حتى أصبح في حاجة الى أن يدرس من جديد دراسة عميقة صحيحة».

المدخل ٤٥٨ اسم الكتاب: في طريق أهل البيت (عليه السلام) / الموضوع: كلمة الشيخ محمود أبو

ريّة عن كتاب أم المؤمنين عائشة (٤٤٢) صفحة

اسم المؤلف: كلية أصول الدين

الطبعة: أولى / لم يُنشر

الناشر: كلية أصول الدين

في صفحة ٢٥١ يقول الشيخ أبو ريّة في رسالته (كلمته): «وإني ليسرني كلّ السرور أن أشيد بفضل عالم محقق كبير من علماء العراق قد نهض ليؤدّي ما عليه نحو الدين والعلم؛ فأخرج للناس كتاباً نفيسة كانت كالمرآة الصافية التي يرى فيها المسلمون وغير المسلمين تاريخ الإسلام على أجمل صورة في أول أدواره، ذلكم هو الاستاذ (مرتضى العسكري) فقد أخرج لنا - من قبل - كتاب عبد الله بن سبأ... وأردف... بكتاب آخر أكثر منه نفاسة هو كتاب (أحاديث عائشة) وقد تناول في هذا الكتاب تاريخ هذه السيرة لا كما جاء من ناحية السياسة والهوى والعصية، ولكن من أفق الحقيقة التي لا ريب فيها.

وفي ختام كلمته يقول الشيخ أبو ريّة: «إنّه يجب على كلّ من يريد أن يقف على حقيقة الإسلام في مستهل تاريخه إلى بيعة يزيد، فليقرأ كتابي هذا العلامة: (عبد الله بن سبأ، وأحاديث عائشة) وليتدبّر ما جاء فيهما، فإنّ فيهما القول الفصل».

-مرتضى العسكري -

العلامة العسكرية: اسم الكتاب: المجلة / الوحدة (١٥٠) صفحة

اسم المؤلف: مجلة صادرة عن المعاونة الثقافية في طهران

الطبعة: - العدد (١٧٧) في ١٤١٥ هـ / ١٩٩٥ م

الناشر: المعاونة الثقافية في طهران

في صفحة ٣٣ يقول العلامة العسكري: ان الوحدة الإسلامية تنقسم الى قسمين: الوحدة العلمية والوحدة العملية. وفي سبيل تحقيق الوحدة العلمية ينبغي لنا أن ندرس ما بين مدرسة أهل البيت ومدرسة الخلفاء من وجوه الوفاق ووجوه الخلاف.

فيقول العسكري ان وجوه الوفاق أهمها: أولاً: في القرآن الكريم. إننا معاشر المسلمين على وجه الأرض ليس لنا قرآن غير هذا مطبوع أو مخطوط بالخط الكوفي أو بخط النسخ أو بخط آخر، ولا توجد أي نسخة أخرى غير هذه في بلدة ما أو في بيت أو في كهف أو في غار لا عند المسلمين ولا عند غير المسلمين، فلم هذا التراشق بيننا؟

لنجتمع حول هذا القرآن، ونتفق، نعم إن هناك أحاديث في مصادر الدراسات الإسلامية بمدرسة أهل البيت ومدرسة الخلفاء، لو أخذنا بها ظننا أن القرآن فيه زيادة وتقيصة وهذا من وجوه الخلاف بيننا، فلتترك الآن تلکم الأحاديث وندرسها جميعاً بعد ذلك مرة واحدة. ثانياً: في سنة الرسول ﷺ: يتفق المسلمون على وجه الأرض ان ما جاء في سنة الرسول ﷺ يعملون به ولا تجد مسلماً واحداً على وجه الأرض لا يقول بهذا.

المدخل (٤٧) اسم الكتاب: مجلة العالم

اسم المؤلف: لقاء مع العلامة العسكري

الطبعة: العدد (٥١٨) ذو القعدة ذو الحجة ١٤١٤ هـ أيار (مايو)

الناشر:

صفحة ٤٤، يؤكد العلامة العسكري، أن الخلاف الشيعي - السني سياسي وليس عقائدياً. ويضيف...: في الواقع ليس بين الشيعة والسنة شيء، إنما بيننا وبين من يكفر المسلمين عامة لأنهم يتبركون بضريح الرسول والأولياء، حينما فتح الصحابة البلاد ومروا على كنائس النصارى وفيها تماثيل مريم العذراء وعيسى بن مريم عليهما السلام وهم يقولون: عيسى ربنا لم يعاملوهم معاملة المشركين إنما معاملة أهل الكتاب. أي يأكلون ذبيحتهم ويتزوجون نساءهم، في رأيي المشكلة - والقول للسيد العسكري - هي مع من يقول للمسلم انه مشرك إذا تبرك بضريح رسول الله صلى الله عليه وآله أما بيننا وبين اخواننا أهل السنة فلدينا خلافات فكرية تطرح على بساط البحث العلمي، انا أقيم الدليل على ما أرى وهو يقيم الدليل على ما يرى، قد أقبل بدليله أو قد لا أقبل وهو قد يقبل بدليلي أو لا يقبل، لا مانع من وجود اختلافات في الرأي في أن نمسح رجلنا في الوضوء أو نغسلها، لا خلاف بيننا، فنحن أمة واحدة، من الخطأ أن تقول إن المشكلة بين السنة والشيعة إنما هي بيننا وبين من يرمي المسلمين بالشرك. ويضيف العلامة العسكري، يكفي أن نعرف أن في فقه أهل البيت ان إمام

الجماعة الذي لا يقرأ البسملة مع سورة الحمد صلاته باطلة وصلاتي انا خلفه باطلة، لكن المسلم أو إمام الجماعة من أتباع مدرسة الخلفاء لا يقرأ البسملة لأنه لا يرى البسملة جزءاً من السورة، ولأن الاختلاف هو اجتهادي، فإن الإمام الصادق عليه السلام يقول: ان صلاتك خلفهم في الصف الأول كالصلاة خلف رسول الله ﷺ، إن أخي السني يعمل حسب ما توصل إليه علمه، فعمله عنده صحيح، وأنا أكون ابني على صحة عمله واقتدي به، هكذا أمرنا الإمام الصادق عليه السلام. ان الخلافات لم تقع بين المدرستين فقط، بل بين خليفتين: هما الأمين والمأمون، فهل كان خلافهم عقائدياً؟ لقد كان خلافاً سياسياً فقتل أحدهم الآخر، الشيء الذي أود التأكيد عليه هو عدم ادخال الخلافات السياسية في حقل العقيدة.

المجلد (٤٨) اسم الكتاب: مجلة رسالة الإسلام (٣٥٠) صفحة

اسم المؤلف:

الطبعة: العدد الأول

الناشر: كلية أصول الدين ببغداد

﴿ ٤٨ - أ ﴾

في صفحة رقم ١ وتحت عنوان: «لهذا أسست كلية أصول الدين». بقلم عميد الكلية العلامة السيد مرتضى العسكري، ومما جاء فيها: «كلما انحرف المسلمون عن إسلامهم وتشتت كلمتهم وذهبت ريحهم كان علاجهم الرجوع الى القرآن وعلومه من جديد، وفي أمسنا القريب ابتلى الإسلام وبلاده بالغزو الكافر فوضع برامج دقيقة لإبعادنا عن الإسلام وتقربنا الى أفكاره وصبغنا بحضارته المادية، وكانت استجابتنا رائعة - في حسابه - حين نسينا لغتنا وتكلمنا بلغته وتركنا تقاليدنا وتخلقنا بآدابه، درجنا على ذلك حتى نشأ عندنا جيل كما أراد الأجنبي قريب منه بعيد عن الإسلام يقلد الأجنبي في سلوكه ويأخذ منه أفكاره فكان ما شاهدنا، من مآسي سجلها التاريخ وما علاجنا اليوم إلا كما كان بالأمس الرجوع الى القرآن الكريم والحديث الشريف والسيرة الكريمة نأخذ منها العقيدة الإسلامية وأحكام الإسلام وآدابه ثم نحمله الى الآخرين ولهذا أسست كلية أصول الدين».

﴿ ٤٨ - ب ﴾

في الصفحة ١٨٣ وتحت عنوان: «شؤون الجمعية / كلية أصول الدين».

وبخصوص اساتذة وملاك الكلية: ضمت الكلية لهذا العام عدداً من أفاضل اساتذة جامعة بغداد الى ملاكها بعد أن عدلت نظامها فأضافت الى كل فرع من فروع التخصص الثلاثة فيها تخصصاً ثانوياً باللغة العربية وآدابها وبهذا كان الملاك هذا العام كما يلي:

١- السيد مرتضى العسكري - عميد الكلية وأستاذ أصول الحديث

٢- السيد مهدي الحكيم - مدرس المنطق والنظام الإسلامي

٣- الشيخ علي الصغير - مدرس الفقه

٤- الشيخ موسى السوداني - مدرس الأصول والتفسير

٥- السيد محمد باقر الحكيم - مدرس علوم القرآن

٦- الدكتور أحمد عبدالستار الجواري - أستاذ النحو

٧- الدكتور حسين محفوظ - أستاذ الحديث

٨- الدكتور إبراهيم السامرائي - أستاذ النحو

٩- الدكتور عبدالله الفياض - أستاذ التاريخ الإسلامي

١٠- الدكتور عناد غزوان - أستاذ التاريخ والأدب

١١- الدكتور علي الهاشمي - أستاذ النحو

١٢- الدكتور حسام الآلوسي - أستاذ الفلسفة

١٣- الأستاذ عبدالمنعم الحسيني - مدرس علم الاجتماع

١٤- الأستاذ ضياء الجبوري - مدرس اللغة الانجليزية.

١٥- الأستاذ باقر تويج - مدرس اللغة الانجليزية

وانتخب الأستاذ الدكتور الجواري نائباً أولاً لرئيس المجمع العلمي وكانت

الانتخابات قد جرت لاختيار خلف للرئيس الراحل العلامة الشيباني رحمه الله؛ ففاز

الرئيس الدكتور محي الدين وبالنسبة الأولى الدكتور الجواري.

المدخل (١٤٩) اسم الكتاب: صحيفة لواء الصدر - عراقية معارضة -

اسم المؤلف: لقاء مع العلامة العسكري

الطبعة: العدد ٣٣١ الصادر في ٢٠ / ٢ / ١٩٨٧ م: ص ٨

الناشر: المجلس الأعلى - مكتب السيد الحكيم

يقول العلامة العسكري: ان أحداث العدوان الثلاثي - الفرنسي الانجليزي الاسرائيلي - على مصر انعكس سلباً على الرأي العام في العراق، وتحرك الشيعة الى النجف للسؤال والاستبصار عن الموقف الشرعي أمام هذا الحدث، وخرجت تظاهرات كبيرة استنكارية تحولت الى مواجهات دامية سقط على أثرها عشرات الضحايا. وتدخلت المرجعية فأرسل كبار المراجع آنذاك رسائل استنكار على ممارسات السلطة ضد الأهالي كما ارسل المرجع آية الله الحكيم الى هيئة الأمم المتحدة مستنكراً تقسيم فلسطين عام ١٩٤٨ م.

المدخل (٥٠١): اسم الكتاب: صحيفة «صوت العراق»

اسم المؤلف: حوار مع العلامة العسكري

الطبعة: العدد (١٢٨) في ٢٣ شوال ١٤١٣ هـ

الناشر:

ومما جاء في هذا الحوار، يقول السيد العسكري: انتهت حوالي عام ١٣٥٠ هـ لأحوال المدارس التعليمية في بلاد المسلمين ولاحظت انها تنتزع الشباب من المجتمع ثم يتخرج منها بعد ذلك متوجهاً نحو الغرب، فكانت لندن قبلة العراقي وباريس قبلة الإيراني وهكذا بالنسبة الى الأقطار الإسلامية الأخرى.

وفي مكان آخر من الحوار يوضح السيد العسكري خطورة البعثيين على التحرك الإسلامي فيقول: ما كدنا نخطو خطواتنا الأولى حتى بدأ تحرك البعثيين ضدنا، حتى قبل استلامهم الحكم، فزار مبعوثهم حسين الصافي السيد محسن الحكيم رحمته الله ولا اعرف مادار بينهما إلا انه أمر السيد مهدي الحكيم بالخروج من الحزب ففعل ثم حصلت ضغوط شديدة على الشهيد الصدر اضطر أثرها للخروج من الدعوة ثم كنت آخر من جمد عمله بعد الشهيد الصدر.

وفي مكان آخر من الحوار أكد العلامة العسكري ان حزب الدعوة الإسلامية كان له اهتمام بالغ في نشر الوعي الإسلامي من خلال النشاطات الإسلامية وتوجيهها الوجهة الصحيحة. ومثال ذلك ان مراجع التقليد في النجف

الأشرف حين أسسوا جماعة العلماء كانوا يتبنون «مجلة الأضواء»، وكانت المجلة تدار من قبل الدعوة والمقربين منها، أما نشرات جماعة العلماء فكانت تكتب من قبل الشهيد الصدر شخصياً وكانت هذه النشرات تنتشر وتقرأ حين كان العراقيون يتلاقفونها في سبيل الحصول على نسخة منها.

وكانت المهرجانات المختلفة تنظم من قبل الدعوة وتلقى كلمات لهم فيها، أما مكاتبات السيد الحكيم في المدن العراقية المختلفة فكانت تدار من قبل منتسبي الحزب. وكان الدعوة يتخذون من المساجد منطلقات لنشر الفكر الإسلامي مع دعم عالم المسجد كل الدعم بغض النظر عن كونه منتمياً أم غير منتمٍ لحزب الدعوة، فكان الدعوة يجمعون الشباب حول العالم ويقيمون المناسبات بالتعاون معه وهكذا انتشر الوعي الإسلامي من خلال هذا العمل غير الواضح.

-نوري كامل -

المدخل (٥١) اسم الكتاب: الإمام الحكيم - الشهيد الصدر وحزب الدعوة الإسلامية

اسم المؤلف: نوري كامل (١٠٣) صفحات

الطبعة: أولى

الناشر: دار المرصاد / بيروت

﴿ ٥١-أ ﴾

صفحة ٣٤ المؤلف - نوري كامل - ينقل حديثاً خاصاً بين العلامة العسكري والسيد حسن شير فيقول السيد العسكري: بعد تأسيس الحركة الإسلامية (الدعوة) ذهبت الى مسجد الكوفة أنا والشهيد الصدر، ولا أذكر من كان معنا، وكان هناك (السيد...) معتكفاً وتحدثت مع الشهيد الصدر في مفاتحته بالحكومة الإسلامية، فقال لي الشهيد الصدر: لا يمكن أن يفتح هذا الانسان بالحكومة الإسلامية.

قلت: أن أفاتحه.

قال: لا تستطيع.

ذهبت اليه وقرأت له هذه الآية: ﴿ونريد أن نمنّ على الذين استضعفوا في

الأرض...﴾

قال: هذه تفسيرها هو قيام الحجة.

فأخذت أناقشه وأنه ألا يمكن أن يكون هذا الشيء يقام بجماعة من

المسلمين يعملون في سبيل الله ويرثون الأرض؟

قال: نعم يمكن.

قلت له: اذن يمكن أن نقيم حكماً اسلامياً بمفاد الآية.

قال: نعم.

فالأمر كان الى هذا الحد، لا نستطيع ان نفتح الناس بهذا الشيء، هذا ما أدركته بنفسى رأيت الوضع هكذا، أكثر ما كان المتدينون يطلبون من الحكومة أن تعثر العتبات المقدسة في كربلاء، المنارة مثلاً أو الاضاء، وأما العامة فاذا سمح لهم بأن يخرجوا مواكب القامات فالمتصرف متصرف جيد.

﴿ ٥١-ب ﴾

صفحة ٧٥ (حول ضرورة قيام الحكومة الإسلامية)

يقول العلامة العسكري - كما ينقل المؤلف نوري كامل -: ذهبت الى الامام الحكيم أناقشه حول ضرورة اقامة الحكومة الإسلامية، وكلما جثته بدليل من القرآن والسنة جاءني بدليل ضده واستمر الحوار طويلاً حتى عاد الامام الحكيم ثانيةً يقدم لي أدلة اضافية على ما قدمته من أدلة له وكلها من القرآن والسنة.

﴿ ٥١-ج ﴾

صفحة ٧٤ ينقل المؤلف - نوري كامل - حرص المرجع الحكيم على دعم حزب الدعوة الإسلامية، فيقول: لم يكن حرصه على الدعوة انها تتبنى منهج أهل البيت ﷺ فحسب وانما فتح ذراع للأحزاب الإسلامية الأخرى فقد استقبل

قادة الحزب الاسلامي في العراق الذي أسسه مجموعة من شباب أبناء (العامة) رغم ان حكومة عبد الكريم قاسم قد امتنعت عن اجازته؛ وهذا يكفي ان يكون شاهداً على رعاية أكبر وأشمل لحزب قاداته منه العلماء وبعضهم من حاشيته وأولاده ووكلائه الذين يعتمدهم أساساً في حركة المرجعية كآية الله السيد العسكري والشيخ الشهيد عارف البصري والشهيد الصدر والاستاذ عبد الصاحب دخیل وقائمة طويلة تشكّل عماد مرجعية الامام الحكيم (عليه السلام).

- سامي البدري -

المدخل (٥٢) اسم الكتاب: المدخل الى دراسة مصادر السيرة النبوية والتاريخ الاسلامي

اسم المؤلف: سامي البدري (٦٥٨) صفحة

الطبعة: أولى

الناشر: دار الفقه

﴿ ٥٢- أ ﴾

صفحة: ٨٧ ذكر السيد سامي البدري أقدم نص رسمي اسلامي في تعريف الزندقة والذي جاء في وصية الخليفة المهدي لابنه موسى ولي عهده، واعتمد المؤلف على كتاب العلامة العسكري خمسون ومائة صحابي مختلق ج ١ / البحث التمهيدي رقم ١ عن تاريخ الطبري في ذكر أخبار موسى الهادي.

﴿ ٥٢- ب ﴾

صفحة ٩٢ ذكر المؤلف مطيع بن إياس من شعراء الدولة الأموية والعباسية وممن اتهموا بالزندقة ويروي المؤلف حديث مطيع بن إياس الذي أكذب فيه على الله ورسوله اعتماداً على الحديث المفصل الذي ذكره العلامة العسكري في البحث التمهيدي رقم ٢ في كتاب خمسون ومائة صحابي مختلق ج ١.

﴿ ٥٢-ج ﴾

صفحة ٩٦ ذكر السيد البدري حديث أم المؤمنين عائشة والذي تخبر به أن النبي ﷺ سمح لنفسه أن تُغوى بواسطة الشيطان لمدح اللات والعزى ومناة إلى حدٍ ما، لكنه اكتشف زلته فيما بعد ثم أوحيت إليه الآية ١٩ من سورة النجم، وقد اعتمد البدري على كتاب العلامة العسكري أحاديث أم المؤمنين عائشة ج ٢ / ٣٨٠.

﴿ ٥٢-د ﴾

صفحة ٩٨ ينقل السيد البدري حديث الاستاذ روجيه غارودي مرشح الحزب الشيوعي - سابقاً - لمنصب رئيس الجمهورية الفرنسية بعد أن أسلم في حوارٍ له مع الاستاذ سعد الدين والذي يُعظم فيه القرآن الكريم ويستدل منه على كمال الدين الاسلامي فيما يصف مجموعة الأحاديث في كتب البخاري ومسلم - والقول لغارودي - كأنتي أمام دين آخر، دين تقليدي. وقد نقل السيد البدري جزءاً من الحوار - هذا - الذي جاء في كتاب العلامة العسكري أحاديث أم البنين عائشة ج ٢ / ٣٨١ / ٣٨٢.

﴿ ٥٢-ه ﴾

صفحة ١٢٠ يذكر السيد البدري أن المسلمين جميعاً بمذاهبهم وفرقهم اتفقوا على رواية نص واحد للقرآن، وما يذكر في كتب الحديث من حذفٍ أو نسخ لم يعأ به أحد من المسلمين ولم يظهر أثره في النسخ المتداولة للقرآن بين

يدي المسلمين خلال هذه القرون العديدة، وإن ما يتداول في (علم القراءات القرآنية) أو في روايات التفسير لا يعدو عن كون بعض ما ذكر إنما هو تفسير للفظه. ووثق البدري قوله من كتاب العلامة العسكري القرآن وروايات المدرستين ج ١.

﴿ ٥٢-و ﴾

صفحة ١٢١ يذكر السيد البدري عن العلامة العسكري في كتابه خمسون ومائة صحابي مختلف ج ٢ / ٢٩ أن كتب الحديث والتاريخ تنقسم الى قسمين الأول: يذكر سند روايته فيما يرويه من أخبار وأحاديث وقد يذكر الراوي أو الكتاب الذي أخذ عنه وهذا مما سلكه اليعقوبي والمسعودي وابن أثير.

﴿ ٥٢-ز ﴾

صفحة ١٢٦ نقل السيد البدري في هامش الصفحة أن العلامة العسكري قال في بعض دروسه: إن الشيخ الطوسي عليه السلام أورد في كتابه (التيان) الأسطورة التي روتها أم المؤمنين عائشة عن قصة الإفك كتفسير لآيات الإفك (سورة النور ١١-١٨) وإن المرأة التي رماها المنافقون بالافك هي عائشة وإن الله تعالى برأها من ذلك وعن طريق (التيان) انتقلت الى مجمع البيان للطبرسي وروض الجنان تأليف أبي الفتوح الرازي الشيعي وعنه أخذ كازر وأوردها في تفسيره. وفي هامش آخر من الصفحة ذاته حقق البدري في قول العلامة العسكري وأوضح بعض المرامي فيقول: أن العلامة العسكري أراد ما ورد في كتاب فرق

الشيعة للنوبختي وكتاب المقالات والفرق للأشعري من خبر عبد الله بن سبأ وإنه أول من شهر القول بالوصية بعلي وأظهر الطعن في الخلفاء قبل علي عليه السلام. وفي هامش ثالث من الصفحة ذاتها ينقل البدري نص قول العلامة العسكري حول أخبار الزنادقة المنتشرة في كتاب تاريخ الطبري الى كتب تاريخهم وتسرب بعض الاسرائيليات وبعض أخبار العامة عن طريق بعض التفاسير التي أخذت عن كعب الأخبار ونظائره الى تفاسيرهم. طبعاً اعتماداً على كتاب العلامة العسكري عبد الله بن سبأ وأساطير أخرى ج ٢/ ٢٠٠-٢٠٤.

﴿ ٥٢-ح ﴾

صفحة ١٥٧ يعتمد البدري (المؤلف) في كذب وتهافت وتناقض روايات قذف عائشة بصفوان بن المعطل، ويقول هو خبر واحد لا غير، فليس ثمة تواتر في القضية. ويؤكد المؤلف ان العلامة العسكري في كتابه أحاديث أم المؤمنين عائشة ج ٢ والعلامة السيد جعفر مرتضى العاملي من الباحثين الذين أثبتوا كذب هذه الروايات التي لا تتسجم مع الحقائق التاريخية الثابتة.

﴿ ٥٢-ي ﴾

صفحة ٣٤٧ كتاب الامامة والسياسة لابن قتيبة (ت ٢٧٦) يذكر السيد البدري رأي ما صرح به استاذ العلامة العسكري في كتابه عبد الله بن سبأ ج ١ ص ٣٣٦-٣٣٨.

﴿ ٥٢-ك ﴾

صفحة ٥٩٣ يذكر المؤلف - البدرى - في هامش هذه الصفحة سيرة العلامة العسكري العلمية وأعماله ومشاريعه الإصلاحية والثقافية بشكل مقتضب.

صفحة ٥٩٤ يذكر السيد البدرى - المؤلف - ترجمة سيف بن عمر التميمي الأسدي كما جاء في كتاب العلامة العسكري خمسون ومائة صحابي مختلف في ترجمة سيف بن عمر.

﴿ ٥٢-ل ﴾

صفحة ٥٩٥ يذكر البدرى عن استاذ العلامة العسكري في كتابه خمسون ومائة صحابي مختلف أسماء كثيرة ذكرها سيف بن عمر ضمن أساطيره فترجم المؤلفون لتلك الأسماء ضمن تراجم الصحابة كابن عبد البر وابن الأثير وابن حجر والذهبي وغيرهم.

﴿ ٥٢-م ﴾

صفحة ٥٩٦ يذكر السيد البدرى مجموعة من الأقوال في ترجمة سيف بن عمر اعتماداً على كتاب استاذ العلامة العسكري عبد الله بن سبأ وأساطير أخرى ج ١ ترجمة سيف. ويضيف البدرى أقوال آخرين منهم ابونعيم الاصبهاني في كتابه الضعفاء / ٩١، ويعقوب بن سفيان الفسوي في كتابه المعرفة والتأريخ ج ٢ / ٤٣ - ٣٩ وابن المعجمي في الكشف الحثيث عن رمي بوضع الحديث ٣٣٥ وغيرهم.

﴿ ٥٢-ن ﴾

صفحة ٥٩٧ يذكر البدري خلاصة لبحوث العلامة العسكري في روايات سيف، ويقول البدري إن رواياته الموضوعية انتشرت في أكثر من سبعين مصدراً من كتب الحديث والتاريخ والأدب وغيرها من مصادر الدراسات الإسلامية، وقد ذكر العلامة العسكري أسماء أكثرها في أول الجزء الأول من كتاب (خمسون ومائة صحابي مختلق) والهوامش الآتية من كتابه.

﴿ ٥٢-س ﴾

صفحة ٥٩٩ ينقل السيد قول استاذ العسكري حول كثرة روايات سيف في تاريخ الطبري وابن الأثير: أن العالمين الكبيرين لم يتركا روايات غير سيف لعدم اعتمادهما عليها، بل لأنهما لم يجدا فيها العذر للسلطة الحاكمة ووجدوا العذر عند العاذرين معاوية الأمير وعثمان الخليفة وهم سيف الزنديق وسلسلة رواياته المختلفين، فحشى الطبري تأريخه الكبير بروايات سيف وللسبب نفسه أخذ ابن الأثير روايات سيف من تأريخ الطبري.

﴿ ٥٢-ع ﴾

صفحة ٦٠٢ بعد أن يذكر المؤلف ردّة عك والأشعريين وخبر طاهر ربيب رسول الله في روايات سيف، يذكر المؤلف تعليقة العلامة العسكري على هذه الحادثة ثم يتساءل العسكري من هو طاهر ابن أبي هالة في أحاديث سيف؟

﴿ ٥٢- ف ﴾

صفحة ٦٠٧ يذكر - المؤلف - ما ذكره العلامة العسكري من أقوال المؤلفين عن القعقاع بن عمر، ابتداءً من أبي عمر في الاستيعاب إلى ابن عساكر في تاريخ مدينة دمشق وغيرهم.

ويقول المؤلف - البدرى - في صفحة ٦١٠ في نتيجة البحث أن ما أوردناه من حديث سيف في شأن القعقاع لم نجده عند غيره لنقارن بين حديثه وحديث غيره، وإنما تفرد سيف بروايته وجدنا في أسانيد أحاديثه رواة من مختلفاته.

﴿ ٥٢- ص ﴾

صفحة ٦١١ ثم يقول المؤلف - البدرى - : درس العلامة العسكري كل أسانيد روايات سيف حول القعقاع ومتونها وقارنها بغيرها إن كان يبعد ما يقابلها في غير روايات سيف غير أنه أورد أصل روايات سيف مختصرة خشية من تضخيم الكتاب وتعب القارئ.

﴿ ٥٢- ق ﴾

صفحة ٦١٥ يذكر السيد البدرى - المؤلف - بعض الأبيات الشعرية المنسوبة إلى القعقاع بن عمرو في أيام الحيرة نقلاً عن الطبري عن سيف، ثم يذكر البدرى تعليق العلامة العسكري: ومن الطبري أخذ كل من ابن الأثير وابن كثير وابن خلدون في تواريخهم وأشار ابن كثير إلى مصدره: الطبري وسيف.

﴿ ٥٢-ر ﴾

صفحة ٦١٧ وفي مناقشة سند رواية (الثني والثني) عن سيف عن زياد بن نرجس الأحمري ينقل - المؤلف - رأي العلامة العسكري: وزياد بن نرجس الأحمري يروي عنه سيف في تاريخ الطبري ثلاثاً وخمسين رواية، ولم نجد له ذكراً عند غيره فاعتبرناه من مخترعات سيف من الرواة وأسماء آخرين مجهولين (مر ذكرهم) وأسماء مشتركة بين عدة رواة لم ندر من عناء سيف لنبحث عنه.

﴿ ٥٢-ش ﴾

صفحة ٦٢٢ ينقل السيد البدري - المؤلف - عن العلامة العسكري -: ان أسطورة القعقاع جاءت في ثمانية وستين حديثاً من أحاديث سيف وجلها في تاريخ امام المؤرخين الطبري، ولما رجعنا الى أسانيد تلك الأحاديث وجدنا (٢٩) راوياً من مختلفات سيف.

﴿ ٥٢-خ ﴾

صفحة ٦٢٧ يؤكد المؤلف - السيد البدري - قول استاذة العسكري بأن سيف ذكر معارك حربية لم تقع وتفرد بذكر أماكن رأينا أنها لم تكن، تفرد سيف بذكر أخبار وقعت في ست وعشرين سنة لم يذكرها غيره، فهو واضعها ومخترقها. وقد اعتمد المؤلف على كتاب استاذة خمسون ومائة صحابي مختلق ج ١ ترجمة القعقاع بن عمر.

المدخل (٥٣): اسم الكتاب: شبهات وردود، الرد على شبهات أحمد الكاتب، حول امامة

اهل البيت عليهم السلام ووجود المهدي المنتظر (عج) (٥٦٨) صفحة

اسم المؤلف: سامي البدري

الطبعة: الرابعة

الناشر: دار الفقه للطباعة والنشر

يذكر المؤلف السيد البدري في بداية كتابه - الطبعة الرابعة - مجموعة من تقارير العلماء على كتابه هذا وكان من ضمنهم العلامة العسكري فكان: «بسمه تعالى.. صاحب الفضيلة الباحث المجيد حجة الإسلام السيد سامي البدري المحترم،

السلام عليك ورحمة الله وبركاته، وبعد طالعت بإمعان الأعداد الثلاثة التي صدرت من نشرتك (شبهات وردود) ووجدتك فيها باحثاً موضوعياً لا تترك لمناظر كحجة دون أن تبيّن زيفها أسأل الله تعالى أن يوفقك للاستمرار في أمثال هذه البحوث النافعة وأرجو من اخواننا المؤمنين أن يساعدوك في نشرها بأكبر عدد والسلام عليك من العسكري.

وفي صفحة ٩٤ يذكر السيد المؤلف قولاً للعلامة العسكري يستشهد فيه، فيقول قال العلامة العسكري: «ومع تسلسل الاسناد في جوامع الحديث بمدرسة أهل البيت عليهم السلام الى رسول الله، فان فقهاء مدرستهم لم يُسَمَّوا أي جامع من

جوامع الحديث لديهم بالصحيح كما فعلته مدرسة الخلفاء، حيث سُمّت بعض جوامع الحديث لديهم بالصحيح، ولم يحجروا بذلك على العقول ولم يوصدوا باب البحث العلمي في عصر من العصور وإنما يعرضون كل حديث في جوامعهم على قواعد دراية الحديث، لأن رواية تلك الأحاديث غير معصومين عن الخطأ والنسيان اللذين يعرضان لكل بشر لم يعصمه الله، فعلاً وقع الخطأ في أشهر كتب الحديث بمدرسة أهل البيت عليهم السلام وهو كتاب الكافي، مثل ما ورد في الأحاديث المرقمة ٩٠٧، ١٤، ١٧، ١٨، من كتاب الحجة في الكافي باب النص على الأئمة الإثني عشر.

طبعاً السيد المؤلف اعتمد هذا النص من كتاب معالم المدرستين للعلامة

العسكري من الجزء الثالث صفحة ٢٣٩ - ٣٣٣.

-سليم الحسني -

المجلد ٥٤ اسم الكتاب: في طريق أهل البيت (عليه السلام) (٤٤٢) صفحة

اسم المؤلف: أعداد كلية أصول الدين

الطبعة: كلية أصول الدين

الناشر: كلية أصول الدين

صفحة ٣٢١ كلمة للاستاذ سليم الحسني على كتاب المصطلحات الإسلامية يقول الاستاذ الحسني: ان نظرية العلامة العسكري حول المصطلحات يمكن أن نطلق عليها تسمية «وثائقية المصطلح»، وخلاصتها: أنه جعل من المصطلح أداة للتوثيق في مجالات العقيدة والمفاهيم والأحكام الإسلامية؛ حيث يدرس سماحته تاريخ المصطلح من الناحية الزمنية وفترات استخدامه، وتطور دلالاته ومعانيه. كما انه يدرس دائرة استخدام المصطلح الجغرافية ويؤكد على ضرورة التمييز بين هذه المصطلحات بحسب البلدان المتداولة فيها، ويضع سماحته ضابطة جغرافية لمثل هذه المصطلحات، حتى لا تكون مطلقة غير مقيّدة، فهي ليست من اصطلاح المسلمين أو عرف المتشركة. بل هي خاصة ببلد معين، مما يستدعي ذكر الاصطلاح مقروناً باسم البلد، وفي هذا السياق أيضاً يرى العلامة العسكري ضرورة التمييز بين الاصطلاحات المتداولة لدى مذهب من المذاهب الإسلامية أو لدى فرقة تنتمي الى الإسلام.

المدخل: اسم الكتاب: مجلة الفكر الجديد (٣٣٠) صفحة

اسم المؤلف:

الطبعة: العدد ١٨

الناشر: دار الإسلام

اسم البحث إشكالية المنهج في دراسة القصة السبئية، وقفة مع آراء الدكتور
ابراهيم بيضون^(١)

اسم الباحث: سليم الحسني

المؤلف أو الكاتب الاستاذ سليم الحسني يستقطع نصوصاً عديدة من كتاب
الدكتور ابراهيم بيضون ويسلط عليها الضوء النقدي محاولاً تنفيذ آرائه من
خلال ما كتبه العلامة العسكري في كتابه المؤلف من جزءين «عبد الله بن سبأ
وأساطير أخرى». وقد سجل الحسني عشر ملاحظات على كتاب ابراهيم
بيضون وينتهي بالقول: «نلاحظ على الدكتور ابراهيم بيضون أنه اتهم في كتابه
هذا كلاً ما يرفض وجود شخصية ابن سبأ بأنه ينطلق من نظرة مسبقة؛ فقد وصف
الاستاذ أحمد لواساني، بأن رفضه لشخصية ابن سبأ صادر عن (سابق تصميم)،
وكان الأجدر به أن لا يتسامح في اصدار مثل هذه الأحكام، ويبدو أن الذي
حدا به الى هذا الاتجاه اعجابه بآراء الدكتور طه حسين، وقد بلغ به الاعجاب
ان اعتبر تشكيك طه حسين بأنه نتيجة حاسمة، مع أن التشكيك لا يصدق عليه

(١) وأيضاً نُشر في مجلة المنهاج العدد (١١) في خريف ١٤١٩ هـ ١٩٩٨ م.

هذا الوصف، فهو وحسب المقاييس العلمية نتيجة ناقصة، فعندما لا يصل الباحث الى رأي قاطع في موضوع بحثه، فانه يجعل النتيجة في دائرة الشك والاحتمال، ولقد توقف الدكتور طه حسين عند نقطة الشك؛ لأنه لم يتمكن من حسم المسألة بالنفي أو الاثبات».

المدخل ٥٦: اسم الكتاب: آراء وأصداء - حول عبد الله بن سبأ وروايات سيف في الصحف

السعودية (٣٩٠) صفحة

اسم المؤلف: اعداد كلية أصول الدين

الطبعة: أولى

الناشر: كلية أصول الدين

﴿ ٥٦ - أ ﴾

صفحة ١٧ الاستاذ سليم الحسني قدم لهذا الكتاب موضعاً ان مؤلفات العلامة العسكري خضعت للكثير من البحث والدراسة وأثارت آراءه التي بدأ بنشرها منذ أكثر من أربعة عقود من الزمن ضجة واسعة في الأوساط العلمية والثقافية، وذلك عندما أصدر الطبعة الأولى من كتابه (عبد الله بن سبأ - المدخل) عام ١٣٧٥ هـ ثم أعاد طبعة ثانية تحت عنوان (عبد الله بن سبأ وأساطير أخرى) في مجلدين كبيرين، وفيما كان الكتاب لا يزال موضوع نقاش وحوار في الأوساط العلمية قدّم العلامة العسكري كتابه الثاني (خمسون ومائة صحابي مختلق) ولاقى هذا الكتاب من الاهتمام والانتشار ما لا فاد سابقه.

وتكرر الأمر نفسه عندما أصدر العلامة العسكري الجزء الأول من كتابه

(أحاديث أم المؤمنين عائشة)

﴿ ٥٦-ب ﴾

صفحة ٨ وفي هذه الصفحة يكمل الاستاذ سليم الحسني بعض ما أراد أن يسجله على واقع الإثارة العلمية والثقافية التي خلقها نتاج العلامة العسكري فيقول: لقد واجه الكثير من الباحثين والعلماء صدمة عنيفة عندما قرأوا ما كتبه السيد العسكري؛ لأنه برهن من خلال البحث العلمي أن الكثير من ثوابت كتب التاريخ الاسلامي لا حقيقة لها أصلاً، وأن الأحكام التي ترتبت عليها بحاجة الى إعادة نظر من جديد، وهذه هي نقطة الخطورة التي صدمت الكثير من المهتمين والمتخصصين في مجال التراث الاسلامي وعلومه المختلفة.

﴿ ٥٦-ج ﴾

صفحة ٩ ويسجل الاستاذ الحسني ملاحظات عامة حول مؤلفات العلامة العسكري تتلخص جميعها بأن السيد العسكري لم ينشر كل أفكاره ونتائج دراساته حول هذا الموضوع فدراسته حول عبد الله بن سبأ والأسطورة السبئية لو نشرت فاتها ستزيد النقاش والجدل سخونة حول هذا الموضوع. ثم يؤكد الاستاذ الحسني ان مؤلفات العلامة العسكري ليس مختصة بالجانب التاريخي فحسب، بل انها تتوزع الى ثلاثة أقسام ضمن مشروع واحد:

أ - مؤلفات في تمحيص سنة الرسول ﷺ.

ب - المؤلفات العقائدية.

ج - المؤلفات القرآنية.

- سليمان العودة -**المدخل (٥٧) الدكتور سليمان العودة:**

(صحيفة المسلمون - السنة ١٣ العدد ٦٥٤ الجمعة ١٢ ربيع الآخر ١٤١٨)

بقلم (الدكتور سليمان بن حمد العودة)

ان هذه الآراء فيها تسفيه لآراء السابقين واتهام لهم بالسطحية والغفلة عن تحقيق ما ينقلون من نصوص وتعميق مفردات كتب التراث، ويعتمد عليها في النقل والتوثيق من قرون متطاولة، فكتاب منهاج السنة - مثلاً - لشيخ الإسلام ابن تيمية ينطلق من اعتبار عبد الله بن سبأ أصل الرافضة، فهو أول من قال بالوصية والرجعة وغيرها من معتقدات وإنكار هذه الشخصية أو التشكيك فيها تشكيك في الكتاب كله، ونسف له من أصوله، بل ربما تجاوز الأمر ذلك الى التشكيك في أصول الرافضة، وتاريخ نشأتهم.

(المدخل «٥٨») (صحيفة الرياض ٢٩ ربيع الأول ١٤١٨ هـ)

بقلم (الدكتور سليمان العودة)

لقد كان سيف بن عمر التميمي - يرحمه الله - مشجباً علق عليه السابقون واللاحقون مسألة انكار ابن سبأ، بل زاد بعضهم، وحمله اختلاق عدد من الصحابة، ليس (الققعاع بن عمرو رضي الله عنه) إلا واحداً من هؤلاء، فقد ألف السيد مرتضى العسكري - وهو رافضي المذهب والهوى - كتاباً بعنوان (خمسون ومائة صحابي مختلق) والكتاب مؤلف قبل ما يزيد على (عقدين) من الزمن، ويعتمد مؤلفه اتهام (سيف) باختلاق هذه الشخصيات واحداثها، ليس في هذا الكتاب فحسب، بل وفي كتابين قبله أحدهما بعنوان عبد الله بن سبأ بحث حول ما كتبه المؤرخون والمستشرقون ابتداءً من القرن الثاني الهجري. ط النجف ١٣٧٥ هـ / ١٩٥٦ م، والآخر بعنوان عبد الله بن سبأ وأساطير أخرى، ط دار الغدير، بيروت - طهران ١٣٩٢ هـ / ١٩٧٢ م ثم جاء الأخ حسن المالكي يجدد ما اندثر من هذه الأفكار، ولا يخرج عن اطارها ويحمل حملة شعواء ظالمة على سيف بن عمر.

المدخل (٥٩) (صحيفة المسلمون / الجمعة ١٢ ربيع الآخر ١٤١٨ هـ - ١٥ أغسطس ١٩٩٧

م العدد ٦٥٤ السنة ٣٤) بقلم (د. سلمان العودة) وهي أشبه بحوار صحفي

مع الدكتور المذكور.

الدكتور سلمان العودة يعترف ويحذر من خطورة هذه الأبحاث المختصة بروايات سيف بن عمر وحقيقة وجود عبد الله بن سبأ، فيقول: إن ما وراء انكار وجود ابن سبأ والتشكيك في حقيقته إنما يدركه الذين سبقوا الهلابي في طرحهم لهذه القضية إذ أنهم أصحاب آراء ومذاهب جانحة ويعرفون جيداً ماذا يترتب على هذا الإنكار، أما الدكتور عبد العزيز الهلابي يقول: فإنني أجدها فرصة سانحة عبر جريدة «المسلمون» التي تعهدت بإيصال كلمة الحق إلى أرجاء الأمة، لكي أذكره أكثر من غيره، كما أذكر تلميذه الذي يسير على مذهبه حسن المالكي أذكرهم جميعاً بخطورة هذه الطروحات، لما تفرزه من خلفيات قد تغيب عن أذهان البعض، وفوق ذلك أن هذه الآراء فيها تسفيه لآراء السابقين واتهام لهم بالسطحية والغفلة عن تحقيق ما ينقلون من نصوص وتعميق ما يطرحون من آراء - ففي هذا الرأي نسف لكتب بأكملها تعد من مفردات كتب التراث ويعتمد عليها في النقل والتوثيق من قرون متطاولة، فكتاب منهاج السنة - مثلاً - لشيخ الإسلام ابن تيمية ينطلق من اعتبار عبد الله بن سبأ أصل الرافضة، فهو أول من قال بالوصية والرجعة وغيرها من معتقدات وإنكار هذه الشخصية أو التشكيك فيها تشكيك في الكتاب كله، ونسف له من أصوله، بل

ربما تجاوز الأمر ذلك الى التشكيك في أصول الرافضة، وتأريخ نشأتهم. ثم يقول في الجزء الثاني من مقاله: حين طالعت الرسالة الأخيرة للدكتور عبد العزيز الهلابي بعنوان (عبد الله بن سبأ دراسة للمرويات التاريخية عن دوره في الفتنة وجدت فيها تأكيداً على هذه الآراء بل وجرأة عجيبة على احياء آراء مرتضى العسكري والذي قال وقتها: انني توقفت عن نشرها زهاء سبع سنين تهيئاً لإثارة العواطف في الشرق المسلم.

المدخل ٢٠١٠ (صحيفة المسلمون / الجمعة ١٨ جمادى الأولى ١٤١٨ هـ - ١٩ سبتمبر

١٩٩٢م العدد ٦٥٩ السنة ١٣) بقلم (الدكتور سليمان العودة)

جاء هذا المقال تحت عنوان العودة يعقب على طروحات المالكي وابلغ ما جاء فيه من نقاش علمي هو قول العودة: وعلى فرض اثباته لوجود ابن سبأ شكلاً فهو ينكره حقيقةً ومضموناً. كيف ذلك؟ لأن جوهر القضية في ابن سبأ دوره في الفتنة، أما اثبات شخص يدعى به (عبد الله بن سبأ) مقطوع الصلة عن الأحداث والفتن التي وقعت في زمنه وتلاحقت من بعده فهذا لا قيمة له من الناحية الفعلية، سواء أثبت أو أنكر، فغير ابن سبأ من اليهود وجد في هذه الفترة ولم يحتفل بذكره العلماء كما احتفلوا بذكر ابن سبأ.

وفي موقع آخر يقول العودة: يحاول المالكي إبعاد الرافضة عن ابن سبأ ويقول: ثم كيف قامت الرافضة تشفع في ابن سبأ ولم توجد إلا بعده - على افتراض وجوده بعشرات السنين - وفي كتاب الرياض ص ٧٩ يحاول المالكي إنكار بث عبد الله بن سبأ لعقيدة الوصية، وهنا مسألة خطيرة فكثير من المفكرين أو المشككين في شخصية ابن سبأ يرمون من وراء ذلك قطع صلة الرافضة بابن سبأ، وهذه اعتراف بها علماء الشيعة المتقدمون، كما سبق البيان في الحلقات الماضية في النقل عن الكشي في اعتبار ابن سبأ أصل الرافضة، وأكد على هذا شيخ الإسلام ابن تيمية يرحمه الله، أكثر من مرة - فهو يعتبر ابن سبأ أصل الرافضة ومن مناقبهم الفتاوى (٤ / ٤٣٥ / ٢٨ / ٢٣٤) ونقل ان علياً عليه السلام طلب ابن سبأ أول الرافضة ليقتله فهرب منه (الفتاوى ٢٨ / ٥٠٠) وقال: ثبت عن علي انه أحرق غالبية الرافضة الذين اعتقدوا فيه الإلهية (الفتاوى ٢٨ / ٤٧٥).

المدخل (٦١): (صحيفة الرياض ٢٧ ربيع الأول ١٤١٨ هـ) بقلم (الدكتور سليمان العودة)

يقول الدكتور العودة في هذا المقال حول ابن سبأ من غير طريق سيف بن عمر: هناك دراستان فقط احدهما للدكتور عبد العزيز الهلابي والأخرى للسيد مرتضى العسكري، وتوصل الاثنان الى نتيجة واحدة بأن ابن سبأ شخصية وهمية، فيقول الهلابي: ان ابن سبأ شخصية وهمية لم يكن لها وجود فإن وجد شخص بهذا الاسم فمن المؤكد انه لم يقم بالدور الذي أسنده اليه سيف وأصحاب كتب الفرق لا من الناحية السياسية ولا من ناحية العقيدة» (الحولية ص ٧٣). أما عن السيد مرتضى العسكري فيقول العودة: (ف عنوان كتابه عبد الله بن سبأ وأساطير أخرى) يكفي لمعرفة رأيه، ومع ذلك فهو يركز على سيف متهماً إياه بالتزوير والكذب (ص ٦)، ويؤكد العسكري - والقول لعودة - انه لم يكن لعبد الله بن سبأ وجود، في عصري (عثمان) و (علي) البتة.. ولكن سيفاً صحف واخترع هذه الشخصية الجديدة (ص ٢٧٩ - ٢٨١).

المدخل ٦٢: صحيفة الرياض ٣٠ ربيع الأول ١٤١٨ هـ يؤكد الدكتور العودة في معرض

رده على الدكتور المالكي^(١)

تري (أيجهل) المالكي: فإن دراسة العسكري سابقة لدراسة الهلابي بما لا يقل عن خمسة عشر عاماً، إذ طبع كتاب العسكري (عبد الله بن سبأ وأساطير أخرى) طبعته الأولى عام ١٣٩٢ هـ / ١٩٧٢ م^(١) بينما نشر الهلابي دراسته في حولية آداب الكويت عام ١٤٠٧ هـ - ١٩٨٦ - ١٩٨٧ م.

المدخل ٦٣: (صحيفة الرياض ٢٧ ربيع أول ١٤١٨ هـ) بقلم (الدكتور سليمان بن حمد

العودة)

المدخل ٦٤: ٢٨ ربيع أول ١٤١٨ هـ

المدخل ٦٥: ٢٩ ربيع أول ١٤١٨ هـ

المدخل ٦٦: ٣٠ ربيع أول ١٤١٨ هـ

في هذا المقال الذي له تنمة وسابقة في صحيفة الرياض، الدكتور العودة يذهب محققاً في المرويات التي ذكرت عبد الله بن سبأ من غير طريق سيف،

(١) الصحيح أن أول نشر للكتاب كان عام ١٩٦٠ م.

فيقول ان الروايات (الثماني) التي سبق عرضها في الحلقة الماضية تنتصب دليلاً على ذكر (عدد) من الرواة لعبد الله بن سبأ.

وفي هذه الحلقة - كما يقول العودة - والتي تليها أعرض للمرويات الثماني محققة الأسناد لاكتمال الصورة وإيضاح الحقيقة. ثم يبدأ مستعرضاً عملية التحقيق في المرويات الثمان.

المطل: ١٧٥ (صحيفة المسلمون ٢٥ جمادى الأولى ١٤١٨ هـ بقلم (الدكتور العودة)

جاء هذا المقال تحت عنوان «أدعوه للمحاكمة أمام لجنة علمية» ومن مجمل هذا المقال نرى ان (العودة) يرمي الى استنطاق المالكي في التصريح عن حقائق ما توصل اليه من التشكيك في أسس مذهب شيخ الإسلام ابن تيمية، وهي محاولة ساذجة وغير علمية يريد بها الوقعة للدكتور المالكي ضمن أجواء حاكمة المذهب والافتقار الى الجو العلمي الرصين والبحث عن الحقيقة، ففي صفحة ٣٨٧ يؤيد وبشدة دعوة الاستاذ رضا علي للمباهلة مع المالكي ضمن شروط من بينها «من كان في قلبه دخن على شيخ الإسلام ابن تيمية فأهلكه الله».

ولكن في الوقت ذاته لا يخلو المقال من موارد علمية وحجج قوية ناشد فيها الدكتور المالكي، ففي رده على قول المالكي: «ان الذهبي وابن حجر لم يذكرنا عبد الله بن سبأ بحرف واحد عن الفتنة» يذكر العودة ما يناقض ذلك مكتفياً - كما يقول - بحديث واحد (للاجري ت ٣٦٠)، أما عن الذهبي فيذكر ان تاريخ الإسلام ١٢٢ / ٢ و ١٢٣ ذكر الذهبي «أن ابن سبأ هو المهيئ للفتنة بمصر. وبأذر بذور الشقاق والنقمة على الولاة».

أما ابن حجر فانظر لسان الميزان ٣ / ٣٤٥.

- عادل رؤوف -

المعخل ٦٨ اسم الكتاب: محمد باقر الصدر بين دكتاتوريتين (٥٤٤) صفحة

اسم المؤلف: عادل رؤوف

الطبعة: أولى

الناشر: المركز العراقي للاعلام والدراسات

﴿ ٦٨ - أ ﴾

صفحة ٢٢٦ ينقل المؤلف - عادل رؤوف عن الاستاذ حسن شبر في كراسه الرد الكريم على السيد محمد باقر الحكيم، قول العلامة العسكري في باب المقارنة بين الوضع الاسلامي في العراق قبل وبعد تأسيس حزب الدعوة الإسلامية، فيقول العلامة العسكري: قبل هذه الحركة - حزب الدعوة الإسلامية - رأيتُ في الكاظمية مسجداً تسكنه الحيوانات السائبة، والمساجد لا يحضرها إلا الشَّيبة، وليس كلَّ الشَّيبة، بعد ورودي الكرادة، ذهبت في ليلة من ليالي شهر محرم الى حسينية من الحسينيات، كانوا مشغولين (باللطم) فسألتهم هل عندكم قارئ؟ قالوا: لا، ثم بعثت من يحصي لي مجالس العزاء في بغداد، فأحصوا لي خمسة وخمسين موكباً للعزاء ليس فيها قارئ واحد، يجتمعون فقط (لللطم) وعصر العاشر ينتهي كلُّ شيء.

﴿ ٦٨ - ب ﴾

صفحة ٢٣٢ وحول المطالبة بتنفيذ الأحكام الإسلامية من قبل آية الله الحكيم (المرجع) ينقل المؤلف ما رواه العلامة العسكري: (أنه كلما كان يأتي حكم جديد كان يطالبه أولاً بتنفيذ الأحكام الإسلامية ثم يصعد معها المعركة السياسية حينما لا تستجيب لتلك المطالب) وفي إحدى المرات أرسل المرجع مجموعة من العلماء لمقابلة البكر وحملهم رسالة خطية مع توجيهات ونصائح شفوية، ويقول العلامة العسكري أنا الذي صغت عبارات هذه الرسالة والتي فيها مطالب الأمة الإسلامية فيما يخص الأحكام الإسلامية وتطبيقها.. المقابلة انتهت بالاتفاق على تشكيل لجنة لدراسة الكتب الدراسية في المدارس الابتدائية والثانوية، ويقول: كانت لنا طلبات في الأوقاف والتلفزة والاذاعة وأمور أخرى تجسد تطبيق المبادئ الإسلامية من خلالها وخرج الوفد بالاتفاق على كل القضايا.

﴿ ٦٨ - ج ﴾

صفحة ٢٣٥ ينقل المؤرخ العلامة العسكري بخصوص تدخل المرجعية بالسياسة عن كتاب الامام محسن الحكيم لعبدان ابراهيم السراج. فيقول: أنه - العسكري - قابل المرجع الحكيم، بتحويل من جماعة العلماء في التجف وبغداد، وكان بصحبته الشيخ محمد حسن الجواهري - نائب جماعة العلماء في التجف - طالبين منه استنكار موقف ايران - حكم الشاه - بسبب اعترافها بإسرائيل، وعندما طرحنا الأمر عليه، كان هناك مجموعة من

الجالسين، وتحدثت معه وقلت إن العالم ينتظر أن يسمع من مراجع النجف كلمة حول هذه القضية والناس يعرفون أن إيران هو بلد شيعي فينبغي أن نحتج على الموقف... فوافق الامام، وارتفع صوت معترض وقال هذه سياسة، المراجع لا يتدخلون في السياسة! ولم يكن بإمكانني أن أرد عليه الجواب لأن هذا هو العرف السائد لدى المتدينين، ولكن الإمام الحكيم انبرى له وقال: (قد سبق أن تدخلنا بالسياسة أنا والشيخ محمد رضا آل ياسين عندما أبرقنا الى عصبة الأمم المتحدة نحتج ونستنكر على اعترافها بإسرائيل) فأنتهى وتقرر أن يحتج.

﴿ ٦٨ - د ﴾

صفحة ٢٣٨ وينقل المؤلف - عادل رؤوف - عن مصدر عدنان ابراهيم السراج حول ميل المرجع الحكيم نحو الحكومة الإسلامية وتطبيق الأحكام الشرعية الإسلامية، ففي لقاء له مع العلامة العسكري يقول العسكري: وجهت سؤالي الى المرجع: إذا فسخ لكم المجال أنتم فقهاء الشيعة، أن تشكلوا حكومة اسلامية فما هو نوع الحكم الذي ترونه؟ فأجاب: «نحن نريد إجراء حكومة الأحكام الإسلامية ولكن ما نوع الحكم وكيف تشكل تلك الحكومة؟ كان جوابه حول ذلك بالرجوع الى أهل الخبرة في ذلك لأن هذا الأمر لم يرد من الأئمة شيء عنه في هذه الأيام؛ نسأل السياسيين أو العسكريين الثقة، الذين يمكن أن يطمأن اليهم، وشرط الإيمان لهم من الضروريات ومسألة الرجوع الى أهل الخبرة، هي من القضايا المتعارف عليها في الفقه الجعفري.

﴿ ٦٨ - ه ﴾

صفحة ٢٤٠ ينقل المؤلف رؤية المرجع الحكيم نحو التحرك السياسي اعتماداً على مصدر عدنان إبراهيم السراج (الامام محسن الحكيم).
 في عام ١٩٦٧ م أيام حكم عبد السلام عارف، استدعى المرجع الحكيم الشاعر العراقي والسياسي المعروف الشيخ محمد رضا الشيبلي وقال له (انهض وأنا أؤدعك) وطالبه بالتحرك السياسي، وتحرك الشيبلي وأصبح الأمر مختلفاً تماماً على عبد السلام عارف وأصبحت الحركة قوية، وكتب الشيبلي مذكرة وسلمها للسيد مرتضى العسكري لتقديمها الى عبد السلام عارف، فتم له ذلك، ولم تستمر هذه الحركة السياسية طويلاً بسبب وفاة الشيبلي المفاجئة.

﴿ ٦٨ - و ﴾

صفحة ٢٤١ يذكر المؤلف - عادل رؤوف - حول سفر المرجع الحكيم الى بغداد عام ١٩٦٩ م نقلاً عن العلامة العسكري، فيقول العسكري: عرضت فكرة السفر عليه، فأجابني الامام: مع كبر سنّي واعتلال صحتي هل في هذا العمل مصلحة اسلامية؟
 قلت: نعم، ان الحكومة يجب أن تفهم ذلك، فلبى الطلب وجاء الى بغداد.

﴿ ٦٨ - ز ﴾

صفحة ٤٨٤ وحول الأوضاع السياسية للمعارضة الإسلامية العراقية ينقل المؤلف من تقرير لأحد الدعاة حول وضع السيد محمد باقر الحكيم في سوريا

وايران وحول ترتيب أمور مجيئه من سوريا الى ايران، يقول التقرير: اتصل السيد أبو رياض - الاستاذ حسن شبر - بالشيخ الآصفي بطهران هاتفياً، وكان الشيخ في بيت السيد العسكري، وقد رفع السيد العسكري سماعة الهاتف فأخبره السيد شبر بوصول السيد محمد باقر الحكيم الى دمشق، ففرح السيد العسكري وقال ان هذه بشارة عظيمة ثم تحدث السيد شبر مع الشيخ الآصفي.

﴿ ٦٨ - ح ﴾

صفحة ٥٠٥ ينقل المؤلف - عادل رؤوف - رسالة الكاتب والصحفي العراقي سامي فرج علي والتي جاء فيها ذكر للعلامة العسكري: ... وحتى السيد مرتضى العسكري (من أقطاب حزب الدعوة سابقاً) لجأ الى ايران بعد هروبه من العراق، وما زال يعيش فيها وبعد الثورة الإسلامية سمعنا بأن الإقامة الجبرية قد فرضت عليه في بيته وان مجيئه للعلاج في لندن، دليل على ان هذا الخطر قد أزيل عنه.

- عبدالله الفياض -

المدخل ١٩٩ اسم الكتاب: الإجازات العلمية عند المسلمين (١٣٤) صفحة

اسم المؤلف: الدكتور عبد الله الفياض

الطبعة: الأولى ١٩٦٧ م

الناشر: مطبعة الارشاد - بغداد ، وقد ساعدت كلية أصول الدين ببغداد على

نشره.

وقد تصدر الكتاب مقدمة بقلم العلامة السيد مرتضى العسكري ، ومما جاء

فيها:

يذكر العسكري مجموعة من الروايات والأحاديث التي تدل على أهمية التدوين والكتابة في عهد النبي ﷺ والامام علي عليه السلام واهتمام المسلمين بالحديث حتى بلغ اهتمامهم بتراجم رواياته طبقة بعد طبقة ووضعوا الموسوعات الكبيرة في تراجمهم وبيان حالهم ثقة وضعفاً كما أسسوا علم الدراية لمعرفة الحديث وأصدر الشيوخ اجازات لتلاميذهم جيلاً بعد جيل مما دعا جماعة من العلماء أن يفردوا مجلدات لجمعها وتحقيقها. ومن اجل العناية بالقرآن والحديث - والقول للسيد العسكري - تأسست كلية أصول الدين لتدريسهما على مستوى التخصص ، ثم يقول العسكري في موضع آخر: وتقديرنا للرسالة والمؤلف لا يعني اتفاقنا مع المؤلف في جميع ما ارتأى في الرسالة من رأي فان في الرسالة آراء لا تتفق مع الاستاذ الفاضل فيها. منها قوله «ومن المؤسف انه لم

تجرب عملية تهذيب وتشذيب

شاملة لكتب الحديث عند الشيعة الامامية على غرار العملية التي تمت في كتب الحديث عند السنة والتي تمخض عنها ظهور الصحاح».

فيقول العسكري جواباً على هذا الاشكال: ان الشيعة لا تلتزم بصحة كتاب ما من اوله الى آخره عدا كتاب الله المجيد، ولا تلتزم بأراء سابقة في تصحيح الحديث وانما تضعها دائماً موضع الدرس والتمحيص وتخضع لأسانيد جميع الأحاديث الواردة في جميع كتب الحديث عند جميع المسلمين لقواعد الجرح والتعديل ومتونها لقواعد الدراية، أما عند أهل السنة فقد اعتبرت كتب الحديث المشهورة بالصحاح في العصور المتأخرة صحيحة أي أن مجموع أحاديثها صحيحة مع القول باختلاف تلك الكتب في درجة صحة الحديث، ومغزى ذلك: أولاً: سد باب البحث والتحقيق في أحاديث تلك الكتب. وثانياً: التوقف عن توثيق الأحاديث التي لم ترد في تلك الكتب، أي البقاء على تقليد أولئك العلماء في تصحيحهم الأحاديث وتضعيفها، وهذا يشبه سد باب الاجتهاد والبقاء على تقليد أئمة المذاهب الأربعة، وأن عمل أولئك العلماء المحدثين انما هو اجتهاد شخصي وليست عملية تهذيب وتشذيب شاملة كما وصفها الاستاذ الباحث، وحسبك دليلاً على ما نقول وجود أحاديث في الصحاح المذكورة مما لم تأخذ بها الأمة كالحديث المروي عن الخليفة عمر بن الخطاب رضي الله عنه انه قال وهو على المنبر: «ان الله بعث محمداً صلى الله عليه وسلم بالحق وأنزل عليه الكتاب فكان مما أنزل الله آية الرجم فقرأناها وعقلناها ووعيناها، رجم رسول الله صلى الله عليه وسلم ورجمنا بعده فأخشى ان طال بالناس زمان أن يقول قائل والله ما نجد آية الرجم في

كتاب الله فيضلوا بترك فريضة أنزلها الله ، والرجم في كتاب الله حق على من زنى إذا أحصن...»

ثم يذكر مجموعة من الأحاديث المنقولة في الصحاح والتي لم تأخذ الأمانة بها، ويؤكد العسكري: ولا يعني قولنا هذا أنا نبخس قدر شيوخ الحديث هؤلاء بل إنما نقول: إن عمليتهم ليست عملية تهذيب وتشذيب شاملة بل هي اجتهادات شخصية، ولبعض علماء الشيعة أيضاً نظير هذه المحاولات الاجتهادية في تشذيب الأحاديث وتهذيبها مثل ما فعل العلامة الشيخ حسن ابن الشهيد الثاني زين الدين المشهور بصاحب المعالم المتوفى سنة (١٠١١ هـ) في تأليفه منتقى الجمان في أحاديث الصحاح والحسان.

- السيد عبد الحسين شرف الدين -

المدخل ٧٠٠ اسم الكتاب: المراجعات (٧٣١) صفحة

اسم المؤلف: السيد عبد الحسين شرف الدين

الطبعة: الأولى ، تحقيقية (٧٣٠)

الناشر: مركز الطباعة والنشر للمجمع العالمي لأهل البيت عليه السلام

﴿ ٧٠- أ ﴾

في الصفحة ٤٦٨ يذكر في متن الكتاب احتجاج عائشة على الوصية الى علي عليه السلام - وهي من الدّ خصومه - مصادرة لا تنتظر من منصف، وما يوم علي منها بواحد وهل انكار الوصية إلا دون يوم الجمل الأصغر، ويوم الجمل الأكبر؟ ثم في الهامش يذكر المحقق راجع في ذلك كتاب أحاديث أم المؤمنين عائشة ق ١: ١٢١ - ٢٠٠ ط الحيدرية في طهران.

﴿ ٧٠- ب ﴾

صفحة ٤٧٦ في المتن: «ان المعروف من سيرة السيدة أنها لا تستسلم الى العاطفة ولا تراعي في حديثها شيئاً من الأغراض، فأرجو - والقول للسيد شرف الدين - أن تتحللوا من قيود التقليد والعاطفة، ثم تعيدوا النظر الى سيرتها فتبحثوا عن حالها مع من تحب ومع من تبغض بحث إمعان وروية، فهناك العاطفة بأجلى مظاهرها، ولا ننسى سيرتها مع عثمان قولاً وفعلاً».

المحقق يعتمد على مصدر أحاديث أم المؤمنين عائشة للسيد العسكري
ق ١ ص ٥٨ تحت عنوان سيرة عائشة مع عثمان واختلافها معه.

﴿ ٧٠-ج ﴾

صفحة ٤٧٧ جاء في المتن: «... من أفك أهل الزور إذ قالوا بهتاناً وعدواناً
في السيرة مارية وولدها إبراهيم عليه السلام ما قالوا، حتى برأهما الله عز وجل من
ظلمهم براءة - علي يد أمير المؤمنين - محسوسة ملموسة» ويعتمد المدقق على
أحاديث أم المؤمنين عائشة للسيد العسكري.
وفي نص آخر من نفس الصفحة: ولا ينسى وقائعها مع علي وفاطمة
والحسن والحسين سرّاً وعلانيةً وشؤونها مع أمهات المؤمنين بل مع
رسول الله صلى الله عليه وآله فإن هناك العاطفة والغرض. يعتمد المحقق أحاديث أم المؤمنين
عائشة للسيد العسكري ق ١ ص ١٥ - ٣٢ ط الحيدرية في طهران.

﴿ ٧٠-د ﴾

وفي صفحة ٤٧٨ جاء في المتن: «إن النبي ليعجبه من المرأة إذا دخل عليها
ان تقول له: «أعوذ بالله منك» هذا هو قول عائشة توصي أسماء بنت النعمان يوم
زفت عروساً إلى النبي صلى الله عليه وآله، وغرضها من ذلك تنفير النبي صلى الله عليه وآله من عروسه
واسقاط هذه المؤنة البائسة من نفسه، يقول المحقق راجع أم المؤمنين عائشة
للسيد العسكري ق ١ ص ٢١.

﴿ ٧٠-هـ ﴾

صفحة ٤٩٠ فتوى عائشة في عثمان، قالت: «اقتلوا نعتلاً فقد كفر» تعني عثمان يقول المحقق نقله العسكري في كتاب أحاديث أم المؤمنين عائشة ق ١ ص ١٠٥ عن تاريخ ابن أعثم ص ١٥٥ ط بمبي.

﴿ ٧٠-و ﴾

صفحة ٤٩١ النبي ﷺ يحذر عائشة من أن تنبجها كلاب الحوآب.
يعتمد المحقق على مجموعة من المصادر ومن ضمنها كتاب عبد الله بن سبأ للعلامة العسكري ج ١ ص ١٦٨ - ١٧١ ط ٣ في بيروت.

﴿ ٧٠-ز ﴾

صفحة ٥٠٠ فاطمة بنت الرسول هجرت أبا بكر فلم تكلمه بعد الرسول حتى ماتت، اعتمد المحقق على مجموعة من المصادر من ضمنها كتاب العلامة العسكري «عبد الله بن سبأ» الجزء الأول: ص ١١٢.

﴿ ٧٠-ح ﴾

صفحة ٥١١ تهديد عمر بن الخطاب لعلي وفاطمة بالإحراق.
يقول المحقق نقله العسكري في كتابه عبد الله بن سبأ ج ١ ص ١٠٨ عن أنساب الأشراف للبلاذري ج ١ ص ٥٨٦.

﴿ ٧٠-ط ﴾

صفحة ٥١٢ تأسف أبي بكر، قال أبو بكر في مرض موته: «أما إني لا أسي على شيء في الدنيا إلا على ثلاثة فعلتها وددت أني لم أفعلهن - إلى قوله - فأما الثلاثة التي فعلتها: فوددت أني لم أكشف عن بيت فاطمة وتركته ولو أغلق على حرب..» يقول المحقق نقله العسكري في كتابه عبد الله بن سبأ ج ١ ص ١٠٦ عن كنز العمال ج ٣ ص ١٣٥.

﴿ ٧٠-ي ﴾

صفحة ٥١٦ المحاورة بين ابن عباس وعمر بن الخطاب في أمر الخلافة. في كتاب العسكري عبد الله بن سبأ ج ١ ص ١١٤.

﴿ ٧٠-ك ﴾

صفحة ٥٢٥ (رزية يوم الخميس) يقول المحقق راجع عبد الله بن سبأ للعلامة العسكري ج ١ ص ٧٩. وفي الصفحة نفسها: لما مرض النبي قال «اثنوني بصحيفة ودواة، أكتب لكم كتاباً لن تضلوا بعده أبداً» يقول المحقق راجع عبد الله بن سبأ للسيد العسكري ج ١ ص ٧٩.

﴿ ٧٠-ل ﴾

صفحة ٥٣٧ «أبو بكر وعمر في جيش أسامة» ويقول المحقق

نقله العسكري في كتابه عبد الله بن سبأ في ج ١ ص ٧١ عن كنز العمال ج ٥ ص ٣١٢.

﴿ ٧٠-م ﴾

صفحة ٥٣٩ قال الرسول ﷺ: «أيها الناس، ما مقالة بلغتني عن بعضكم في تأميري أسامة؟ ولئن طعنتم في تأميري أسامة، لقد طعنتم في تأميري أباه من قبله، وأيم الله إن كان لخليفاً بالإمارة، وإن ابنه من بعده لخليق بها» يقول المحقق راجع عبد الله بن سبأ للعسكري ج ١ ص ٧٠.

﴿ ٧٠-ن ﴾

صفحة ٥٦٨ «مناشدة أمير المؤمنين الصحابة بحديث الغدير في يوم الرحبة» يقول المحقق راجع عبد الله بن سبأ للعلامة العسكري ج ١ ص ١٠٩ - ١١٠.

﴿ ٧٠-س ﴾

في صفحة ٥٧٩ المحاورة بين ابن عباس وعمر والتي فيها: «فقال عمر: هيهات هيهات، أبت والله قلوبكم يا بني هاشم إلا حسداً لا يزول، قال، فقلت: مهلاً يا أمير المؤمنين، لا تصف بهذا قلوب قوم أذهب الله عنهم الرجس وطهرهم تطهيراً..» يقول المحقق راجع عبد الله بن سبأ للعلامة العسكري ج ١ ص ١١٤.

- عبدالسلام الوجيه -

المدخل «٧١» اسم الكتاب: مقال / عبد الله بن سبأ الأكذوبة الكبرى في التاريخ الاسلامي (١)

اسم المؤلف: الكاتب / عبدالسلام الوجيه

الطبعة: مجلة الرواسي الجزائرية العدد الرابع - السنة الأولى - جمادى الثانية

تاريخ النشر: ١٤١٢ هـ

ويقول الكاتب: إن موضوع (ابن سبأ) ليس بالموضوع الجديد الذي لم يتطرق اليه الباحثون، فهو من المواضيع التي اهتم بها دارسو التاريخ الاسلامي في اطار الحرص على اعادة النظر في تاريخنا واعادة تقييم بعض رواياته وتنقيته مهما أمكن مما شابه من روايات موضوعة أو مدروسة.

وقد تطرق لهذا الموضوع الكثير من الدارسين والمعاصرين بين مشكك في وجود هذه الشخصية أو في بعض الأدوار المنسوبة اليها، وبين متعجب متردد، وآخر كتاب قرأته في هذا الموضوع كتاب بعنوان «عبد الله بن سبأ» دراسة للروايات التاريخية عن دوره في الفتنة. للدكتور عبد العزيز صالح الهلالي قسم التاريخ جامعة الملك سعود، وقد ذهب في دراسته التحليلية الى ان ابن سبأ شخصية وهمية ليس لها وجود، فان وجد شخص بهذا الاسم فمن المؤكد انه لم يقم بالدور الذي استند اليه سيف بن عمر التميمي ومن اعتمد على رواياته فيما بعد من أصحاب كتب الفرق.

(١) وقد نشر أيضاً في كتاب «في طريق أهل البيت (عليه السلام)» اصدار كلية أصول الدين في قم المقدسة.

- العبيدي -

العدخل ٧٢ اسم الكتاب: معجم مصادر الدراسة عن تاريخ العراق، ق (٢٦٨)

اسم المؤلف: عباس العبيدي

الطبعة: الأولى

الناشر: مركز دراسات تاريخ العراق الحديث

هذا الكتاب هو عبارة عن عمل بيلوغرافي اختصّ بكل ما جاء من مصادر عن العراق بما استطاع أن يجمعها المؤلف في المهجر، فجاء هذا الكتاب بقسمه الأول وهو بلا شك يبقى قاصراً إذا لم يتم العمل في اجزائه الأخرى، لقد فات المؤلف الكثير من مشاهير المصادر في هذا القسم. ومما جاء فيه بما يخص العلامة العسكري، فقد ذكره المؤلف في حرف (العين) في الصفحة (١٢٧) تحت رقم ٧٣٥ ذاكراً كتاب العلامة العسكري «مع الدكتور الوردى في كتابه وعظ السلاطين»، مطبعة المعارف - بغداد / ١٩٥٥ م - ٩٦ صفحة، (ق ١).

كما جاء ذكر العلامة العسكري أيضاً في صفحة (٢٥٦) في فهرس كشاف عناوين ذاكراً نفس الكتاب «مع الدكتور الوردى في كتابه مع وعظ السلاطين».

- عدنان إبراهيم السراج -

المدخل: ٧٣ اسم الكتاب: الامام محسن الحكيم ١٨٨٩ - ١٩٧٠ م (٣٤٨)

اسم المؤلف: عدنان إبراهيم السراج

الطبعة: الأولى ١٤١٤ هـ - ١٩٩٣ م (٣٤٨) صفحة

الناشر: دار الزهراء للطباعة والنشر والتوزيع بيروت - لبنان.

وهي دراسة تاريخية تبحث سيرة المرجع آية الله الحكيم ومواقفه وآراءه السياسية الاصلاحية وأثرها على المجتمع والدولة في العراق، وهي رسالة ماجستير تقدم بها المؤلف تحت اشراف الدكتور وجيه كوثراني.

﴿ ٧٣ - أ ﴾

في صفحة ٩ ومن ضمن استعراض المؤلف في مقدمته للكتاب: وحول أهمية العراق كموقع ستراتيحي يقول المؤلف: علاوة على اكتشاف النفط بكميات تجارية، سعت بريطانيا الى حفظ مصالحها هناك، فعمدت الى تكميل العراق بسلسلة من المعاهدات والاتفاقيات تؤدي الى تبعية كاملة لها - مما صعد من شدة تدمير العراقيين - وزاد الأمر خطورةً، الأحداث الرئيسية في الفترة من ١٩٢٤ - ١٩٥٦ م وأهمها قيام اسرائيل في فلسطين، والعدوان الثلاثي الفرنسي الانجليزي الاسرائيلي على مصر، مما انعكس سلباً على الرأي العام في العراق، وتحرك الشيعة - كما يقول المؤلف - للسؤال والاستبصار متوجهين الى النجف

والخروج بنظواهرات استنكارية، تحولت الى مواجهات دموية سقطت على أثرها عشرات الضحايا.. وتدخلت المرجعية وأرسل كبار المراجع رسائل استنكار على ممارسات السلطة ضد الأهالي، كما أرسل الامام الحكيم الى هيئة الأمم المتحدة مستنكراً تقسيم فلسطين عام ١٩٤٨ م.

وقد اعتمد المؤلف على هذه المعلومات من مقابلة منشورة للعلامة العسكري في صحيفة لواء الصدر عدد ٣٣١ - ٢٠ / ٢ / ١٩٨٧ م ص ٨.

﴿ ٧٣ - ب ﴾

صفحة ١٢١ ينقل المؤلف عن السيد مرتضى العسكري عن علاقة الجماعة بالحكيم قائلاً «ان مواقف ونشاطات علماء الكاظمية وبغداد وبعض حاشية الامام الحكيم لم تكن مواقف مستقلة لهم، وإنما كل القضايا التي يقومون بها كانت تحت مظلة الامام الحكيم ومواقفته وأحياناً توجيهه».

وفي نفس الصفحة في الهامش رقم ١٠٥ يذكر المؤلف أسماء جماعة علماء بغداد والكاظمية وهم السيد مهدي الحكيم، السيد مرتضى العسكري، السيد علي تقي الحيدري، السيد محمد طاهر الحيدري، السيد اسماعيل الصدر، الشيخ علي الصغير، الشيخ محمد حسن آل ياسين، السيد حسين العلاق، السيد هادي الحكيم، الشيخ موسى السوداني، الشيخ جواد الظالمي، السيد مهدي الصدر، الشيخ عارف البصري.

﴿ ٧٣-ج ﴾

صفحة ١٢٢ وحول عمل جماعة العلماء والكاظمية في الجانب السياسي، فيقول المؤلف فالأعمال السياسية في المجتمع سواء قام بها زيد من الوكلاء أم عمرو فهي تمثل الامام الحكيم وتوجهاته الفعلية، ويرى العسكري «أنه هو الذي كان يوجهها غالباً وما كنّا نعمله أيضاً كان في خطه وفي خط المرجعية».

﴿ ٧٣-د ﴾

صفحة ١٣٧ يقول المؤلف نقلاً من مصدر تاريخ الحركة الإسلامية المعاصرة في العراق للسيد عامر الحلو عن أثر المحاضرات والندوات والاحتفالات الخطابية وأبرز الشخصيات العلمائية والثقافية المعروفة في الوسط العراقي أمثال: محمد باقر الصدر، نور الدين الأشكوري، موسى بحر العلوم، محمد جمال الهاشمي، مهدي الحكيم، عبد الهادي الفضلي، محمد مهدي الآصفي، محمد رضا الجعفري، محمد نوري، محمد حسن آل ياسين، مرتضى العسكري، حسين الصدر.

﴿ ٧٣-ه ﴾

صفحة ١٤٠ وحول أفضل الكتابات التي لاقت رواجاً وتقبلاً واسعاً في أوساط المثقفين الاسلاميين وكانت تملك الحجة القوية والدليل الناصع، هي كتابات محمد باقر الصدر ومطهري ومحمد جواد مغنية وعبد الحسين شرف الدين ومحمد جواد المظفر ومرتضى العسكري.

﴿ ٧٣ - و ﴾

صفحة ١٦٣ ينقل المؤلف - عدنان ابراهيم السراج - عن الدكتور محمد بحر العلوم «في عام ١٩٦٤ م عملنا احصائية علمية في أغلب مرافق الدولة نسبة الموظفين والعاملين الشيعة من السنة فكانت النسبة السنة ٧٠٪ والشيعة ٣٠٪ أما في المراكز الحساسة المهمة فكانت أقل بكثير ففي الجانب العسكري ٥٪ وفي الخارجية والتربية نسبة ضئيلة ١٠٪ وهكذا في سلك الشرطة والسفارات والمرافق المهمة لا تتجاوز النسبة ١٠٪» وهو ما أكدّه السيد مرتضى العسكري الذي أضاف قائلاً «حتى مديرية الأوقاف كانت ١٠٠٪ سنيّة جميع ادارات الأوقاف لا يوجد فيها حتى فراش شيعي».

﴿ ٧٣ - ز ﴾

صفحة ١٨٧ و صفحة ٢٦٠ يذكر المؤلف عن العلامة العسكري وضرورة تدخل العلماء في السياسة حيث يقول: انه قابله - أي المرجع الحكيم - بتحويل من جماعة العلماء في النجف وبغداد، وكان بصحبته الشيخ محمد حسن الجواهري - نائب جماعة العلماء. طالبين منه استنكار موقف ايران - حكم الشاه - بسبب اعترافها بإسرائيل وعندما طرحنا الأمر عليه، كان هناك مجموعة من الجالسين، وتحدثت معه وقلت ان العالم ينتظر أن يسمع من مراجع النجف كلمة حول هذه القضية، والناس يعرفون ان ايران بلد شيعي فينبغي أن نحتج على الموقف؛ فوافق الامام وارتفع صوت معترض وقال هذه سياسة المراجع لا يتدخلون في السياسة! ولم يكن بإمكانني أن أرد عليه

الجواب لأن هذا هو العرف السائد لدى المتدينين، ولكن الامام الحكيم انبرى له وقال: «لقد سبق أن تدخلنا بالسياسة أنا والشيخ محمد رضا آل ياسين عندما أبرقنا الى عصبة الأمم المتحدة نحتج ونستنكر على اعترافها بإسرائيل» فأنتهى وتقرر أن يحتج.

﴿ ٧٣ - ح ﴾

في صفحة ١٩٢ يقول المؤلف - عدنان ابراهيم السراج - ان السيد مرتضى العسكري وجه سؤالاً الى المرجع آية الله الحكيم: اذا فسح لكم المجال أنتم فقهاء الشيعة، أن تشكّلوا حكومة اسلامية فما هو نوع الحكم الذي ترونه؟ فأجاب «نحن نريد إجراء الأحكام الإسلامية في عصر الغيبة الكبرى».

في صفحة ١٩٣ وفي صفحة ٢٣٣ يقول المؤلف في عام ١٩٦٧ م أيام حكم عبد السلام عارف استدعى المرجع آية الله الحكيم الشيخ محمد رضا الشيباني وقال له «إنهض وأنا أ دعمك» وطالبه بالتحرك السياسي، وبتحرك الشيباني أصبح الأمر مختلفاً تماماً على عبد السلام عارف وأصبحت الحركة قوية وكتب الشيباني مذكرة وسلّمها للسيد مرتضى العسكري لتقديمها الى عبد السلام عارف فتم له ذلك ولم تستمر هذه الحركة السياسية طويلاً بسبب وفاة الشيباني المفاجئة.

﴿ ٧٣ - ط ﴾

في صفحة ٢٠٠ يقول المؤلف: كان الامام يرى ان تأسيس الأحزاب الإسلامية، يرفع من درجة وعي الشباب والمحيطين به، فبالرغم من أنه لم يؤسس شخصياً حزباً سياسياً إلا أنه كان يبارك ذلك اذا قام به آخرون؛ فقد دفع ولده السيد مهدي الحكيم والسيد مرتضى العسكري الى التصدي السياسي فاتجه الاثنان بتشكيل تنظيم «حركة أبناء ثورة العشرين» ويقول العسكري عن هذه الحركة «إن هذه الحركة خططت تخطيطاً يعتمد على عقد حلف بين القبائل، وان الامام كان يرغب بإدارة الحركة من الخارج بالنسبة لي ولولده السيد مهدي».

﴿ ٧٣ - ك ﴾

صفحة ٢٠٥ يقول المؤلف اشترط على المراجع الثلاثة: آية الله ابو الحسن الاصفهاني وفتح الله الاصفهاني والشيخ محمد مهدي الخالصي على عدم اقحام انفسهم في المواضيع السياسية أمام عودتهم الى العراق، ويعتقد العلامة العسكري ان موافقة المراجع على هذا الشرط لكون اهتمامهم الأول ينصب في الحفاظ على الحوزة والدين واهتمامهم الثاني هو مسألة الحكم، لذا كان رجوعهم يعني حصولهم على المكسب الأول والذي هو أهم من المكسب الثاني الذي فقدوه، فقبلوا بشرط فيصل، فعادوا جميعاً ما عدا الشيخ محمد مهدي الخالصي الذي رفض ذلك الشرط، فبقي في ايران منفياً.

﴿ ٧٣-ج ﴾

صفحة ٢٢٦ يقول المؤلف، أن فتوى المرجع آية الله الحكيم لها بعد شرعي وبعد سياسي.

ثم ينقل نص قول العلامة العسكري وتعليقه على الفتوى: قد يكون البعض فهم الموضوع على أنه حكم شرعي إلا أن هذه القضية بالإضافة إلى بعدها الشرعي فهي قضية سياسية، حيث أراد أن يلجم التطرف الشيوعي ويضع حداً لتصرفاتهم، وينقذ الناس من حالة القلق ويظهر رأي الإسلام الصريح بالشيوعية، وينبههم إلى خطورة الانضمام إلى الحزب بتحريم الانتماء إليه.

﴿ ٧٣-م ﴾

صفحة ٢٣٠ وينقل المؤلف قول العلامة العسكري حول المواقف السياسية للمرجع آية الله الحكيم فيقول: أنه كلما كان يأتي حكم جديد كان يطالبه أولاً بتنفيذ الأحكام الإسلامية ثم يصعد معها المعركة السياسية حينما لا تستجيب لتلك المطالب.

﴿ ٧٣-ن ﴾

صفحة ٢٣١ يقول العلامة العسكري: ان سفر المرجع آية الله الحكيم إلى بغداد وسامراء من عام ١٩٦٣ م الهدف منها أن تفهم الحكومة مركز وقوة المرجعية وشعبيتها.

﴿ ٧٣ - س ﴾

صفحة ٢٣٢ يقول العلامة العسكري كما نقل المؤلف عدنان ابراهيم السراج:
انه هو الذي اقترح على المرجع آية الله الحكيم السفر الى بغداد وسامراء في
عام ١٩٦٣ م فأجابه المرجع آية الله الحكيم: مع كبر سني واعتلال صحتي هل
في هذا العمل مصلحة اسلامية؟ قلت: نعم، ان الحكومة يجب أن تفهم ذلك، فلبى
الطلب وجاء الى بغداد.

وينقل المؤلف النص الحرفي لقول العسكري: يقول العسكري: ان الحكيم -
المرجع - قال لي باللهجة العراقية الدارجة (زحمة عليّ هل هناك مصلحة
اسلامية؟ أتحمّل وآتي).

-الدكتور علي الوردي-

المدخل ٧٤ اسم الكتاب: مهزلة العقل البشري (٢٨٨) صفحة

اسم المؤلف: الدكتور علي الوردي

الطبعة: أولى

الناشر: انتشارات الشريف الرضي (بالطبع لم تكن الأولى ولكن قد تكون

الأولى في مطابع قم المقدسة)

﴿ ٧٤ - أ ﴾

صفحة ٦ يذكر الدكتور علي الوردي في مقدمة كتابه - مهزلة العقل البشري - أني قلت في كتابي السابق وعَظا السلاطين في الصفحة التاسعة منه: ان الانحراف الجنسي يزداد بين الناس كلما اشتد عندهم عادة الحجاب والفصل بين الجنسين، فلم يفهم أخواننا هذا القول وسخروا به، وكان دليلهم في ذلك ان الانحراف موجود في جميع البلاد شرقية وغربية، وجاءوا بأمثلة تدل على وجود الانحراف الجنسي في المجتمعات التي لا حجاب فيها، وذكروا ان في معظم العواصم الأوربية نوادي وجمعيات خاصة باللوطة، طبعاً الدكتور الوردي يشير الى رد العلامة العسكري في كتابه مع الدكتور الوردي في كتابه وعَظا السلاطين في الصفحة السابعة والخمسين منه كما أشار الدكتور علي الوردي الى ذلك في هامش الصفحة.

﴿ ٧٤ - ب ﴾

صفحة ٩ وفي هذه الصفحة من مقدمته - أيضاً - يذكر الدكتور علي الوردي: ان السيد مرتضى العسكري خصص قسطاً كبيراً من كتابه - مع الوردي في كتابه وعَظاظ السلاطين - في سبيل البرهنة على ان الانحراف الجنسي انتشر في الإسلام من جراء سببين لا ثالث لهما.

أولاً: الأمراء والخلفاء؛ حيث جرهم الترف في الشهوة الجنسية الى البحث وراء متعة جديدة صعبة المنال، فوجدوها في اللواط بالغلمان.

ثانياً: الأديرة المسيحية، حيث انقلبت في العهد العباسي الى حانات ومواخير للغلمان وذلك في سبيل افساد المجتمع الاسلامي وازعاج امره ازاء الدول المسيحية التي كانت تترصد به الدوائر آنذاك.

ثم يبدأ الدكتور علي الوردي بمناقشة آراء العلامة العسكري.

- علي المؤمن -

المدخل «٧٥» اسم الكتاب: سنوات الجمر (مسيرة الحركة الإسلامية في العراق ١٩٥٧ -

١٩٨٦م) (٤٨٠) صفحة

اسم المؤلف: علي المؤمن

الطبعة: أولى

الناشر: دار المسيرة - لندن

﴿ ٧٥ - أ ﴾

صفحة ٣٢ ينقل المؤلف - علي المؤمن - بعض فقرات حوار خاص للسيد مهدي الحكيم جاء فيه: أن عرض فكرة تأسيس حزب الدعوة على السيد طالب الرفاعي وعبد الصاحب دجيل، فكان الثلاثة مع شخص آخر يعتقدون الاجتماعات الأولى للحزب، ثم اقترح السيد طالب مفاتحة السيد محمد باقر الصدر فوافق على الفور حين فاتحه السيد مهدي، ثم اقترح السيد الصدر ضم السيد مرتضى العسكري للعمل (وكان يقيم في الكاظمية) حيث فاتحه بذلك من خلال رسالة حملها اليه السيد مهدي، ثم انضم للعمل الشيخ عارف البصري والشيخ مهدي السماوي والشيخ عبد الهادي الفضلي وآخرون، ويضيف السيد مهدي الحكيم: بأن الحزب تأسس قبل انقلاب ١٤ تموز ١٩٥٨م، إلا ان تسميته بـ «الدعوة الإسلامية» جاءت بعد الانقلاب مباشرة.

﴿ ٧٥ - ب ﴾

صفحة ٣٣ ذكر المؤلف - علي المؤمن - أسماء الدعاة الأوائل ومن بينهم المؤسسون، فهم من زملاء الامام الصدر وتلامذته ومريديه، وينتمون الى عدة بلدان اسلامية منهم السيد مهدي الحكيم، الشيخ الفضلي، صالح الأديب، السيد مرتضى العسكري، عبد الصاحب دخيل، السيد الرفاعي، حسن شبر، الشيخ مهدي السماوي، الشيخ محمد مهدي شمس الدين، السيد محمد حسين فضل الله، السيد محمد باقر الحكيم، الشيخ عارف البصري، اضافة الى الامام محمد باقر الصدر.

﴿ ٧٥ - ج ﴾

صفحة ٤٥ يؤكد المؤلف - ان جماعة العلماء ضمت معظم رؤاد الوعي الاسلامي والذين عملوا أيضاً في صفوف الجماهير فبدلوا جهوداً حثيثة من أجل ايصال صوت «الجماعة» وبث الفكر الاسلامي الاصيل الى الكثير من مدن وقرى العراق ومن بين هؤلاء السيد محمد حسين فضل الله والسيد مرتضى العسكري والسيد مهدي الحكيم والشيخ عارف البصري والشيخ محمد مهدي الآصفي والسيد طالب الرفاعي، والشيخ عبد الهادي الفضلي والشيخ محمد مهدي شمس الدين والسيد محمد باقر الحكيم والشيخ مهدي السماوي والسيد عبد الرسول علي خان والشيخ محمد أمين زين الدين والشيخ محمد باقر الناصري، ويعتقد البعض ان جماعة العلماء هي التي كانت وراء تأسيس حزب الدعوة.

﴿ ٧٥-٥ ﴾

صفحة ٥٢ ذكر المؤلف - المؤمن - عن السيد مهدي الحكيم بخصوص اجراء المرجع الحكيم لأولاده (السيد باقر والسيد مهدي) والامام السيد الشهيد الصدر بالخروج من تنظيم حزب الدعوة فيقول: ان والده كان يرى بأن المرجع يجب أن يحافظ على صفة العمومية، ويستدعي ذلك ان لا يكون في جهازه المرجعي وبين أولاده حزيّون ولكن هذا الاجراء لم يشمل - والحديث في الهامش للمؤلف - وكلاء المرجع الحكيم في بغداد والمحافظات، فالسيد مرتضى العسكري والشيخ عارف البصري وغيرهما واللذان كانا من أبرز المقربين اليه وفي نفس الوقت من أقطاب «الدعوة» كما بقي السيد مهدي وشقيقاه (السيد محمد باقر والسيد علاء) يتعاونون وينسقون مع حزب الدعوة بعلم والدهم.

﴿ ٧٥-٥ ﴾

صفحة ٥٩ في فترة ١٩٦٣ م، وهي فترة قوات «الحرس القومي»، شهدت هذه الفترة سيول من الدماء والانتهاكات السافرة لحرمة الشعب وكرامة الانسان وكان حزب البعث يقف وراءها بشكل مباشر - كما يقول المؤلف - ويضيف: ولم يكن لنصيب الاسلاميين نظير في هذه الهجمة سوى ما تعرّض له بعض الشيوعيين، مما حمل الحركة الإسلامية على الوقوف بوجه السلطة الجديدة وبناءً على اقتراح السيد مرتضى العسكري والسيد مهدي الحكيم كانت زيارة المرجع الحكيم الى كربلاء والكاظمية وسامراء تعبيراً عن رأي الأمة بالحكم الجديد.

﴿ ٧٥ - و ﴾

صفحة ٦٧ يقول المؤلف: في فترة حكم عبد السلام عارف بادرت الحركة الإسلامية الى تأسيس جماعة العلماء في بغداد والكاظمية على غرار جماعة العلماء في النجف الأشرف حيث ساهمت بشكل أساس في النشاطات الإسلامية المتعددة في بغداد والكاظمية، ولم يقتصر دورها على الجوانب الفكرية والثقافية بل تعداها الى العمل السياسي والمشاركة في الأحداث. ومن رجال هذه الجماعة ذات الوزن العلمي والاجتماعي الكبير في الساحة الإسلامية السيد مرتضى العسكري والسيد اسماعيل الصدر والسيد مهدي الحكيم والشيخ علي الصغير والشيخ محمد حسن آل ياسين والشيخ موسى السوداني والشيخ جواد الظالمي والشيخ عارف البصري.

﴿ ٧٥ - ز ﴾

صفحة ٧٤ يذكر المؤلف - المؤمن - ان كلية أصول الدين تأسست في بغداد عام ١٩٦٥م وهي من ثمار جمعية الصندوق الخيري وقد مثلت أحد أهم محاور العمل لدى الحركة الإسلامية فتولى ادارتها ودرّس فيها مجموعة من العلماء المحركين ومن رواد الوعي التغيير في العراق، أما مؤسسها وعميدها هو آية الله السيد مرتضى العسكري أحد أبرز العلماء والمحققين المسلمين.

﴿ ٧٥ - ح ﴾

صفحة ٩٦ يقول المؤلف - المؤمن - في اوائل حزيران ١٩٦٩م كان هناك موقف موحد بين الحزب والمرجعية وبدأ الاثنان يبحثن حيثيات الوضع والموقف، وفي نفس السياق عقد (٧٠) عالماً في بغداد اجتماعاً استشارياً

بطلب من المرجع الحكيم وانتخب المجتمعون عشرة علماء لعرض ما توصل اليه المرجع الحكيم، وكان بينهم السيد مرتضى العسكري والشيخ علي الصغير والسيد محمود الخلاني والسيد هادي الحكيم واستقر الرأي بشكل نهائي على أن يتجه سماحته الى بغداد كإيحاء بالاحتجاج. وعندما سافر السيد الحكيم بدأت الوفود بالتقاطر على محل اقامته، مما أشعر السلطة بخطورة هذه الخطوة، فأعادت ترتيب أوراقها بالشكل الذي يتلائم مع التطور العائد عليها بجملة من السليبات.

- علي الشهرستاني -

المدخل «٧٦» اسم الكتاب: وضوء النبي ﷺ ج (١) وج ٢ (١٠٥٠)

المؤلف: علي الشهرستاني

الطبعة: الثانية

الناشر: مؤسسة جواد الأئمة: مشهد

﴿ ٧٦- أ ﴾

في صفحة ٤٧٤ من ج ١ اعتمد المؤلف الشهرستاني في تأليفه - وضوء النبي ﷺ - على كتاب العلامة العسكري كمصدر من مصادر البحث وقد أشار إليه المؤلف في هذه الصفحة من فهرس مصادر مدخل الدراسة تحت رقم (١٠) أحاديث أم المؤمنين عائشة (القسم الأول).

﴿ ٧٦- ب ﴾

وفي صفحة ٤٩١، اعتمد المؤلف الشهرستاني أيضاً على مصدر آخر من مصادر العلامة العسكري في تأليفه وهو عبد الله بن سبأ وأساطير أخرى ١ / ٢ وجاء في هذه الصفحة من مصادر مدخل الدراسة تحت رقم ١٣٨.

﴿ ٧٦- ج ﴾

وفي صفحة ١٣٣ من ج ١ يذكر المؤلف - السيد علي الشهرستاني - أسباب

تضخيم شخصية عبدالله بن سبأ من قبل الذين يدعون الى فقه عثمان.
 فيقول: إن قضية عبدالله بن سبأ كانت قضية سياسية أملت لها السياسات
 الأموية والعباسية، وخصوصاً الأموية منها، إذ أنهم كانوا يدعون الى فقه عثمان
 وقد تبنو منهجيته وقضيته، واسكاتاً للتساؤلات والأقوال التي قد يواجهونها
 سعوا الى تغيير بعض المفاهيم، محاولين تأصيل أخرى مكانها! ومن تلك
 المحالات:

١- القول بأن الثورة على عثمان إنما جاءت بسبب تأثيرات حزبية يهودية
 تزعمها رجل يهودي جاء من صنعاء، وأنه قد أثر في الصحابة وأوجب النقمة
 على عثمان. وبذلك أرادوا أن يبعدوا الصبغة الجماهيرية للثورة على عثمان عن
 أذهان الناس، والإيحاء بأنها بادرة حزبية سياسية!

٢- محاولة حصر مخالفتي عثمان في علي وأتباعه، لتقوية الرؤية المطروحة
 في كون الحركة ضد عثمان كانت سياسية بحتة، وفي نفس الوقت لانتقاص
 علي عليه السلام وتبرير حملاتهم ضده.

٣- بذر فكرة عبدالله بن سبأ لتكون نواة للخلاف الدائمي بين المسلمين
 وإمكان استغلالها من قبل الحكام بين الآونة والأخرى عند حاجتهم إليها في
 تغيير الأجواء والظروف العامة للمسلمين.

٤- القول بأن علياً وأصحابه هم الذين أحدثوا الشقاق في الصف الإسلامي،
 وخصوصاً في يوم الدار، لكن الباحث المنصف يعرف بأن اجتهادات عثمان هي
 التي أشعلت الخلاف بين المسلمين، وأن الضرب بالنعال بدأ في عهده، ثم تطور
 حتى صار بالسيف فسي عهد علي، واليوم نرى صراع العصية

بالبطائرات والصواريخ.

وملخص رؤية الشهرستاني في عبدالله بن سبأ يراه حقيقة لها وجود ولكن ليس بالدور الذي رسمه سيف بن عمر وتضخيم شخصيته للحد الذي جعل منه أسطورة واضحة لكل قارئ منصف، وهنا نرى ان رؤية الشهرستاني تخالف رؤية العسكري.

﴿ ٧٦ - د ﴾

ثم يذكر السيد الشهرستاني في صفحة (١٢٨) من نفس الكتاب ج ١ قائلاً:
لا أدري كيف يمكن تصديق أخبار عبدالله بن سبأ وهي أخبار شواذ انفرد بها الطبري عن سيف، وعنه أخذ ابن الأثير وابن كثير وابن خلدون وغيرهم وينتهي قوله هذا بهامش يُشير فيه الى تحقيق العلامة العسكري في كتابه عبدالله بن سبأ وأساطير أخرى حول تحقيق روايات سيف بن عمر.

-الدكتور علي شريعتي -

المدخل ٧٧ اسم الكتاب: التشيع العلوي والتشيع الصفوي (٣٣٣) صفحة

اسم المؤلف: الدكتور علي شريعتي ، المترجم: حيدر مجيد

الطبعة: أولى ٢٠٠٢ م

الناشر: دار الأمير

﴿ ٧٧- أ ﴾

صفحة ٨٧ يستعرض المؤلف - الدكتور علي شريعتي - بعض الضغوط التي مورست ضده وضد حسينية الارشاد من خلال الكتب والرسائل والمنشورات ، ويذكر شريعتي أن آية الله السيد صدر الدين الجزائري وولده السيد مرتضى الجزائري أعدّ بياناً ووقع أيضاً من قبل العلامة السيد مرتضى العسكري تأييداً لما جاء في مضمون البيان وأضاف العلامة العسكري هامشاً عليه.

﴿ ٧٧- ب ﴾

وفي صفحة ١٠٢ يذكر الدكتور علي شريعتي نص هامش العلامة العسكري ذاكراً رواية من كتاب الدرر بإسناد عن الحسن بن محبوب عن ابن الزيات عن الامام الصادق عليه السلام حول نسب عمر بن الخطاب.

بالطبع الدكتور شريعتي يعلّق على هذه الرواية ويتهم العسكري بالمتشيع الصفوي. ولكن في لقاءاتي المتكررة مع العلامة العسكري ينفي بشدة ذكر هذا الهامش الذي ذكره شريعتي، وفي إحدى المرات استفتيته - تحريرياً - فكتب لي: «لقد كذّب عليّ وافترى»^(١).

(١) راجع نص الوثيقة في كتابنا «العلامة العسكري رؤية إسلامية معاصرة» الملاحق.

- عماد الشربيتي -

المدخل ٧٨٨ اسم الكتاب: السنة النبوية في كتابات اعداء الإسلام مناقشتها والرد عليها

اسم المؤلف: السيد عماد الشربيتي (١٠٥١)

الطبعة: الأولى ١٤٢٣ هـ - ٢٠٠٢ م / ج ١ و ج ٢: ٥٤٥ - ٥٠٦

الناشر: دار اليقين للنشر والتوزيع

﴿ ٧٨ - أ ﴾

في صفحة ٢٦٦ / ج ١ يقول المؤلف الذي امتاز بأسلوب لاذع في قذف التشيع ولكتاب الشيعة. وفي هذه الصفحة وفي معرض دفاعه عن مذهب السنة يستعرض شبهة النهي عن كتابة السنة، فيقول: (واستدل بتلك الشبهة بعض غلاة الشيعة، حيث ذهبوا الى عدم صحة النهي عن كتابة السنة النبوية من النبي ﷺ، وسقم قول من يقول بذلك والذهاب الى أن النهي عن كتابة السنة والمنع من التحديث بها كان نابعاً من موقف سياسي اتخذه الخليفة أبو بكر، ثم عمر، ومن بعده الخلفاء للحد من نشر فضائل أهل البيت، وتخوفاً من اشتهاز أحاديث الرسول ﷺ في فضل علي وأبنائه مما دلّ على إمامتهم، مضافاً الى مساس هذا التحديث بأصل مشروعية خلافتهم. وأن روايات منع الكتابة إنما اختلفت في وقت متأخر لتبرير منع الشيخين أبي بكر وعمر رضي الله عنهما. ومن هذا حذوهما. وعلى أساس هذه الشبهة بنى علي الشهرستاني كتابه «منع تدوين الحديث

أسباب ونتائج» وكذا مرتضى العسكري في كتابه «معالم المدرستين» وذكراً عباس داود في كتابه «تأملات في الحديث عند السنة والشيعية» ومروان خليفات في كتابه «وركت السفينة» وغيرهم من أعداء السنة).

وفي هامش تعريفه بالعلامة العسكري قال المؤلف: كاتب شيعي معاصر، وعميد كلية أصول الدين الأهلية ببغداد (سابقاً) من مصنفاته: عبد الله بن سبأ وأساطير أخرى، ومعالم المدرستين، وخمسون ومائة صحابي مختلف، وأحاديث عائشة وأطوار من حياتها، وهو في كل مؤلفاته السابقة يعلن مذهب الرافضة في السنة والصحابة.

﴿ ٧٨ - ب ﴾

في صفحة ٢٩٥ / ج ١

يقول المؤلف - السيد عماد الشريتي - في هذه الصفحة (: إن بعض غلاة الشيعة يقولون: إن محو السنة في زمن الخلفاء، لأجل ما في الأحاديث من فضائل لأهل البيت ومحبتهم رواية ابن مسعود عند الخطيب).

وفي الهامش يُشير المؤلف إلى كتاب معالم المدرستين للسيد مرتضى العسكري المجلد الثاني صفحة ٤٤ - ٤٥ وكذلك كتاب منع تدوين الحديث للسيد علي الشهرستاني ص ٦٤، ويقول المؤلف: إن الشهرستاني أيد الحديث في هذه الصفحة ٦٤ ثم رفضه وضعفه في ص ٦٦ و ٧٠ ثم تأييده ص ٧١، ٨١، ٣٥٨، ٣٦١، ٣٦٢.

﴿ ٧٨ - ج ﴾

وفي صفحة ٣١٥ / ج ١

يقول المؤلف: ذهب بعض غلاة الشيعة الى تقسيم الصحابة الى مدرستين وفي هذا الهامش رقم (١) يقول المؤلف: - على حد تعبير السيد مرتضى العسكري في كتابه معالم المدرستين.

وفي نفس الصفحة يقول المؤلف: المدرسة أو الطائفة الثانية «طائفة الاجتهاد والرأي» وهي التي انتهجت منهاج الاجتهاد في مقابل النص - وخرجوا عليه وتأولوه - ويعنون بهم أهل السنة من السلف وعلى رأسهم الخلفاء الراشدون.

وفي هذا الهامش رقم (٢) يشير المؤلف الى كتاب معالم المدرستين للعلامة العسكري المجلد الثاني / ٦٧ ومنع تدوين الحديث للسيد علي الشهرستاني ص ٨٥.

-فاضل الميلاني -

المدخل ٧٩١ اسم الكتاب: مجلة الفكر الجديد (٣٦٨)

اسم المؤلف:

الطبعة: العدد الثامن - السنة الثانية شوال ١٤١٤ هـ آذار ١٩٩٤ م

الناشر: دار الإسلام

اسم البحث: الخطاب الاسلامي ومناهج الوعي في مواجهة النظام

الدولي الجديد

اسم الباحث: فاضل الميلاني

صفحة ١٥٤ بعد أن قدم الكاتب فاضل الميلاني رؤية تقاسم المعسكرين الشرقي والغربي وأثرهما في العالم وانجذاب واهتمام بعض دول الشرق الثالث بالتوجه نحو احدى المعسكرين يقول الكاتب إزاء ذلك بدأت ملامح رؤية اسلامية مستقلة قاد لواءها كل من:

- ١ - محمد قطب ، سيد قطب ، محمد الغزالي ... في مصر.
- ٢ - ابو الأعلى المودودي ، أبو الحسن المتووي ... في باكستان.
- ٣ - الامام الشهيد الصدر ، السيد مرتضى العسكري ، الشيخ محمد أمين زين الدين ، باقر شريف القرشي ... وغيرهم في العراق.
- ٤ - الشهيد مرتضى مطهري ، العلامة الطباطبائي ، المهندس بازركان ، الشيخ محمد تقي فلسفي ... في ايران.
- ٥ - مالك بن نبي ... في الجزائر.

-صائب عبدالحميد-

المدخل «٨٠» اسم الكتاب: تاريخ الإسلام الثقافي والسياسي، مسار الإسلام بعد الرسول

ونشأة المذاهب (٦٥٥) صفحة

اسم المؤلف: صائب عبدالحميد

الطبعة: الأولى ١٩٩٧ / ١٤١٧ هـ

الناشر: مركز الغدير للطباعة والنشر، بيروت

﴿ ٨٠-١ ﴾

صفحة ٤٤٦ بعد أن يذكر المؤلف ثلاث روايات عن الأئمة المعصومين:
(الإمام السجاد والإمام الباقر والإمام الصادق عليهم السلام) على حقيقة وجوب عبدالله
ابن سبأ.

ينتهي المؤلف بقوله: «فالثابت في هذه الأخبار المعتبرة أمور ثلاثة تمثل
أعمدة الظاهرة السبئية، وهي:

- ١- إن عبدالله بن سبأ حقيقة، وليس بأسطورة كما ذهب بعض المعاصرين،
كطه حسين، والسيد مرتضى العسكري، وعلي الوردي.
- ٢- إنه غلاف في علي عليه السلام فادّعى له الألوهية، وادّعى لنفسه النبوة.
- ٣- إن الإمام علياً عليه السلام قد قتله حرقاً بالنار.

﴿ ٨٠ - ب ﴾

صفحة ٤٤٨ في هذه الصفحة يؤكد المؤلف ان التناقض والتهاافت الظاهر في روايات سيف بن عمر ليس دليلاً على كذب الروايات فقط بل أن ابن سبأ ما هو إلا وهم اخترعه خصوم الشيعة، ثم يضيف المؤلف وفوق هذا التناقض لابد أن يُنظر الى عنصر آخر أشد خطورة وأولى أن يعتمد بالمرتبة الأولى في هذا الموضوع، وهو ما ثبت بلا نزاع من أن سيف بن عمر كان «زنديقاً، كذاباً، وضاعاً» فكيف تعتمد أساطيره في مثل هذا الأمر الذي يقدر في الدين ويفت في عضد المسلمين؟ ثم يضيف المؤلف في هامش الصفحة: وعلى هذين العنصرين معاً اعتمد السيد مرتضى العسكري في كتابه (عبدالله بن سبأ) فتوصل الى ما توصل إليه طه حسين هنا ولكن بعد جهد تحقيقي واسع.

﴿ ٨٠ - ج ﴾

صفحة ٦٦٤ وفي هذه الصفحة التابعة الى ذكر المصادر اعتمد الكاتب صائب عبد الحميد على كتاب العلامة العسكري (خمسون ومائة صحابي مختلق) تحت رقم ١٣١.

-صادق جعفر الرّوازق-

المبطل ١٨١ اسم الكتاب: مصادر الدراسة عن الإمام السيد الشهيد محمد باقر

الصدر عليه السلام (٤٧٦) صفحة

اسم المؤلف: صادق جعفر الرّوازق

الطبعة: الأولى ١٩٩٨م

الناشر: مركز دراسات تاريخ العراق الحديث

في صفحة ١٥١ وتحت رقم ١٨١ جاء اسم السيد مرتضى العسكري كأحد المصادر التي ذكرت السيد الشهيد الصدر تحت عنوان: «ذكرياتي عن السيد الشهيد الصدر» وفيها يقول العسكري: ... اجتمعت مع السيد محمد باقر الصدر عليه السلام في عام ١٩٦٩م في بيروت / لبنان، وقال لي أكتب ذكرياتك، فقلت له ليس الآن ولا أستطيع أن أكتبها وهؤلاء البعثيون في الحكم. فقال عليه السلام صغها بصيغة النذر، كي تكون ملزماً بكتابتها بعد رحيل البعثيين.

ويأتي هذا الكتاب للمؤلف (الرّوازق) كأول عمل ببلوغرافي يستعرض فيه أغلب المصادر الدراسية التي اهتمت بسيرة وعلمية السيد محمد باقر الصدر ومواقفه السياسية الرائعة، التي يندر مثيلها من مرجع ومفكر يلغي كلّ كيانه وذاته في سبيل الإسلام ومن أجل العراق والعراقيين ولكلّ مسلمي العالم. ولا ننسى في هذا المقام حركة تلميذه الصادق الوفي الشهيد محمد محمد

صادق الصدر رحمته الله.

نقول جاء هذا الكتاب كأول باكورة عمل أهتم بجمع تراث السيد الشهيد محمد باقر الصدر رحمته الله وقبل أن تنبثق فكرة المؤتمر التكريمي للسيد الشهيد الذي عقد في عام ١٩٩٩م بطهران.

وقد كانت فكرة ومنهج هذا الكتاب من بنيات أفكار المؤلف، والذي بذل فيه جهداً كبيراً وواسعاً ولكن تحت ظروف سياسية واقتصادية قاهرة استطاع مركز دراسات تاريخ العراق أن يقلل من أهمية هذا الإصدار الذي لم يطبع سوى تصويره إلى عدة نسخ ومن ثم التأثير على اللجنة العلمية في المؤتمر لتجاهله وعدم التفاعل والاهتمام به مما جعله عملاً لم يطبع وينشر، وضاع بين زحمة الأمزجة وقلة الدين والورع.

هذا وقد ذكر هذا الكتاب في موسوعة طبقات الفقهاء ج ١٤ / ق ٢ للمؤلف الكبير العلامة الفقيه جعفر السبحاني الصادر عن مؤسسة الإمام الصادق عليه السلام إيران - قم.

في ترجمة السيد الشهيد محمد باقر الصدر رحمته الله : ٦٦

ومما جاء فيه: «وللأستاذ صادق جعفر الزوازي كتاب مصادر الدراسة عن الإمام الشهيد الصدر، وفيه أكثر من سبعمئة عنوان، ما بين مؤلف وبحث ومقالة وقصيدة، تناولت حياة الشهيد وأفكاره، وفقه الله تعالى لإتمامه، لينتفع به الباحثون».

المدخل ٨٢: اسم الكتاب: الحوزة العلمية في مواجهة الاستكبار والهيمنة الغربية (١٩٠)

اسم المؤلف: صادق جعفر الروازق

الطبعة: الأولى

الناشر: مركز الغدير للطباعة والنشر، بيروت

﴿ ٨٢-أ ﴾

في صفحة ٨٤ ذكر المؤلف اسم العلامة العسكري كونه أحد رواد الحركة الإسلامية وممن ساهم في تأسيس حزب الدعوة الإسلامية. ثم ذكر نشاطه مع السيد الشهيد الصدر رحمته الله ودوره في مرجعيه آية الله الحكيم حيث كان معتمده المطلق في منطقة الكرادة الشرقية ببغداد وكان له تأثير كبير في استقطاب الشباب المؤمن في حسينية آل مباركة وغيرها وتعليمهم مبادئ الإسلام وضرورة حاكميته في المجتمع العراقي المسلم.

﴿ ٨٢-ب ﴾

وفي صفحة ٨٦ يذكر المؤلف ان المرجع آية الله الحكيم كان داعماً بقوة لقيادات حزب الدعوة وكان يرى في هذا الحزب الأمل الذي يستطلع له الإسلاميون الحركيون في العراق ورغم خروج ولديه من الحزب بأمر منه إلا أنه كان يعلم بانتماء وكيله ومعتمده في بغداد السيد مرتضى العسكري الى حزب الدعوة، بل كان أحد الناشطين القياديين فيه.

وقد أُستخدم هذا الكتاب مصدراً في موسوعة طبقات الفقهاء ج ١٤ ق ١
للعلامة جعفر السبحاني في تراجم العلماء منهم السيد أبو الحسن الأصفهاني:
٣١، وفي ترجمة شيخ الشريعة: ٤٨٣ وفي ترجمة السيد مهدي الحيدري: ٨٤٥.

- صلاح الخرسان -

المدخل: ٨٣ اسم الكتاب: حزب الدعوة الإسلامية، حقائق ووثائق

فصول من تجربة الحركة الإسلامية في العراق خلال ٤٠ عاماً (٧٧٢ صفحة)

اسم المؤلف: صلاح الخرسان

الطبعة: الأولى ١٤١٩ هـ - ١٩٩٩ م

الناشر: المؤسسة العربية للدراسات والبحوث الاستراتيجية

﴿ ٨٣ - أ ﴾

صفحة ٥٥ ينقل المؤلف - صلاح الخرسان - حول كيفية مفاتحة السيد مرتضى العسكري بتأسيس حزب إسلامي (كان السيد محمد باقر الصدر قد اقترح على السيد مهدي الحكيم في وقت لاحق من عام ١٩٥٨م طرح الموضوع على السيد مرتضى العسكري لضمه الى الهيئة المؤسسة، وحمله رسالة تعريف - لعدم وجود معرفة سابقة بينهما - وكان العسكري في ذلك الوقت يسكن مدينة الكاظمية، ومما جاء في تلك الرسالة:

«يحمل كلامي إليك السيد مهدي» وكان السيد العسكري في تلك الفترة يفكر هو الآخر بتأسيس حزب إسلامي.

وفي نفس الصفحة ينقل المؤلف قلق العسكري حول شريحة الشباب من الانجراف بالتيارات الفكرية والسياسية العلمانية ويضرب على ذلك مثلاً في انتماء أحد معارفه - أي العسكري - وكان متديناً الى الحزب الشيوعي العراقي.

﴿ ٨٣-ب ﴾

صفحة ٥٦ وينقل المؤلف عن العلامة العسكري كيف فوتح من قبل السيد مهدي الحكيم:

يقول العسكري: (كان السيد مهدي يرتجف) وهو يحدثني ثم سألته فقال لي: «انتي والسيد الصدر تفكر بتأسيس حزب وان السيد قال إذا وافق العسكري فإننا نستطيع السير في ذلك، فقلت للسيد مهدي: اذهب وأنا سأتيكم».

﴿ ٨٣-ج ﴾

صفحة ٦٤ يذكر المؤلف أسماء الذين حضروا اجتماع كربلاء الموسع والذي عُقد في منزل المرجع آية الله الحكيم الذي لم يكن مسكوناً.

١ - السيد محمد باقر الصدر ٢ - محمد باقر الحكيم ٣ - السيد مرتضى العسكري ٤ - محمد مهدي الحكيم ٥ - طالب الرفاعي ٦ - محمد صادق القاموسي ٧ - عبدالصاحب دخیل ٨ - محمد صالح الأديب.

﴿ ٨٣-د ﴾

صفحة ٦٥ وحول منتدى النشر وحركة الاصلاح خارج الحوزة، فيقول المؤلف: إن العلامة العسكري يقف على رأس هذه الحركة الذي بدأ دراساته الحوزوية أوائل الثلاثينات في حوزة سامراء وتابع دراساته الدينية في حوزة قم وبعد عودته الى أرض الوطن انصرف ومنذ الأربعينيات الى تأسيس المشاريع الإسلامية الهادفة كالمدارس والجمعيات الخيرية اضافة الى تضلعه في التاريخ الإسلامي والسيرة النبوية الشريفة؛ حيث صدر له عدد من أمهات الكتب في هذا الاختصاص .

﴿ ٨٣-هـ ﴾

صفحة ٦٧ في اجتماع كربلاء أول من أدى يمين القسم السيد العسكري وكان أكبر الحضور سناً بالحاج من السيد الصدر، وقد ضمت التشكيلة القيادية الأولى كلاً من:

- ١- السيد محمد باقر الصدر ٢- السيد مرتضى العسكري ٣- محمد مهدي الحكيم ٤- السيد محمد باقر الحكيم ٥- الحاج محمد صادق القاموسي

﴿ ٨٣-و ﴾

صفحة ٧٣ - ٧٧ في هذه الصفحات يذكر المؤلف سيرة العلامة العسكري منذ النشأ مروراً بجهوده في اقامة العديد من المشاريع التربوية وحتى خروجه من العراق عام ١٩٦٩م. ثم يضيف الكاتب موضحاً دور العسكري في مجال كتابة السيرة النبوية والعمل التحقيقي.

﴿ ٨٣-ز ﴾

صفحة ٨٩ يذكر المؤلف - صلاح الخراسان - ان السيد الصدر طلب من السيد مهدي الحكيم اعداد قائمة بأسماء وكلاء مرجعية آية الله الحكيم في مختلف مناطق العراق، فقرر السيد مفاتحة قسم منهم وقسم يقوم بمفاتحتهم السيد محمد الحكيم والقسم الآخر أوكل أمرهم الى العلامة العسكري.

﴿ ٨٣-ح ﴾

صفحة ٩٠ ينقل المؤلف عن السيد مهدي الحكيم بأن الأخير تعرّف على الأستاذ محمد هادي السيّتي من خلال السيد مرتضى العسكري والسيد طالب الرفاعي.

﴿ ٨٣-ط ﴾

صفحة ٩١ يذكر المؤلف أن السيد محمد باقر الحكيم كان مسؤولاً عن تنظيم حلقات في حزب الدعوة وكذلك السيد مهدي الحكيم الذي كان أكثر أعضاء القيادة كسباً للأفراد، أما حلقات بغداد فكانت تُدار من قبل السيد العسكري.

﴿ ٨٣-ي ﴾

صفحة ١٠١ يقول المؤلف، كان للدعاة حضور فاعل وسط أنصار جماعة العلماء وهو تجمع جماهيري أخذ بالتوسع في المدن والأرياف بعد أن كانت بدايته في مدينة النجف الأشرف، وقد شكل الدعاة وأصدقائهم نواته الحقيقية، منهم السيد مهدي الحكيم والسيد مرتضى العسكري والسيد محمد حسين فضل الله والشيخ محمد مهدي شمس الدين والشيخ محمد أمين زين الدين والشيخ عبد الهادي الفضلي والشيخ محمد باقر الناصري... وآخرون.

﴿ ٨٣-ك ﴾

صفحة ١٠٥ يقول المؤلف: ان ارتباطه بمرجعية آية الله الحكيم إضافة الى السيد الصدر وولدي المرجع السيدين مهدي وباقر كان العضو الرابع هو السيد العسكري الذي قررت المرجعية أن يتولى مهام ذات طابع جماهيري في بغداد. فباشر العسكري بالعمل من منطقة البياض بصفته وكيلاً لآية الله الحكيم وذلك في رجب عام ١٩٦٠م.

﴿ ٨٣-ل ﴾

صفحة ١١٦ - ١١٨ يقول المؤلف - صلاح الخراسان - ان لبعض قيادة الدعوة مواقف مستقلة فقد تبلور موقف عند السيد الشهيد الصدر والسيد

محمد باقر الحكيم حول شرعية العمل كما يقول السيد محمد باقر الحكيم والتي نقلها المؤلف عنه من خلال الرسائل المتبادلة بين الصدر والحكيم، كما حصل تفاهم، والقول للحكيم، محمد باقر - انسجام واضح بين السيدين مهدي الحكيم والسيد مرتضى العسكري مع آرائنا.

وهنا يجب توضيح مسألة مهمة قالها العلامة العسكري.. ان خروج الصدر من الدعوة ليس من باب الاشكال في العمل وانما من باب تصديه للمرجعية وقال: قال الصدر أريد أن ادخل مليونين عراقي في حزب الدعوة. فالأطار المرجعي والعمل من خلاله أوسع لشخص مثل السيد الصدر وهو ضمن قيادة الدعوة. ومما يؤكد قولي ما ينقله المؤلف صلاح الخرسان في فاتحة صفحة ١١٨ نقلاً عن العلامة العسكري: «ان السيد الصدر لم يخرج في الحقيقة من الدعوة وانما انتقل الى وضع اصبح فيه بلا مسؤولية حزبية».

﴿ ٨٣-م ﴾

صفحة ١١٩ يؤكد المرجع على ان المرجع آية الله الحكيم له من الثقة بشرعية القيادة للحزب وخير دليل دعمه غير المحدود لأبرز وكلائه السيد مرتضى العسكري وهو يعلم أنه من قيادات الحزب.

﴿ ٨٣-ن ﴾

صفحة ١٢٠ يذكر المؤلف رسالة انسحاب السيد محمد باقر الصدر من التنظيم ويستلم الرسالة محمد صالح الأديب ويوصلها الى العلامة العسكري في بغداد والذي بقي وحيداً - العسكري - على رأس الهرم القيادي للدعوة.

﴿ ٨٣-س ﴾

صفحة ١٢٢ يذكر المؤلف - صلاح الخرسان - حول الانشقاق الحاصل في صفوف قيادة الدعوة، فقد أصدرت مجموعة الشيخ الفضلي قراراً بفصل المهندس محمد هادي السييتي والحاج محمد صالح الأديب واستمرت في عملها لمدة أكثر من عام أصدرت خلالها نشرة مركزية خاصة بها باسم (المجاهد) وبعد جهود وساطة قام بها السيد الصدر شارك فيها السيد العسكري، وفق الله الدعوة وتجاوزت محاولة الانشقاق وانتظم الدعاة مجدداً في مسيرة الدعوة.

﴿ ٨٣-ع ﴾

صفحة ١٢٩ يذكر المؤلف دور العلامة العسكري في منطقة البياع عندما انتقل إليها من منطقة (الغريعات) رغبة للمرجع الحكيم، ونتيجة للنجاح الكبير الذي حققه العسكري في البياع أصبح هناك تفكير بأن ينتقل الى مجال أوسع وأكثر تأثيراً، فوقع الاختيار على منطقة الكرادة وكان السيد الصدر من المهتمين بهذه النقلة الجديدة للسيد العسكري.

﴿ ٨٣-ف ﴾

صفحة ١٣٤ يؤكد المؤلف نقلاً عن العلامة العسكري ان زيارة المرجع الحكيم عام ١٩٦٣م الى كربلاء ثم بغداد كانت من متبنيات أفكار العسكري، فأجابه المرجع (مع كبر سني واعتلال صحتي، هل في هذا العمل مصلحة إسلامية؟) فقال السيد العسكري: نعم، (ان الحكومة يجب أن تفهم ذلك).

﴿ ٨٣ - ص ﴾

صفحة ١٣٥ بعد أن وجد العلامة العسكري نفسه في وضع صعب بين أن يجمع ما بين العمل الحزبي ذي الطابع السري والنشاط السياسي ذي الطابع العلني، فقرر أن يترك العمل الحزبي، ولكن المشكلة لمن يُسلم القيادة للاستاذ السبتي أم الشيخ الفضلي؟ ونتيجة موازنات معينة اختار العسكري الأستاذ السبتي وعن هذا الاختيار يقول العلامة العسكري:

«كان أكبر غلطة ارتكبتها في حياتي» وقد انسحب الفضلي بعد ذلك من الدعوة بشكل نهائي.

ويضيف المؤلف من المؤكد أن السيد في انسحاب الفضلي ليس لعدم ترشيحه كقائد للدعوة وإنما باختلاف متبنياته الفكرية التي عبر عنها في كتابه (في انتظار الإمام).

﴿ ٨٣ - ق ﴾

صفحة ١٤٦ يذكر المؤلف - صلاح الخرسان - أعضاء الهيئة التنفيذية لجماعة علماء بغداد والكاظمية ومنهم: ١ - السيد مرتضى العسكري ٢ - السيد مهدي الحكيم ٣ - السيد محمد الحيدري الخلاني ٤ - الشيخ علي الصغير ٥ - الشيخ محمد حسن آل ياسين ٦ - السيد هادي الحكيم.

﴿ ٨٣ - ر ﴾

صفحة ١٤٧ وحول الحياة البرلمانية التي كان يسعى لها السيد مهدي الحكيم والسيد مرتضى العسكري ينقل المؤلف قول السيد مهدي الحكيم «... كان هناك عمل سياسي تقليدي وإلى حد ما كنا نمارسه أنا والسيد العسكري،

وانا لم يكن عندي ارتباط بـ (الحزب) والسيد العسكري حسب الظاهر كان قد جمّد نشاطه لأن هذا العمل يتنافى مع الارتباط ولست أستطيع الجزم وكنا في تحركنا نركّز على ضرورة اعطاء حياة برلمانية للعراق.

﴿ ٨٣-ش ﴾

صفحة ١٤٨ يذكر المؤلف ان في عام ١٩٦٥ م اتسع التحرك الإسلامي ليشمل العراق بأسره وذلك بإشراف وتخطيط نخبة من العلماء العاملين في ظل مرجعية آية الله الحكيم وهم: ١- السيد محمد باقر الصدر ٢- السيد مرتضى العسكري ٣- السيد مهدي الحكيم ٤- السيد محمد باقر الحكيم ٥- السيد محمد بحر العلوم.

﴿ ٨٣-ت ﴾

صفحة ١٥٠ حول فتح المسجد الذي يصلي فيه السيد إسماعيل الصدر ينقل المؤلف تفاصيل ذلك على لسان السيد مهدي الحكيم فيقول: «أقمنا العزاء يوم تاسوعاء عصراً أنا والسيد مرتضى العسكري والشيخ عارف البصري ومجموعة من العلماء من بغداد وكان الخطيب السيد عبدالرسول الكفائي ثم خرجنا مع الموكب الى الصحن الكاظمي ثم ذهبنا أنا والسيد العسكري لأجل أن نصلي في مساجدنا وبعد الصلاة اتصل بي السيد العسكري وقال لي: ان الواقعة وقعت وهي أن الشيخ عارف البصري ذهب في موكب العزاء الى الصحن فهاجمهم أتباع الشيخ محمد مهدي الخالصي وحدثت معركة قتل فيها اثنان من جماعة الخالصي وحينذاك اعتقل جماعة من بني تميم الذين تصدروا لحماية السيد إسماعيل الصدر ومسجده وحاولت السلطة اعتقالني أنا والسيد العسكري بتهمة

التحريض على القتل».

وهذا النوع من الاعتقال بموجب القانون لا يتم معه اطلاق سراح المعتقل حتى تثبت براءته وأي كفالة لا تنفع، وكان غرضهم ادخالنا السجن بصفة مجرمين بتهمة وجود اعترافات علينا ولكن (أزهر عيسى الخلف) الذي كان حاكماً فهم المغزى فأفشل المخطط.

﴿ ٨٣-خ ﴾

صفحة ١٥٥ يقول المؤلف: ان السيد مرتضى العسكري حذر الرئيس عبدالرحمن عارف من مؤامرة تحاك ضده في الخفاء وهو آخر من يعلم بها، وذلك خلال زيارة قام بها وفد من جماعة علماء بغداد الى الرئيس عارف في القصر الجمهوري وأشار السيد العسكري - كما يقول المؤلف - خلال الحديث الذي دار الى المخاطر الناجمة عن عودة حزب علق الى السلطة مرة أخرى على الشعب والوطن، لكن الرئيس طمأن الحضور الى أن الأوضاع مسيطر عليها وان كل شيء يسير على ما يرام.

﴿ ٨٣-ذ ﴾

صفحة ١٦٠ يقول المؤلف - صلاح الخراسان - ان السيد العسكري شارك مع وقد علمائي وهو على رأس قيادة الحزب أرسله المرجع الحكيم لمقابلة اللواء أحمد حسن البكر رئيس الوزراء عام ١٩٦٣م وتسليمه رسالة من المرجع، كان العسكري هو الذي صاغ عباراتها، والتي فيها مطالب الأمة الإسلامية فيما يخص الأحكام الإسلامية وتطبيقاتها.

﴿ ٨٣-ط ﴾

صفحة ٢١٦ يقول المؤلف: لقد جرى تأمين قوات اتصال بين لجنة العراق وقيادة الدعوة التي تركزت بالسيد المهندس محمد هادي السيبي الذي بقي في لبنان سنة واحدة بعد مغادرته العراق ثم تركه للإقامة والعمل في الاردن كمدير لمركز الطاقة الحرارية في عمان، ولتعزيز موقعه القيادي، قام السيبي بتصعيد الشيخ علي الكوراني للقيادة العامة عوضاً عن الشيخ عارف البصري ولم تقتصر القيادة العامة على السيبي والكوراني فقد كان الى جانبيهما كل من السيد مرتضى العسكري الذي أعاد نشاطه الدعوتي بعد طوال انقطاع والسيد كاظم الحائري كبير فقهاء الدعوة والشيخ مهدي الآصفي.

﴿ ٨٣-ض ﴾

صفحة ٢١٧ يقول المؤلف، لقد تمايز جناحان في قيادة الدعوة. الجناح الأول: هادي السيبي والشيخ علي الكوراني. الجناح الثاني: السيد مرتضى العسكري والسيد كاظم الحائري والشيخ الآصفي.

﴿ ٨٣-ع ﴾

صفحة ٢٥٥ يقول المؤلف: قام العلامة العسكري لرأب الصدع بين قادة الدعوة؛ فاتصل بالسيد محمد حسين فضل الله والشيخ محمد مهدي شمس الدين والشيخ علي الكوراني ولكن دون أن تترتب على ذلك أية نتيجة، مما حمله على التوجه الى الأردن للاجتماع مع أبي الحسن السيبي ومن هناك توجه الى دمشق للاجتماع بقيادة الدعوة الذين حضروا الى هناك قادمين من

بيروت، كذلك قام العسكري بسفرة أخرى الى عمان بمعية كل من الحائري والشيخ الآصفي ومنها انتقلوا الى القاهرة، حيث عقد القادة اجتماعات بحضور الدكتور داود العطار.

﴿ ٨٣-أ ﴾

صفحة ٣٦٧ يقول المؤلف: في صيف ١٩٧٩ توجه الى ايران الشيخ محمد مهدي الآصفي ومع وصوله الى طهران بلور مع قادة الدعوة الآخرين مشروعاً لإعادة تفعيل القيادة العامة ببناء هياكل قيادية لتحويل الحزب الى حزب ذي طابع مؤسساتي بدلاً من اختزالها في شخص واحد هو محمد هادي السيبيتي فكانت الخطوة الأولى هي اعطاء دور للقيادة العامة المجعدة من الناحية العملية بتشكيلاتها القائمة والمؤلفة من:

- ١ - محمد هادي السيبيتي ٢١ - السيد مرتضى العسكري ٣ - السيد كاظم الحائري ٤ - الشيخ علي الكوراني ٥ - الشيخ محمد مهدي الآصفي.
- وقد ضمت في عضويتها: ١ - مهدي عبد مهدي ٢ - الحاج عبيد مزهر
- ٣ - الدكتور حيدر العبادي ٤ - الشيخ محمد علي التسخيري ٥ - الحاج سهل محمد السلطان.

﴿ ٨٣-ب ﴾

صفحة ٣٧٠ في الاجتماع الذي عقد في مكتب العلامة العسكري احتدم النقاش بين السيبيتي والآصفي الى درجة الصدام، ومع ذلك فقد حاول العلامة العسكري أن يأخذ دور الوسيط رغم انه كان طرفاً في الخلاف، كما حاول في

الوقت نفسه أن يقنع السييبي بترك الأردن والاقامة في ايران ومباشرة مسؤولياته القيادية الى جانب باقي أعضاء القيادة العامة، إلا أنه رفض العرض، وكان ردّه بأنه لم يتعود العيش إلا (من كدّ يمينه) وأنه لا يستسيغ العيش بمرتب من الدعوة حتى لو تفرع حزياً وأنه لا يعرف اللغة الفارسية.

﴿ ٨٣-أج ﴾

صفحة ٤٠١ يقول المؤلف: ان السيد محمد باقر الصدر عليه السلام رشح أربعة أشخاص للقيادة النائية التي تخلفه حال استشهاده، وهم:

١- السيد مرتضى العسكري ٢- السيد محمد باقر الحكيم ٣- السيد مهدي الحكيم^(١) ٤- السيد محمود الهاشمي.

وكتب رسالة بهذا الشأن الى الإمام الخميني سلمها على سبيل الأمانة السيد محمد باقر الحكيم ولكنه أخيراً سحب الرسالة بسبب اعتذار السيد محمد باقر الحكيم التوجه الى إيران.

﴿ ٨٣-أد ﴾

صفحة ٤٢٩ ينقل المؤلف بعضاً من الدراسات الأمنية لنظام صدام البائد حول حزب الدعوة فنقول الدراسة (البعثية): قوى خارجية سعت الى تأسيس حزب الدعوة بالتنسيق المباشر مع النظام الفارسي آنذاك، إذ لقي هذا الحزب دعماً مادياً ومعنوياً من النظام المذكور بقصد التغلغل في صفوف الجماهير تحت

(١) أغلب المصادر أجمعت على أن السيد مهدي الحكيم لم يكن ضمن مشروع القيادة النائية.

ذرائع دينية مذهبية هدفت إلى خلق واذكاء النزعة الطائفية وشق الوحدة الوطنية وضرب التوجه القومي المعلن لثورة ١٤ تموز ١٩٥٨م؛ فكانت أغلب العناصر القيادية لهذا الحزب من أصول فارسية (مرتضى العسكري، محمد مهدي الآصفي، مهدي علي أكبر شريعاتي).

﴿ ٨٣-أ١ ﴾

صفحة ٤٧٦ ومن دراسة أمنية لنظام البعث البائد حول السيد العسكري، جاءت الدراسة تقول: مرتضى محمد إسماعيل العسكري، ولد في سامراء عام ١٩٠٦م وهو من أصل فارسي درس العلوم الدينية في النجف ثم أصبح أستاذ وعميد كلية أصول الدين واماام حسينية الكرادة الشرقية، هرب إلى إيران عام ١٩٦٩م بعد ثبوت اشتراكه بالمؤامرة الإيرانية ثم استقر في سوريا قبل سقوط الشاه عام ١٩٧٩م.

﴿ ٨٣-أو ﴾

صفحة ٤٨٢ يقول المؤلف عن دراسة أمنية لنظام البعث البائد جاء فيها: لقد دعا الشيخ محمد مهدي الآصفي إلى اجراء انتخابات جديدة دون اشراك علي الكوراني وجماعته فيها وتم انتخاب قيادة جديدة للحزب تتألف من العناصر التالية:

١- محمد مهدي علي محمد صادق الآصفي، أمين عام للحزب -إيراني

٢- كاظم علي الحائري الشيرازي، فقيهاً عاماً للدعوة -إيراني

- ٣- مرتضى محمد إسماعيل العسكري، عضواً - إيراني
- ٤- علي عبدالله التسخيري، عضواً - إيراني
- ٥- عبدالرحيم علي موسى الشوكي، عضواً - عراقي
- ٦- مهدي عبد مهدي، عضواً - وهو عديل الآصفي
- ٧- هاشم ناصر محمود، عضواً - عراقي من البصرة
- ٨- حسين إبراهيم بركة الشامي، عضواً - عراقي، متزوج من إيرانية.
- ٩- موسى جمال الخوئي، عضواً - إيراني

- قيس بهجت العطار -

المدخل (٨٤): اسم الكتاب: كتاب وعتاب [رسالة مفتوحة الى كلية أصول الدين جامعة الأزهر من بغداد الى القاهرة] ^(١) (٣٥٠ صفحة)

اسم المؤلف: قيس بهجت العطار

﴿ ٨٤ - أ ﴾

في صفحة ٣٠ من الكتاب، يذكر المؤلف قيس العطار أن منع تدوين الحديث من قبل الخلفاء وبالأخص عمر كان بدافع اخفاء فضائل أهل البيت عليهم السلام وعلى رأسهم علي عليه السلام، خصوصاً ما يمتُّ منها الى الخلافة بصلة؛ ولهذا السبب ذهب أغلب كتاب الشيعة ومنهم العلامة العسكري الذي قرأ السيد الشربيني كتابه، واعتمد المؤلف على كتاب معالم المدرستين ج ٢: ٤٤ - ٤٥.

﴿ ٨٤ - ب ﴾

وفي صفحة ٣٦ وفي معرض ردِّ علي السيد الشربيني حول عدم التزام الشيعة بالنص النبوي، يستشهد المؤلف العطار بنص السيد مرتضى العسكري من مقدمة كتابه «معالم المدرستين» ولما أرسل الله خاتم أنبيائه محمداً عليه السلام بالقرآن

(١) وهو ردُّ علي كتاب عماد السيد الشربيني (السنة النبوية في كتابات أعداء الإسلام) مناقشتها واثرة عليها اصدار دار النيقين. وهي رسالة ماجستير من جامعة الأزهر في القاهرة. وقد خصني سماحة العلامة السيد علي الشهرستاني متفضلاً بإرسالها إلي بعد أن عرف بطبيعة هذا العمل. رغم أن (الرد) لم يطبع فأرسل لي مسودته الأخيرة الجاهرة للطبع، جراه الله خيراً

أنزل فيه أصول الإسلام من عقائد وأحكام في آيات محكمة، وأوحى إليه تفصيل ما أنزل في القرآن ليبين للناس ما نزل إليهم، فعلمهم الرسول شرائع الإسلام... فتكون منها لدى المسلمين الحديث النبوي الشريف، وكذلك جعل الله تجسيد الإسلام في سيرة رسول الله ﷺ، وأمر الناس باتباعه في قوله: ﴿لقد كان لكم في رسول الله أسوة حسنة﴾ وسُمي مجموع السيرة والحديث النبوي في الشرع الإسلامي بالسنة، وأمرنا الله ورسوله باتباع سنة الرسول». معالم المدرستين ج ١: ١٤.

﴿ ٨٤ - ج ﴾

وفي صفحة ٢٥٦ وحول دفاع المؤلف عن روايات الوصية والخلافة لعلي عليه السلام يستشهد بقول العلامة العسكري من كتابه «معالم المدرستين» ج ١: ٢٤٣ والصفحات ٢١٦ - ٢١٧ و ٢٤٦ و ٢٤٩ - ٢٥٠ و ٢٩٥ منه. فيقول العسكري: «روت الصحابة روايات متعددة موثوقة ومعتبرة، أن رسول الله ﷺ قال: علي وصي ووزيري ووارثي، وفي بعضهما؛ وخليفتي، واشتهر الإمام علي بلقب الوصي من بين هذه الألقاب، وأصبح علماً له، ولم يعرف غيره بهذا اللقب ... ثم أكثر الصحابة والتابعون ومن جاء بعدهم من الشعراء ذكره بالوصي في أشعارهم...».

﴿ ٨٤ - د ﴾

في صفحة ٨٥ يقول المؤلف وفي معرض رده على صاحب رسالة

الماجستير الممنوحة له من جامعة الأزهر في القاهرة الأستاذ عماد الشرييني، يقول:

الذين رووا الوضوء العثماني بواسطة حمران بن آبان وبثّوه، كان قسم كبير منهم من الشعوبيين، ومن موالى أبي بكر وعمر وآل أبي لهب وآل طلحة وموالى لثيف ومراد وعبس وبني أمية ومعاوية... فكانوا من الحاقدين على الإسلام المصائب بعقدة السبي... وهنا نرجو من القارئ المنصف أن يقارن هذه الحقائق الدامغة بمفترياتهم حول الإمامية، وأن عبدالله بن سبأ -الذي ليس له وجود أبداً- كان هو رئيسهم مع أن كتب الإمامية خالية إلا عن رواية واحدة عنه، وإذا تسلّل اسمه إلى بعض الكتب -التي ليست من الكتب الأربعة- فإنما يذكر دون حتى دليل واحد ورقم واحد على تغلغله في عقائد وفقه الشيعة، بينما ترى حمران اليهودي الشعوبي المولى المرتشي المتآمر على قتل المصريين، والمتسبب بشكل كبير في قتل عثمان، ترى أثره واضحاً جلياً مرقوماً مسطوراً مبثوثاً في أمّهات مصادر العامة الحديثية والفقهية وعلى رأسها الصحيحان. وفي الهامش رقم (١) يقول المؤلف: أنظر تحقيق ذلك مفصلاً في كتاب عبدالله بن سبأ وأساطير أخرى للعلامة السيد مرتضى العسكري.

-الدكتور رشاد دارغوث -

المدخل «٨٥» اسم الكتاب: في طريق أهل البيت (عليه السلام) (٤٤٢) صفحة

الموضوع: مقالة الدكتور رشاد دارغوث

اسم المؤلف: كلية أصول الدين، على كتاب «خمسون ومائة صحابي مختلق»

الطبعة: الأولى

الناشر: كلية أصول الدين

صفحة ٢٣٦ بعد أن أُنقِيت هذه المقالة من الاذاعة على المستمعين وعبر الأثير أرسلها الأستاذ الدكتور رشاد دارغوث الى العلامة العسكري وهي تتضمن تلخيصاً جيداً للجزء الأول من كتاب «خمسون ومائة صحابي مختلق». وبعد استعراضه وقراءته الدقيقة للجزء الأول من هذا الكتاب ينتهي الدكتور دارغوث بالقول: «وفي اعتقادنا أن هذه الدراسة الموضوعية وهذا التجرد العلمي البارزين في هذا السفر الضخم جديران باهتمام رجال وطلاب المعرفة من المسلمين، وهما خليقان بأن يحملهم على تطهير التراث الإسلامي مما شابه ويشوبه - لا على الصعيد العقائدي بل على الصعيد الفقهي والشرعي - من خلافات ربما كان وراءها أصلاً هذا الاختلاف أو ذاك الدس، أو كلاهما معاً. وبذلك يكون الأستاذ مرتضى العسكري قد أدى بهذا الجهد المثمر خدمة كبرى الى الحضارة عامة، والى الإسلام خاصة، وهو طاقة حضارية عظيمة بذاته، ونظام كامل للحياتين الدنيا والآخرة على السواء.

-خالد بن علي آل غنام -

المدخل ١٦٨ [صحيفة المسلمون / الجمعة ٥ ربيع آخر ١٤١٨ هـ العدد ٦٥٣ السنة ١٣،

٢٩٩ - ٣١٥ / ٨ أغسطس ١٩٩٧ م] بقلم: [خالد بن علي آل غنام]

الكاتب يستطرد في ذكر ما جاء في مقال الدكتور سليمان العودة ناقداً ومنتقداً منهجية الدكتور العودة فيقول: فقد نقد وشكك في بعض كتب أهل السنة والجماعة ومؤلفيها التي تعرّض فيها أصحابها للزيدية والشيعة ككتاب منهاج السنة النبوية في نقد كلام الشيعة القدرية لشيخ الإسلام ابن تيمية رحمته الله فقد قال عنه: (قد ذكرت كتاب منهاج السنة لابن تيمية ضمن هذه الكتب التي تفتقد التحقيق ويقلدها المؤرخون، بلا محاكمة للنصوص.. وكيف تقنع المتعصب له بالأخطاء الظاهرة الموجودة في كتبه)؟ وهكذا نقد لمحِب الدين الخطيب مؤلف كتاب الخطوط العريضة في الشيعة، واستدراكه (يزعمه) على فضيلة الشيخ محمد بن صالح العثيمين حفظه الله في كتاب (بيعة علي) ص ١٢٣ وغيرهم.

وفي المقابل أثنى على بعض المؤلفين وكتبهم التي تطعن في الصحابة رضي الله عنهم ككتاب (الخلافة والملك) للمودودي، انظر نحو انقاذ التاريخ ص ٣٧ أو الكتب التي تجعل عبد الله بن سبأ اليمني اليهودي أسطورة! كثنائه على الدراسة التي تولاها عبدالعزيز الهلالي ومرتضى العسكري الشيعي، انظر كتابه نحو انقاذ التاريخ ص ٥٨ وكذلك تبجيله لبعض كتب أذئاب المستشرقين كطه حسين انظر ص ٣٦.

- السيد الخوئي -

المدخل ٨٢ اسم الكتاب: معجم رجال الحديث (٥٨٣)

اسم المؤلف: السيد الخوئي

الطبعة: الأولى، النجف سنة ١٣٩٠ هـ

الناشر:

في صفحة ٢٠٣ من الجزء العاشر يقول السيد الخوئي: إنَّ أسطورة عبدالله بن سبأ وقصص مشاغباته الهائلة موضوعة مختلقة اختلقها سيف بن عمر الوضّاع الكذاب، ولا يسعنا المقام الاطالة في ذلك والتدليل عليه، وقد أغنانا العلامة الجليل والباحث المحقق السيد مرتضى العسكري في ما قدّم من دراسات عميقة دقيقة عن هذه القصص الخرافية وعن سيف وموضوعاته في مجلدين ضخمين طبعاً باسم «عبدالله بن سبأ» وفي كتابه الآخر «خمسون ومائة صحابي مختلق».

غياب العسكري من مصادر ذوي القربى

من الأمور التي تُلقت انتباه الباحث في زحمة مطالعته لأغلب المصادر، يرى أحياناً غياب المنهجية الموضوعية في بعضها، مما تستوقفه أمور كثيرة بحثاً عن الأسباب التي أدت بالكاتب ان ينتهج هذا الأسلوب، ومن خلال مطالعاتي بما يخص هذا الجهد في البحث عن أغلب المصادر التي تشير ولو من بعيد عن دور العلامة العسكري في المجال الفكري، التاريخي أو السياسي. فكانت لي وقفات مع بعض المصادر المهمة - نسبياً - سواء كانت أهميتها ناجمة من أهمية الشخصية - الكاتب - أو من خلال القيمة الوثائقية للمصدر. ومن هذه المصادر هي:

أولاً: (نواطير الغرب: صفحات من ملف علاقة اللعبة الدولية مع البعث العراقي ١٩٤٨ - ١٩٦٨م) يتكون الكتاب من ٥٠٤ صفحة الطبعة الأولى ١٤١٢ هـ / ١٩٩٢م عن مؤسسة الوحدة للدراسات والتوثيق بيروت. للأستاذ الفاضل حسن السعيد، استطاع به أن يسلط الضوء على مسرح الظلم التاريخي للعراق وشعبه وبالأخص مجيء حزب البعث الى السلطة مع استعراض مبسط عن حقبة العصر الجمهوري. ثم وضع دور الحركة الإسلامية وبدايات التأسيس والنمو، وأيضاً دور المخابرات البريطانية والأمريكية في اللعبة العراقية التي

يشرف عليها حزب البعث.

ومن سياق استعراضه لدور الحركة الإسلامية وحزب الدعوة، يذكر الأستاذ المؤلف دور الجامعات العراقية في إحياء مواكب الطلبة. ثم يفرد هامشاً في الصفحة ٢٥٨ يقول فيه:

ومن الانصاف أن نذكر بأن «كلية أصول الدين ببغداد» التي قامت بدورها العظيم في تربية وتخرج الطليعة الإسلامية كانت قد جعلت من بناية «وكر المحفل الماسوني في الكرادة الشرقية ببغداد مقراً لها بعد قرار إلغاء المحافل الماسونية في العراق، وقد كانت مدارس الإمام الجواد عليه السلام الأهلية تداوم صباحاً في هذه البناية، وذات يوم من شهر تشرين الثاني (١٩٦٥م)، زار المدرسة المفتش الإداري وكان «خير الله طلفاح التكريتي» وحين تجوله في المدرسة، أخذ على حين غرة حينما علم أن المكان الذي جعلته المدرسة مصلى للطلاب كان مكاناً تحاك فيه المؤامرات على الأمة وعقيدتها، حيث تعشعش أوكار الماسونية الكافرة، وترسم على جدرانها شعاراتها، فراح يلهج بالشكر للقائمين على هذه المؤسسة الخيرة، وعلى رأسهم (لاحظ) سماحة الحجة رأس الجمعية وأعضاء الجمعية والعاملين.. وفي مدخل الباب حيث يستعد لركوب سيارته مغادراً خاطب المدير وهو يودعه قائلاً:

(لا أنسى، لا أنسى، سأذكر مدرستكم في أي مكان أحل فيه، وأقول أنها تربي أولاد المسلمين تربية إسلامية في مكان أقل ما يقال عنه أنه كان وكرًا للماسونية وعشاً للماسونيين).

وقد اعتمد المؤلف على مصدر مجلة «رسالة الإسلام» الصادرة من الكلية

ذاتها العدد ١ السنة الأولى ٢٠ شوال ١٣٨٥ هـ - ١٠ شباط ١٩٦٥ م ص ٦٦-٦٧ والتي يشرف عليها أيضاً هو (سماحة الحجة) الذي ذكره المؤلف بالعموم دون التخصيص .

وفي مواقع أخرى - أيضاً - وهو يستطرد دور حزب الدعوة الإسلامية في الصفحات (٢٤٩ - ٢٦٠) والتي في بعضها نرى من الضرورة أن يذكر المؤلف اسم العلامة العسكري، ولكن للأسف الشديد لم يشير إليه وكأنه يتقصد هذه المنهجية، وهكذا يكون الانطباع عند القارئ.

ولم أجد تفسيراً منطقياً لهذه المنهجية التي اعتمدها الأستاذ الفاضل فحتم عليّ الاتصال به هاتفياً...

وأوضح لي أسفه الشديد لغياب هذه الموضوعية بما يتعلق بذكر اسم العلامة العسكري وأعزى ذلك الى فترة الشباب وعنفوانه وما قطعه على نفسه بأن لا يريد المدح والثناء لأي شخصية كانت؛ ولكن اعترف أخيراً بأسفه وأبدي لي رغبته في التعاون معي لإحياء فكر العلامة العسكري فقدم لي مشكوراً كتابه المخطوط: «المشهد الثقافي في العراق: الجذور والتحويلات ج ١ منه، وقد استفدنا منه كما مرّ ذلك في الصفحة ١٢٩».

ثانياً: (الشيخ محمد رضا المظفر.. وتطور الحركة الاصلاحية في النجف) لسماحة آية الله الشيخ محمد مهدي الآصفي، سلسلة رواد الاصلاح العدد ٣ عن مؤسسة التوحيد للنشر الثقافي، الطبعة الأولى ١٤١٩ هـ / ١٩٩٨ م، وقد احتوى الكتاب على ١٢٨ صفحة.

بعد أن يستعرض الشيخ - المؤلف - الحياة الفكرية في مدرسة النجف الأشرف مروراً بمراحل الدراسة والوقوف على شخصية الطالب النجفي وطبيعة الدراسة النجفية وحرية الاجتهاد والنظر وأثر الأجواء النجفية على الطالب الحوزوي. بالأخص المجالس الأدبية وأثر الأدب في الشعر على شخصية الطالب (خفة الطبع) كما أطلق عليها الشيخ المؤلف ثم ينتقل الى نشاط حركة التأليف والنشر فيذكر مجموعة كبيرة من طليعة الكتاب والباحثين في صفحة ٥٢ ويخص بالذكر منهم:

السيد محمد باقر الصدر (فلسفتنا) و (اقتصادنا) و (المدرسة الإسلامية)، والسيد محمد تقي الحكيم مؤلف (الأصول العامة للفقه المقارن) و (مالك الأشر) و (مشاعر العقيدة)، والشيخ أسد حيدر مؤلف الموسوعة العلمية الكبيرة (الإمام الصادق والمذاهب الأربعة) والسيد محمد حسين فضل الله مؤلف (قضايا على ضوء الإسلام) و (أسلوب الدعوة في القرآن) والشيخ عبدالهادي الفضلي مؤلف (مشكلة الفقر) و (من البعث الى الدولة) وفي (انتظار الإمام) و (التربية الدينية)، والشيخ كاظم الحلفي مؤلف (الإسلام نظام وعقيدة) و (الربا في القرآن) و (الخير في القرآن) و (الاخلاص) وعشرات المؤلفات الأخرى، والسيد محمد بحر العلوم مؤلف (ضحايا العقيدة) وغيره، والشيخ محمد مهدي

شمس الدين مؤلف (نظام الحكم والادارة في الإسلام) و(بين الجاهلية والإسلام) و(دراسات في نهج البلاغة) و(علمانية الدولة) و(المعتزلة) للشيخ محمود المظفر والسيد عدنان البكاء مؤلف (الأسرة المسلمة) و(نظرات في السنة) و(بنيت الهدى مؤلفة (المرأة مع النبي) و(كلمة ودعوة) والشيخ باقر القرشي مؤلف (النظام السياسي في الإسلام) و(حقوق العامل) وغيرهما والشيخ محمد الخليلي مؤلف (الأخلاق في القرآن الكريم) و(أمالى الإمام الصادق) و(طب الإمام الصادق) و(المطهرات في الإسلام)، والسيد محمد الصدر مؤلف (نظرات إسلامية) و(أشعة من العقيدة) وغيرهم.

هذه السلسلة من الاعلام وتأليفاتهم ينهي الشيخ المؤلف حديثه في ذكر هذه الطليعة أو بالأحرى يكتفي سماحته بأعلام هذه الطليعة دون أن يذكر اسم العلامة العسكري وانجازه العظيم «عبدالله بن سبأ وأساطير أخرى» و«خمسون ومائة صحابي مختلق» مع أن العلامة العسكري خلق ضجة تاريخية في التحقيق والتدقيق الروائي في الوسط الإسلامي العام دون القصور على مسلمي المذهب الجعفري، وقد ذاع صيته وصيت نتاجه الذي يعتبر فتحاً روائياً في مسيرة التاريخ الإسلامي وعقائده.

وهنا يتساءل القارئ: هل أن سماحة الشيخ المؤلف غفل في ذكر اسم العلامة العسكري أم أن هناك أسباباً أخرى؟ فضلاً عن مواقع كثيرة وفي صفحات متعددة وهو في استطراد توثيقي لمتتدى النشر الذي أسس من قبل العلامة المظفر رحمته. لم يذكر الشيخ المؤلف حتى في سطور الهوامش ما يشابه عمل المظفر الذي أنجزه العلامة العسكري في الكاظمين ببغداد والتي خرجت بعد

ذلك فطاحل العلماء والمفكرون امثال السيد الشهيد محمد باقر الصدر عليه السلام وغيره ممن تتلمذ بمدارس منتدى النشر في الكاظمين والتي كان يشرف عليها العلامة العسكري والدكتور أحمد أمين، فضلاً عن أنها فتحت بالتنسيق مع آية الله الشيخ محمد رضا المظفر كما أكد لي ذلك العلامة العسكري في أحد لقاءاتي معه.

ولكن ما يُحتمل من دراسة آية الله الآصفى أنه اختصر دراسته حول تطور الحركة الاصلاحية في مدينة النجف دون سواها ودور آية الله المظفر في هذا التطور، بعيداً عن تشعبات الحركة الاصلاحية في المناطق الأخرى المقدسة من العراق. وفي هذا الاحتمال (الراجع) يعتبر العلامة العسكري خارج حدود جغرافية الدراسة التي قدمها سماحة الشيخ الآصفى، كما أن العلامة العسكري لم يكن من تلامذة مدرسة النجف الدينية ولم ينشغل بدروسها الفقهية والأصولية فهو خط مساره في البحث التاريخي الذي لم يوجد لهذا المسار وجوداً في جامعة النجف، ولذا فلم يعدد الشيخ المؤلف من طلائع الكتاب الذين تربوا في أحضان الحوزة العلمية النجفية.

ثالثاً: (الإمام الحكيم، السيرة الذاتية، المرجعية الدينية، الجانب العلمي، الحوزة العلمية) للسيد محمد باقر الحكيم، منشورات دار الحكمة / القسم الثقافي

يستعرض المؤلف السيرة الذاتية للمرجع الحكيم في فصله الأول ثم يتطرق الى الملامح العامة للمرجعية الدينية ورؤية المرجع الحكيم الى المرجعية ثم يستعرض اللياقات الشخصية في الجانب العلمي كميّزات خاصة عند المرجع آية الله الحكيم، ثم يتطرق المؤلف الى الحركة الاصلاحية في الحوزة العلمية النجفية مقسماً ذلك على أبواب متعددة، ولا يخفي السيد المؤلف الدور السياسي عند المرجع الحكيم مع الحكومات العراقية المتعاقبة في زمن مرجعيته.

ولكن ما يلاحظ بخصوص ذكر اسم العلامة العسكري، فالسيد المؤلف لم يأت بذكر اسمه إلا في حالة واحدة وضمن هامش بسيط لم يشرفه الى جزء بسيط من دور العلامة العسكري الذي كان أبرز وكلاء المرجع الراحل آية الله الحكيم وأحد معتمديه في منطقة الكرادة الشرقية وعموم العاصمة بغداد وكونه على رأس جماعة العلماء في الكاظمية، فجاء الهامش خجولاً مقتضباً ببضع كلمات في الصفحة ٢٥: «كان العمل يرتبط بترتيب الوضع الدراسي لكلية أصول الدين التي كان قد تركها عميدها العلامة السيد مرتضى العسكري فجأة - بعد احساسه بالخطر - بسبب الهجوم العدواني على الإمام الحكيم، دون أن تكون له فرصة لترتيب أوضاع الكلية، وكانت الكلية في خطر المصادرة، لأنها تعتبر من المؤسسات الإسلامية المهمة في ذلك الوقت، وقد صادرها البعثيون بعد ذلك بست سنوات».

إذن فهو هامش يخص ترتيب أوضاع الكلية التي ذهب إليها السيد المؤلف بعد غياب العلامة العسكري، فجاء ذكر العسكري بقرينة الكلية التي سيدها وأشرف عليها ولم يكن مضمون (الهامش) ذكر دور العلامة العسكري ضمن أحداث العراق والمصاعب والأحداث التي واجهتها المرجعية الدينية من قبل سياسة النظام البعثي البائد.

والأتكى من ذلك أن السيد المؤلف - محمد باقر الحكيم - وفي هامش رقم (١) من الصفحة (٨٦) و (٨٧) وفي معرض كلامه حول رواد الوعي الإسلامي الذين تخرجوا من مدرسة النجف أو تفاعلوا مع مرجعية آية الله السيد الحكيم، يذكر المؤلف مجموعة من العلماء دون ذكر العلامة العسكري.

فقد ذكر السيد المؤلف: السيد موسى الصدر والسيد محمد حسين فضل الله والشيخ محمد مهدي شمس الدين والشيخ راغب حرب والسيد عباس الموسوي في لبنان والسيد عارف الحسيني والسيد ساجد علي، والسيد صفدر حسين، والشيخ محسن النجفي في باكستان والسيد محمد سرور الواعظ، وقبله الشيخ سلطان علي والشيخ آصف محسني والسيد الفاضل، والشيخ قربان علي في أفغانستان والسيد محمد مهدي الحكيم بعد هجرته، والسيد علي السيد ناصر، والشيخ عبد الهادي الفضلي، والشيخ علي الكوراني، والشيخ محمد مهدي الآصفي في الخليج، وكذلك السيد ذي شان حيدر، والسيد سعيد اختر الرضوي، والسيد محمد الموسوي في الهند والسيد محمد بحر العلوم والشيخ محسن العراقي في لندن، وغيرهم... الخ.

وقد يُحتمل أن المؤلف أعرض عن ذكر (اسم) العلامة العسكري، كون اسمه

يرتبط بتاريخ حزب الدعوة الإسلامية سيّما وإن تاريخ تأليف - هذا - الكتاب جاء أواخر منتصف التسعينات وبالتحديد في عام (١٩٩٧م) ووزع في مراسم الفاتحة التي أقيمت على روح المرجع آية الله الحكيم بالذكرى السنوية وكان يومها السيد الحكيم - المؤلف - يحذّر من تنامي وصعود قوتين كبيرتين هما حزب الدعوة الإسلامية وحركة المرجع الشهيد السيد محمد محمد صادق الصدر عليه السلام.

كما وقد يحتمل أن السيد المؤلف لا يعتقد بالسيد العسكري كونه أحد رواد الوعي الإسلامي، وأيضاً يُحتمل السهو والغفلة والله العالم.

خلاصة فهرس المؤلفين

ت	اسم الكاتب	الموضوع أو المصدر	ص
١-	إبراهيم بيضون	* عبدالله بن سبأ... قراءة تاريخية في الحديث والدلالة / مجلة المنهاج	٩٩
٢-	الأزهر	* عبدالله بن سبأ في الدراسات الحديثة / مجلة المنهاج عدد ٢	١٠٠
٣-	أبومخنف	* عبدالله بن سبأ إشكالية النص ودور الأسطورة (كتاب)	١٠١
٤-	أدریس الحسینی	مقال نقدي لكتاب عبدالله بن سبأ	١٠٣
٥-	احسان عباس	كتاب الجمل وصفين والنهر وان / تحقيق حسن عبد الحميد السنيدي	١٠٤
٦-	أسد حيدر	في نقد الأسطورة السبئية / مجلة المنهاج عدد ٣	١٠٥
٧-	مجلة الجهاد	(رسالة) حول عبدالله بن سبأ، من كتاب (في طريق أهل البيت):	١٠٦
٨-	جودت القزويني	الإمام الصادق والمذاهب الأربعة	١٠٧
٩-	جعفر الخليلي	حزب الدعوة وضرورة الانضمام الى الحوزة العلمية	١١٠
١٠-	جيمس رابن	إشكالية الفقهاء والدولة وبدايات الحركة الإسلامية في العراق	١١١
١١-	هادي العلوي	مجلة الفكر الجديد العدد الثاني ١٩٩٢م	١١٢
١٢-	حامد الحسيني	خمسون ومائة صحابي مختلف	١١٣
١٣-	حامد حفي داود	رسالة الى العلامة العسكري	١١٤
١٤-	حسن بن فهد الهويمل	دراسات تاريخية خطيرة، خمسون ومائة صحابي مختلف	١١٥
١٥-	حسن بن فرحان المالكي	صحيفة التأخي البغدادي	١١٦
١٦-	حسن السعيد	موسوعة السيد الشهيد الصدر	١١٧
١٧-	حسن العلوي	* تعليقه على كتاب عبدالله بن سبأ وأساطير أخرى (في طريق أهل البيت):	١١٨
		* نظرات في الكتب الخالدة (عبدالله بن سبأ)	١١٩
		* نظرات في الكتب الخالدة (أم المؤمنين عائشة)	١٢٠
		الضربات الموجعة لتاريخ / صحيفة الرياض	١٢١
		* التاريخ هو تسجيل ما وقع / صحيفة الرياض	١٢٢
		* القعقاع بن عمرو حقيقة أم أسطورة / صحيفة انرياض	١٢٣
		* نواظير الغرب	١٢٤
		* المشهد الثقافي في العراق: الجذور والتحويلات ج ١	١٢٥
		العراق دولة المنظمة السرية	١٢٦

ت	اسم الكاتب	الموضوع أو المصدر	ص
١٩-	حسين الشامي	المرجعية الدينية من الذات الى المؤسسة	١٣٤
٢٠-	حسين الشاكري	* ذكرياتي	١٣٦
١٣٧		* العلماء الذين عاصرتهم	
٢١-	زهير غزاوي	منهج البحث التاريخي لدى العلامة العسكري	١٣٨
٢٢-	مهدي الحكيم	مذكرات السيد مهدي أنحكيم	١٤٠
٢٣-	محمد باقر الحكيم	* الإمام الحكيم، السيرة الذاتية، الجانب العلمي	١٤٦
١٤٨		* نظرية العمل السياسي عند الشهيد محمد باقر الصدر <small>رحمته</small>	
٢٤-	محمد بن عبد الله العزام	* استخرجت روايات سيف بنفسه / صحيفة الرياض	١٥٠
١٥٢		* دفاعه عن الفقه / صحيفة الرياض	
١٥٣		* كان العسكري صريحاً / صحيفة الرياض	
١٥٤		* نظر في أخبار الفقه فلم يجد أكاذيب / صحيفة الرياض	
٢٥-	محمد جواد مغنية	تعليقه على كتاب عبد الله بن سبا / مجلة العرفان اللبنانية	١٥٥
٢٦-	محمد الحسيني	الإمام الصدر، سيرة ذاتية	١٥٧
٢٧-	محمد حسين فيكل	حياة محمد <small>عليه السلام</small> / تحقق عبد الرحيم الموسوي	١٥٩
٢٨-	محمد سعيد دحدوح	الفضل للمتقدم / كتاب (في طريق أهل البيت <small>عليهم السلام</small>)	١٦١
٢٩-	محمد سعيد الطريحي	سيرة العلامة العسكري / مجلة الموسم عدد ١٦٥	١٦٢
٣٠-	محمد صانع الأديب	الصادق العهد	١٦٤
٣١-	ملا أصغر علي جعفر	الحياة السياسية للإمام الصدر <small>رحمته</small>	١٦٦
٣٢-	محمود أبو رية	* رسالة عن كتاب عبد الله بن سبا	١٦٧
١٦٨		* كلمة عن كتاب أم المؤمنين عائشة	
٣٣-	مرتضى العسكري	* الوحدة الإسلامية	١٦٩
١٧٠		* لقاء مع العسكري	
١٧٢		* مجلة رسالة الإسلام	
١٧٤		* العدوان الثلاثي على مصر	
١٧٥		* صحيفة صوت العراق (لقاء)	
٣٤-	نوري كامل	الإمام الحكيم، الشهيد الصدر وحزب الدعوة الإسلامية	١٧٧
٣٥-	سامي البدري	* المدخل الى مصادر السيرة النبوية والتاريخ الإسلامي	١٨٠
١٨٨		* شبهات وردود، الرد على أحمد الكاتب	

ت	اسم الكاتب	الموضوع او المصدر	ص
٣٦-	سليمان الحسني	* المصطلحات الإسلامية	١٩٠
١٩١		* وقفة مع آراء الدكتور إبراهيم بيضون	
١٩٣		* تقديم لكتاب (آراء وأصداء) حول عبدالله بن سبأ	
٣٧-	سليمان العودة	* تسفيه لآراء السابقين / صحيفة المسلمون	١٩٥
١٩٦		* سيف بن عمر، مشجباً علق عليه السابقون / صحيفة الرياض	
١٩٧		* يعترف ويحذر من خطورة هذه الأبحاث / صحيفة المسلمون	
١٩٩		* مقطوع الصلة عن الأحداث والفتن / صحيفة المسلمون	
٢٠٠		* توصل الاثنان الى نتيجة واحدة / صحيفة الرياض	
٢٠١		* (أبجمل) المالكي / صحيفة الرياض	
٢٠٤	عادل رؤوف	محمد باقر الصدر بين دكتاتوريتين	
٢٠٩	عبدالله الفياض	الإجازات العلمية عند المسلمين	
٤٠-	عبدالحسين شرف الدين	المراجعات / تحقيق المجمع العالمي لأهل البيت (عليه السلام)	٢١٢
٤١-	عبد السلام الوجيه	عبدالله بن سبأ الأكذوبة انكبرى في التاريخ الإسلامي / مجلة الرواسي الجزائرية	٢١٧
٤٢-	عباس العبيدي	معجم مصادر الدراسة عن تاريخ العراق / ق ١	٢١٨
٤٣-	عدنان إبراهيم السراج	الإمام محسن الحكيم	٢١٩
٤٤-	علي الوردى	مهزلة العقل البشري	٢٢٧
٤٥-	علي المؤمن	سنوات الجمر	٢٢٩
٤٦-	علي الشهرستاني	وضوء النبي ﷺ	٢٣٤
٤٧-	علي شريعتي	التشيع العلوي والتشيع الصفوي	٢٣٧
٤٨-	عماد الشريعتي	السنة النبوية في كتابات أعداء الإسلام مناقشتها والرد عليها	٢٣٨
٤٩-	فاضل الميلاني	الخطاب الإسلامي ومناهج الوعي في مواجهة النظام الدولي الجديد / مجلة الفكر الجديد العدد الثامن ١٩٩٤م	٢٤٢
٥٠-	صائب عبد الحميد	تاريخ الإسلام الثقافي والسياسي، مسار الإسلام بعد الرسول ونشأة المذاهب	٢٤٢
٥١-	صادق جعفر الزوازي	* مصادر الدراسة عن الإمام السيد الشهيد محمد باقر الصدر (عليه السلام)	٢٤٤
٢٤٦		* العوزة العلمية في مواجهة الاستكبار والهيمنة الغربية	
٥٢-	صلاح الخرسان	حزب الدعوة الإسلامية، حقائق ووثائق	٢٤٨
٥٣-	قيس بهجت الطار	كتاب وعتاب (رسالة مفتوحة الى كلية أصول الدين جامعة الأزهر، من بغداد الى القاهرة)	٢٦٢

ت	اسم الكاتب	الموضوع أو المصدر	ص
٥٤-	د. رشاد دارغوت	(كلمة) خمسون ومائة صحابي مختلق (في طريق أهل البيت عليه السلام)	٢٦٥
٥٥-	حالد بن علي آل غنام	منتقداً متهجياً الدكتور العودة / صحيفة المسلمون	٢٦٦
٥٦-	السيد الخوئي	معجم رجال الحديث / ج ١٠	٢٦٧

فهرس الموضوعات

ت	اسم الموضوع	اسم الباحث	رقم الصفحة	رقم المدخل
١-	أبو بكر وعمر في جيش أسامة	عبد الحسين شرف الدين	٢١٥	٧٠- ل
٢-	الآيات الشعرية المنسوبة الى القمقاع بن عمرو	سامي البدري	١٨٦	٥٢ ق
٣-	أهل الزور إذا قالوا بهتاناً	عبد الحسين شرف الدين	٢١٣	٧٠ ج
٤-	(أبي جهل) المالكي	سليمان العودة	٢٠١	٦٣
٥-	ابن سبأ يقدح في الدين ويفت في عضد المسلمين	حاتب عبد الحميد	٢٤٤	٨٠ ب
٦-	الإجازات العلمية عند المسلمين	الدكتور عبد الله فياض	٢٠٩	٦٩
٧-	الاجتماع التأسيسي لحرب الدعوة	محمد صالح الأديب	١٦٤	٤٢ أ
٨-	أدعوه للمحاكمة أمام لجنة علمية	سليمان العودة	٢٠٣	٦٧
٩-	الأوضاع السياسية للمعارضة الإسلامية العراقية	عادل رؤوف	٢٠٧	٦٨ ز
١٠-	أحاديث أم المؤمنين	علي الشهرستاني	٢٣٤	٧٦ أ
١١-	أحد مؤسسي الحركة الإسلامية في العراق	جودت القزويني	١١١	١٠
١٢-	احصائية علمية بين نسبة الشيعة والسنة	عدنان إبراهيم السراج	٢٢٢	٧٣ و
١٣-	احتجاج عائشة على الرصبة	عبد الحسين شرف الدين	٢١٢	٧٠ أ
١٤-	الاتحاق بكلية أصول الدين	مجلة الجهاد	١١٠	٩
١٥-	الإمام محسن الحكيم	عدنان إبراهيم السراج	٢١٩	٧٣
١٦-	الإمام الحكيم - الشهيد الصدر وحزب الدعوة الإسلامية	نوري كامل	١٧٧	٥١
١٧-	الإمام الصادق عليه السلام والمذاهب الأربعة	أسد حيدر	١٠٧	٨
١٨-	الإمام الصدر سيرة ذاتية	محمد الحسيني	١٥٧	٣٨
١٩-	الإمامة والسياسة	سامي البدري	١٨٣	٥٢ ي
٢٠-	امثلاث الكليات بالدعاة	حسين الشامي	١٣٤	٢٦ أ

ت	اسم الموضوع	اسم الباحث	رقم الصفحة	رقم المدخل
٢١-	ارتباط العلماء في العراق بالأمّة ضئيل	مهدي النعكيم	١٤٢	د ٣٠
٢٢-	اخفاء فضائل أهل البيت عليه السلام	قيس المطار	٢٦٣	أ ٨٤
٢٣-	أساطير مضحكة	أسد حيدر	١٠٨	ب ٨
٢٤-	أسانيد روايات سيف عن القعقاع	سامي البدري	١٨٦	ص ٥٢
٢٥-	أسباب تضخيم شخصية عبدالله بن سبأ	علي الشهرستاني	٢٣٤	ج ٧٦
٢٦-	أسطورة القعقاع جاءت في ثمانية وستين حديثاً	سامي البدري	١٨٧	ش ٥٢
٢٧-	الأسطورة السبئية	إبراهيم بيضون	١٠١	د ٣
٢٨-	الأسطورة التي روتها أم المؤمنين عائشة	سامي البدري	١٨٢	ز ٥٢
٢٩-	أسلوب لاذع في قذف التشيع	عماد الشربيني	٢٣٩	أ ٧٨
٣٠-	أسماء الدعاة الأوائل	علي المؤمن	٢٣٠	ب ٧٥
٣١-	أسماء كثيرة ذكرها سيف	سامي البدري	١٨٤	ل ٥٢
٣٢-	أسماء الذين حضروا اجتماع كربلاء	صلاح الخرسان	٢٤٠	ج ٨٣
٣٣-	استخرجت روايات سيف بنفسه	د. محمد بن عبدالله العزام	١٤٠	٣٣
٣٤-	اعداد قائمة بأسماء وكلاء مرجعية السيد الحكيم	صلاح الخرسان	٢٤١	ز ٨٣
٣٥-	«أعوذ بالله منك»	عبدالحسين شرف الدين	٢١٣	د ٧٠
٣٦-	أعضاء الهيئة التنفيذية لجماعة علماء بغداد	صلاح الخرسان	٢٥٥	ق ٨٣
٣٧-	اقامة الحكومة الإسلامية	نوري كامل	١٧٨	ب ٥١
٣٨-	أقدم نص رسمي إسلامي	سامي البدري	١٨٠	أ ٥٢
٣٩-	أقوال المؤلفين عن القعقاع	سامي البدري	١٨٦	ف ٥٢
٤٠-	أن ابنه من بعده لخلق بها	عبدالحسين شرف الدين	٢١٦	م ٧٠

ت	اسم الموضوع	اسم الباحث	رقم الصفحة	رقم المجلد
٤١-	الانحراف الجنسي موجود في جميع البلاد شرقية وغربية	علي الوردي	٢٢٧	١٧٤
٤٢-	اني أريد أن يدخل في الدعوة مليوناً شخص	محمد صالح الأديب	١٦٥	٥٤٢
٤٣-	اني والسيد الصدر تفكر في تأسيس حزب	صلاح الخرسان	٢٥٠	٨٣ب
٤٤-	انسحاب السيد الصدر من التنظيم	صلاح الخرسان	٢٥٣	٨٢ن
٤٥-	الانشقاق الحاصل في صفوف قيادة الدعوة	صلاح الخرسان	٢٥٤	٨٣س
٤٦-	انتخابات جديدة دون اشراك علي الكوراني	صلاح الخرسان	٢٦١	٨٣أو
٤٧-	انتشار التحرك الإسلامي في العراق	صلاح الخرسان	٢٥٦	٨٣ش
٤٨-	الاتارة العلمية والثقافية	سليم الحسني	١٩٤	٥٦ب
٤٩-	البرهنة على أن الانحراف الجنسي انتشر في الإسلام	علي الوردي	٢٢٨	٧٤ب
٥٠-	بحثاً أكاديمياً لم يطرقه أحد	محمود أبو رية	١٦٨	٤٥
٥١-	بين السببتي والآصفي نقاش ساخن	صلاح الخرسان	٢٥٩	٨٣أب
٥٢-	بعض غلاة الشيعة يقولون	عماد الشرييني	٢٤٠	٧٨ب
٥٣-	جامعة النجف الدينية	مهدي الحكيم	١٤١	٣٠ج
٥٤-	جماعة العلماء والكاظمية في الجانب السياسي	عدنان إبراهيم السراج	٢٢١	٧٢ج
٥٥-	جناحان في قيادة الدعوة	صلاح الخرسان	٢٤٨	٨٣ض
٥٦-	الدعاة لهم حضور فاعل وسط أنصار جماعة	صلاح الخرسان	٢٥٢	٨٣ي
٥٧-	دفاعه عن القمقاع	د. محمد بن عبيد الله المزاح	١٥٢	٣٤
٥٨-	الدفاع عن روايات الوصية والخلافة	قيس المطار	٢٦٤	٨٤ج

ت	اسم الموضوع	اسم الباحث	رقم الصفحة	رقم المدخل
٥٩	- الدراسات الإسلامية لنظام صدام	صلاح الخرسان	٢٦٠	أ ٨٢
٦٠	- دراسات تاريخية خطيرة	هادي العلوي	١١٤	١٣
٦١	- هامش العلامة العسكري	علي شريعتي	٢٣٧	٧٧
٦٢	- هل تكفي إداة أهل الحديث لسيف بانه	د. احسان عباس	١٠٦	٧
	ضعيف متروك			
٦٣	- الوفود الكردية	مهدي الحكيم	١٤٣	و ٣٠
٦٤	- وقفة استذكار ومراجعة	محمد صالح الأديب	١٦٥	ج ٤٢
٦٥	- وقفة مع آراء الدكتور إبراهيم بيضون	سليم الحسني	١٩١	٥٥
٦٦	- وثائقية المصطلح	سليم الحسني	١٩٠	٥٤
٦٧	- وضوء النبي ﷺ	علي الشهرستاني	٢٣٤	٧٦
٦٨	- حديث التقدير في يوم الرحبة	عبدالحسين شرف الدين	٢١٦	ن ٧٠
٦٩	- العوزة العلمية في مواجهة الاستكبار والهيمنة	صادق جعفر التروازق	٢٢٩	٨٢
	الغريبة			
٧٠	- حوار خاص للسيد مهدي الحكيم	علي المؤمن	٢٢٩	أ ٧٥
٧١	- حول المفاتحة والانضمام للحزب	محمد صالح الأديب	١٦٤	ب ٤٢
٧٢	- حول عبدالله بن سبأ وروايات سيف في	سليم الحسني	١٩٣	٥٦
	الصحف السعودية - تقديم			
٧٣	- حول خروج الصدر من الدعوة	محمد صالح الأديب	١٦٥	د ٤٢
٧٤	- حملة عدائية كبيرة	حسين الشامي	١٣٤	ب ٢٦
٧٥	- حمران بن آبان والوضوء العثماني	قيس الطار	٢٦٤	د ٨٤
٧٦	- حسينية الارشاد	علي شريعتي	٢٣٧	أ ٧٧

ت	اسم الموضوع	اسم الباحث	رقم الصفحة	رقم المدخل
٧٧-	حركة أبناء ثورة العشرين	عدنان إبراهيم السراج	٢١٤	٧٣ ط
٧٨-	حرص المرجع الحكيم على دعم الحزب	نوري كامل	١٧٨	٤١ ج
٧٩-	حزب الدعوة الإسلامية، حقائق ووثائق	صلاح الخرسان	١٤٩	٨٣
٨٠-	الحضور العلماني البارز في حزب الدعوة	محمد الحسيني	١٤٨	٣٨ ب
٨١-	الحياة السياسية للإمام الصدر	ملا أصغر علي جعفر	١٦٦	٤٣
٨٢-	حياة محمد <small>عليه السلام</small>	محمد حسين هيكل	١٥٩	٣٩
٨٣-	يعترف ويحذر من خطورة هذه الأبحاث	سليمان العودة	١٩٧	٥٩
٨٤-	كان العسكري صريحاً	د. محمد بن عبدالله العزام	١٥٣	٣٥
٨٥-	كلية أصول الدين من ثمار جمعية الصندوق	علي المؤمن	٢٣٢	٧٥ ز
الخيري				
٨٦-	كيفية انتقال العسكري من البياع الى الكراة	صلاح الخرسان	٢٥٤	٨٣ ع
٨٧-	كيفية مفاتحة السيد العسكري بتأسيس حزب الدعوة	صلاح الخرسان	٢٤٩	٨٣ أ
٨٨-				
٨٨-	كتاب الجمل وصفين والنهروان	أبو مخنف	١٠٤	٥
٨٩-	كتاب وعتاب	قيس العطار	٢٦٣	٨٤
٩٠-	كتب الحديث والتاريخ تنقسم الى قسمين	سامي البدري	١٨٢	٥٢ و
٩١-	كثرة روايات سيف	سامي البدري	١٨٥	٥٢ س
٩٢-	لا تستسلم الى العاطفة	عبدالحسين شرف الدين	٢١٢	٧٠ ب
٩٣-	لهذا أسست كلية أصول الدين	مرتضى العسكري	١٧٢	٤٨ أ
٩٤-	لندن قبله العراقي وبأريس قبله الإيراني	مرتضى العسكري	١٧٥	٥٠

ت	اسم الموضوع	اسم الباحث	رقم الصفحة	رقم المدخل
٩٥-	المدخل الى دراسة مصادر النبوة والتاريخ الإسلامي	سامي البدرى	١٨٠	٥٢
٩٦-	مهدي الحكيم يتعرف على الأستاذ محمد هادي السبيتي	صلاح الخرسان	٢٥١	٨٣ ح
٩٧-	مهلاً يا أمير المؤمنين	عبدالحسين شرف الدين	٢١٦	٧٠ س
٩٨-	مهزلة العقل البشري	أندكتور علي الوردي	٢٢٧	٧٤
٩٩-	المواصلة الرسالية مع السيد الشهيد	حامد الحسيني	١١٥	١٤
١٠٠-	المواقف السياسية للمرجع الحكيم	عدنان إبراهيم السراج	٢٢٥	٧٣ م
١٠١-	الموقف الموحد بين الحزب والمرجعية	علي المؤمن	٢٣٢	٧٥ ح
١٠٢-	موضوع نقاش وحوار في الأوساط العلمية	سليم الحسيني	١٩٣	١٥٦ أ
١٠٣-	مبلغ من الحقوق	محمد جواد مغنية	١٥٥	٣٧
١٠٤-	مجموعة من الأقوال في ترجمة سيف	سامي البدرى	١٨٠	١٥٢ أ
١٠٥-	مدلس وقد عنعن	د. حسن بن فرحان المالكي	١٢٦	٢٢
١٠٦-	المحاورة بين ابن عباس وعمر بن الخطاب	عبدالحسين شرف الدين	٢١٥	٧٠ ي
١٠٧-	محمد باقر الحكيم كان مسؤولاً عن تنظيم حلقات في حزب الدعوة	صلاح الخرسان	٢٥٢	٨٣ ط
١٠٨-	محمد باقر الصدر بين دكتاتوريتين	عادل رؤوف	٢٠٤	٦٨
١٠٩-	محمد باقر الصدر والقيادة الثابتة	صلاح الخرسان	٢٦٠	٨٢ أ ج
١١٠-	محمد باقر الصدر سمو الذات وخلود العطاء	محمد باقر الحكيم	١٤٨	٢٢
	(كتاب المنهاج)			
١١١-	المطالبة بتنفيذ الأحكام الإسلامية	عادل رؤوف	٢٠٥	٦٨ ب

ت	اسم الموضوع	اسم الباحث	رقم الصفحة	رقم المدخل
١١٢	- مطيع بن ياس	سامي البدرى	١٨٠	٥٢ ب
١١٣	- المقارنة بين الوضع الإسلامى في العراق	عادل رؤوف	٢٠٤	١٦٨ أ
١١٤	- ملاحظات عامة حول مؤلفات العلامة العسكري	سليم الحسنى	١٩٤	٥٦ ج
١١٥	- ملخص رؤية الشهرستاني	علي الشهرستاني	٢٣٦	٥٧٦ د
١١٦	- من مذكرات العلامة مهدي الحكيم	مهدي الحكيم	١٤٠	٣٠
١١٧	- منهج البحث التاريخي	زهير غزاوي	١٣٨	٢٩
١١٨	- مسجد النكوفة	نوري كامل	١٧٧	١٥١ أ
١١٩	- منتدى النشر وحركة الإصلاح	صلاح الخرسان	٢٤٩	٨٣ د
١٢٠	- منتقداً منهجية الدكتور العودة	خالد بن علي آل غنام	٢٦٧	٨٦
١٢١	- مسجد (ضرار)	مهدي الحكيم	١٤٢	٣٠ هـ
١٢٢	- معارك حربية	سامي البدرى	١٨٧	٥٢ خ
١٢٣	- معجم مصادر الدراسة عن تاريخ العراق	عباس العبيدي	٢١٨	٧٢
١٢٤	- معجم رجال الحديث	السيد الخوني	٢٦٨	٨٧
١٢٥	- مصادر الدراسة عن الإمام السيد الشهيد محمد باقر الصدر <small>عليه السلام</small>	صادق جعفر الزوازي	٢٤٥	٨١
١٢٦	- مقال نقدي	الأزهر	١٠٣	٤
١٢٧	- مقطوع الصلة عن الأحداث والفتن	سليمان العودة	١٩٩	٦٠
١٢٨	- المراجعات	عبدالحسين شرف الدين	٢١٢	٧٠
١٢٩	- المرجع وصفة العمومية	علي المؤمن	٢٣٦	٥٧٥ د
١٣٠	- المرجع الحكيم يدعم حزب الدعوة	صادق جعفر الزوازي	٢٤٧	٨٢ ب

ت	اسم الموضوع	اسم الباحث	رقم الصفحة	رقم المدخل
١٣١-	المرجع الحكيم له من الثقة بشرعية قيادة الحزب	صلاح الخرسان	٢٥٣	م٨٣
١٣٢-	المرجعية الدينية من الذات الى المؤسسة	حسين الشامي	١٣٤	٢٦
١٣٣-	التمشهد الثقافي في العراق: الجذور والتحول	حسن السعيد	١٢٩	٢٤
١٣٤-	المتقنين الاسلاميين	عدنان إبراهيم السراج	٢٢٦	ه٧٣
١٣٥-	منتجباً علق عليه السابقون	سليمان العودة	١٩٦	٥٨
١٣٦-	مشروع الشيخ الآصفي	صلاح الخرسان	٢٥٩	أ١٨٣
١٣٧-	النبي ﷺ يحذر عائشة	عبد الحسين شرف الدين	٢١٤	و٧٠
١٣٨-	النبي ﷺ سمح لنفسه أن يغوى بواسطة الشيطان!!	سامي البدرى	١٨١	ج٥٢
١٣٩-	نواظير الغرب	حسن السعيد	١٢٧	٢٣
١٤٠-	نحن نريد إجراء حكومة الأحكام الإسلامية	عادل رؤوف	٢٠٦	د٦٨
١٤١-	نص واحد للقرآن	سامي البدرى	١٨١	ه٥٢
١٤٢-	نظرات في الكتب المخالفة	حامد حفني داود	١١٧	١٦
١٤٣-	نظر في أخبار القمع فلم يجد أكاذيب	د. محمد بن عبيد الله النزام	١٥٤	٣٦
١٤٤-	سبعون عالماً	مهدي الحكيم	١٤٤	ج٣٠
١٤٥-	السجال الساخن	د. حسن بن فرحان المالكي	١٢٤	٢٠
١٤٦-	سفر المرجع الحكيم الى بغداد	عادل رؤوف	٢٠٩	و٦٨
١٤٧-	سفر المرجع الحكيم الى بغداد	عدنان إبراهيم السراج	٢٢٥	ن٧٣
١٤٨-	السيد عبدالرسول النكفاتي	صلاح الخرسان	٢٥٦	ت٨٣
١٤٩-	السيدة عائشة	حامد حفني داود	١١٩	١٧

ت	اسم الموضوع	اسم الباحث	رقم الصفحة	رقم المدخل
١٥٠ -	سيرة العلامة العسكري	سامي البدرى	١٨٤	٥٢ ك
١٥١ -	سيرة العلامة العسكري	صلاح الخرسان	٢٥١	٨٣ و
١٥٢ -	سيرة العلامة العسكري	محمد سعيد الطريحي	١٦٢	٤١
١٥٣ -	سيف بن عمر في الميزان	أسد حيدر	١٠٨	٨ ج
١٥٤ -	سنوات الجمر	علي المؤمن	٢٢٩	٧٥
١٥٥ -	السنة النبوية في كتابات أعداء الإسلام	عماد الشرييني	٢٣٩	٧٨
١٥٦ -	سرعة البرق	أسد حيدر	١٠٧	١٨ أ
١٥٧ -	عبدالله بن سبأ	علي الشهرستاني	٢٣٤	٧٦ ب
١٥٨ -	عبدالله بن سبأ الأكاذيب الكبرى في التاريخ الإسلامي	عبد السلام الوجيه	٢١٧	٧١
١٥٩ -	عبدالله بن سبأ.. إشكالية النص ودور الأسطورة	إبراهيم بيضون	١٠١	٣
١٦٠ -	عبدالله بن سبأ في الدراسات الحديثة المعاصرة	إبراهيم بيضون	١٠٠	٢
١٦١ -	عبدالله بن سبأ قراءة تاريخية في الحديث واندلالة	إبراهيم بيضون	٩٩	١
١٦٢ -	العلماء الذين حاصرتهم	حسين الشاكري	١٣٧	٢٨
١٦٣ -	عبد السلام عارف والحركة الإسلامية	علي المؤمن	٢٣٢	٧٥ و
١٦٤ -	عبد الرحمن عارف	مهدي الحكيم	٧٩	٣٠ ز
١٦٥ -	العدوان الثلاثي على مصر	مرتضى العسكري	١٧٤	٤٩
١٦٦ -	عدم التزام الشيعة بالنص النبوي!!	قيس الطار	٢٦٣	٨٤ ب
١٦٧ -	عدم اقحام المراجع أنفسهم في السياسة	عدنان إبراهيم السراج	٢٢٤	٧٣ ك

ت	اسم الموضوع	اسم الباحث	رقم الصفحة	رقم المجلد
١٦٨	- علاقته ببعض أفراد الدعوة	مهدي الحكيم	١٤١	ب ٣٠
١٦٩	- علماء الكاظمية وبغداد	عدنان إبراهيم السراج	٢٢٠	ب ٧٣
١٧٠	- عميد كلية أصول الدين	صلاح الخرسان	٢٦١	أ ٨٣
١٧١	- العسكري أحد رواد الحركة الإسلامية	صادق جعفر الزوزاق	٢٢٩	أ ٨٢
١٧٢	- العسكري وجه سؤالاً إلى المرجع الحكيم	عدنان إبراهيم السراج	٢٢٣	ب ٧٣
١٧٣	- العسكري والحياة البرلمانية	صلاح الخرسان	٢٥٥	ر ٨٣
١٧٤	- العسكري ومنطقة البيع	صلاح الخرسان	٢٥٢	ل ٨٣
١٧٥	- العسكري ورأب الصدع بين قيادة الدعوة	صلاح الخرسان	٢٥٨	غ ٨٣
١٧٦	- العسكري ومشكلة تسليم القيادة	صلاح الخرسان	٢٥٥	ص ٨٣
١٧٧	- العسكري يحذر عبدالرحمن عارف	صلاح الخرسان	٢٤٧	خ ٨٣
١٧٨	- العسكري يقترح على المرجع الحكيم	عدنان إبراهيم السراج	٢٢٦	س ٧٣
١٧٩	- العسكري يتعامل مسبقاً مع موضوعه	إبراهيم بيضون	١٠١	ج ٣
١٨٠	- العسكري يتصدى للبحث وهو بكامل العدة	جعفر الخليلي	٨٣	١١
١٨١	- العسكري محقق فطن يميز الصحيح من السقيم جيمس زاب		٨٤	٤١
١٨٢	- العسكري في مقابلة أحمد حسن البكر	صلاح الخرسان	٢٥٧	د ٨٣
١٨٣	- العراق دولة المنظمة السرية	حسن العلوي	١٣٣	٢٥
١٨٤	- العراق كموقع شراطيحي	عدنان إبراهيم السراج	٢١٩	أ ٧٣
١٨٥	- فاطمة بنت الرسول هجرت أبا بكر	عبدالحسين شرف الدين	٢١٤	ز ٧٠
١٨٦	- في نقدة الأسطورة السبئية	ادريس الحسيني	١٠٥	٦
١٨٧	- فكرة اقتراح الحزب	مهدي الحكيم	١٤٠	أ ٣٠
١٨٨	- فتوى عائشة في عثمان	عبدالحسين شرف الدين	٢١٤	هـ ٧٠

ت	اسم الموضوع	اسم الباحث	رقم الصفحة	رقم المدخل
١٨٩	- الفتوى لها بعد شرعي وبعد سياسي	عدنان إبراهيم السراج	٢٦٥	ل٧٢
١٩٠	- الفضل للمتقدم	محمد سعيد دحدوح	١٦١	٤٠
١٩١	- قوات الحرس القومي	علي المؤمن	٣٣١	ه٧٥
١٩٢	- القمقاع بن عمر حقيقة أم أسطورة	د. حسن بن فرحان المالكي	١٢٥	٢١
١٩٣	- قراءة جديدة	إبراهيم بيضون	١٠١	ب٣
١٩٤	- قذف عائشة بصفوان بن المطلب	سامي البدري	١٨٣	ح٥٢
١٩٥	- رافضاً لوجودها منذ البداية	إبراهيم بيضون	١٠١	د٣
١٩٦	- رؤية المرجع الحكيم نحو التحرك السياسي	عادل رؤوف	٢٠٧	ه٦٨
١٩٧	- ردّة عك والأشعريين	سامي البدري	١٨٥	ع٥٢
١٩٨	- رؤاؤ الوعي الإسلامي	علي المؤمن	٢٣٠	ج٧٥
١٩٩	- روايات عن الأئمة المعصومين بخصوص عبدالله بن سبأ	صائب عبد الحميد	٢٤٣	أ٨٠
٢٠٠	- روجيه غارودي	سامي البدري	١٨١	د٥٢
٢٠١	- رسالة الكاتب والصحفي العراقي سامي فرج علي	عادل رؤوف	٢٠٨	ح٦٨
٢٠٢	- رزية يوم الخميس	عبدالحسين شرف الدين	٢١٥	ك٧٠
٢٠٣	- زيارة المرجع الى بغداد من مثنويات أفكار العسكري	صلاح الخرسان	٢٥٤	ف٨٣
٢٠٤	- شبهات وردود	سامي البدري	١٨٨	٥٣
٢٠٥	- شؤون الجمعية	مرتضى العسكري	١٧٢	ب٤٨
٢٠٦	- التاريخ هو تسجيل ما وقع	د. حسن بن فرحان المالكي	١٢٢	١٩

ت	اسم الموضوع	اسم الباحث	رقم الصفحة	رقم المدخل
٢٠٧-	التحقيق في المرويات الثمان	سليمان العودة	٢٠١	٦٣
٢٠٨-	التشيع العلوي والتشيع الصنوي	علي شريعتي	٢٣٧	٧٧
٢٠٩-	تأمين قنوات اتصال بين لجنة العراق وقيادة الدعوة	صلاح الخرسان	٢٥٨	٨٣ ظ
٢١٠-	تأسف أبابكر	عبدالحسين شرف الدين	٢١٥	٧٠ ط
٢١١-	تاريخ الإسلام الثقافي والسياسي	صائب عبد الحميد	٢٤٣	٨٠
٢١٢-	تاريخ الحركة الإسلامية المعاصرة في العراق	عبدان إبراهيم السراج	٢٠١	٧٣ د
٢١٣-	تهديد عمر بن الخطاب لعلی وفاطمة	عبدالحسين شرف الدين	٢١٤	٧٠ ح
٢١٤-	توصل الاثنان الى نتيجة واحدة	سليمان العودة	٢٠٠	٦١
٢١٥-	تدخل المرجعية بالسياسة	عادل رؤوف	٢٠٥	٦٨ ج
٢١٦-	تسفيه لآراء السابقين	د. سليمان العودة	١٩٥	٥٧
٢١٧-	تعليقات العلامة العسكري	محمد الحسيني	١٥٧	١٣٨ أ
٢١٨-	تقسيم الصحابة الى مدرستين	عماد الشرييني	٢٤١	٧٨ ج
٢١٩-	ترتيب أوضاع كلية أصول الدين	محمد باقر الحكيم	١٤٦	٣١
٢٢٠-	الثني والثني	سامي البدری	١٨٧	٥٢ ر
٢٢١-	الخلاف الشيعي - السني سياسي وليس عقائدياً	مرتضى العسكري	١٧٠	٤٧
٢٢٢-	الخطاب الإسلامي ومناهج الوعي في مواجهة النظام الدولي الجديد	فاضل الميلاني	٢٤٢	٧٩
٢٢٣-	خلاسته لبحوث العلامة العسكري	سامي البدری	١٨٥	٥٢ ن

ت	اسم الموضوع	اسم الباحث	رقم الصفحة	رقم المدخل
٢٢٤ -	خمسون ومائة صحابي مختلق	د. رشاد دارغوث	٢٦٦	٨٥
٢٢٥ -	خمسون ومائة صحابي مختلق	صائب عبد الحميد	٢٤٤	٨٠ ج
٢٢٦ -	ذكر ياني	حسين الشاكري	١٣٦	٢٧
٢٢٧ -	الصادق المهدي	محمد صالح الأديب	١٦٤	٤٢
٢٢٨ -	صهوة مذهلة مدهشة	حامد حنفي داود	١١٦	١٥
٢٢٩ -	الضربات الموجعة للتاريخ	د. حسن بن فهد الهويمل	١٢٠	١٨
٢٣٠ -	ضرورة تدخل العلماء في السياسة	عدنان إبراهيم السراج	٢٢٢	٧٣ ز

مصادر الدراسة
عن الشبهات العقائدية واجوبتها في
كتب العلامة السيد مرتضى العسكري

✍️ صادق جعفر الروازق

١- التبرك بآثار النبي

كتاب السيد العسكري: [التوسل بالنبي والتبرك بآثاره] [على مائدة الكتاب
والسنة ١٣] ص ٨

المصدر الأم: صحيح البخاري، كتاب المغازي، باب غزوة خيبر ٣/٣٥. كتاب
الجهاد والسير، باب رقم ١٠٢، ١٠٨/٢، ١٠٨/٢، ١١١/٢. كتاب فضائل أصحاب النبي، باب مناقب علي بن أبي طالب.

٢- التبرك ببصاق النبي ﷺ

كتاب السيد العسكري: المصدر [ن . م] ص ٨
المصدر الأم: صحيح البخاري، باب دعاء النبي إلى الإسلام : ١٠٧/٢، صحيح
مسلم، كتاب الجهاد والسير ح ١٣٢.

٣- التبرك بوضوء النبي ﷺ

كتاب السيد العسكري: المصدر [ن . م] ص ١٠
المصدر الأم: صحيح البخاري، كتاب الوضوء، باب التماس الوضوء إذا حانت
الصلاة : ٣١/١.

٤- التبرك بنخامة النبي ﷺ

كتاب السيد العسكري: المصدر [ن . م] ص ١١

المصدر الأم: صحيح البخاري، كتاب الشروط، باب الشروط في الجهاد والمصالحة مع أهل الحرب وكتابة الشروط : ٨٢/٢، وكتاب الوضوء.

٥ - التبرك بشعر النبي ﷺ

كتاب السيد العسكري: المصدر [ن . م] ص ١٢
المصدر الأم: صحيح مسلم، كتاب الحج، باب بيان أن السنة يوم النحر أن يرمي ثم ينحر ثم يحلق، والابتداء في الحلق بالجانب الأيمن من رأس المحلق.

٦ - التبرك بلباس النبي ﷺ

كتاب السيد العسكري: المصدر [ن . م] ص ١٥
المصدر الأم: مسند أحمد: ٣٤٨/٦، طبقات ابن سعد : ٢٢/١ باب ذكر لباس النبي ﷺ تاريخ الإسلام للذهبي (السيرة النبوية) ص ٣٠٥، السيرة النبوية والآثار...

٧ - التبرك بسهم النبي ﷺ

كتاب السيد العسكري: المصدر [ن . م] ص ١٦
المصدر الأم: صحيح البخاري، كتاب الشروط، باب الشروط في الجهاد والمصالحة مع أهل الحرب وكتابة الشروط : ٨١/٢ وراجع كتاب المغازي منه.

٨ - التبرك بموضع كف النبي ﷺ

كتاب السيد العسكري: المصدر [ن . م] ص ١٦
المصدر الأم: مسند أحمد: ٦٨/٥ وتفصيله بترجمة حنظلة بن حذيم بن حنيفة التميمي في الإصابة وفي لفظه، وأورد الخبر أيضاً بأسناد أخرى.

٩- الاستشفاع برسول الله ﷺ

كتاب السيد العسكري: المصدر [ن . م] ص ١٩
 المصدر الأم: مستدرك الحاكم، كتاب التاريخ في آخر كتاب البعث: ٦١٥/٢،
 ومجمع الزوائد: ٢٥٣/٨ وتحقيق النصرة للمراغي (المتوفى: ٨١٦هـ) ١١٣-
 ١١٤ وهو الذي نقله عن الطبراني.

١٠- التوسل بالنبي ﷺ قبل أن يُخلق

كتاب السيد العسكري: المصدر [ن . م] ص ١٩
 المصدر الأم: دلائل النبوة للبيهقي: ٣٤٣-٣٤٥، وتفسير الآية ٨٩ من سورة البقرة
 بتفسير محمد بن جرير الطبري: ١/٣٢٤-٣٢٨ وتفسير النيشابوري.

١١- التوسل بالنبي ﷺ في حياته

كتاب السيد العسكري: المصدر [التوسل بالنبي ﷺ والتبرك بآثاره على مائدة
 الكتاب والسنة ١٣] ص ٢٢
 المصدر الأم: مسند أحمد: ١٣٨/٤، سنن الترمذي، كتاب الدعوات: ٨٠/١٣-
 ٨١، وسنن ابن ماجه، كتاب إقامة الصلاة والسنة فيها، باب ما جاء في صلاة
 الجماعة، ح ١٣٨٥ ص ٤٤١ وابن الأثير بسنده بترجمة عثمان بن حنيف من أسد
 الغابة والبيهقي برواية صاحب كتاب تحقيق النصرة عنه، تحقيق النصرة: ١١٤.

١٢- التوسل بالنبي ﷺ بعد وفاته

كتاب السيد العسكري: المصدر [ن . م] ص ٢٤
المصدر الأم: تحقيق النصرة: ١١٤ و ١١٥ رواه عن الطبراني في معجمه الكبير.

١٣- الاستشفاع والتوسل بقبر النبي ﷺ

كتاب السيد العسكري: المصدر [ن . م] ص ٢٤
المصدر الأم: سنن الدارمي: ١/٤٣ - ٤٤، وفاء الوفاء: ٥٤٩/٢.

١٤- الاستشفاع بالعباس عم النبي ﷺ

كتاب السيد العسكري: المصدر [ن . م] ص ٢٥
المصدر الأم: صحيح البخاري، كتاب الاستسقاء، باب سؤال الناس الإمام، الاستسقاء إذا قحطوا، وكتاب فضائل أصحاب النبي، باب مناقب العباس بن عبدالمطلب: ١/٢٤ و ٢٠٠/٢١ و سنن البيهقي، كتاب صلاة الاستسقاء، باب الاستسقاء بمن ترجى بركة دعائه: ٣/٣٥٢

١٥- الاستشفاع بلباس النبي ﷺ ليهون

كتاب السيد العسكري: المصدر [ن . م] ص ٣٥
المصدر الأم: كنز العمال: ١٢/١٤٧ رقم الحديث ٣٤٤٢٤، والإصابة: ٨/١٦٠، وأسد الغابة: ٥/٥١٧، والاستيعاب في هامش الإصابة: ٤/٣٢٨ ط مصر مطبعة

السعادة سنة ١٣٢٨ هـ، وصفوة الصفوة : ٥٤/٢ في ترجمة فاطمة بنت أسد،
وذخائر العقبى: ص ٥٥-٥٦، والفصول المهمة لابن الصبّاغ المالكي : ٣١-٣٢،
وفاء الوفاء: ٨٩٧/٣-٨٩٨ وينابيع المودة، طبقات ابن سعد: ١/٢٢٢ باب
ذكر لباس الرسول ﷺ.

١٦-البداء

كتاب السيد العسكري:المصدر [البداء / على مائدة الكتاب والسنة ٨] ص ٨
سورة الرعد (٣٨، ٤٠)، (٧، ٢٧) رقم ٨

١٧-البداء في روايات أهل البيت عليه السلام

كتاب السيد العسكري:المصدر [البداء] ص ٢١
المصدر الأم: البحار: ١٠٨/٤ نقلاً عن توحيد الصدوق، البحار: ١٠٢/٤، البحار:
١١١/٤، البحار: ٩٩/٤.

١٨-استحباب الاحتفال

- ١- مقام إبراهيم
- ٢-الصفاء والمروة
- ٣-رمي الحجار
- ٤-الفدية

كتاب السيد العسكري: المصدر [الاحتفال بذكرى الأنبياء وعباد الله الصالحين على مائدة الكتاب والسنة ٢] ص ٧

المصدر الأم: صحيح البخاري، كتاب الأنبياء، باب يزفون النسلان في المشي: ١٥٨/٢ و ١٥٩. وأيضاً معجم البلدان، مادة زمزم، بذكر تاريخ إسماعيل من تاريخ الطبري، وابن الأثير، مسند أحمد: ٣٠٦/١ وقريب منه في ١٢٧ ومسند الطيالسي ح ٢٦٩٧، وراجع مادة الكعبة في معجم البلدان وتاريخ إبراهيم وإسماعيل من تاريخ الطبري وابن الأثير.

١٩- انتشار البركة من آدم ﷺ والاحتفال بذكره

كتاب السيد العسكري: المصدر [نفس المصدر السابق] ص ١١
المصدر الأم: الحديث ٤٠ في صحيح مسلم كتاب الزهد والرقائق، باب لا تدخلوا مساكن الذين ظلموا أنفسهم. واللفظ لمسند أحمد: ١١٧/٢، صحيح البخاري. كتاب المغازي باب نزول النبي ﷺ الحجر.

٢٠- بركة يوم الجمعة

كتاب السيد العسكري: المصدر [نفس المصدر السابق] ص ١٤
المصدر الأم: صحيح مسلم، كتاب الجمعة، باب فضل الجمعة ح ١٧ و ١٨.

٢١- البكاء على الميت

كتاب السيد العسكري: المصدر [من سنن النبي ﷺ البكاء على الميت على مائدة

الكتاب والسنة رقم ١] ص ٧

كتاب الأم: صحيح مسلم: ٦٣٦/٢، كتاب الجنائز باب ٦ على مائدة الكتاب
والسنة رقم ١

٢٢- بكاء النبي ﷺ على ابنه إبراهيم

كتاب السيد العسكري: المصدر [البكاء على الميت على مائدة الكتاب والسنة رقم
١] ص ٨

المصدر الأم: صحيح مسلم: ١٨٠٨/٤، كتاب الفضائل، باب رحمته بالصبيان
والعيال، ح ٢، وسنن أبي داود: ١٩٣/٣، كتاب الجنائز، باب البكاء على الميت
وسنن الكتاب والسنة رقم ١ ابن ماجه: ٥٠٧/١ كتاب الجنائز، باب ٥٣
ح ١٥٨٩ والبخاري: ١٥٨/١ كتاب الجنائز، باب قول النبي ﷺ: «وإنّا بك
لمحزونون» وأيضاً سنن ابن ماجه: ٤٧٣/١ كتاب الجنائز، باب ما جاء في
النظر الى الميت.

٢٣- بكاء الرسول ﷺ على سبطه

كتاب السيد العسكري: المصدر [المصدر السابق] ص ٩

كتاب الأم: صحيح البخاري، كتاب الجنائز، باب قول النبي ﷺ: «يعذب الميت
ببعض بكاء أهله عليه» واللفظ له، كتاب المرضى، باب عيادة الصبيان: ٣/٤
وفي ١٩١/٤ منه، كتاب التوحيد باب إن رحمة الله قريب من المحسنين،
صحيح مسلم، كتاب الجنائز باب البكاء على الميت: ٦٣٦/٢ ح ١١ وسنن

أبي داود، كتاب الجنائز باب البكاء على الميت: ١٩٣/٣ ح ٣١٢٥ و سنن النسائي: ٢٢/٤، كتاب الجنائز، باب الأمر بالاحتساب والصبر ومسند أحمد: ٢٠٤/٥ و ٢٠٦ و ٢٠٧.

٢٤ - بكاء الرسول ﷺ على الشهداء بغزوة مؤتة

كتاب السيد العسكري: المصدر [المصدر السابق] ص ١١
المصدر الأم: صحيح البخاري: ٢٠٤/٢ كتاب فضائل الصحابة، باب مناقب خالد
والبداية والنهاية لابن كثير: ٢٥٥/٤، والسنن الكبرى للبيهقي: ٧٠/٤ وأنساب
الأشراف: ٤٣/٢ وشرح ابن أبي الحديد: ٧٣/١٥

٢٥ - بكاء الرسول ﷺ على جعفر بن أبي طالب

كتاب السيد العسكري: المصدر [البكاء على الميت رقم ١ من سلسلة على مائدة
الكتاب والسنة] ص ١١
المصدر الأم: في ترجمة جعفر من الاستيعاب وأسد الغابة والإصابة وابن الأثير:
٩٠/٢.

٢٦ - بكاء الرسول ﷺ على أمه عند قبرها

كتاب السيد العسكري: المصدر [المصدر السابق] ص ١٢
المصدر الأم: صحيح مسلم: ٦٧١/٢ كتاب الجنائز، باب ٣٦ ح ١٠٨ ومسند
أحمد: ٤٤١/٢، و سنن أبي داود: ٢١٨/٣، كتاب الجنائز، باب زيارة القبور

ح ٣٢٣٤ وسنن النسائي: ٩٠/٤ كتاب الجنائز، باب ما جاء في قبر المشرك
وسنن ابن ماجه: ٥٠١/١، كتاب الجنائز، باب ما جاء في زيارة قبور المشركين
ح ١٥٧٢.

٢٧- بكاء الرسول ﷺ على سبطه الحسين عليه السلام في مناسبات متعددة

كتاب السيد العسكري: المصدر [المصدر السابق] ص ١٣
المصدر الأم: حديث أم الفضل: مستدرك الصحيحين: ١٧٦/٣، وباختصار
ص ١٧٩، وتاريخ ابن عساكر ح ٦٣١ وقريب منه في ح ٦٣٠ وفي مجمع الزوائد:
في مناسبات متعددة ١٧٩/٩ ومقتل الخواري: ١٥٩/١ وفي ١٦٢ بلفظ آخر
وتاريخ ابن كثير: ٢٣٠/٦، وأشار إليه في: ١٩٩/٨، وأمالى الشجري: ١٨٨
والفصول المهمة لابن الصباغ المالكي: ١٤٥، والروض النضير: ٨٩/١
والصواعق: ١١٥ وفي ط ١٩٠، وكنز العمال: ٢٢٣/٦ ط القديمة والخصائص
الكبرى: ١٢٥/٢، وفي كتب أتباع مدرسة أهل البيت عليه السلام ورد في مثير الأحزان:
٨ واللهوف لابن طاووس: ٦-٧

٢٨- بكاء الرسول ﷺ على سبطه الحسين عليه السلام في مناسبات عديدة / رواية

زينب بنت جحش

كتاب السيد العسكري: المصدر [البكاء على الميت] ص ١٤
المصدر الأم: تاريخ ابن عساكر، ترجمة الحسين عليه السلام ح ٦٢٩ ومجمع الزوائد:
١٨٨/٩، وكنز العمال: ١١٢/١٣، وأشار إليه ابن كثير بتاريخه: ١٩٩/٨ رواية

زينب بنت جحش وورد في كتب أتباع مدرسة أهل البيت عليهم السلام بأمالى الشيخ الطوسي: ٢٢٣/١ ومثير الأحزان: ٧-٨ وورد قسم منه في ص ٩-١٠ وفي آخره تنمة مهمة وكذلك في اللهوف: ٧-٩

٢٩- بكاء الرسول ﷺ على سبطه الحسين عليه السلام في مناسبات عديدة / رواية عائشة

كتاب السيد العسكري: المصدر [المصدر السابق] ص ١٥
المصدر الأم: طبقات بن سعد ح ٢٦٩ وتاريخ ابن عساكر بترجمة الحسين ح ٦٢٧ ومقتل الخوارزمي: ١٥٩/١، ومجمع الزوائد: ١٨٨، وكنز العمال: ١٠٨/١٣، وفي ط القديمة: ٢٢٣/٦، والصواعق المحرقة لابن حجر: ١١٥، وفي ط: ١٩، خصائص السيوطي: ١٢٥/٢ و ٢٦١، وجوهره الكلام للقره غولي: ١١٧ وفي أمالي الشيخ الطوسي من كتب أتباع مدرسة أهل البيت عليهم السلام: ٣٢٥/١، وفي أمالي الشجري: ١٧٧ بتفصيل.

٣٠- بكاء الرسول ﷺ على سبطه الحسين عليه السلام في مناسبات عديدة وحديث أنس بن مالك

كتاب السيد العسكري: المصدر [المصدر السابق] ص ١٧
المصدر الأم: مسند أحمد: ٢٤٢/٣ و ٢٦٥ تاريخ ابن عساكر بترجمة الحسين عليه السلام ح ٦١٥ و ٦١٧ وتهذيبه: ٣٢٥/٤، واللفظ له وبترجمة الحسين من المعجم الكبير للطبراني ح ٤٧ ومقتل الخوارزمي: ١٦٠/١ - ١٦٢، والذهبي في تاريخ

الإسلام: ١٠/٣، وسير أعلام النبلاء: ١٩٤/٣، وذخائر العقبى: ١٤٦ - ١٤٧، ومجمع الزوائد: ١٨٧/٩ وفي صفحة ٩٠ منه بسند آخر وقال: إسناده حسن، وفي باب الإخبار بمقتل الحسين من تاريخ ابن كثير: ٢٢٩/٦ في لفظه «وكنّا نسمع يقتل بكر بلاء» وفي: ١٩٩/٨، وكنز العمال: ٢٦٦/١٦، والصواعق المحرقة لابن حجر: ١١٥، والدلائل للحافظ أبي نعيم: ٢٠٢/٣، والروض النضير: ١٩٢/١، والمواهب اللدنية للقسطلاني: ١٩٥/٢، والخصائص للسيوطي: ٢٥/٢، وموارد الضمآن بزوائد صحيح ابن حبان لأبي بكر الهيثمي: ٥٤٤، وفي كتب أتباع مدرسة أهل البيت عليهم السلام بأُمالي الشيخ الطوسي (ت / ٤٦٠هـ) ط النعمان بالنجف سنة ١٣٨٤ هـ: ٢٢١/١، وفي لفظه: «انّ عظيماً من عظماء الملائكة...».

٣١ - بكار الرسول ﷺ على سبطه الحسين عليه السلام في مناسبات عديدة روايات أم سلمة

كتاب السيد العسكري: المصدر [البكاء على الميت] ص ١٦
المصدر الأم: مستدرك الصحيحين: ٣٩٨/٤، والمعجم الكبير ح ٥٥ وتاريخ ابن عساکر ح ٦١٩ - ٩٢١، وترجمة الحسين ومقتله من طبقات ابن سعد، نشر وتحقيق عبدالعزيز الطباطبائي: ٤٢ - ٤٤ ح ٦٢٨، والذهبي في تاريخ الإسلام: ١١/٣، وسير أعلام النبلاء: ١٩٤/٣ - ١٩٥، والخوارزمي في المقتل: ١٥٨/١ - ١٥٩ باختصار، والمحجب الطبري في ذخائر العقبى: ١٤٨ - ١٤٩، وتاريخ ابن كثير: ٢٣٠/٦، كنز العمال للمتقي الهندي: ٢٦٦/١٦.

٣٢- ما نزل في علي عليه السلام خاصة

كتاب السيد العسكري: المصدر [علي في القرآن] ص ٥
المصدر الأم: البقرة: ٢٠٧، ٢٧٤، تاريخ دمشق لابن عساكر: ٢٠٦/٣٨.

٣٣- نوم علي عليه السلام في فراش رسول الله صلى الله عليه وآله وسلم

كتاب السيد العسكري: المصدر [علي في القرآن] ص ٦
المصدر الأم: مستدرک أحمد بن حنبل: ١/٣٣٠، ورواه عنه الحاكم في
المستدرک: ١٣٢/٣، والخصائص للنسائي: ٦١ ط، النجف

٣٤- هل أتى (سورة الإنسان)

كتاب السيد العسكري: المصدر [علي في القرآن] ص ٨
المصدر الأم: الإنسان: ٧-٨، أسد الغابة لابن الأثير: ٥٣٠/٥

٣٥- ﴿ويؤثرون على أنفسهم﴾ ما نزل بحق أهل البيت عليه السلام

كتاب السيد العسكري: المصدر [علي في القرآن] ص ١١
المصدر الأم: شواهد التنزيل للحسكاني: ٢٤٦/٢.

٣٦- المباهلة

كتاب السيد العسكري: المصدر [علي في القرآن] ص ١١-١٢
المصدر الأم: أسباب النزول للواحدي: ٧٥

٣٧- ﴿انما يريد الله ليذهب عنكم الرجس...﴾

كتاب السيد العسكري: المصدر [عليّ في القرآن] ص ١٣
المصدر الأم: شواهد التنزيل: ٤/١، مسند أحمد بن حنبل: ٣٩٣/٦، وزاه مسلم
في صحيحه، أنساب الأشراف للبلاذري: ٢١٥/١.

٣٨- ما نزل في عليّ عليه السلام وشيعته «خير البرية»

كتاب السيد العسكري: المصدر [عليّ في القرآن] ص ١٧
المصدر الأم: الدر المنثور- السيوطي في ذيل الآية نقلاً عن ابن عساكر، شواهد
التنزيل: ٦٨/١.

٣٩- ﴿رجال صدقوا ما عاهدوا الله...﴾

كتاب السيد العسكري: المصدر [عليّ في القرآن] ص ٢٢
المصدر الأم: رواه في فضائل الخمسة: ٢٨٧/١ عن الصواعق: ٨٠، نور الأبصار:
٩٧ نقلاً عن الفصول المهمة لابن الصباغ.

٤٠- ﴿والذين يؤذون المؤمنين والمؤمنات...﴾*

كتاب السيد العسكري: المصدر [عليّ في القرآن] ص ٢٤
المصدر الأم: أسباب النزول: ٢٧٣

(*) سورة الأحزاب: ٥٨.

٤١ - منازل في أعداء علي عليه السلام

كتاب السيد العسكري: المصدر [علي في القرآن] ص ٢٤ - ٢٥
 المصدر الأم: الكشف والتفسير الكبير للفخر الرازي في ذيل تفسير الآية، شواهد
 التنزيل: ٢/٢٦٥.

٤٢ - ﴿ولتعرّفنّهم في لحن القول﴾

كتاب السيد العسكري: المصدر [علي في القرآن] ص ٢٧
 المصدر الأم: المناقب لابن المغازلي: ٨٠

٤٣ - علي عليه السلام والوليد بن عقبة

كتاب السيد العسكري: المصدر [علي في القرآن] ص ٢٧
 المصدر الأم: شواهد التنزيل: ١/٤٤٦، أسباب النزول: ٢٦٣

٤٤ - ﴿كُونُوا مَعَ الصّٰدِقِينَ﴾*

كتاب السيد العسكري: المصدر [علي في القرآن] ص ٢٩
 المصدر الأم: كفاية الطالب: ٢٣٦

٤٥ - (يستغفرون لرسول الله ولي)

كتاب السيد العسكري: المصدر [عليّ في القرآن] ص ٣٦

المصدر الأم: تاريخ دمشق: ٢٩/٣٧.

٤٦ - ﴿أجعلتم سقاية الحاج وعمارة المسجد الحرام كمن آمن بالله واليوم

الآخر...﴾ التفاخر بين العباس وشيبة وعلي عليه السلام

كتاب السيد العسكري: المصدر [عليّ في القرآن] ص ٣٨

المصدر الأم: الدر المنثور - ذيل الآية.

٤٧ - ما نزل بشأن علي عليه السلام مع النبي ونصرته

كتاب السيد العسكري: المصدر [عليّ في القرآن] ص ٤٠

المصدر الأم: الرياض النضرة: ١٦٣/٢، شواهد التنزيل: ٣٤٩/١، المستدرک

للحاكم النيسابوري: ٢٤١/٢، تفسير الطبري: ٧٩/١٣

٤٨ - «النبا العظيم»

كتاب السيد العسكري: المصدر [عليّ في القرآن] ص ٤٨

المصدر الأم: تفسير فرات الكوفي: ٢٠٢

٤٩- ﴿وَأَنْذِرْ عَشِيرَتَكَ الْأَقْرَبِينَ﴾

كتاب السيد العسكري: المصدر [عليّ في القرآن] ص ٥١
كتاب الأم: شواهد التنزيل: ٤٢٠

٥٠- ﴿يُؤْتُونَ الزَّكَاةَ وَهُمْ رَاكِعُونَ﴾

كتاب السيد العسكري: المصدر [عليّ في القرآن] ص ٥٤
كتاب الأم: مجمع الزوائد للهيثمي: ١٧/٧

٥١- ولاية يوم غدیر خم

كتاب السيد العسكري: المصدر [عليّ في القرآن] ص ٥٥
كتاب الأم: شواهد التنزيل: ١/١٩٤، مجمع البيان: ٣/٢٢٣، وقال الحسكاني:
وهذا الحديث مستقاة في كتاب دعاء الهداة الى أداء حق الموالاة في عشرة
أجزاء (شواهد التنزيل: ١/١٩٠)، وأيضاً شواهد التنزيل: ١/٥٨.

٥٢- عليّ عليه السلام يقتل عمر بن عبدود

كتاب السيد العسكري: المصدر [عليّ في القرآن] ص ٦٠
المصدر الأم: شواهد التنزيل: ٥/٢ - ٧، ١/١٣٦.

٥٣ - ما نزل في علمه

كتاب السيد العسكري: المصدر [عليّ في القرآن] ص ٦٣
 المصدر الأم: سورة الرعد: ٤٣، البرهان: ٣٠٣/٢، سورة الحجر: ٧٥، تفسير
 فرات، النحل: ٤٣، شواهد التنزيل: ٣٣٤، الحاقة: ١٢، أنساب الأشراف:
 ١٢١/٢، تفسير الطبري: ٥٦/٢٩

٥٤ - ما نزل بشأنه في القيامة

كتاب السيد العسكري: المصدر [عليّ في القرآن] ص ٦٦
 المصدر الأم: الأعراف: ٤٦، الصواعق المحرقة: ١٠١ الرعد: ٢٩، شواهد التنزيل:
 ٣٠٤/١ عبس: ٣٨ - ٣٩ فصلت: ٤٠، المرسلات: ٤١، القارعة: ٦ - ٧، شواهد
 التنزيل: ٣٢٤/٢، ١٢٩، ٣١٦، ٣٦٧ ق: ٢١، شواهد التنزيل: ١٨٨/٢

٥٥ - خبر زواج زيد زينب ابنة عمه الرسول ﷺ

كتاب السيد العسكري: المصدر [عصمة الأنبياء والرسل على مائدة الكتاب
 والسنة] ص ٥٠
 المصدر الأم: تفسير الطبري: ١٠/٢٢ - ١١ ط، دار المعرفة، بيروت، أسدالغاية:
 ٢٢٤/٢ - ٢٢٧.

٥٦- أم أيمن وأم أسامة

كتاب السيد العسكري: المصدر [عصمة الأنبياء والرسل على مائدة الكتاب
والسنة] ص ٥٠

المصدر الأم: أسد الغابة: ٣٠٢/٧، والاستيعاب: ٧٦٥ رقم الترجمة ٢، والإصابة:
٤١٥/٤-٤١٧ الترجمة رقم ١١٤٥.

٥٧- الشؤم من ديار ثمود وعاد

كتاب السيد العسكري: المصدر [عصمة الأنبياء والرسل على مائدة الكتاب
والسنة] ص ١٩

المصدر الأم: الخبر في مادة الحجر في معجم البلدان؛ وخبر غزوة تبوك في سيرة
ابن هشام: ١٦٤/٤ - ١٦٥، ومغازي الواقدي: ١٠٠٦ - ١٠٠٨، وإمتاع
الأسماع: ٤٥٤-٤٥٦، ومسند أحمد: ٩/٢ و ٥٨ و ٦٦ و ٧٢ و ٧٤ و ٩١ و ٩٦ و
١١٣ و ١٣٧ و ٢٩٦/٣، وصحيح البخاري: ٦١/٣، ذكر غزوة تبوك وتفسير
سورة الحجر، وصحيح مسلم، كتاب الزهد، الحديثان ٣٩ و ٤٠.

٥٨- النبي داود وزواجه من زوجة أوريا

كتاب السيد العسكري: المصدر [عصمة الأنبياء والرسل] ص ٧٣
المصدر الأم: البحار: ٧٣/١١ - ٧٤، عن أمالي الصدوق: ٥٥ - ٥٧ وطبعة أخرى:
٩٠ - ٩٢، وعيون الأخبار: ١٠٨، ثم تفسير الآية بتفسير مجمع البيان، ونور الثقلين،

وتنزيه الأنبياء للشريف المرتضى: ٩٢، وتفسير الآية بتفسير الخازن: ٣٥/٤،
والفخر الرازي: ١٩٢/٢٥، ونور الثقلين: ٤٤٦/٤.

٥٩- رأي مدرسة أهل البيت في عدالة الصحابي

كتاب السيد العسكري: المصدر [الصحابي وعدالته] ص ٢٤
المصدر الأم: بيعة الشجرة (الرضوان) في مغازي الواقدي وخطط المقرئ،
مسند أحمد: ٣٩٠/٥ و ٤٥٣، وصحيح مسلم: ١٢٢/٨ - ١٢٣ باب صفات
المنافقين، ومجمع الزوائد: ١١٠/١ و ١٩٥/٦ ومغازي الواقدي: ١٠٤٣/٣،
وامتاع الأسماع للمقرئ: ٤٧٧

٦٠- رأي مدرسة الخلفاء في عدالة الصحابة

كتاب السيد العسكري: المصدر [الصحابي وعدالته] ص ١٩
المصدر الأم: أسد الغاية في معرفة الصحابة، ابن الأثير: ١/٣، الإصابة في تمييز
الصحابة: ١٧/١ - ٢٢.

٦١- ولد الإمام علي عليه السلام في جوف الكعبة

كتاب السيد العسكري: المصدر [الصحابي وعدالته] ص ٢٨
المصدر الأم: المستدرک: ٤٨٣/٣، المالكي في الفصول المهمة، والمغازي
الشافعي في المناقب، والشبلنجي في نور الأبصار: ٦٩.

٦٢- المصحف في مصطلح الصحابة

كتاب السيد العسكري: المصدر [المصحف في الروايات والآثار] ص ١٠
 المصدر الأم: صحيح البخاري، كتاب فضائل القرآن، باب جمع القرآن: ١٥٠/٣،
 وكتاب المصاحف للحافظ أبي بكر السجستاني (ت ٣١٦) صحيح الدكتور أثر
 جعفري، ط أولى القاهرة ١٣٥٥ هـ.

٦٣- المصحف في روايات أئمة أهل البيت عليهم السلام

كتاب السيد العسكري: المصدر [المصحف في الروايات والآثار] ص ١٢
 المصدر الأم: أصول الكافي: ٦١٣/٢.

٦٤- سُمي غير القرآن بـ (المصحف)

كتاب السيد العسكري: المصدر [المصحف في الروايات والآثار] ص ١٤
 المصدر الأم: المصاحف: ١٣٤ - ١٣٥، وتاريخ دمشق مخطوطة المكتبة الظاهرية
 بدمشق، مصورة المجمع العلمي الإسلامي بطهران: ٥ / ٢ / ٢٥٩ أ، وتهذيب
 الكمال، مخطوطة المكتبة الظاهرية بدمشق مصورة المجمع العلمي
 الإسلامي بطهران: ١٧٠ / ٢، وتهذيب التهذيب: ١١٨ / ٣ - ١١٩.

٦٥- مصحف فاطمة عليها السلام ابنة الرسول ﷺ

كتاب السيد العسكري: المصدر [المصحف في الروايات والآثار] ص ١٨
 المصدر الأم: بصائر الدرجات: ١٥٦، معالم المدرستين: ٢٢٢ / ٢.

٦٦- توارث أئمة أهل البيت عليهم السلام علومهم

كتاب السيد العسكري: المصدر [شيعة أهل البيت عليهم السلام] ص ١٩
المصدر الأم: بصائر الدرجات: ٩٩/١ و حديث ٤ و ٦ / ٣٠٠، قاموس
الرجال: ٦٥/٤

٦٧- أهل البيت لا يعتمدون الرأي في بيان الأحكام

كتاب السيد العسكري: المصدر [شيعة أهل البيت عليهم السلام] ص ٢٠
المصدر الأم: الكافي: ٨٥/١، الوافي: ٥٩/١

٦٨- كتاب علي عليه السلام

كتاب السيد العسكري: المصدر [شيعة أهل البيت عليهم السلام] ص ٢١
المصدر الأم: بصائر الدرجات: ٣٠١، أصول الكافي: ٥٧/١، حديث ١٤ وبصائر
الدرجات: ١٤٦ و ١٤٩ - ١٥٠، والوافي: ٥٨/١، قاموس الرجال: ٩٩/١٠.

٦٩- اسناد أحاديث الأئمة عليهم السلام الى جدهم عليه السلام

كتاب السيد العسكري: المصدر [شيعة أهل البيت عليهم السلام] ص ١٧
المصدر الأم: سنن النسائي: ١٧٨/١ باب التنحنح في الصلاة، ابن ماجه حديث
٣٧-٨ باب الاستئذان، مسند أحمد: ٨٥/١ ح ٦٤٧ و ١٠٧/١ ح ٨٠/١ قديم،
الحديث ٦٠٨

٧٠- صفات الله ورؤيته (التجسيم)

كتاب السيد العسكري: المصدر [معالم المدرستين] ص ٢٤
 المصدر الأم: الكافي، كتاب التوحيد، باب الحركة والانتقال ج ١، والتوحيد
 للصدوق باب نفي المكان والزمان والحركة عنه تعالى حديث ١٨ والبحار
 للمجلسي كتاب التوحيد باب نفي الزمان والمكان والحركة والانتقال عنه تعالى
 ج ٢٥، ٣/٣١١، توحيد الصدوق، ط طهران سنة ١٣٨٧ هـ : ١١١-١١٢، البحار،
 كتاب التوحيد باب نفي الرؤية وتأويل الآيات ج ١٤، ٣١/٤، والكافي كتاب
 التوحيد، باب في إبطال الرؤية ح ٢.

٧١- البناء على قبور الأنبياء ﷺ واتخاذها محلاً للعبادة

كتاب السيد العسكري: المصدر [معالم المدرستين (خلاصة)] ص ٤١
 المصدر الأم: مسند أحمد: ١/٨٧ و ٨٩ و ٩٦ و ١١٠ و ١١١ و ١٢٨ و ١٣٨ و ١٣٩
 و ١٤٥ و ١٥٠ و مسند الطيالسي، ح ٩٦، ١٥٥ الأدلة على الجواز: خبر
 إسماعيل عليه السلام وولده في كل من سيرة ابن هشام ط، مصر سنة ١٣٥٥ هـ : ٦/١،
 وتاريخ الطبري ط اوربا: ١/٤٥٢، وتاريخ ابن الأثير ط اوربا: ١/٨٩، وتاريخ
 ابن كثير: ١/١٩٣، ومادة (حجر) من معجم البلدان، فروع الكافي، كتاب الحج،
 باب علل الحج: ٢/١٢٥ - ١٢٦ وباب نكت في حج الأنبياء والمرسلين ح ٨،
 ٢/١٤٩، والوافي كتاب الحج باب حج إبراهيم وإسماعيل عليه السلام: ٨/٢٨.

٧٢- البكاء على الميت

كتاب السيد العسكري: المصدر [معالم المدرستين (خلاصة)] ٤٧ ص
 كتاب الأم: صحيح البخاري، كتاب فضائل أصحاب النبي، باب مناقب خالد بن
 الوليد: ٢/٢٠٤ ط الحلي بمصر، صحيح البخاري، كتاب الجنائز، باب قول
 النبي ﷺ: إنا بك لمحنون: ١/١٥٨، صحيح مسلم، كتاب الفضائل باب رحمته
 بالصبيان والعيال ح ٦٢ وسنن ابن ماجه، كتاب الجنائز باب ما جاء في النظر الى
 الميت ح ١٤٧٥، ١/٤٧٣، وطبقات ابن سعد ط اوربا: ١/١ ق ٨٨ / ١ ومسند
 أحمد: ٣/١٩٤، سنن النسائي، كتاب الجنائز، باب زيارة قبر المشرك: ١/٢٦٧
 وسنن أبي داود كتاب الجنائز باب زيارة القبور ح ٣٢٣٤ / ٢١٨ وسنن ابن
 ماجه كتاب الجنائز باب ما جاء في زيارة قبور المشركين ح ١٥٧٢، ١/٥٠١،
 والبخاري، كتاب الجنائز، باب أحداد المرأة على غير زوجها: ١/١٥٤ وكتاب
 الطلاق باب تحد المتوفى عنها زوجها أربعة أشهر وعشراً ٣/١٨٩ وباب ٦٨
 الكحل للحادة وباب القسط للحادة عند الطهر وباب تلبس الحادة ثياب
 العصب، باب ﴿والذين يتوفون منكم ويذرون أزواجاً﴾ ٢/١٨٩ - ١٩٠ وصحيح
 مسلم، كتاب الطلاق، باب وجوب الإحداد في عدة الوفاة وتحريمه في غير
 ذلك إلا ثلاثة أيام ح ١٤٨٦ و ١٤٨٧ و ١٤٩٠ و ١٤٩١ ص ١١٢٤ و ١١٢٥
 و ١١٢٦ و ١١٢٧ و ١١٢٨ وسنن أبي داود كتاب الطلاق باب حداد المتوفى عنها
 زوجها ح ٢٩٩ و ٢/٢٦٠، وباب فيما تجتنبه المعتدة في عدتها ح ٢٣٠٢،
 ٢/٢٩٢ وسنن الترمذي، كتاب الطلاق واللعان باب ما جاء في عدة المتوفى

عنها زوجها؛ ١٧١/٥ - ١٧٤ وسنن النسائي كتاب الطلاق باب عدة المتوفى عنها زوجها، وباب الأحداد وباب سقوط الأحداد عن الكتابية المتوفى عنها زوجها وباب ترك الزينة للحادة المسلمة دون اليهودية والنصرانية، وباب ما تجتنب الحادة من الثياب المصبغة وباب الخضاب للحادة وسنن ابن ماجه كتاب الطلاق باب تحد المرأة على غير زوجها ص ٢٠٨٥ - ٢٠٨٧، ٣٧٤/١ وسنن الدارمي كتاب الطلاق باب في احداد المرأة على الزوج ١٦٧/٢ وموطأ مالك، كتاب الطلاق ١٠١، ١٠٥ وطبقات ابن سعد ٤ق ١ / ٢٧، ٢٨ و ٧٠/٨ ومسند أحمد ٨/٥ و ٣٧/٦ و ١٨٤ و ٢٤٩، ٢٨١ و ٢٨٦ و ٢٨٧، ٣٢٤، ٣٢٥، ٣٢٦، ٣٦٩، ٤٠٨، ٤٢٦ ومسند الطيالسي: ١٥٨٧، ١٥٨٩، ١٥٩١، صحيح البخاري، كتاب الجنائز، باب قول النبي ﷺ يعذب الميت ببكاء أهله عليه ١٥٥/١ - ١٥٦ وصحيح مسلم، كتاب الجنائز، باب الميت يعذب ببكاء أهله عليه ح ٢٢ ص ٦٤١ وصحيح مسلم كتاب الجنائز باب الميت يعذب ببكاء أهله عليه ح ٢٥ و ٢٦ ص ٦٤٢ - ٦٤٣ وح ٢٧ ص ٦٤٣ وقريب منه لفظ الترمذي في باب الجنائز باب ما جاء في الرخصة في البكاء على الميت ٢٢٥/٤ وسنن أبي داود كتاب الجنائز ح ٣١٢٩، ١٩٤/٣ وسنن النسائي كتاب الجنائز باب الرخصة في البكاء على الميت وسنن ابن ماجه كتاب الجنائز، باب ما جاء في البكاء على الميت ح ١٥٨٧ ص ٥٠٥ ومسند أحمد: ١٠١/٢، ٢٧٣، ٣٣٣، ٤٠٨، ٤٤٤، صحيح البخاري كتاب الجنائز، باب البكاء عند المريض ١٥٨/١.

٧٣ - دعاء غير الله

كتاب السيد العسكري: المصدر [معالم المدرستين (خلاصة)] ص ٥١
المصدر الأم: رسالة الأصول الثلاثة ط، مطبعة المدني ٢٩٥ شارع رمسيس
بالقاهرة سنة (١٣٨٠ هـ) ورسالة الدين وشروطها أيضاً طبع فيها.

٧٤ - حكم غير الله

كتاب السيد العسكري: المصدر [معالم المدرستين (خلاصة)] ص ٥٢

٧٥ - تعريف الصحابي

كتاب السيد العسكري: المصدر [معالم المدرستين (خلاصة)] ص ٧١
المصدر الأم: الإصابة ١٠/١ وأيضاً ص ١٣ و ١٦ والإصابة ١٣/١ الطبري ط
أوربا: ٢١٥١/١ وأيضاً ٢٤٥٧/١ - ٢٤٥٨ الأغاني، ط، ساسي ١٥٨/١٤
وأيضاً ١٥٧ وأوجه ابن حزم في جمهرة أنساب العرب ص ٢٨٤.

٧٦ - عدالة الصحابة

كتاب السيد العسكري: المصدر [معالم المدرستين (خلاصة)] ص ٧٤
المصدر الأم: الرازي في كتابه مقدمة المعرفة لكتاب الجرح والتعديل، الإصابة
١٨/١، خبر بيعة الشجرة: بيعة الرضوان في مغازي الواقدي ص ٥٨٨ وإمتاع
الأسماع للمقريزي ص ٢٨٤، مسند أحمد ٣٩٠/٥ و ٤٥٣ وصحيح مسلم:
١٢٢/٨ - ١٢٣ باب صفات المنافقين ومجمع الزوائد: ١١٠/١ و ١٩٥/٦ و

مغازي الواقدي ١٠٤٢/٣ وامتاع الأسماع للمقريزي: ٤٧٧ وفي تفسير ﴿وهموا بما لم ينالوا﴾ الآية ٧٤ من سورة التوبة بتفسير الدر المنثور للسيوطي ٢٥٨/٣ - ٢٥٩، البحار، ط المكتبة الإسلامية بطهران سنة (١٣٩٢ هـ) ١٠٦/٢٨، صحيح البخاري، كتاب التفسير، تفسير سورة المائدة، باب ﴿وكنتم عليهم شهداء ما دمت فيهم فلما توفيتني﴾ وكتاب الأنبياء، باب ﴿واتخذ الله إبراهيم خليلاً﴾، والترمذي، أبواب صفة القيامة باب ما جاء في شأن الحشر وتفسير سورة طه. البخاري، كتاب الرقاق، باب في الحوض ٩٥/٤، وكتاب الفتن باب ما جاء في قوله تعالى: ﴿وأتقوا فتنة لا تصيبن...﴾ الأنفال ٢٥ منه وابن ماجه كتاب المناسك باب البغطة يوم النحر، ح ٥٨٣٠ ومسند أحمد ٤٥٣/١ و ٢٨/٣ و ٤٨/٥، مستدرک الصحيحين: ١٢٩/٣، وكنز العمال ٩١/١٥، صحيح الترمذي ١٦٧/١٣ وحلية أبي نعيم ٢٨٤/٦، تاريخ بغداد ١٥٣/٢، الاستيعاب ٤٦٤/٢ والرياض النضرة ٢٨٤/٢ وتاريخ الذهبي ١٩٨/٢، مجمع الزوائد ١٣٣/٩.

٧٧- أمر كتاب وصية الرسول ﷺ

كتاب السيد العسكري: المصدر [معالم المدرستين (خلاصة)]
المصدر الأم: البخاري، كتاب العلم، باب كتابة العلم ٢٢/١ - ٢٣، صحيح البخاري كتاب الاعتصام بالكتاب والسنة باب كراهية الخلاف وباب قول المريض: قوموا عني من كتاب المرضي وفي باب مرض النبي من كتاب المغازي وبآخر باب ترك الوصية من كتاب الوصية من صحيح مسلم بسائر مصادره في كتاب عبدالله بن سبأ ١٠١/١.

٧٨ - الخليفة يعتقد بعدم وفاة الرسول ﷺ

كتاب السيد العسكري: المصدر [معالم المدرستين (خلاصة)] ص ٨٥
 المصدر الأم: مسند أحمد ٢١٩/٦ وسائر مصادره في عبدالله بن سبأ ١٠٢/١ -
 ١٠٣، الطبقات لابن سعد ٢ / ٢ ق ٥٤ / ٢ والطبري ١٨١٧/١ - ١٨١٨ وابن كثير
 ٢٤٣/٥ والسيرة الحلبية ٣٩٢/٣ وابن ماجه ح ١٦٢٧.

٧٩ - السقيفة وبيعة أبي بكر

كتاب السيد العسكري: المصدر [معالم المدرستين (خلاصة)] ص ٨٧
 المصدر الأم: الطبري في ذكره لحوادث سنة ١١ هـ ٤٥٦/٢، ٢ وط اوربا
 ١٨٣٨/١ وابن الأثير ١٢٥/٢ وتاريخ الخلفاء لابن قتيبة ٥/١ وأبوبكر
 الجوهري في كتابه السقيفة في ج ٢ من شرح ابن أبي الحديد، سيرة ابن هشام
 ٣٣٩/٤ في رواية الطبري ٢٠٨/٣ (وط، اوربا: ١٨١٨/١) وابن الأثير
 ١٢٣/٢ عن سيرة ابن هشام ٣٣٦/٤، ابن عدي في العقد الفريد ٢٥٨/٤
 وأبوبكر الجوهري في كتابه السقيفة برواية ابن أبي الحديد عنه في ١٣٢/١
 ويروي تفصيله في ص ٧٢ منه. والزيير بن بكار في الموفقيات ص ٥٧٧ - ٥٨٠
 و ٥٨٣ و ٥٩٢ كما يروي عنه ابن أبي الحديد في شرح النهج ٢/٢ - ١٦،
 الموفقيات أيضاً ص ٥٧٨ والرياض النضرة ١٦٤/١ وتاريخ الخميس ١٨٨/١
 ابن هشام ٣٤٠/٤ والطبري ٢٠٣/٣ (وط اوربا ١٨٢٩/١) وعيون الأخبار
 لابن قتيبة ٢٣٤/٢ والرياض النضرة ١٦٧/١ وابن كثير ٢٤٨/٥ والسيوطي في

تاريخ الخلفاء ص ٤٧ و كنز العمال ١٢٩/٣ ح ٢٢٥٣ والحلية ٢٩٧/٣
والبخاري في صحيحه ص ١٦٥ من ح ٤ كتاب البيعة عن أنس.

٨٠ - رأي مدرسة الخلفاء في الخلافة والإمامة

كتاب السيد العسكري: المصدر [معالم المدرستين (خلاصة)] ص ١١٩
المصدر الأم: البخاري، كتاب الحدود، باب رجم الحُبلى

٨١ - عصمة أهل البيت عليهم السلام

كتاب السيد العسكري: المصدر [معالم المدرستين (خلاصة)] ص ١٣٩
المصدر الأم: صحيح مسلم ١٣٠/٧ باب فضائل أهل بيت النبي ومستدرك
الصحيحين ١٤٧/٣ وسنن البيهقي ١٥٢/٢، ومسند أحمد ١٠٧/٤ ومستدرك
الصحيحين ٤١٦/٢ و ١٤٧/٣ ومجمع الزوائد ١٦٧/٩ وابن جرير والسيوطي
في تفسير الآية من تفسيريهما وأسد الغابة ٢٠/٢ وسنن الترمذي ٢٤٨/١٣
ومسند أحمد ٣٠٦/٦ وأسد الغابة ٢٩/٤ و ٢٩٧/٢ وتهذيب التهذيب ٢٩٧/٢
وتاريخ بغداد ١٢٦/٩ ومستدرك الصحيحين ٤١٦/٢ و ١٤٧/٣ وسنن البيهقي
١٥٠/٢ وأسد الغابة ٥٢١/٥ و ٥٨٩ ومسند أحمد ٣٩٢/٦.

٨٢ - الرسول ﷺ يعين أولى الأمر من بعده

كتاب السيد العسكري: المصدر [معالم المدرستين (خلاصة)] ص ١٤٢
المصدر الأم: صحيح البخاري، كتاب الأحكام باب كيف يبايع الإمام الناس ح ١،

١٦٣/٤، وصحيح مسلم كتاب الإمارة ح ٤ و ٤١ وسنن النسائي كتاب البيعة وسنن ابن ماجه كتاب الجهاد باب البيعة ح ٢٨٦٦ وموطأ مالك كتاب الجهاد باب الترغيب في الجهاد ج ٥ ومسند أحمد ٣١٤/٥ و ٣١٦ و ٣١٩ و ٣٢١ وراجع ٤١١/٤ منه واعلام النبلاء ٣/٢ وتهذيب ابن عساكر ٢٠٧/٧ - ٢١٩.

٨٣ - ﴿ وأنذر عشيرتك الأقربين ﴾

كتاب السيد العسكري: المصدر [معالم المدرستين (خلاصة)] ص ١٤٣
المصدر الأم: الطبري بتاريخه ط اوربا ١١٧١/٣ - ١١٧٢ وابن عساكر تحقيق المحمودي ج ١ من ترجمة الإمام وتاريخ ابن الأثير ٢٢٢/٢ وشرح ابن أبي الحديد ٢٦٣/٣ وتاريخ ابن كثير ٣٩/٣ وكنز العمال للمتقي ١٥/١٠٠ و ١١٥ و ١١٦ منه وفي ص ١٣٠ يكون أخي وصاحبي ووليكم بعدي، والسيرة الحلية نشر المكتبة الإسلامية بيروت ٢٨٥/١.

٨٤ - الوصية في الأمم السابقة

كتاب السيد العسكري: المصدر [معالم المدرستين (خلاصة)] ص ١٤٦
المصدر الأم: إثبات الوصية، للمسعودي، المطبعة الحيدرية، النجف الأشرف ص: ٧٠ - ٥.

٨٥ - علي عليه السلام وصي الرسول ﷺ

كتاب السيد العسكري: المصدر [معالم المدرستين (خلاصة)] ص ١٤٧

المصدر الأم: رواء الهيثمي عن الطبراني في المعجم الكبير ٢٢١/٦ ومجمع الزوائد ١١٣/٩ وسبط بن الجوزي في كتاب تذكرة خواص الأمة ص ٤٣. والرياض النضرة للمحب الطبري ٢٣٤/٢ وكنز العمال كتاب الفضائل، الفصل الثاني، فضائل علي بن أبي طالب ح ١١٩٢ الثانية ٢٠٩/٢.

٨٦- حديث عائشة يدل على أن علياً عليه السلام

كتاب السيد العسكري: المصدر [معالم المدرستين (خلاصة)] ص ١٦٠
المصدر الأم: صحيح مسلم شرح النووي كتاب الوصية ٨٩/١١ وصحيح البخاري كتاب المغازي باب مرض النبي ٦٥/٣ وكتاب الوصية باب الوصايا وفتح الباري ٢٩١/٦ ومسند أحمد ٣٢/٦.

٨٧- يوم الغدير

كتاب السيد العسكري: المصدر [معالم المدرستين (خلاصة)] ص ٢١٢
المصدر الأم: مجمع الزوائد ١٦٢/٩ - ١٦٣ و ١٦٥ وبعض ألفاظه في روايات الحاكم ١٠٩/٣ - ١١٠ وابن كثير ٢٠٩/٥ ومسند أحمد ١١٨/١ و ١١٩ و ٢٨١/٤ وسنن ابن ماجه ٤٣/١ ح ١١٦ و جاء (نعم) في مسند أحمد ٢٨١/٤ و ٣٦٨ و ٣٧٠ و ٣٧٢ وابن كثير ٢٠٩/٥ ولدى ابن كثير ٢١٠/٥ أيضاً «ألسنت أولى بكل امرئ من نفسه». الحاكم الحسكاني ١٩٠/١ - ١٩١ وابن كثير ٢٠٩/٥، مسند أحمد ١١٨/١ و ١١٩ و ٢٨١/٤ و ٣٧٠ و ٣٧٢ و ٣٧٣ و ٢٤٧/٥ و ٣٧٠ ومستدرك الحاكم ١٠٩/٣ وسنن ابن ماجه باب فضل علي والحاكم الحسكاني ١٩٠/١ و ١٩١ و تاريخ ابن كثير ٢٠٩/٥ و ٢١٠ و ٢١٣.

٨٨ - ولاية علي عليه السلام في القرآن الكريم

كتاب السيد العسكري: المصدر [معالم المدرستين (خلاصة)] ص ٢١٦
 المصدر الأم: تفسير الطبري ١٨٦/٦ وأسباب النزول للواحدي ١٣٣ - ١٣٤
 وشواهد التنزيل ١٦١/١ - ١٦٤ و ١٦٥ - ١٦٦ و ١٦٧ - ١٦٩ وأنساب الأشراف
 للبلاذري ح ١٥١ من ترجمة الإمام: ١ / الورقة ٢٢٥ وغرائب القرآن
 للنيسابوري بهامش الطبري: ١٦٧/٦ - ١٦٨ وتفسير السيوطي ٢٩٣/٢ - ٢٩٤.

٨٩ - عصمة الأئمة

كتاب السيد العسكري: المصدر [معالم المدرستين (خلاصة)] ص ٢٣٥
 المصدر الأم: الترمذي ١٩٩/١٣ مناقب أهل بيت النبي، وكنز العمال ٤٨/١،
 صحيح مسلم باب فضائل علي بن أبي طالب، ومسند أحمد ٣٦٦/٤ وسنن
 الدارمي ٤٣١/٢ وسنن البيهقي ١٤٨/٢ و ٣٠/٧ منه والطحاوي في مشكل
 الآثار ٣٦٨/٤، أسد الغابة ١٢/٢ والدر المنثور في تفسير آية المودة من سورة
 الشورى ومستدرك الصحيحين وتلخيصه ١٠٩/٣ وخصائص النسائي ٣٠
 ومسند أحمد ١٧/٣ وفي ص ١٤ و ٢٦ و ٥٩ منه أكثر تفصيلاً وطبقات ابن سعد
 ٢ / ٢ ق / ٢ ص ٢ وكنز العمال ٤٧/١ و ٤٨ وفي ٩٧ موجزاً.

٩٠ - عدد الأئمة

كتاب السيد العسكري: المصدر [معالم المدرستين (خلاصة)] ص ٢٣٧
 المصدر الأم: منتخب كنز العمال: ٣٢١/٥ وتاريخ ابن كثير ٢٤٩/٦ وتاريخ

الخلفاء للسيوطي ص ١٠ وكنز العمال ٢٦/١٣ والصواعق المحرقة ص ٢٨،
منتخب كنز العمال ٣١٢/٥، صحيح مسلم بشرح النووي ٢٠٢/١٢ والصواعق
المحرقة ص ١٨، مسند أحمد ٣٩٨/١ و ٤٠٦ ومستدرک الحاكم وتخليصه
للذهبي ١٠٥/٤ وفتح الباري ٣٣٩/١٦ مختصراً ومجمع الزوائد ١٩٠/٥
والصواعق ١٢ وكنز العمال: ٢٧/١٣ وفيض القدير في شرح الجامع الصغير
للمناوي ٤٥٨/٢ وابن كثير ٢٤٨/٦ - ٢٥٠ وينايع المودة للشی سلمان الحنفي
في الباب المائة: ٥٢٣ وإحياء علوم الدين للغزالي ٥٤/١ وحلية الأولياء ٨٠/١

٩١- اهتمام الرسول ﷺ والصحابة بجمع القرآن وتدوينه

كتاب السيد العسكري: المصدر [معالم المدرستين (خلاصة)] ص ٢٥٠
المصدر الأم: البخاري ١٢٠/٤ باب رجم الحُبلى من الزنا ومسلم ١١٦/٥ وسنن
أبي داود ٢٢٩/٢ باب في الرجم والترمذي ٢٠٤/٦ وابن ماجه باب الرجم
الحديث ٢٥٥٣ والدارمي: ١٧٩/٢ والموطأ ٤٢/٣ كتاب الحدود.

٩٢- حديث الرسول ﷺ وموقف المدرستين

كتاب السيد العسكري: المصدر [معالم المدرستين (خلاصة)] ص ٢٦٠
المصدر الأم: البخاري في صحيحه باب جوائز الوفد من كتاب الجهاد ١٢٠/٢
وباب اخراج اليهود من جزيرة العرب من كتاب الجزية ١٣٦/٢ ومسلم في
صحيحه ٧٥/٥ باب ترك الوصية. ومسند أحمد ٢٢٢/١ تحقيق محمد شاكر
الحديث ١٩٣٥ وطبقات ابن سعد ط. بيروت ٢٤٤/٢ وتاريخ الطبري ١٩٣/٣
وصحيح مسلم ٧٦/٥ وتاريخ الطبري ١٩٣/٣ وطبقات ابن سعد ٢٤٣/٢.

٩٣- التنازع في حضرة الرسول ﷺ

كتاب السيد العسكري: المصدر [معالم المدرستين (خلاصة)] ص ٢٦١
 المصدر الأم: طبقات ابن سعد ط. بيروت ٢/٢٤٣ - ٢٤٤ باب الكتاب الذي أراد
 أن يكتبه الرسول لأُمته ونهاية الإرب ١٨/٣٥٧ وكنز العمال ط ١، ٣/١٣٨
 و ٤/٥٢ سنن الدارمي ١/١٢٥ باب من رخص في الكتابة من المقدمة وسنن
 أبي داود ٢/١٢٦ باب كتابة العلم ومسنند أحمد ٢/١٦٢، ١٩٢، ٢٠٧ و ٢١٥
 ومستدرك الحاكم ١/١٠٥ - ١٠٦ وجامع بيان العلم وفضله لابن عبد البر ١/٨٥
 ط الثانية ط العاصمة بالقاهرة ١٣٨٨ هـ.

٩٤- منع كتابة سنة الرسول ﷺ

كتاب السيد العسكري: المصدر [معالم المدرستين (خلاصة)] ص ٢٦٣
 المصدر الأم: تذكرة الحفاظ للذهبي بترجمة أبي بكر ١/٢ - ٣، طبقات ابن سعد
 ٥/١٤٠ تذكرة الحفاظ ١/٧ بترجمة عمر، وتاريخ ابن كثير ٨/١٠٧ ومنتخب
 الكنز بهامش مسند أحمد ٤/٦٤، مخطوطة تاريخ مدينة دمشق لابن عساكر
 مصورة المجمع العلمي الإسلامي ٩/ق ٢/٢٣٦ باب ٢٣٧ باب شرف
 أصحاب الحديث: ٩١ وتذكرة الحفاظ للذهبي ١/٧، الطبري ٢/١١٢ - ١١٣ و
 ٢/٣٨ وابن الأثير ٣/١٠٢ وابن أبي الحديد في شرح النهج ٣/١٥ - ١٦.

٩٥- الاجتهاد

كتاب السيد العسكري: المصدر [معالم المدرستين (خلاصة)] ص ٢٨٣
 المصدر الأم: صحيح مسلم، باب صلاة المسافرين وقصرها ح ٣، والبخاري:
 ١/١٣٤ باب تقصير الصلاة، الفصل ٤/١٦١، الإصابة ٤/١٥١، المحلى لابن

حزم ٤٨٤/١٠ والجوهر النقي لابن التركماني الحنفي بذيّل سنن البيهقي ٥٨/٨ و ٥٩، هامش الصواعق ٢٠٩ وتاريخ ابن كثير ٢٢٣/٨.

٩٦- اجتهاد الخليفتين في الخمس

كتاب السيد العسكري: المصدر [معالم المدرستين (خلاصة)] ص ٣١٠
المصدر الأم: فتوح البلدان ٨٥/١ وسيرة ابن هشام ٢٥٨/٤ - ٢٥٩، سنن الترمذي: ٩٧/٣ و ١٢٥/٣.

٩٧- سهم ذي القربى

كتاب السيد العسكري: المصدر [معالم المدرستين (خلاصة)] ص ٣١٥
المصدر الأم: سيرة ابن هشام ٢٧٣/٤ - ٢٧٥ والإمتاع ٥٠٩، البخاري ٥٠/٣ ابن القيم بهامش شرح المواهب ١٢١/١، طبقات ابن سعد ٢٧٠/١.

٩٨- فدى

كتاب السيد العسكري: المصدر [معالم المدرستين (خلاصة)] ص ٣١٧
المصدر الأم: مجمع الزوائد ٣٩/٩، فتوح البلدان ٣٤/١ - ٣٥، مسند أحمد ٤/١ الحديث ١٤ وسنن أبي داود ٥٠/٣ كتاب الخراج وتاريخ ابن كثير ٢٨٩/٥ وشرح النهج ٨١/٤ والذهبي ٢٤٦/١ في تاريخه. والترمذي ١١١/٧ في سننه وطبقات ابن سعد ٣٧٢/٥ وابن كثير ٢٨٩.

٩٩- مُتعة الحج

كتاب السيد العسكري: المصدر [معالم المدرستين (خلاصة)] ص ٣٣٨
المصدر الأم: البخاري، كتاب الحج باب التمتع والقرآن والإفراد، فتح الباري: ١٦٨/٤ - ١٦٩

وصحيح مسلم الحديث ١٩٨ ومسند أحمد ١/٢٤٩ و ٣٣٢ و ٣٣٩ والنسائي كتاب الحج ٧٧ وسنن البيهقي ٤/٣٤٥ والمنتقى الحديث ٢٤٢٢ والطحاوي في مشكل الآثار ٣/١٥٥ وشرح معاني الآثار ١/٣٨١ في مناسك الحج.

١٠٠- مُتَعَةُ النِّسَاء

كتاب السيد العسكري: المصدر [معالم المدرستين (خلاصة)] ص ٣٤٨
المصدر الأم: تفسير القرطبي: ٢/٣٨٨ وتفسير الفخر الرازي ٢/١٦٧ و ٣/٢٠١
و ٢٠٢ وكنز العمال ٨/٢٩٣ و ٢٩٤ والبيان والتبيين للجاحظ ٢/٢٢٣، تفسير ابن كثير ١/٤٧٤، صحيح مسلم ١٠٢٢ ح ١٤٠٥ و ١٠٢٤ ح ١٤٠٦.

١٠١- الْأَثْمَةُ ﷺ يتوارثون العلم

كتاب السيد العسكري: المصدر [معالم المدرستين (خلاصة)] ص ٣٧٧
المصدر الأم: بصائر الدرجات: ٢٩٩، ٣٠٠ - ٣٠١ ح ٥ و ٧ و ١٠، ٢٩٠ باب في أمير المؤمنين عليه السلام: «إن النبي علمه العلم» والوسائل ط سنة (١٣٢٣ - ١٣٢٤) ج ٣ / ٣٩١ ح ١٩ ومستدرك الوسائل ط ١٣٢١ هـ ج ٣ / ١٩٢ ح ٢٨ عن تفسير العياشي.

١٠٢- كتاب الجفر ومصحف فاطمة ؑ

كتاب السيد العسكري: المصدر [معالم المدرستين (خلاصة)] ص ٣٨٤
المصدر الأم: بصائر الدرجات ١٦٠ و ١٥٦ و ١٥٧ و ١٥٨

**مصادر الدراسة عن التاريخ الإسلامي
والسيرة النبوية في دراسات
العلامة السيد مرتضى العسكري**

✍️ عبدالأمير اللامي

الباب الأول: المجتمع الجاهلي

المرحلة الأولى / قبل البعثة

الفصل الأول: الوضع السياسي

١ - النظام القبلي / القرآن الكريم وروايات المدرستين ١ / ٢٧ - ٣١

الفصل الثاني: الوضع الاقتصادي

١ - التجارة والإيلاف / القرآن الكريم وروايات المدرستين ١ / ٣٢ - ٣٣

٢ - الضرع والزرع / القرآن الكريم وروايات المدرستين ١ / ٣٤

٣ - الربا / القرآن الكريم وروايات المدرستين ١ / ٣٤ - ٣٦

٤ - الإكتساب ببغى الجواري / القرآن الكريم وروايات المدرستين
٢ / ٣٦ - ٣٧.

٥ - شطف العيش في الجاهلية / القرآن الكريم وروايات المدرستين
١ / ٣٧ - ٤٤.

الفصل الثالث: الوضع الاجتماعي

١ - حمية الجاهلية وحكمها / القرآن الكريم وروايات المدرستين
١ / ٥١ - ٥٢

- ٢- وآد البنات / المصدر أعلاه / ٤٤ - ٥٠
- ٣- حكام العرب / المصدر أعلاه / ٥٢
- ٤- شعراء العرب وأثر الشعر في الإنسان العربي / المصدر أعلاه / ٥٢ - ٥٩
- ٥- الكهانة / المصدر أعلاه / ٥٩ - ٦٣
- ٦- التفاؤل والتطير / المصدر أعلاه / ٦٣ - ٦٥
- ٧- الأزمات والميسر / المصدر أعلاه / ٦٥ - ٧٠
- ٨- بيع الطعام عيب في الجاهلية / المصدر أعلاه / ٧٠
- ٩- السرقة عيب والغارة فخر / المصدر أعلاه / ٧٠ - ٧٢
- ١٠- الخصومات / المصدر أعلاه / ٧٢
- ١١- السلب والنهب / المصدر أعلاه / ٧٢ - ٧٤
- ١٢- القوي يأكل الضعيف / المصدر أعلاه / ٧٤ - ٧٥
- ١٣- أسواق العرب - المصدر أعلاه / ٧٦

الفصل الرابع: الوضع الديني

- ١- الوثنية / القرآن الكريم وروايات المدرستين ١ / ٧٧ - ٧٨ وعقائد الإسلام ٢ / ٢٠٥ - ٢٠٦.
- ٢- عقائد العرب في الجن والغول والسحرة / المصدر أعلاه / ٧٩ - ٨١
- ٣- اليهودية والمسيحية / المصدر أعلاه / ٨١ - ٨٢
- ٤- تشريع الجاهليين في الأطعمة والأشربة / المصدر أعلاه / ٨٢ - ٨٤
- ٥- الأنكحة في الجاهلية / المصدر أعلاه / ٨٥ - ٨٩
- ٦- الأشهر الحرم في الجاهلية / المصدر أعلاه / ٨٩ - ٩١

الباب الثاني: آباء النبي ﷺ

الفصل الأول: آباء النبي ﷺ الأوائل

- ١ - آباء النبي ﷺ / عقائد الإسلام ٢ / ٢٠٣
- ٢ - إلياس بن مضر بن نزار بن معد بن عدنان / عقائد الإسلام ٢ - ٢٠٣
- ٣ - كنانة بن خزيمة بن مدركة بن مدركة بن إلياس بن مضر / عقائد الإسلام ٢ - ٢٠٤
- ٤ - كعب بن لؤي بن غالب بن فهر بن مالك بن النضر بن كنانة / عقائد الإسلام ٢ - ٢٠٤
- ٥ - موقف آباء النبي ﷺ من إنتشار عبادة الأصنام في مكة / عقائد الإسلام ٢ / ٢٠٥ - ٢٠٦

الفصل الثاني: قصي

- ١ - قصي بن كلاب بن مرة بن كعب / عقائد الإسلام ٢ / ٢٠٧
- ٢ - إهتمام قصي بأمر الحج والحجيج / عقائد الإسلام ٢ / ٢٠٧ - ٢٠٩
- ٣ - وفاة قصي / عقائد الإسلام ٢ / ٢١٠

الفصل الثالث: عبد مناف

- ١ - عبد مناف بن قصي - عقائد الإسلام ٢ / ٢١٠

الفصل الرابع: هاشم

- ١ - هاشم بن عبد مناف / عقائد الإسلام ٢ / ٢١٠ - ٢١٣
- ٢ - كيف عالج هاشم الاعتقاد بمكة / عقائد الإسلام ٢ / ٢١٣ - ٢١٥

الفصل الخامس: عبد المطلب

- ١ - عبد المطلب بن هاشم / عقائد الإسلام ٢ / ٢١٦ و ٢٢٧ - ٢٣٣
- ٢ - حفر بئر زمزم / عقائد الإسلام ٢ / ٢١٦ - ٢١٩
- ٣ - أبرهة الحبشي صاحب الفيل لما أراد هدم الكعبة، وموقف عبد المطلب من ذلك / عقائد الإسلام ٢ / ٢١٩ - ٢٢٦

الباب الثالث: النبي ﷺ

الفصل الأول: ولادته ﷺ

- ١ - عبد الله بن عبد المطلب / عقائد الإسلام ٢ / ٢٣٨
- ٢ - آمنة بنت وهب ؓ / عقائد الإسلام ٢ / ٢٣٨ و معالم المدرستين ١ / ٦٨.
- ٣ - ولادته ﷺ / سيرة المعصومين وأم المؤمنين خديجة / ٩ - ١٠

الفصل الثاني: رعاية الغيب له ﷺ

- ١ - إقتران ملك عظيم به ﷺ / معالم المدرستين ١ / ٥٦

الفصل الثالث: كفالة عبد المطلب له ﷺ

- ١ - عبد المطلب في ولادة النبي ﷺ / عقائد الإسلام ٢ / ٢٢٦ - ٢٢٧
- ٢ - عبد المطلب ورعايته له ﷺ / عقائد الإسلام ٢ / ٢٢٧ - ٢٢٩

- ٣ - وصية عبد المطلب ﷺ لأبي طالب بالنبي ﷺ / عقائد الإسلام ٢٢٩/٢ - ٢٣١

الفصل الرابع: كفالة أبي طالب له ﷺ

- ١ - أبوا النبي ﷺ، أبو طالب وعبد الله ابنا عبد المطلب / عقائد الإسلام ٢٢٨/٢
 ٢ - كافل النبي أبو طالب / عقائد الإسلام ٢ / ٢٢٨ - ٢٣٩ ودور الأئمة في إحياء الدين ١ / ١٩٦.
 ٣ - سيرة أبي طالب / عقائد الإسلام ٢ - ٢٣٩ - ٢٤٠
 ٤ - عقيدة أبي طالب / عقائد الإسلام ٢ / ٢٤٠
 ٥ - كفالة أبي طالب للنبي ﷺ / عقائد الإسلام ٢ / ٢٢٩ - ٢٣١ ودور الأئمة في إحياء الدين ١ / ١٩٦

الفصل الخامس: السفر الى الشام

- ١ - خروجه ﷺ مع عمّه الى الشام / معالم المدرستين ١ / ٥٧ ودور الأئمة في إحياء الدين ١ / ١٩٦.
 ٢ - خروجه ﷺ في تجارة للسيدة خديجة ﷺ / معالم المدرستين ١ / ٥٧ ودور الأئمة في إحياء الدين ١ / ١٩٨.

الفصل السادس: زواجه ﷺ

- ١ - الزواج من خديجة ﷺ / سيرة المعصومين والسيدة أم المؤمنين / ص ١١ - ١٢.
 ٢ - تزويج رقية أو أم كلثوم وزينب - القرآن الكريم وروايات المدرستين ١ / ٤٣ - ٤٤.

الفصل السابع: كفالته ﷺ لعلي ﷺ

١ - كفالة النبي ﷺ للإمام علي ﷺ / القرآن الكريم وروايات المدرستين ١ / ٤٣ وسيرة المعصومين وأم المؤمنين خديجة ص ١٢ - ١٤ وقيام الأئمة بإحياء السنة ١ / ١١٠ - ١١٢.

٢ - رعاية النبي للإمام علي ﷺ ومعالم المدرستين ١ / ٥٦ - ٥٧.

٣ - ملازمة الامام علي ﷺ للنبي ﷺ / معالم المدرستين ١ / ٥٦ - ٥٧.

الفصل الثامن: مجاورته في غار حرّاء

١ - المجاورة في غار حرّاء / معالم المدرستين ١ / ٥٧

٢ - علي ﷺ مع النبي ﷺ في الغار / معالم المدرستين ١ / ٥٧

الباب الرابع: البشارات

الفصل الأول: الأخبار

١ - إخبار الرهبان في الشام بأمر بعثته / معالم المدرستين ١ / ٥٧

٢ - إخبار أهل الكتاب بظهوره ﷺ / معالم المدرستين ١ / ٥٧

٣ - خبره ﷺ في التوراة / معالم المدرستين ١ / ٥٧

٤ - تبشير المسيح ﷺ به ﷺ / معالم المدرستين ١ / ٥٨

٥ - في صومعة الراهب بحيرا / دور الأئمة في إحياء الدين ١ / ١٩٦

٦ - بحيرا وأمر الرسول ﷺ / دور الأئمة في إحياء الدين ١ / ١٩٧

٧ - بحيرا وأبو طالب بعد اللقاء بالرسول ﷺ / دور الأئمة في إحياء الدين ١ / ١٩٧.

٨ - قصة سلمان الفارسي وانتظاره لخروج الرسول ﷺ / دور الأئمة في إحياء

الدين ١ / ١٩٩ - ٢٠٠

٩ - قدوم أبي الهيثبان اليهودي السوري الى الشام / دور الأئمة في إحياء الدين
١ / ٢٠١ - ٢٠٢.

١٠ - الزيد بن باطا / دور الأئمة في إحياء الدين ١ / ٢٠٢

١١ - الحبر اليهودي مخيريق / دور الأئمة في إحياء الدين ١ / ٢٠٢

١٢ - يهود بني قريضة والرسول ﷺ قبل مبعثه / دور الأئمة في إحياء
الدين ١ / ٢٠٣.

الفصل الثاني: الكرامات

١ - الاستشفاع برسول الله قبل أن يخلق / معالم المدرستين ١ / ٤٨ - ٤٩

٢ - تضليل السحابة له ﷺ / معالم المدرستين ١ / ٥٧

٣ - أخبار أخرى رويت في كتب السير والحديث بهذا الشأن / معالم
المدرستين ١ / ٥٧

٤ - تسليم الشجر والحجر عليه ﷺ / معالم المدرستين ١ / ٥٨

الفصل الثالث: خاتم النبوة

١ - خاتم النبوة على كتف الرسول ﷺ / معالم المدرستين ١ / ٥٧

المرحلة الثانية: البعثة - العهد المكي

الباب الأول: بدء نزول الوحي

الفصل الأول: نزول الوحي على رسول الله ﷺ

١ - نزول الوحي / معالم المدرستين ١ / ٥٢ و ٥٥ و ٥٧ - ٥٨ وأحاديث

عائشة ٢ - ٢٤٧ - ٢٩٢ ودور الأئمة / ص ١٧٩ - ١٩٥.

الفصل الثاني: ردود فعل النبي ﷺ

- ١ - ردود فعل النبي ﷺ / معالم المدرستين ١ / ٥٦ - ٥٧ وأحاديث عائشة
٢ / ٢٨٩ - ٢٩٢.

الفصل الثالث: أول المؤمنين بالرسول ﷺ

- ١ - أول من آمن علي عليه السلام وخديجة / معالم المدرستين ١ / ٥٦ - ٥٧ وقيام
الأئمة ١ - ١١٠ - ١١٢ وسيرة المعصومين الأربعة عشر / ص ١٣.

الباب الثاني: بدء الدعوة**الفصل الأول: دعوة الأقرباء**

- ١ - وأنذر عشيرتك الأقربين / معالم المدرستين ١ / ٢٦٩ - ٢٧١ و
٤٠٢-٤٠٥ والقرآن وروايات المدرستين ١ / ١١٠ - ١١١ وأحاديث عائشة
٢ / ٢٩٣ - ٢٠٦.

الفصل الثاني: الدعوة العامة

- ١ - الدعوة العامة / القرآن الكريم وروايات المدرستين ١ / ١١٢ - ١١٣

الفصل الثالث: مواجهة قريش

- ١ - مواجهة قريش للنبي والقرآن - القرآن وروايات المدرستين ١ / ١١٥ -
١٢٨.
٢ - أبو ذر الغفاري / معالم المدرستين ١ / ٤٥٧ - ٤٦٠ وأحاديث عائشة ١ /
٣٠٠ وعبد الله بن سبأ ١ / ٣٦ - ٣٧ ودور الأئمة / ٨٩ - ٩٢.

- ٣ - عمار بن ياسر / أحاديث عائشة ١ / ١٣٠ وقيام الأئمة ١ / ١٠٥ - ١٠٩ وعبد الله بن سبأ / ٢٧ وخمسون ومائة صحابي ١ - ٢٧٥
- ٤ - هند بنت أبي سفيان / أحاديث عائشة ١ / ٢٧١ - ٢٨١
- ٥ - معاوية بن أبي سفيان / أحاديث عائشة ١ / ٢٧١ - ٢٩١ وقيام الأئمة ١ / ١٠٩ - ١١٠

الفصل الرابع: اسطورة الغرائق

- ١ - اسطورة الغرائق / أحاديث عائشة ١ / ٣٣٦ - ٣٣١ ودور الأئمة / ٢١٧ - ٢٦٧.

الفصل الخامس: عرض النبي ﷺ نفسه على القبائل

- ١ - عرض النبي ﷺ نفسه على القبائل / معالم المدرستين ١ / ٢١٦ - ٢١٧
- ٢ - طلب أحد بني عامر الأمر من بعد الرسول ﷺ / معالم المدرستين ١ / ٢١٦ - ٢١٧.
- ٣ - أمر هوزة ودعوة النبي ﷺ له وطلب الأمر بعد النبي ﷺ له / معالم المدرستين ١ / ٢١٧.

الباب الثالث: الهجرة الى المدينة

الفصل الأول: إرسال مصعب الى المدينة

- ١ - إرسال مصعب الى المدينة / معالم المدرستين ١ / ٦٨ و ١٩٦

الفصل الثاني: بيعة العقبة

- ١ - بيعة العقبة الأولى / معالم المدرستين ١ / ٦٨ و ١٩٦
- ٢ - بيعة العقبة الثانية / معالم المدرستين ١ / ١٩٦

الفصل الثالث: الهجرة الى المدينة

- ١ - الهجرة الى المدينة / معالم المدرستين ١ / ٦٨

العهد المدني**الباب الأول: بدايات تأسيس الدولة****الفصل الأول: الوصول الى المدينة**

- ١ - الوصول الى المدينة / معالم المدرستين ١ / ٦٨

الفصل الثاني: بناء المسجد

- ١ - بناء مسجد النبي ﷺ / أحاديث عائشة ١ / ١٣١

الفصل الثالث: المواخاة

- ١ - المواخاة بين المسلمين / خمسون ومائة صحابي ١ / ٦١

الفصل الرابع: تنظيم الحياة

- ١ - تنظيم الحياة / خمسون ومائة صحابي مختلق ١ / ٦١

الفصل الخامس: العهد مع اليهود

- ١ - العهود والمواثيق مع اليهود / معالم المدرستين ١ / ٦٨ والقرآن وروايات المدرستين ١ / ١٥٣.

الباب الثاني: استقرار الدولة

الفصل الأول: الحروب والغزوات والسرايا

- ١ - غزوة بدر / معالم المدرستين ١ / ٢٢٧ - ٢٣٠ و ٣٩٦ - ٣٩٧
٢ - غزوة أحد / معالم المدرستين ١ / ٢٣٠ - ٢٣٣ وقيام الأئمة ١ / ٧٩
٣ - غزوة الخندق / معالم المدرستين ١ / ٣٣٣ - ٣٣٦
٤ - من استخلفهم النبي ﷺ على المدينة في غزواته / معالم المدرستين ١ / ٢٧٣ - ٢٨١
٥ - استخلاف علي في غزوة تبوك / معالم المدرستين ١ / ٢٧٩ - ٢٨١
٦ - فتح مكة / عقائد الإسلام ١ / ٢٦٨ ودور الأئمة ١ / ٤٦
٧ - بعث علي ﷺ إلى اليمن / قيام الأئمة ١ / ٨١ - ٨٢
٨ - معركة خيبر / معالم المدرستين ١ / ٤٣
٩ - صلح الحديبية / معالم المدرستين ١ / ٤٤ - ٤٦
١٠ - نزول المسلمين بتبوك بالحجر / معالم المدرستين ١ / ٦٤
١١ - بيعة الشجرة / معالم المدرستين ١ / ١٢٤ - ١٩٨

الفصل الثاني: الكفار

- ١ - معاوية بن أبي سفيان / معالم المدرستين ١ / ٣٩٩ - ٤٠٠ وأحاديث عائشة ١ / ٢٧١ - ٢٩١.
٢ - هند زوجة أبي سفيان / معالم المدرستين ١ / ٣٦٧ وأحاديث عائشة ١ /

- ٢٧١ - ٢٩١ وخمسون ومائة صحابي ٢ / ١٩٤.
- ٣ - تبليغ آيات من سورة براءة / معالم المدرستين ١ / ٢٠٦ - ٢٠٨ و ٥٠٢ -
- ٥٠٤ وقيام الأئمة ١ / ٧٤ - ٧٩ ودور الأئمة ١ / ٤٩ - ٥٧
- ٤ - الأسود العنسي / معالم المدرستين ١ / ٤٣٥ وعبد الله بن سبأ ١ / ١٣٦ - ١٣٧.
- ٥ - عبد الله بن أبي سرح أخو عثمان / أحاديث عائشة ١ / ١٣٧

الفصل الثالث: الأصحاب

- ١ - بيعة الشجرة / معالم المدرستين ١ / ١٢٤ - ١٩٨
- ٢ - تعصب الصحابة القرشيين والأنصار / القرآن وروايات المدرستين ١ / ١٤٢ - ١٤٦.
- ٣ - الشجار على ماء العريسيق / القرآن وروايات المدرستين ١٤٦ وخمسون ومائة صحابي ١ / ٦٢ - ٦٣.
- ٤ - القرآن والصحابة / القرآن وروايات المدرستين ١ / ٢٣٨.
- ٥ - أحاديث الرسول لأصحابه / قيام الأئمة ١ / ١٠٣ - ١٠٤.
- ٦ - أصحاب الرسول / عبد الله بن سبأ ١ / ٣٧ - ٤٠ و ٢ / ٢٦٥ - ٢٩٦ و ١٩٣.

الفصل الرابع: المنافقين

- ١ - رأس الخوارج ذو الخويصرة / معالم المدرستين ١ / ٩٣.
- ٢ - المنافقين / معالم المدرستين ١ / ١٢٤ و ١٢٦ و ١٢٩ و ١٣٤.
- ٣ - محاولة اغتيال الرسول ﷺ في العقبة / معالم المدرستين ١ / ١٢٥ و ٢٦٥.
- ٤ - عبد الله بن أبي / معالم المدرستين ١ / ٤٩٥ - ٤٩٧.

- ٥ - مسجد ضرار / القرآن وروايات المدرستين ١ / ١٤٦.
- ٦ - الشجار على ماء المريسيع / القرآن وروايات المدرستين ١ / ١٤٦ وخمسون ومائة صحابي ١ / ٦٢ - ٦٣.
- ٧ - القرآن والمنافقين / القرآن وروايات المدرستين ١ / ٢٣٨.

الفصل الخامس: زوجات النبي ﷺ

- ١ - عائشة زوج النبي ﷺ / أحاديث عائشة ١ - ٢٧
- ٢ - موقف عائشة من ذكر خديجة ﷺ / أحاديث عائشة ١ / ٧٣ - ٧٤
- ٣ - موقف عائشة من ذكر فاطمة ﷺ / أحاديث عائشة ١ / ٧٤ و ٧٦ و ٧٧
- ٤ - موقف عائشة من ذكر علي ﷺ / أحاديث عائشة ١ / ٧٥
- ٥ - كلاب الحوآب / أحاديث عائشة ١ / ١٨٢ و ١٨٦ وعبد الله ابن سبأ ١ / ٢٠٦ - ٢١٠
- ٦ - بحث التحريم / أحاديث عائشة ٢ / ٢١ - ٩٢
- ٧ - بحث التخيير / أحاديث عائشة ٢ / ٢١ - ٩٢
- ٨ - المسابقة والتميم والتخيير والافك / أحاديث عائشة ٢ / ١٨٥ - ١٨٧
- ٩ - صفية زوج النبي / أحاديث عائشة ١ / ٣٤ - ٣٥
- ١٠ - مارية القبطية / أحاديث عائشة ١ / ٦٥ - ٧٢
- ١١ - زينب بنت جحش / عقائد الإسلام ١ / ٢٥٢ - ٢٥٧
- ١٢ - حكمة تعدد الزوجات للنبي / أحاديث عائشة ١ / ٤٧ و ٤٥ و ٥٩ و ٦٢
- ١٣ - مؤاخذه المتشرفين على الزواج المبكر / أحاديث عائشة ١ / ٦٢ - ٦٣.
- ١٤ - القرآن وزوجات النبي ﷺ / القرآن وروايات المدرستين ١ / ٢٤١ - ٢٤٢.
- ١٥ - نزول آية الحجاب / مع الدكتور الورددي .

الفصل السادس: أهل بيت الرسول ﷺ

- ١ - أهل بيتي كسفينة نوح / معالم المدرستين ١ / ٤٩٨
- ٢ - حديث عترتي أهل بيتي / معالم المدرستين ١ / ٥٢٤ وقيام الأئمة ٨١ / ١
- ٣ - الخمس في أحاديثه وكتبه وإخراجه / معالم المدرستين ١٣٧ - ١٦١ / ٢
- ٤ - تحريم الصدقة على الرسول وذوي القربى / معالم المدرستين ١٦٢ / ٢
- ٥ - القرآن وأهل البيت / القرآن وروايات المدرستين ١ / ٢٣٨
- ٦ - آية التطهير / معالم المدرستين ١ / ٢٦٢ - ٢٦٨ وقيام الأئمة ٩٤ - ٩٦ / ١

الفصل السابع: علي ومنزلته عند النبي ﷺ

- ١ - الخطبة القاصعة / معالم المدرستين ١ / ٥٦ - ٥٧ وأحاديث عائشة ٢٣٩ / ٢
- ٢ - تبليغ آيات من سورة براءة / معالم المدرستين ١ / ٢٠٦ - ٢٠٨ و ٥٠٢ - ٥٠٤ وقيام الأئمة ١ / ٧٤ - ٧٩ ودور الأئمة ١ - ٤٩ - ٥٧
- ٣ - استخلاف علي في غزوة تبوك / معالم المدرستين ١ / ٢٧٩ - ٢٨١
- ٤ - مناجاة الرسول لعلي / معالم المدرستين ١ / ٣٣٣
- ٥ - منزلة علي من الرسول ﷺ / معالم المدرستين ١ / ٣٣٢
- ٦ - تسميته ﷺ لعلي بأبي تراب / معالم المدرستين ١ / ٣٦٣
- ٧ - حديث المنزلة / معالم المدرستين ١ / ٥٠٤ وقيام الأئمة ١ / ٦٣
- ٨ - حديث مدينة العلم / معالم المدرستين ١ / ٥٠٧
- ٩ - حديث الغدير / معالم المدرستين ١ / ٥٢٣ وقيام الأئمة ١ / ١٠٠

- ١٠ - حديث الرسول لعلي أتيت ثلاثاً / قيام الأئمة ١ / ٨٢
- ١١ - عمارة الرسول السحاب / عبد الله بن سبأ ٢ / ٢٢٢ - ٢٤٢
- ١٢ - حديث الطير / قيام الأئمة ١ / ١٠٠

الفصل الثامن: الحسنان

- ١ - ما جاء في حق الحسن والحسين عليهما السلام / معالم المدرستين ١ / ٥١٥ - ٥١٨ وقيام الأئمة ١ / ٨٣.
- ٢ - أحاديث قتل الشهيد أبي عبد الله / معالم المدرستين ٣ / ٣١ / ٤٤.

الفصل التاسع: المهدي (عجل الله تعالى فرجه)

- ١ - أحاديث الرسول ﷺ عن المهدي / معالم المدرستين ١ / ٥١٩ - ٥٢٢ وقيام الأئمة ١ / ٨٢.

الفصل العاشر: أولي الأمر

- ١ - آية أولي الأمر منكم / معالم المدرستين ١ / ٤٩٧.
- ٢ - النص على عدد الأئمة / معالم المدرستين ج ١.
- ٣ - تعيين الرسول لأولي الأمر من بعده / معالم المدرستين ١ / ٢٦٩ - ٢٧١.

الفصل الحادي عشر: أحواله عليه السلام

- ١ - التبرك بآثار النبي / معالم المدرستين ١ / ٤٣ - ٤٧.
- ٢ - الاستشفاع بالنبي ﷺ / معالم المدرستين ١ / ٤٩.
- ٣ - غضب النبي وسبابه ولعنه / معالم المدرستين ١ / ٥٣ - ٥٦ و ٣٩٩ - ٤٠٢ وأحاديث ٢ / ٢٣٠ ودور الأئمة ١ - ١٢٦ - ١٤٦

- ٤ - سحر اليهود / معالم المدرستين ٥٣ و ٥٦.
- ٥ - مرور النبي بقوم يلقحون النخيل / معالم المدرستين ١ / ٥٣ - ٥٥ وأحاديث عائشة ٢ / ٢٢٢ ودور الأئمة ١ / ١٢٦ - ١٤٦.
- ٦ - سماع النبي ﷺ للغناء / معالم المدرستين ١ / ٥٤ و ٥٥ وأحاديث عائشة ٢ / ٢١٨ - ٢٢٠.
- ٧ - تصحيح قراءة القرآن للنبي / معالم المدرستين ١ / ٥٤ - ٥٥ وأحاديث ٢ / ٢٢٢ ودور الأئمة ١ / ١٢٦ - ١٤٦.
- ٨ - النبي على لسان علي في الخطبة القاصعة / معالم المدرستين ١ / ٥٦ - ٥٧ وأحاديث ٢ / ٢٣٩.
- ٩ - حج النبي / معالم المدرستين ١ / ٤٤ - ٤٦.
- ١٠ - زيارة النبي لقبر أمه وبكائه عليها / معالم المدرستين ١ / ٦٨.
- ١١ - نعي النبي ﷺ لجعفر وزيد وعبد الله بن رواحة وبكائه على جعفر معالم المدرستين ١ / ٧٥ - ٧٧.
- ١٢ - بكائه على ابنه إبراهيم / معالم المدرستين ١ / ٧٥ - ٧٧.
- ١٣ - بكائه ﷺ على حمزة عمه / معالم المدرستين ١ / ٧٧.
- ١٤ - عبادته ﷺ ليلاً / أحاديث عائشة ١ / ٣٢ - ٣٣.
- ١٥ - موقف النبي ﷺ من الحياة الدنيا / مع الدكتور الوردى / ص ٩ - ١٠.

الفصل الثاني عشر: أمواله ﷺ

- ١ - ما وهب الأنصار من أراضيهم للرسول / معالم المدرستين ٢ / ١٧١.
- ٢ - أراضي بني النضير وخيبر وفدك ووادي القرى / معالم المدرستين ٢ / ١٧١ - ١٧٦.

الفصل الثالث عشر: رسائله ﷺ

- ١ - رسالته إلى المقوقس / أحاديث عائشة ١ / ٦٦
- ٢ - كتابة النبي إلى المنذر بن ساوة / القرآن ١ / ٢١٦
- ٣ - إرسال رسالة الملك فارس / قيام الأئمة ١ / ٣٢ - ٣٣
- ٤ - رسائل النبي وكتبه / معالم المدرستين ٢ / ١٣٧ - ١٦١
- ٥ - رسالته ﷺ لخسرو برويز ملك الفرس / دور الأئمة / ص ٢١ - ٢٢

الفصل الرابع عشر: القرآن وجمعه

- ١ - جمع القرآن في عهد النبي ﷺ / معالم المدرستين ٢ / ٣٥ والقرآن ١ / ١٧٧.
- ٢ - سياسة الرسول في أمر قراءة القرآن / القرآن الكريم ١ / ١٣٠ - ١٤١
- ٣ - تدوين القرآن / القرآن وروايات المدرستين ١ / ٢٠٥

الفصل الخامس عشر: السنة

- ١ - تدوين الحديث ومنعه في زمن الرسول / معالم المدرستين ١ / ٣٥٢ و ٢ / ٤٧ - ٤٩ ودور الأئمة / ص ٧٤ - ٧٦ و ١٠٠ و ٨٣ - ٨٤

الفصل السادس عشر: الردة

- ١ - الردة في عصر الرسول / ابن سبأ ١ / ١٦٨

الباب الثالث: إرهاصات الرحلة

الفصل الأول: حجة الوداع

- ١ - حجة الوداع / معالم المدرستين ١ / ٥٢٤ وقيام الأئمة ١ / ٨١.

الفصل الثاني: بعثة أسامة

- ١ - عقد الرسول ﷺ اللواء لمولاه لأسامة بن زيد / معالم المدرستين ١/ ١٣٩ و ٢/ ٩٨ - ١٠٠ وابن سبأ ١/ ٨٤ - ٨٦

الفصل الثالث: مرض النبي ﷺ

- ١ - صلاة أبي بكر في مرض الرسول ﷺ / أحاديث عائشة ٢/ ١٩٦
- ٢ - ما روي عنها في مرضه ﷺ / أحاديث عائشة ٢/ ١٨٨ - ١٩٢

الفصل الرابع: الدواة والقرطاس

- ١ - حديث الدواة والصحيفة / معالم المدرستين ١/ ١٤٠ و ٢/ ٤٧ ودور الأئمة ١٠٩
- ٢ - موقف عمر في كتابة الوصية / معالم المدرستين ١/ ١٤١ - ١٤٢ و ٢/ ٤٨.
- ٣ - روايات عائشة عندما أراد النبي ﷺ أن يكتب لأبي بكر / أحاديث عائشة ٢/ ١٩٨.

المرحلة الثالثة: ما بعد البعثة

الباب الأول: رحلة الرسول

الفصل الأول: وفاة الرسول ﷺ

- ١ - وفاة الرسول ﷺ / معالم المدرستين ١/ ١٥١ وعبد الله بن سبأ ١/ ١٠٠.
- ٢ - أحاديث عائشة ورواياتها في وفاة الرسول ﷺ / معالم المدرستين ١/ ٢٢٥ - ٣٣٥ وأحاديث عائشة ١/ ١٨٨ - ١٩٢.

الفصل الثاني: وفاة الرسول ﷺ على صدر علي عليه السلام

١ - وفاة الرسول علي صدر علي عليه السلام / معالم المدرستين ١ / ٣٢٩ - ٣٣٢

الفصل الثالث: تغسيله وتكفينه

١ - تغسيل الرسول وتكفينه عليه السلام / عبد الله بن سبأ ١ / ١٠٩ - ١١٠ وأحاديث عائشة ١ / ٢٠٠ - ٢٠٥.

الفصل الرابع: دفنه ﷺ والصلاة عليه

١ - دفنه والصلاة عليه عليه السلام / معالم المدرستين ١ / ١٥١ - ١٥٣ وعبد الله بن سبأ ١ / ١٢٣ - ١٢٤.

الفصل الخامس: موقف عمر في وفاة الرسول ﷺ

١ - موقف عمر في وفاة الرسول / معالم المدرستين ١ / ١٤١ - ١٤٢ وعبد الله بن سبأ ١ / ١٠١ - ١٠٧.

الفصل السادس: الأصحاب في وفاة الرسول ﷺ

١ - رجوع أبي بكر من السنع / دور الأئمة ١ / ١١٤ - ١١٩
٢ - ترك الرسول والذهاب الى سقيفة بني ساعدة / معالم المدرستين ١ / ١٤٢.

الباب الثاني: وصية الرسول ﷺ

الفصل الأول: الوصية في الأمم السابقة

١ - وصيته في الأمم السابقة / معالم المدرستين ١ / ٢٨٣ - ٢٨٧ و ٤٩٠

الفصل الثاني: عصمة أهل البيت ﷺ

١ - عصمة أهل البيت والآيات النازلة في ذلك / معالم المدرستين ١ / ٢٦٨

الفصل الثالث: اهتمام الرسول ﷺ بالأمر من بعده

١ - اهتمام الرسول بأمر تعيين أولي الأمر من بعده / معالم المدرستين ١ / ٢٦٩

٢٨١ - ٤٧٢ و ٤٩٠

الفصل الرابع: وصي الرسول ﷺ ووزيره

١ - وصي الرسول ﷺ ووزيره وولي عهده وخليفته من بعده / معالم المدرستين

١ / ٢٨٨ - ٣٠٤

الفصل الخامس: وجه الشبه في تعيين الوصي

١ - ما أشبه تعيين الوصي في هذه الأمة بتعيين الوصي في أمة موسى / معالم

المدرستين ١ / ٤٩٠ - ٤٩٣

الفصل السادس: شهرة وصي النبي ﷺ

١ - اشتهاه لقب الوصي للإمام علي عليه السلام / معالم المدرستين ١ / ٣٠٤ - ٣٢٤

الفصل السابع: الولاية وأولو الأمر في القرآن

- ١ - الإمام علي وبنوه مبلغون عن الرسول ﷺ / معالم المدرستين ٥٤٦-٤٩٣/١.

الفصل الثامن: كتمان الوصية

- ١ - مدرسة الخلفاء تبذل جهوداً كبيرة في سبيل كتمان أخبار الوصية وتأويل ما انتشر منها / معالم المدرستين ١ / ٢٢٥ - ٤٧٣ وأحاديث عائشة ٢ / ١٨٨ - ٢٠٦.

الباب الثالث: السقيفة

الفصل الأول: السقيفة وأحداثها

- ١ - السقيفة / معالم المدرستين ١ / ١٤٢ - ١٥٠ و ٢١٨ - ٢١٩ و ٢٥٥ - ٢٥٧ وعبد الله بن سبأ ١ / ٩١ - ١٠٠ و ١٠٨ - ١٠٩ ومائة وخمسون صحابي ١ / ٦٣ - ٦٥.

الفصل الثاني: المرشحون للبيعة

- ١ - المرشحون للبيعة والنبي مسجى في بيته ﷺ / عبد الله بن سبأ ١ / ١١٠ - ١٢٠ ومعالم المدرستين ١ / ١٤٣ - ١٥٠.

الفصل الثالث: انتخاب أبي بكر

- ١ - انتخاب أبي بكر / معالم المدرستين ١ / ١٤٧ - ١٥٠ وعبد الله بن سبأ ١ / ١١٨ - ١٢١.

الفهرس

مقدمة المجمع العالمي لأهل البيت <small>عليه السلام</small>	٥
--	---

حوارات حول العلامة العسكري: حاورهم صادق جعفر الزوازي

الشيخ وحيد الأحمدي دام عزّه	٩
الشيخ جعفر السبحاني	١٩
الشيخ محمد علي التسخيري	٢٣
الشيخ محمد علي جاودان	٢٩
السيد فخر الدين الموسوي	٥٣
الشيخ مهدي العطار	٥٧
الأستاذ عبدالرسول العباي	٦٣
السيد محمود الميالي	٦٩

العلامة العسكري في مصادر التوثيق: صادق جعفر الزوازي

هذا الكتاب	٧٥
منهجية العمل	٧٥
المقدمة	٧٧
العسكري ومعالم السيرة	٨١

الانجازات العلمية للعلامة العسكري	٨٥
أولاً: محاولة ادخال درس التفسير في حوزة قم	٨٦
ثانياً: محاولة انشاء مدرسة حوزوية جديدة في سامراء	٨٧
ثالثاً: تأسيس مدرسة متندي النشر في الكاظمية	٨٧
رابعاً: الاتفاق مع المرجع السيد البروجردي على انشاء مدرسة في قم	٨٨
خامساً: مدرسة الامام الكاظم (ع) في الكاظمية	٨٩
سادساً: مدارس أخرى في بغداد وغيرها	٨٩
سابعاً: كلية اصول الدين في بغداد	٩٠
ثامناً: المجمع العلمي الاسلامي	٩٠
تاسعاً: كلية أصول الدين في طهران وقم وديزفول	٩٠
النشاط الاجتماعي عند العلامة العسكري	٩١
العلامة العسكري والتحريك السياسي	٩٣
فهرس المؤلفين	٩٧
غياب العسكري من مصادر ذوي القربى	٢٦٩
خلاصة فهرس المؤلفين	٢٧٨
فهرس الموضوعات	٢٨٢

مصادر الدراسة عن الشبهات العقائدية واجوبتها في

كتب العلامة السيد مرتضى العسكري: صادق جعفر الزوازي

١- التبرك بآثار النبي	٢٩٧
٢- التبرك ببصاق النبي ﷺ	٢٩٧
٣- التبرك بوضوء النبي ﷺ	٢٩٧
٤- التبرك بنخامة النبي ﷺ	٢٩٧

- ٢٩٨ ٥- التبرك بشعر النبي ﷺ
- ٢٩٨ ٦- التبرك بلباس النبي ﷺ
- ٢٩٨ ٧- التبرك بسهم النبي ﷺ
- ٢٩٨ ٨- التبرك بموضع كف النبي ﷺ
- ٢٩٩ ٩- الاستشفاع برسول الله ﷺ
- ٢٩٩ ١٠- التوسل بالنبي ﷺ قبل أن يُخلق
- ٢٩٩ ١١- التوسل بالنبي ﷺ في حياته
- ٣٠٠ ١٢- التوسل بالنبي ﷺ بعد وفاته
- ٣٠٠ ١٣- الاستشفاع والتوسل بقبر النبي ﷺ
- ٣٠٠ ١٤- الاستشفاع بالعباس عم النبي ﷺ
- ٣٠٠ ١٥- الاستشفاع بلباس النبي ﷺ
- ٣٠١ ١٦- البداء
- ٣٠١ ١٧- البداء في روايات أهل البيت ﷺ
- ٣٠١ ١٨- استحباب الاحتفال
- ٣٠٢ ١٩- انتشار البركة من آدم ﷺ والاحتفال بذكره
- ٣٠٢ ٢٠- بركة يوم الجمعة
- ٣٠٢ ٢١- البكاء على الميت
- ٣٠٣ ٢٢- بكاء النبي ﷺ على ابنه إبراهيم
- ٣٠٣ ٢٣- بكاء الرسول ﷺ على سبطه
- ٣٠٤ ٢٤- بكاء الرسول ﷺ على الشهداء بغزوة مؤتة
- ٣٠٤ ٢٥- بكاء الرسول ﷺ على جعفر بن أبي طالب
- ٣٠٤ ٢٦- بكاء الرسول ﷺ على أمه عند قبرها
- ٣٠٥ ٢٧- بكاء الرسول ﷺ على سبطه الحسين ﷺ في مناسبات متعددة

- ٢٨ - بكاء الرسول ﷺ على سبطه الحسين ﷺ في مناسبات عديدة / رواية زينب بنت جحش ٣٠٥
- ٢٩ - بكاء الرسول ﷺ على سبطه الحسين ﷺ في مناسبات عديدة / رواية عائشة ٣٠٦
- ٣٠ - بكاء الرسول ﷺ على سبطه الحسين ﷺ في مناسبات عديدة وحديث أنس بن مالك ٣٠٦
- ٣١ - بكاء الرسول ﷺ على سبطه الحسين ﷺ في مناسبات عديدة روايات أم سلمة ٣٠٧
- ٣٢ - ما نزل في علي ﷺ خاصة ٣٠٨
- ٣٣ - نوم علي ﷺ في فراش رسول الله ﷺ ٣٠٨
- ٣٤ - هل أتى (سورة الإنسان) ٣٠٨
- ٣٥ - (ويؤثرون على أنفسهم) ما نزل بحق أهل البيت ﷺ ٣٠٨
- ٣٦ - المباهلة ٣٠٨
- ٣٧ - (انما يريد الله ليذهب عنكم الرجس ...) ٣٠٩
- ٣٨ - ما نزل في علي ﷺ وشيعته «خير البرية» ٣٠٩
- ٣٩ - (رجال صدقوا ما عاهدوا الله ...) ٣٠٩
- ٤٠ - (والذين يؤذون المؤمنين والمؤمنات ...) ٣٠٩
- ٤١ - ما نزل في أعداء علي ﷺ ٣١٠
- ٤٢ - (ولتعرفنهم في لحن القول) ٣١٠
- ٤٣ - علي ﷺ والوليد بن عقبة ٣١٠
- ٤٤ - (كُونُوا مع الصادقين) ٣١٠
- ٤٥ - (يستغفرون لرسول الله ولي) ٣١١
- ٤٦ - (أجعلتم سقاية الحاج وعمارة المسجد الحرام كمن آمن بالله واليوم

- الآخر... التفاخر بين العباس وشيبة وعلي عليه السلام ٣١١
- ٤٧- ما نزل بشأن علي عليه السلام مع النبي ونصرته ٣١١
- ٤٨- «النبأ العظيم» ٣١١
- ٤٩- (وأندر عشيرتك الأقربين) ٣١٢
- ٥٠- (يؤتون الزكاة وهم راكعون) ٣١٢
- ٥١- ولاية يوم غدیر خم ٣١٢
- ٥٢- علي عليه السلام يقتل عمر بن عبدود ٣١٢
- ٥٣- ما نزل في علمه ٣١٣
- ٥٤- ما نزل بشأنه في القيامة ٣١٣
- ٥٥- خبر زواج زيد زينب ابنة عمه الرسول صلى الله عليه وآله وسلم ٣١٣
- ٥٦- أم أيمن وأم أسامة ٣١٤
- ٥٧- الشؤم من ديار ثمود وعاد ٣١٤
- ٥٨- النبي داود وزواجه من زوجة أوريا ٣١٤
- ٥٩- رأي مدرسة أهل البيت في عدالة الصحابي ٣١٥
- ٦٠- رأي مدرسة الخلفاء في عدالة الصحابة ٣١٥
- ٦١- ولد الإمام علي عليه السلام في جوف الكعبة ٣١٥
- ٦٢- المصحف في مصطلح الصحابة ٣١٦
- ٦٣- المصحف في روايات أئمة أهل البيت عليهم السلام ٣١٦
- ٦٤- سُمي غير القرآن بـ (المصحف) ٣١٦
- ٦٥- مصحف فاطمة عليها السلام ابنة الرسول صلى الله عليه وآله وسلم ٣١٦
- ٦٦- توارث أئمة أهل البيت عليهم السلام علومهم ٣١٧
- ٦٧- أهل البيت لا يعتمدون الرأي في بيان الأحكام ٣١٧
- ٦٨- كتاب علي عليه السلام ٣١٧

- ٦٩- اسناد أحاديث الأئمة عليهم السلام إلى جدهم عليه السلام ٣١٧
- ٧٠- صفات الله ورؤيته (التجسيم) ٣١٨
- ٧١- البناء على قبور الأنبياء عليهم السلام واتخاذها محلاً للعبادة ٣١٨
- ٧٢- البكاء على الميت ٣١٩
- ٧٣- دعاء غير الله ٣٢١
- ٧٤- حكم غير الله ٣٢١
- ٧٥- تعريف الصحابي ٣٢١
- ٧٦- عدالة الصحابة ٣٢١
- ٧٧- أمر كتاب وصية الرسول عليه السلام ٣٢٢
- ٧٨- الخليفة يعتقد بعدم وفاة الرسول عليه السلام ٣٢٣
- ٧٩- السقيفة وبيعة أبي بكر ٣٢٣
- ٨٠- رأي مدرسة الخلفاء في الخلافة والإمامة ٣٢٤
- ٨١- عصمة أهل البيت عليهم السلام ٣٢٤
- ٨٢- الرسول عليه السلام يعين أولى الأمر من بعده ٣٢٤
- ٨٣- (وأندر عشيرتك الأقربين) ٣٢٥
- ٨٤- الوصية في الأمم السابقة ٣٢٥
- ٨٥- علي عليه السلام وصي الرسول عليه السلام ٣٢٥
- ٨٦- حديث عائشة يدل على أن علياً عليه السلام ٣٢٦
- ٨٧- يوم الغدير ٣٢٦
- ٨٨- ولاية علي عليه السلام في القرآن الكريم ٣٢٧
- ٨٩- عصمة الأئمة ٣٢٧
- ٩٠- عدد الأئمة ٣٢٧
- ٩١- اهتمام الرسول عليه السلام والصحابة بجمع القرآن وتدوينه ٣٢٨

- ٩٢ - حديث الرسول ﷺ وموقف المدرستين ٣٢٨
- ٩٣ - التنازع في حضرة الرسول ﷺ ٣٢٩
- ٩٤ - منع كتابة سنة الرسول ﷺ ٣٢٩
- ٩٥ - الاجتهاد ٣٢٩
- ٩٦ - اجتهاد الخلفيتين في الخمس ٣٣٠
- ٩٧ - سهم ذي القربى ٣٣٠
- ٩٨ - فذلك ٣٣٠
- ٩٩ - مُتعة الحج ٣٣٠
- ١٠٠ - مُتعة النساء ٣٣١
- ١٠١ - الأئمة عليهم السلام يتوارثون العلم ٣٣١
- ١٠٢ - كتاب الجفر ومصحف فاطمة عليها السلام ٣٣١

مصادر الدراسة من التاريخ الإسلامي والسيرة النبوية في دراسات

العلامة السيد مرتضى العسكري: عبد الأمير اللامي

- الباب الأول: المجتمع الجاهلي ٣٣٥
- المرحلة الأولى / قبل البعثة ٣٣٥
- الفصل الأول: الوضع السياسي ٣٣٥
- الفصل الثاني: الوضع الاقتصادي ٣٣٥
- الفصل الثالث: الوضع الاجتماعي ٣٣٥
- الفصل الرابع: الوضع الديني ٣٣٦
- الباب الثاني: آباء النبي ﷺ ٣٣٧
- الفصل الأول: آباء النبي ﷺ الأوائل ٣٣٧
- الفصل الثاني: قُصيّ ٣٣٧

٣٣٧	الفصل الثالث: عبد مناف
٣٣٧	الفصل الرابع: هاشم
٣٣٨	الفصل الخامس: عبد المطلب
٣٣٨	الباب الثالث: النبي ﷺ
٣٣٨	الفصل الأول: ولادته ﷺ
٣٣٨	الفصل الثاني: رعاية الغيب له ﷺ
٣٣٨	الفصل الثالث: كفالة عبد المطلب له ﷺ
٣٣٩	الفصل الرابع: كفالة أبي طالب له ﷺ
٣٣٩	الفصل الخامس: السفر الى الشام
٣٣٩	الفصل السادس: زواجه ﷺ
٣٤٠	الفصل السابع: كفالته ﷺ لعلي عليه السلام
٣٤٠	الفصل الثامن: مجاورته في غار حراء
٣٤٠	الباب الرابع: البشارات
٣٤٠	الفصل الأول: الأخبار
٣٤١	الفصل الثاني: الكرامات
٣٤١	الفصل الثالث: خاتم النبوة
٣٤١	المرحلة الثانية: البعثة - العهد المكي
٣٤١	الباب الأول: بدء نزول الوحي
٣٤١	الفصل الأول: نزول الوحي على رسول الله ﷺ
٣٤٢	الفصل الثاني: ردود فعل النبي ﷺ
٣٤٢	الفصل الثالث: أول المؤمنين بالرسول ﷺ
٣٤٢	الباب الثاني: بدء الدعوة
٣٤٢	الفصل الأول: دعوة الأقرباء

٣٤٢	الفصل الثاني: الدعوة العامة
٣٤٢	الفصل الثالث: مواجهة قريش
٣٤٣	الفصل الرابع: أسطورة الغرائق
٣٤٣	الفصل الخامس: عرض النبي ﷺ نفسه على القبائل
٣٤٣	الباب الثالث: الهجرة الى المدينة
٣٤٣	الفصل الأول: إرسال مصعب الى المدينة
٣٤٤	الفصل الثاني: بيعة العقبة
٣٤٤	الفصل الثالث: الهجرة الى المدينة
٣٤٤	العهد المدني
٣٤٤	الباب الأول: بدايات تأسيس الدولة
٣٤٤	الفصل الأول: الوصول الى المدينة
٣٤٤	الفصل الثاني: بناء المسجد
٣٤٤	الفصل الثالث: المؤاخاة
٣٤٤	الفصل الرابع: تنظيم الحياة
٣٤٤	الفصل الخامس: العهد مع اليهود
٣٤٥	الباب الثاني: استقرار الدولة
٣٤٥	الفصل الأول: الحروب والغزوات والسرايا
٣٤٥	الفصل الثاني: الكفار
٣٤٦	الفصل الثالث: الأصحاب
٣٤٦	الفصل الرابع: المنافقين
٣٤٧	الفصل الخامس: زوجات النبي ﷺ
٣٤٨	الفصل السادس: أهل بيت الرسول ﷺ
٣٤٨	الفصل السابع: علي ومزلته عند النبي ﷺ

٣٤٩	الفصل الثامن: الحسنان
٣٤٩	الفصل التاسع: المهدي (ع)
٣٤٩	الفصل العاشر: أولي الأمر
٣٤٩	الفصل الحادي عشر: أحواله ﷺ
٣٥٠	الفصل الثاني عشر: أمواله ﷺ
٣٥١	الفصل الثالث عشر: رسائله ﷺ
٣٥١	الفصل الرابع عشر: القرآن وجمعه
٣٥١	الفصل الخامس عشر: السنة
٣٥١	الفصل السادس عشر: الردّة
٣٥١	الباب الثالث: ارهاصات الرحلة
٣٥١	الفصل الأول: حجة الوداع
٣٥٢	الفصل الثاني: بعثة أسامة
٣٥٢	الفصل الثالث: مرض النبي ﷺ
٣٥٢	الفصل الرابع: الدواة والقرطاس
٣٥٢	المرحلة الثالثة: ما بعد البعثة
٣٥٢	الباب الأول: رحلة الرسول
٣٥٢	الفصل الأول: وفاة الرسول ﷺ
٣٥٣	الفصل الثاني: وفاة الرسول ﷺ على صدر علي ﷺ
٣٥٣	الفصل الثالث: تغسيله وتكفينه
٣٥٣	الفصل الرابع: دفنه ﷺ والصلاة عليه
٣٥٣	الفصل الخامس: موقف عمر في وفاة الرسول ﷺ
٣٥٣	الفصل السادس: الأصحاب في وفاة الرسول ﷺ
٣٥٤	الباب الثاني: وصيّة الرسول ﷺ

٣٥٤	الفصل الأول: الوصية في الأمم السابقة
٣٥٤	الفصل الثاني: عصمة أهل البيت <small>عليهم السلام</small>
٣٥٤	الفصل الثالث: اهتمام الرسول <small>صلى الله عليه وآله</small> بالأمر من بعده
٣٥٤	الفصل الرابع: وصي الرسول <small>صلى الله عليه وآله</small> ووزيره
٣٥٤	الفصل الخامس: وجه الشبه في تعيين الوصي
٣٥٤	الفصل السادس: شهرة وصي النبي <small>صلى الله عليه وآله</small>
٣٥٥	الفصل السابع: الولاية وأولو الأمر في القرآن
٣٥٥	الفصل الثامن: كتمان الوصية
٣٥٥	الباب الثالث: السقيفة
٣٥٥	الفصل الأول: السقيفة وأحداثها
٣٥٥	الفصل الثاني: المرشحون للميعة
٣٥٥	الفصل الثالث: انتخاب أبي بكر
٣٥٧	الفهرس

ISBN: 964-7756-42-9

www.ahl-ul-bait.org

المجمع العالمي لأهل البيت (ع)

مجمع علماء أهل البيت (ع) في كربلاء

